

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله مطالعات مدیریت شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
ناشر: معاونت پژوهشی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

مدیر مسئول: دکتر سید رضا صالحی امیری

سر دبیر: دکتر کریم حمدی

مدیر داخلی: دکتر اسماعیل کاوسی

هیأت تحریریه

- دکتر مصطفی بهزادفر، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت (دانشیار)
دکتر اسماعیل شیعه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (دانشیار)
دکتر کریم حمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (دانشیار)
دکتر سید رضا صالحی امیری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (استادیار)
دکتر محمد باقر قالیباف، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (استادیار)
دکتر سید مجید مفیدی شمیرانی، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت (استادیار)
دکتر موسی پورموسوی، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت (استادیار)
دکتر حسین عباس زادگان، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (استادیار)
دکتر حسین محمد پورزندی، عضو هیئت علمی دانشگاه مالک اشتر (استادیار)
دکتر اسماعیل کاوسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (استادیار)
دکتر مراد کردی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود (استادیار)

آدرس: تهران، میدان پونک، بزرگراه اشرفی اصفهانی، به طرف حصارک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دفتر مجله مدیریت شهری.

تلفن و دورنگار: ۳-۴۴۸۶۹۷۰۱

فهرست مطالب

صفحه	عنوان / پدید آور
۱	۱. بررسی میزان اهمیت شاخصهای کیفیت زندگی شهری تهران؛ از دیدگاه مدیران و متخصصان مدیریت شهری دکتر حسین وظیفه دوست و مهدی امینی
۱۹	۲. عوامل موثر در گسترش مهاجرت به کلانشهر تهران دکتر کریم حمدی و سروش فتحي
۳۷	۳. متدولوژی استقرار شهر الکترونیک ضرورتی در ایجاد شهرداری الکترونیک مهرزاد سرفرازی و دکتر غلامرضا معمارزاده
۶۳	۴. دلایل حاشیه نشینی در کلان شهر تهران دکتر علیرضا لادن و هادی رزقی شیرسوار
۸۱	۵. شناسایی موانع توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی (GIS) در حوزه خدمات شهری و ارائه راهکارهای اجرایی (مورد مطالعه - شهرداری شیراز) دکتر اسماعیل کاوسی، دکتر حسین وظیفه دوست و علی قادری
۱۱۱	۶. بررسی عوامل مؤثر بر کاهش کیفیت محیط شهری دکتر مجتبی رفیعیان و زهرا عسگری‌زاده
۱۲۷	۷. الگوهای رونق‌بخشی، نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهری دکتر شریف مطوف و زهرا خدائی
۱۴۹	۸. رویکرد مشارکتی و اجتماعی محور در ایجاد فضاهای امن شهری الهام ضابطیان و زهرا خدائی

راهنمای نگارش و ارسال مقاله

خوانندگان محترم! در صورت تمایل به چاپ مقالات خود در این نشریه لازم است به نکات ذیل توجه شود تا در روند چاپ مقاله تسریع گردد.

۱) درخواست مکتوبی که عنوان مقاله و نام نویسنده (یا نویسندگان) در آن مشخص شده باشد و به تأیید هر یک از آنها نیز رسیده باشد، ارسال گردد.

۲) یک نفر از میان نویسندگان هر مقاله به عنوان نویسنده طرف مکاتبه (Corresponding Author) مشخص گردد تا مکاتبات مجله صرفاً از طریق ایشان انجام گردد و به اطلاع سایرین نیز برسد.

۳) محتوای مقاله با اهداف نشریه متناسب باشد (تشخیص این مورد با هیأت تحریریه است).

۴) هیأت تحریریه مجله در قبول یا رد و همچنین حذف یا اصلاح مقاله‌های رسیده آزاد است.

۵) اصل کلیه مقالات ارسالی (در صورت تأیید یا رد مقاله) در آرشیو مجله نگهداری شده، لذا مقاله‌های رسیده به هیچ عنوان مسترد نخواهد شد.

۶) با توجه به سیاست‌های هیأت تحریریه، مجله از بررسی و انتشار مقالات ترجمه شده معذور است.

۷) درج مقالات در نشریه به معنی تأیید محتوای آن توسط هیأت تحریریه نشریه نبوده، لذا مسئولیت صحت مطالب هر مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن می‌باشد.

۸) مقالات مربوط به رساله دکتری، صرفاً به صورت مقاله مشترک با استاد راهنما چاپ خواهد گردید. بنابراین لازم است این عزیزان، در ذیل عنوان نویسندگان مقاله، ابتدا نام استاد راهنما و سپس نام خود را ذکر نمایند و در خواست کتبی خود جهت چاپ مقاله در نشریه را به تأیید استاد راهنما نیز برسانند.

۹) اصل مقاله باید بر روی یک طرف کاغذ ۲۱/۵ سانتیمتر (A4)، با حاشیه ۲/۵ سانتیمتر از چهار طرف، و فاصله بین سطرها ۱ سانتیمتر از یکدیگر تایپ و تمام صفحات مقاله به صورت متوالی شماره‌گذاری گردیده و در سه نسخه (نسخه کامل) تهیه و ارسال گردد.

۱۰) حجم مقاله از حداکثر ۲۵ صفحه تجاوز نکند.

۱۱) انشاء و املاي مقاله صحیح، روان و سلیس باشد و نکات دستوری در نگارش آن رعایت شود.

۱۲) در این نشریه برای ایجاد وحدت رویه در روش ارجاع، شیوه ارجاع درون متنی کیت ترابیان (parenthesis reference) را بکار گرفته گرفته شده است. برای آشنایی کامل با این شیوه به کتاب راهنمای نگارش برای نویسندگان: مقالات و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری تألیف کیت.ل. ترابیان، ترجمه غلامحسین تسبیحی (انتشارات دانشگاه تبریز) رجوع نمایید. برای آشنایی کلی نویسندگان محترم کلیاتی از این روش ارائه می‌شود.

شیوه استناد به کتابها

کتاب یک جلدی

مثال: مدیریت مالی تألیف دکتر رضا تهرانی انتشارات نگاه دانش که در سال ۱۳۸۴ در تهران به چاپ رسیده است
شکل نوشتن ارجاع در داخل متن: (تهرانی، ۱۳۸۴، ۵۱) در نوشتن نام پدیدآورندگان فقط نام خانوادگی نویسنده بدون القاب مانند دکتر، مهندس، آقا و ... می‌نویسیم بعد آن بدون هیچ علامتی با یک فاصله تاریخ نشر کتاب و بعد از با یک ویلگول صفحه مورد استناد را می‌نویسیم. از علامت ص یا P برای صفحه استفاده نمی‌کنیم.
شکل نوشتن آن در فهرست منابع: تهرانی، رضا. (۱۳۸۴). مدیریت مالی: شرح درس، مفاهیم و نکات کلیدی. تهران: نگاه دانش. {عنوان کتاب، مقاله و یا عنوان پایان نامه را Underline می‌کنیم}

کتاب چند جلدی

مثال: الن سن ارنشتاین / مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. ترجمه‌ی قدسی احقر. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴.

شکل ارجاع در داخل متن: (ارنشتاین ۱۳۸۴، ۲:۵۱) برای کتاب چند جلدی در ارجاع درون متنی آن شماره جلد کتاب را بصورت عددی نوشته و بعد از یک کولن، شماره صفحه را می‌نویسیم. در این مثال یعنی جلد ۲ صفحه ۵۱؛ شکل ارجاع در فهرست منابع: ارنشتاین، الن سن. و فرانسیس پی هانکینز. ۱۳۸۴. مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. ترجمه‌ی قدسی احقر. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

کتاب با دو یا سه نویسنده

مثال: الن سن ارنشتاین و فرانسیس پی هانکینز/ مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. ترجمه‌ی قدسی احقر. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴.

شکل ارجاع در داخل متن: (ارنشتاین و هانکینز ۱۳۸۴، ۲:۵۱) اگر کتاب دو نویسنده داشته باشد نام خانوادگی نویسنده‌ها را می‌نویسیم و اگر سه نویسنده باشد نویسنده اول و دوم را با ویلگول و نویسنده سوم را با حرف و جدا می‌کنیم {

شکل ارجاع در فهرست منابع: ارنشتاین، الن سن. و فرانسیس پی هانکینز. ۱۳۸۴. مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. ترجمه‌ی قدسی احقر. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. {نام نویسندگان دو و سوم را لازم نیست بصورت مغلوب بنویسیم}

کتاب با بیش از سه نویسنده

در اینگونه موارد اسم نویسنده اول را نوشته و بعد از آن از واژه و دیگران استفاده می‌نماییم.

مثال: الن سن ارنشتاین [و دیگران] / مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. ترجمه‌ی قدسی احقر. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴.

شکل ارجاع در داخل متن: (ارنشتاین و دیگران ۱۳۸۴، ۲:۵۱) شکل ارجاع در فهرست منابع: ارنشتاین، الن سن. و [دیگران]. ۱۳۸۴. مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. ترجمه‌ی قدسی احقر. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

کتاب بدون نویسنده

مثال: مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴.

شکل ارجاع در داخل متن: (مبانی اصول و برنامه ریزی درسی ۱۳۸۴، ۲:۵۱) شکل ارجاع در فهرست منابع: ----- (۱۳۸۴). مبانی، اصول و مسائل برنامه‌ی درسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. {در مواردی که نام پدیدآور مشخص نیست از چند خط تیره به جای اسم نویسنده استفاده می‌شود}

استناد به مقالات نشریات (مجلات، ژورنالها و روزنامه‌ها)

مثال: نظرسنجی از دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع رسانی پیرامون جایگاه زبان انگلیسی در این رشته/ فاطمه

ذاکری فرد، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۵، شماره ۴. ۱۳۸۱

شکل ارجاع در داخل متن: (ذاکری فرد ۵، ۱۳۸۱)

شکل/ارجاع در فهرست منابع: ذاکری فرد، فاطمه. ۱۳۸۱. نظر سنجی از دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع رسانی پیرامون جایگاه زبان انگلیسی در این رشته. کتابداری و اطلاع رسانی. دوره ۵، شماره ۴.
مثال ۲: تحلیل محتوی و تحقیقات مناسب برای تحلیل محتوی/باب بلی ترجمه حمید عبدالهیان، مجله نمایه پژوهش، شماره ۱۶

شکل/ارجاع در داخل متن: (بلی، ۵) {اگر تاریخ نشر مقاله معلوم نباشد از نوشتن تاریخ انتشار صرف نظر می کنیم} شکل/ارجاع در فهرست منابع: بلی، باب. تحلیل محتوی و تحقیقات مناسب برای تحلیل محتوی. ترجمه‌ی حمید عبدالهیان. نمایه پژوهش. شماره ۱۶.

توجه داشته باشید در مواردی که بطور متناوب به یک منبع استناد شده است، استفاده از اصطلاح «همان» یا Ibid غلط است به تعداد دفعات تکرار حالت داخل پرانتز آن نیز نوشته می شود.

استناد به پایان نامه‌ها

مثال: مدیریت زیست محیطی گردشگری در منطقه آزاد کیش/زهرا ویسه. - علی اکبر پیرعزیزی، به مشاوره حسنعلی لقای و قاسمعلی عمرانی. - کارشناسی ارشد (دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات، دانشکده محیط زیست، گروه مدیریت محیط زیست، رشته مدیریت محیط زیست)؛ ۱۳۷۸.
شکل/ارجاع در داخل متن: (ویسه ۵، ۱۳۸۷)

شکل/ارجاع در فهرست منابع: ویسه، زهرا. (۱۳۸۷). مدیریت زیست محیطی گردشگری در منطقه آزاد کیش. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست. دانشکده محیط زیست. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات.

برای ارجاع به منابع الکترونیکی از نظر درج اطلاعات کتابشناختی بمانند منابع چاپی است ولی در انتهای هر کدام، تاریخ مشاهده در شبکه و نیز URL اینترنتی آن داخل پرانتز ذکر شود.

ترتیب نوشتن مقاله

هر مقاله از چند بخش اساسی تشکیل یافته است که از نظر این نشریه رعایت آن برای نویسندگان الزامی است تا بعنوان یک مقاله علمی به چاپ برسد.

۱) عنوان مقاله {عنوان مقاله باید گویای محتوای آن باشد و از انتخاب عنوانهای تیتروار و یا طولانی اجتناب شود}

۲) نویسندگان مقاله {نویسنده یا نویسندگان مقاله باید اسم کامل خود و نیز آخرین مدرک تحصیلی خود را بنویسند}

۳) چکیده {پدیدآورندگان مقاله باید چند عنصر تشکیل دهنده مقاله خود را بطور مجزا و کاملاً خلاصه نوشته و به نشریه ارسال نمایند که عبارتند از: ۱) هدف پژوهش ۲) روش پژوهش ۳) جامعه آماری ۴) روش انجام پژوهش ۵) یافته و نتیجه پژوهش}

۴) واژگان کلیدی

۵) مقدمه

۶) بیان مسئله

۷) فایده و هدف پژوهش

۸) ادبیات پژوهش

۹) پیشینه پژوهش

- ۱۰) روش پژوهش
- ۱۱) یافته‌های پژوهش
- ۱۲) نتیجه‌گیری و پیشنهادات
- ۱۳) منابع و ماخذ {منابع مقاله باید به شکلی در نحوه استناد توضیح داده شده نوشته شود و ابتدا منابع فارسی به صورت الفبائی و سپس منابع لاتین ذکر شود}
- ۱۴) یادداشتهای {شامل معادل لاتین اصطلاحات و نام اشخاص و توضیحاتی خارج از متن}

موارد قابل توجه در تایپ مقالات

- مقالات ارسالی به این نشریه باید بصورت تایپ شده و با رعایت نکات زیر باشد.
- ۱) برای تایپ مقالات از نرم افزار Microsoft Word 2003 یا بالاتر و فونت Blotus استفاده گردد.
 - ۲) مقالات بصورت یک ستونی و بدون حاشیه و تذهیب باشد.
 - ۳) برای چاپ با کیفیت نمودار، شکل و تصاویر بکار رفته در مقاله یک نسخه از آن با فرمت PDF با کیفیت ۶۰۰ DPI تهیه شده و به همراه نسخه چاپی و فایل Word به دفتر نشریه ارسال گردد.
 - ۴) تمامی یادداشتهای به صورت End Note نوشته می‌شود.
 - ۵) جدول و نمودار و شکل‌های داخل متن باید دارای شماره و عنوان باشد.
{مثال: جدول (۱): فراوانی اعضا هیت علمی}
 - ۶) کلیه کلمات و واژگانی که به ظاهر جدا هستند ولی یک واژه محسوب می‌شوند برای جدا کردن اجزا واژه حتماً از فاصله کوتاه (Shift + Space) استفاده شود؛
 - ۷) سرتیر پراگرافها باید Bold نوشته شود و از قرار دادن هرگونه علامت مانند : . و ... خوداری شود.
{مثال: غلط: توان حرکتی: صحیح: توان حرکتی}
 - ۸) برای نوشتن اعداد ۱۰-۱ داخل متن مقاله نباید از شکل عددی آن استفاده شود بلکه باید از شکل حروفی آن استفاده شود. مگر آنکه عدد مورد نظر در داخل یک فرمول یا محاسبه بوده یا بجز مفهوم کمیتی، بیان کننده مفهوم خاصی باشد.
 - ۹) برای شماره گذاری و بولت گذاری حتماً از روش شماره زدن خود نرم‌افزار استفاده شود.
 - ۱۰) تمامی موارد که داخل علامات حمایتی مانند پرنز () کورشه [] آکولاد { } گیومه «» قرار می‌گیرند از قسمت ماقبل و مابعد خود یک فاصله می‌گیرند ولی متن داخل آن بدون فاصله از علامت شروع شده و بدون فاصله، علامت بسته می‌آید.
 - ۱۱) تمامی علامتهای «»، «»، «»، «» و ... به قسمت ماقبل خود بدون فاصله می‌چسبند ولی از قسمت مابعد خود یک فاصله می‌گیرند.



بررسی میزان اهمیت شاخصهای کیفیت زندگی شهری تهران؛ از دیدگاه مدیران و متخصصان مدیریت شهری

دکتر حسین وظیفه دوست

استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
(نویسنده و مسئول مکاتبات)

مهدی امینی

کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

در این تحقیق با بررسی مطالعات و تجربیات جهانی در زمینه کیفیت زندگی شهری، شاخصهای مختلف و متعدد ناشی از تجربیات متفاوت مکانی و زمانی استخراج شده و سپس این شاخصها توسط تعدادی از مدیران و متخصصان مدیریت شهری تهران از لحاظ اهمیت مورد بررسی قرار گرفته اند. در واقع سعی شده است تا با بررسی شاخصها و دسته بندی های رایج مفهوم کیفیت زندگی شهری، شاخصها و دسته بندی هایی متناسب با شرایط سیاسی و مدیریتی نظام مدیریت شهری ایران و بخصوص کلانشهر تهران بومی سازی شود. به این امید که در مراحل بعدی با استفاده از شاخصهای بومی، بتوان به پایش و اندازه گیری کیفیت زندگی شهروندان ایرانی و تهرانی پرداخت. در این تحقیق از مجموع ۱۱۴ شاخص و ۱۶ گروه اصلی آنها، ۹۳ شاخص در ۱۴ دسته، (شاخصهای اصلی) به عنوان شاخصهای بومی برای اندازه گیری و پایش سطح کیفیت زندگی شهری شهروندان تهرانی (ایرانی) طبقه بندی گردیدند.

واژگان کلیدی

کیفیت زندگی شهری، شاخص، میزان اهمیت، مدیریت شهری، تهران

مقدمه

مفهوم کیفیت زندگی یا^۱ QOL بیش از چنددهه است که مورد تاکید و بررسی اندیشمندان رشته های مختلف علمی قرار گرفته است و شاخص های متعدد و گاه حتی متضادی برای آن مطرح شده است. با توجه به اینکه کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی و میان‌رشته‌ای می باشد، از دیدگاه‌های متفاوت و در طیف‌هایی گسترده نیز مورد بررسی قرار گرفته و می‌گیرد. برای مثال کیفیت زندگی بیماران جسمی و روانی، کیفیت زندگی معلولین، کیفیت زندگی سالمندان، کیفیت زندگی کودکان، کیفیت زندگی شهری و ... که هر کدام نیز می‌توانند به شکل‌هایی بسیار جزیی‌تر همچون کیفیت زندگی مبتلایان اسکیزوفرنی، کیفیت زندگی بیماران پیوند اعضا، کیفیت زندگی ساکنان خانه های سالمندی، کیفیت زندگی کودکان یتیم‌خانه‌ها، کیفیت زندگی شهروندان ساکن در حاشیه شهر و بسیاری از ابعاد مشابه و متفاوت دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

در طی دو قرن اخیر رشد بالای شهرنشینی و همچنین افزایش نقاط شهری در سطح دنیا مفهوم کیفیت زندگی شهری را به طور گسترده‌ای مورد توجه اندیشمندان برنامه‌ریزی شهری و مسایل و معضلات شهری قرار داده‌است. (هال، ۲۱، ۱۳۸۱)

کشور ایران به عنوان یک کشور آسیایی در حال توسعه، از رشد بالایی در زمینه نسبت جمعیت شهری و همچنین تعداد شهرها برخوردار است، بگونه ای که در سال ۱۳۸۰ جمعیت شهرنشین کشور به ۶۵.۶٪/درصد جمعیت و تعداد نقاط شهری به ۸۸۹ نقطه شهری افزایش یافته است. (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۳، ۲۸) و چنین رشدی قطعاً بیانگر لزوم توجه بیشتر به وضعیت زندگی شهرنشینان و بررسی و شناخت مشکلات آنان است.

شاخصهای کیفیت زندگی شهری، مناسبترین، علمی ترین و رایجترین ابزار برای بررسی وضعیت یا کیفیت زندگی شهروندان و شناخت مسایل آنان است که البته باید متناسب با شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی هر جامعه و نظام حکومتی شناسایی شده و از آنها استفاده گردد.

بیان مساله

مفهوم کیفیت زندگی در حالی مورد توجه جدی قرار گرفته است که مطالعات اولیه آن بیشتر مربوط به سلامتی و توانبخشی معلولین، ناتوانهای جسمی و جنسی و ذهنی، کهنسالان، کودکان و زنان بوده است. در واقع در ابتدا این مفهوم جهت قشرهایی از مردم تعریف و بکار گرفته می‌شد که به علت شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و یا جسمی دچار مشکلات فراوان و بزرگی در زندگی خویش بوده اند. (امینی، ۱۳۸۵، ۶) در حال حاضر این مفهوم به تمامی اقشار انسانی و در شکل های متفاوت و مختلف تسری یافته که کیفیت زندگی شهری یکی از آنهاست. به طور کلی هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی شهری، اصلاح و

تکامل مفهوم توسعه از مفهوم رشد کمی به مفهوم توسعه پایدار شهری بوده است. (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۴، ۸)

تقریباً در تمامی کشورهای صنعتی و پیشرفته مرجع و سازمان مشخصی جهت اندازه‌گیری، پایش و برورسانی شاخصهای کیفیت زندگی شهری وجود دارد. برای نمونه، در کشور هلند اداره برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی (SCP)، در ترکیه گروه مشخصی از متخصصین آماری، فرهنگی و اجتماعی، در آمریکا موسسات بسیاری در ایالات متفوت، مثل شرکت محلی و غیرانتفاعی جکسونویل یا JCCI^۲ در ایالت فلوریدا و در سنگاپور با حمایت‌های سالیانه دولت، پیمایشهایی دوره ای جهت بروز رساندن شاخصهای مربوط به کیفیت زندگی شهری و اندازه گیری آن انجام می‌گیرد.

در ایران و نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری آن به موضوع کیفیت زندگی شهری توجه بسیار اندکی شده است و برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر حتی مرجع و سازمان مشخصی برای ارایه و پایش مسایل، محورها، شاخصها و اندازه‌گیری سطوح رضایت و کیفیت زندگی شهروندان (بخصوص در شهرها به عنوان کانون اصلی زیست و زندگی انسانی) و مسایل و مشکلات در ارتباط با آن وجود نداشته و ندارد.

کلانشهر تهران با جمعیتی در حدود ۸ میلیون نفر که در طول روز جمعیت آن بالغ بر ۱۱ میلیون نفر می‌شود، حدود ۱۱ درصد از کل جمعیت کشور را در خود جای داده است (پرتال شهرداری تهران، www.tehran.ir). طی دوره (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) رشد بهای اجاره مسکن سالانه ۳۰ درصد افزایش یافته و قیمت یک واحد مسکونی به طور میانگین ۴ تا ۵ برابر شده است. ظرفیت سکونت در شهر تهران با توجه به افزایش ساخت و سازهای طبقاتی طی ده سال گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته است. قشربندی اجتماعی جمعیت تهران و مناطق پیرامون آن به خوبی رانش گروه‌های کم درآمد به حاشیه و تمرکز فقر در پیرامون تهران را نشان می‌دهد. با این فاصله طبقاتی و جدایی اجتماعی، تهران و پیرامون آن نمی‌تواند محیطی متعارف و با منزلت برای اسکان طبقه متوسط تلقی شود و هجوم اقشار متوسط جمعیت برای اسکان در تهران تداوم خواهد داشت. (خاتم، ۱۳۸۵) شهر تهران به تنهایی یک چهارم تولید ناخالص ملی و بودجه جاری دولت را به خود اختصاص داده است و با بیشترین سطح باسواد در کشور، ۲۴ درصد از جمعیت با تحصیلات عالی کشور را دارا می‌باشد، در حدود ۳۸ درصد امکانات فرهنگی و آموزش و ۲۶ درصد امکانات درمانی کشور، ۳۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت کشور و حدود ۳۲ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات کشور در این کلانشهر تولید می‌شود، که چنین آماری آنرا به بزرگترین و مهمترین شهر ایران و یکی از کلانشهرهای بزرگ دنیا تبدیل کرده است.

متأسفانه به علت فقدان اطلاعات لازم در زمینه کیفیت زندگی، برنامه‌ریزی صحیحی جهت افزایش سطوح کیفی زندگی شهروندی چه در سطح حکومت مرکزی و ملی و چه در سطح حکومت‌های محلی (که بارزترین و شاخصترین نمونه آن در نظام سیاسی ایران شهرداری

ها و شوراهای شهر هستند) انجام نشده است. از طرفی برای محاسبه کیفیت زندگی و مدلسازی اولویتها و انتظارات و نیازهای واقعی شهروندان، تدوین معیارها و شاخصهای کیفیت زندگی شهری اساسیترین شرط لازم خواهد بود. در واقع برای شناخت کامل و تعریف و اندازه گیری دقیق کیفیت زندگی شهری، تشخیص و تدوین شاخصهایی مناسب و بومی، گام اولیه است.

توجه به ابعاد مختلف اشاره شده فوق و شرایط خاص نظام شهری در کشور و شرایط کاملا منحصر بفرد تهران در سلسله مراتب شهری ایران، لزوم استفاده از مطالعات، تجارب و بررسی های جهانی کیفیت زندگی شهری و شناسایی شاخصهای جهانی جهت ایجاد یک ابزار مناسب پایش و اندازه گیری شرایط کیفی و کمی زندگی شهری و شهروندی با استفاده از معیارها و شاخصهای علمی و بومی شده را امری کاملا ضروری نشان می دهد.

پیشینه تحقیق

محققینی از رشته های متفاوت علمی، مفهوم کیفیت زندگی را از دهه ۱۹۳۰ تاکنون مطالعه نموده اند (Ulengin & et al., 2001, 361) اما تحقیقات و تلاشهای اولیه در زمینه کیفیت زندگی شهری و شاخص های آن، از دانش پژوهان جهانی غربی (کمپبل، کاورز و رودگزر در سال ۱۹۷۶، گرین، وروف و فلدر در سال ۱۹۶۰ و ...) که در رشته های مختلفی از قبیل جامعه شناسی و روان شناسی مشغول فعالیت بوده اند آغاز شده است، (Tuan Seik, 2000, 31) که سعی در یافتن شاخصها و محورهایی در ارتباط با میزان سلامت و بهره مندی های اجتماعی و روانی افراد ساکن در شهرها داشته اند. از جمله متفکران غربی که در زمینه مقایسه و ارزیابی کیفیت زندگی بر اساس نواحی مختلف جغرافیایی از قبیل شهرها، ایالات، استانها و ملتها و از طریق بکارگیری شاخصهای مربوطه فعالیت کردند میتوان به لویی؛ ۱۹۷۶، بویر و ساواگی؛ ۱۹۸۱، بلومکویست و دیگران؛ ۱۹۸۸ استور و لون؛ ۱۹۹۲ و سوفیان؛ ۱۹۹۳ اشاره کرد. لیو شاخصهای پنجگانه، بویر و ساواگی شاخصهای ۶گانه، بلومکویست شاخصهای پنجگانه و استور و لوون شاخصهای ۱۵ گانه را ارائه داده اند. (Ulengin & et al., 2001, 361)

علاوه بر این محققین، نهادها و موسسات بین المللی مختلفی همانند برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در سال ۱۹۹۴، سازمان ملل (UN) و انجمن توسعه ماوراء بحار^۳ در ۱۹۹۶ اضمن ارائه شاخصها و ابزارهای کیفیت زندگی^۴ ابزار اندازه گیری کیفیت زندگی خود را توسعه داده و بهبود بخشیده اند. (Ibid, 362) برای نمونه شاخص مرکب HDI سازمان ملل که به عنوان شاخص توسعه انسانی شناخته می شود از ترکیب سه شاخص امید به زندگی در لحظه تولد^۴ (شاخص سلامت و بهداشت)، سواد خواندن و نوشتن بزرگسالان بالای ۱۵ سال^۵ (شاخص آموزشی و اجتماعی) و سرانه تولید ناخالص داخلی^۶ (شاخص اقتصادی) بدست می آید. (Schyns & Boelhouwer, 2000, 5) در کشور هلند از شاخص شرایط زندگی (LCI)^۷ که توسط اداره

برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی (SCP)^۸ برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ و خصوصاً آمستردام استفاده می‌گردد. (Ibid, 2&5)

در نیوزلند نیز طبق تحقیقات مستمر و کاملی که سال ۱۹۹۱ تاکنون انجام گردیده است، ۱۱ شاخص عمده برای کیفیت زندگی مطرح گردیده‌اند که هر کدام نیز به مقیاس‌هایی تقسیم شده‌اند. (امینی، ۱۳۸۵، ۷)

از طرف دیگر تحقیقات مستند در مورد کیفیت زندگی شهری در آسیا کمتر انجام شده است. از جمله تحقیقات مستند در آسیا می‌توان به تحقیقات افرادی همچون کیم و شین در کره جنوبی، دی در تایلند، لی و شن در هنگ کنگ، وانگ و کای در تایوان، تحقیقات کیفیت زندگی در استانبول ترکیه و چین و فو در سنگاپور اشاره کرد. (Tuan Seic, 2000, 32)

دکتر فو در سنگاپور با استفاده از نمونه‌گیری‌هایی با حجم ۱۹۰۳ و ۲۱۸۷ در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ از شاخصهای ۱۴گانه و ۱۸گانه برگرفته از تحقیقات محققین قبلی، اقدام به ارزیابی شاخصهای ذهنی^۹ کیفیت زندگی شهری نمود که مقاله‌نهایی سال ۱۹۹۷ نیز در اولین کنفرانس بین‌المللی کیفیت زندگی در شهرها^{۱۰} ارائه گردید و سپس با اقدام به ارزیابی شاخصهای عینی^{۱۱} کیفیت زندگی شهری، کار خود را تکمیل نموده و آنرا ادامه داده است.

در ترکیه نیز، بخصوص در شهرهای استانبول و آنکارا ارزیابی و پیمایشهای متعددی در زمینه کیفیت زندگی شهری انجام گردیده است که یکی از مهمترین و علمی‌ترین آنها، با استفاده از یک طبقه‌بندی ۴گانه کلی شاخصهای مربوط (کیفیت محیط فیزیکی، کیفیت محیط اجتماعی، کیفیت محیط اقتصادی و کیفیت حمل و نقل و ارتباطات) و تقسیم‌بندی شاخصهای کلی به شاخصهای جزئی و در مجموع ۱۷ شاخص، کیفیت زندگی شهری در استانبول را برآورد نموده است.

در تحقیقات و پیمایشهای مربوط به کیفیت زندگی شهری، ایران حتی نسبت به کشورهای آسیایی نیز عقب‌تر است. برای ارائه نمونه‌ای از اندک مطالعات مرتبط با موضوع کیفیت زندگی شهری در ایران میتوان به تحقیقی در سال ۱۳۸۵، در مورد شهر گنبد کاووس و با عنوان "سنجش وضعیت شاخصهای کیفیت زندگی در شهر از نگاه شهروندان" اشاره کرد که طی آن ۲۵ شاخص مختلف کیفیت زندگی شهری که در سه گروه دسته‌بندی شده بودند بررسی شد. نتایج بدست آمده از این تحقیق ضمن رتبه‌بندی هفت ناحیه مشخص شده شهر گنبد کاووس از لحاظ ضریب نهایی توسعه (D.I) این بود که از نظر شهروندان گنبدی وضعیت دسترسی به امکانات و خدمات شهری در مناطق مختلف این شهر مناسب است اما مشکلات شهری در اکثر مناطق در سطح قابل توجه و بالایی قرار دارد. نتیجه مهم دیگر وجود تفاوت شدید در ضریب نهایی توسعه نواحی هفتگانه مورد بررسی بود. (جاجرمی و کلتی، ۱۳۸۵، ۵-۱۴)

نمونه دیگر، پایان‌نامه‌ای در ارتباط برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری در مقطع کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد که مورد مطالعه آن شهر خرم‌آباد بوده است. نتایج این پایان‌نامه به صورت مقاله‌ای در شماره ۱۲ و بهار ۱۳۸۴ فصلنامه تحلیلی- پژوهشی جستارهای اجتماعی توسط افشین کوبی، محمدرضا پورجعفر و علی اکبر تقوایی چاپ شد. در این پیمایش تحقیقات اندازه‌گیری کیفیت زندگی شهری بر پایه‌ی چهار شاخص اساسی (اجتماعی و زیبایی‌شناختی، اقتصادی، کالبدی و ارتباطی و حمل و نقل) زندگی شهری صورت گرفته‌است که هر کدام حاوی متغیرهایی به‌منظور اندازه‌گیری و سنجش دقیق و کامل درجات کیفیت زندگی شهری است. (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۴، ۶-۱۳)

فصلنامه مدیریت شهری نیز در زمستان ۱۳۸۰، مقاله‌ای (ترجمه و اقتباس) را از حسین آسایش منتشر کرد که به سنجش کیفیت زندگی در یکصد شهر بزرگ جهان، طی تحقیقی مفصل از طرف کمیته بحران جمعیت می‌پرداخت. شهر تهران در طبقه‌بندی نهایی این گزارش از ۴ دسته شهرهای عالی، خوب، متوسط و پایین، در میان شهرهای پایین (شهرهایی که از ۱۰۰ امتیاز کمتر از ۴۵ امتیاز داشتند) قرار گرفته و رتبه ۸۲ را داشت. (آسایش، ۱۳۸۰، ۹۴-۱۰۴)

در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان "شاخصهای کیفیت زندگی شهروندی و نقش و وظایف دولت"، که در هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیران کیفیت در ایران ارائه شد، مهدی امینی با روندی تطبیقی شاخصهایی ۱۱ گانه و کلی را برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی شهری در ایران (بدون اندازه‌گیری آنها) ارائه داد. (امینی، ۱۳۸۵، ۸-۱۲)

در حال حاضر نیز مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران ضمن اعلام یک فراخوان در ابتدای سال ۱۳۸۷، اقدام به تشکیل کارگروهی علمی و تحقیقاتی در زمینه تدوین و اندازه‌گیری شاخصهای کیفیت زندگی شهر تهران نموده است.

در طرح جامع شهر تهران نیز یک جلد به بررسی و تدقیق کیفیت زندگی شهری تهران اختصاص یافته است.

مبانی نظری

مفهوم کیفیت در مقابل مفهوم کمیت قرار می‌گیرد. کمیت را یک مفهوم فیزیکی و قابل برآورد دانسته و کیفیت را مفهومی انتزاعی می‌دانند. به‌طوری کلی کیفیت و کمیت دو روی یک سکه‌اند که از یک طرف با هم در تضاد هستند و از طرف دیگر نمی‌توان یکی را بدون دیگری تصور کرد. (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۴، ۷) اندازه، میزان و جنسیت پدیده و یا سامانه و ... که قابل اندازه‌گیری است و با اعداد بیان می‌شود را کمیت گویند. به عبارت دیگر کمیت هر پدیده، تظاهر بیرونی و خنثای آن می‌باشد. اما کیفیت چگونگی یک پدیده است که تأثیر عاطفی و

عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد و خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز را بیان می‌کند. (همان، ۶)

در فلسفه و نظریه شناخت، منظور از کیفیت چگونگی یک چیز است. در زمینه های اقتصادی معادل مرغوبیت و مجموعه ای از ویژگیهای یک کالا و عرضه کننده آن که باعث فروش کالا میشود را گویند و در زمینه های اجتماعی و فردی معادل با شایستگی، صلاحیت و لیاقت می باشد. به اصطلاح کیفیت و کمیت در فارسی "چند و چون" نیز گفته میشود. (امینی، ۱۳۸۵، ۴)

ایده و مفهوم کیفیت زندگی یک ایده چند وجهی است که با یک پهنه وسیع از شاخصها در زیر یک سایه قرار دارد. در عین حال موضوعی میان رشته‌ای (Multidisciplinary) و بنابراین مفهومی چند بعدی است. (Wish, 1986)

اصولاً کیفیت زندگی واژه‌ای پیچیده و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله، بخش و ...) است. (کوکبی، ۱۳۸۳، ۲۳) کیفیت زندگی از دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده است و اگرچه اجماع بسیار کمی درباره تعریف کیفیت زندگی وجود دارد اما بعضی از مهمترین این تعاریف به شرح زیر هستند:

- یک تعریف ساده آن عبارتست از رضایت کلی فردی از زندگی. (Tuan Seic, 2000, 33)

- کیفیت زندگی یک مفهوم پهناور است که دربردارنده برداشتهایی از یک زندگی خوب و دارای رضایتمندی و شادی است. اغلب مفهوم زندگی رضایتمند و زندگی شاد در مفهوم رفاه یا خوشی^{۱۲} که دربردارنده رضایت از زندگی و احساسات مثبت و منفی است، ترکیب می‌شوند. (Mc Crea & et al. 2004, 3)

- از دیدگاهی دیگر کیفیت زندگی به عنوان سطح زندگی تعبیر شده است. (رحیم‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۳، ۶۸)

- مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد که از چندین متغیر متأثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن، که به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کنند (Rahman & et al. 2003, 1).

- مقوله کیفیت زندگی به شکل وسیعی با مفهوم رفاه^{۱۳} ارتباط پیدا می‌کند... رفاه مفهومی است که توصیف‌کننده بهزیستی، تأمین زندگی و فقرزدایی است و لذا در ارتباط تنگاتنگی با مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد. (باری، ۱۳۸۰، ۶).

- واژه کیفیت زندگی بیشتر با محیط طبیعی و شرایط خارجی زندگی افراد از قبیل آلودگی، کیفیت مسکن، جنبه‌های زیبایی‌شناسانه، تراکم ترافیک، شیوع جرم و مانند این‌ها مرتبط است. این متغیرها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سطح ارضای افراد از زندگیشان دارند. (Norman C. Dalkey & others, 1972, pp. 9-11)

- کیفیت زندگی، واژه‌ای پیچیده در ارتباط با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک ناحیه است. دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخصهایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در برمیگیرد (شاخصهای ذهنی). در برخی موارد، رضایتهای اجتماعی نیز نامیده میشود. همچنین دربرگیرنده ابعادی محیطی که دربرگیرنده سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است (شاخصهای عینی). دربرگیرنده جنبه‌های دیگری چون توجه به فرصتهای اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است. برخی آنرا مترادف با رفاه (well-being) می‌دانند. (سیف الدینی، ۱۳۸۱، ۳۷۵)

با توجه به تعاریف بالا کاملا مشخص است که مفهوم کیفیت زندگی و البته پس از آن کیفیت زندگی شهری (که در ادامه بدان نیز می‌پردازیم) بسیار تفسیرپذیر و ابهام‌آور است و بنا به حوزه کاربرد و نوع مطالعه بسیار فرق می‌کند. البته به‌گونه‌ای که از تعاریف بالا نیز بر می‌آید کیفیت زندگی یک مفهوم عینی و ذهنی به صورت توأم است. (کوکبی، ۱۳۸۳، ۲۵)

با جمع‌بندی این مطالب و تعاریف و شناختی که از کیفیت زندگی به عنوان مفهوم مادر و پایه سایر مفاهیم منتج از آن بدست می‌آید میتوان به شناخت و بررسی مفهوم جزئی‌تر و البته جدید و مهم کیفیت زندگی شهری پرداخت. هرچند که کیفیت زندگی شهری مفهومی جدا از کیفیت زندگی نیست و در واقع تعریف و مصداقی از کیفیت زندگی در حوزه شهر و مسایل مربوط به آن است و قطعا محدودتر، اما گستردگی مسایل و مشکلات شهری و پیوند خوردن شهر با تقریبا تمامی مسایل و علوم روزمره و زندگی انسانی و غالب شدن شکل زندگی شهری در بین جوامع انسانی، کیفیت زندگی شهری را به اهمیت و جایگاه بالایی رسانده است.

در واقع رضایت از زندگی در سطوح جغرافیایی متفاوتی مثل واحد همسایگی، اجتماع^{۱۴} و ناحیه و منطقه اتفاق می‌افتد و البته نشان داده شده است که این سطوح جغرافیایی بر میزان رضایت کلی از زندگی تاثیرگذار است. (Mc Crea & et al. 2004,2) به همین ترتیب است که مفهوم کیفیت زندگی شهری از کیفیت زندگی اخذ شده و خود مفهومی نسبتا مستقل می‌یابد.

در سطح شهری، یافتن امتیازات و شاخصهای کیفیت زندگی شهری می‌تواند برنامه‌ریزان را در محک زنی و ارزیابی مقایسه‌ای کیفیت زندگی^{۱۵} سایر شهرها با استفاده از مطالعات قبلی مشابه در یک شهر یا ناحیه مشخص یاری کند. پروژه‌های مقایسه‌ای کیفیت زندگی شهری (بر مبنای نتایج و شاخصهای یک شهر یا ناحیه مشخص) بطور رایج در بسیاری از کشورها چون استرالیا (Stokie, 1998, 490) و آمریکا (Besleme & et al. 1998, 235) انجام شده است.

به هر روی هرچند که شناخت و ارزیابی و مطلوبیت بخشیدن به کیفیت زندگی شهری ورای یک شاخه علمی خاص قرار می‌گیرد. (شکویی، ۱۳۸۵، ۱۶) اما همانند کیفیت زندگی دارای تعاریف متفاوت و حتی چندگانه‌ای است که بعضی از مهمترین آنها به شرح زیر هستند:

- بعضی مطالعات شاخص کیفیت زندگی محله یا واحد همسایگی^{۱۶} را به عنوان یک اتصال در جایگاه شاخصهای رفاه و خوشی اجتماعی^{۱۷}، مشخصات و خصوصیات زمین^{۱۸}،



تبهکاری و پهنه قدرت اقتصادی^{۱۹} همگی در نظر گرفته شده اند، مطرح می‌کنند. (Schyns & Boelhouwer, 2000, 5)

- کیفیت زندگی شهری ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان^{۲۰} یا هویت مکان از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی. (Profect & et al., 1992, 134-170)

- کیفیت زندگی شهری معمولاً هم توسط شاخصهای ذهنی و با استفاده از پیمایشهایی در جهت جمع‌آوری ادراکات ذهنی و ارزیابی‌ها و میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری و هم توسط شاخصهای عینی و با استفاده از داده‌های ثانویه و وزن‌دهی مربوط به هر شاخص در محیط شهری انجام می‌پذیرد. (McCrea & et al. 2004, 1)

- کیفیت زندگی شهری علاوه بر وضعیت فرد از نظر پایگاه اجتماعی، اقتصادی، سلامت و غیره به معنا و احساس رضایتی که فرد از زندگی دارد، بستگی دارد. (Ibid, 44)

با توجه به مطالب و تعاریف فوق و عناصر مهم و اصلی آنها، در مجموع می‌توان کیفیت زندگی شهری را به شکل زیر و بصورت عملیاتی تعریف نمود:

"کیفیت زندگی شهری، واژه‌ای دربردارنده دو دسته از شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است که با توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی به دنبال برنامه‌ریزی تامین نیازهای مادی و معنوی زندگی شهروندان و رضایتمندی حداکثری آنان از زندگی می‌باشد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیق پیمایشی و توصیفی است ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی و مطالعه تحقیقات و پژوهشهای مشابه ملی و بین‌المللی انجام شده است و سپس با استفاده از نظرات مدیران شهری و کارشناسان مدیریت شهری، توصیف شرایط مزبور و استخراج شاخصهای کیفیت زندگی مطابق با شرایط بومی ایران و تهران انجام گرفته است.

بررسی و جمع‌آوری اطلاعات، مفاهیم و شاخصهای کیفیت زندگی شهری از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی داخلی و خارجی انجام گردید. این مطالعه در نیمه اول سال ۱۳۸۷ انجام گرفت و طی آن داده‌های مربوط به میزان اهمیت شاخصهای کیفیت زندگی شهری از نمونه‌ای قضاوتی و محدود، یعنی ۶۵ نفر از کارشناسان و مدیران شهری شهر تهران، با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه رودررو جمع‌آوری گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در پرسشنامه‌ها از طیف لیکرت استفاده شده و با استفاده از نرم افزارهایی چون Excel و SPSS و استفاده از تکنیکهای آماری، داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

بررسی شاخصهای کیفیت زندگی شهری

طی بررسی مطالعات و تحقیقات انجام شده در ارتباط با کیفیت زندگی و شاخصهای آن ۱۱۳ شاخص عمده کیفیت زندگی، در ۱۶ دسته یا طبقه تقسیم شدند. این ۱۱۳ شاخص و ۱۶ دسته اصلی آنها در جدول ۱ نشان داده شده اند.

این شاخصها به ۶۰ نفر از مدیران، کارشناسان و متخصصان علمی و عملی مدیریت شهری قرار ارایه شد و از آنها پرسیده شد که "میزان اهمیت هر کدام از شاخصهای اشاره شده را در جهت سنجش و پایش کیفیت زندگی شهری توسط مدیریت شهری چه مقدار است؟" با توجه به اینکه بومی سازی شاخصهای کیفیت زندگی شهری جهت ارایه شاخصهایی مناسب اندازه گیری کیفیت زندگی هدف اصلی این تحقیق بوده است با پیشنهاد کارشناسان تصمیم گرفته شد تا هر کدام از شاخصهایی (فرعی) که میانگین میزان اهمیت آنها کمتر از ۳.۵ (بین متوسط و زیاد) بود از بین شاخصها حذف شود و دسته ها و شاخصهای باقیمانده به عنوان شاخصهای اولیه اندازه گیری کیفیت زندگی شهری ایران و کلانشهر تهران مورد استفاده قرار گیرد. (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵)

در جدول ۱ ستون اول طبقه شاخصها (شاخصهای اصلی)، ستون دوم شاخصها (شاخصهای فرعی) و ستون سوم میانگین میزان اهمیت این شاخصها هستند. همان طور که از جدول نیز مشخص است، ۲۱ شاخص خرید کالاهای مصرفی، دستمزد زنان، هزینه تجهیزات و لوازم خانه، مشارکت سیاسی، حق رای دادن، نوع مالکیت، تعداد اتاقها، مساحت اتاقها، تراکم فرد در اتاق، سال ساخت (عمر ساختمان)، سرانه زیربنا، مالکیت اتومبیل، سفرهای برونشهری، برنامه‌های موسیقی، وضعیت موزه، تعداد روزنامه، تعداد مجلات، زمانهای ورزش در طول هفته، تعداد مساجد، پراکندگی و دسترسی به مساجد (یا اماکن مذهبی اقلیتها) و تعداد سایر اماکن مذهبی، به علت دارا بودن میانگین اهمیت زیر ۳.۵ حذف میگردند. (این شاخصها با رنگ خاکستری از بقیه شاخصها متمایز شده اند) که در مجموع ۹۲ شاخص فرعی باقی میمانند.

دو طبقه شاخصهای اصلی مذهبی و ارتباطات و رسانه نیز حذف گردیدند. شاخص مسکن نیز هرچند که دارای میانگینی کمتر از ۳.۵ میباشد اما به دلیل اهمیت واضح آن در مباحث کیفیت زندگی شهری حذف نگردید (*). احتمالاً شاخصهای فرعی این شاخص اصلی مناسب انتخاب نشده اند. شاخصهای باقیمانده در مذهب به شاخصهای اجتماعی و شاخصهای باقیمانده در ارتباطات و رسانه به شاخصهای هنر و فرهنگ اضافه گردیدند. بدین ترتیب ۹۳ شاخص در ۱۴ دسته شاخصهای اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی، اجتماعی، سلامت و بهداشت، آموزش، مسکن، حمل و نقل، هنر و فرهنگ، تفریح و اوقات فراغت، امنیت، فعالیتهای ورزشی، فردی و خدمات و زیرساختهای شهری برای بررسی میزان رضایت شهروندان تهرانی طبقه بندی نهایی گردیدند.

جدول ۱- میزان اهمیت شاخصهای استخراج شده

میانگین میزان اهمیت (شاخص اصلی)	میانگین میزان اهمیت (شاخص فرعی)	شاخصها	طبقه شاخصها
۳.۷۹	۳.۷۶	هزینه مواد خوراکی و غذایی	اقتصادی
	۳.۸۲	متوسط قدرت خرید	
	۴.۲۴	درآمد ماهانه	
	۴.۰۴	توزیع درآمد	
	۴.۱۸	هزینه زندگی	
	۳.۹۵	فرصت های شغل	
	۳.۸۶	هزینه های بهداشتی و سلامت	
	۳.۴۵	خرید کالاهای مصرفی	
	۳.۲۰	دستمزد زنان	
	۲.۹۳	هزینه تجهیزات و لوازم خانه	
	۳.۵۵	سرویس های بانکی	
	۴.۳۴	نرخ رشد تورم	
	۳.۹۱	تعادل بین جمعیت و منابع	
۳.۸۲	سرمایه گذاری دولتی و بین المللی		
۳.۸۴	۴.۰۴	بهنه (گسترده) قدرت اقتصادی	سیاسی
	۳.۷۵	توزیع شایسته و مناسب زمین	
	۳.۷۸	دسترسی آزاد به اطلاعات	
	۳.۴۸	مشارکت سیاسی	
	۴.۱۴	مقررات صحیح و سالم	
۳.۸۷	۳.۹۸	بهداشت محیط	زیست محیطی
	۳.۶۲	تاسیس و تخلیه شبکه فاضلاب	
	۴.۰۸	دفن زباله و پسماندها	
	۳.۹۵	ذخیره و بازیافت زباله و پسماند	
	۴.۰۴	فضای زندگی	
	۳.۸۸	تمیزی هوا	
	۴.۰۱	فضای سبز شهری و گسترش آن	
	۳.۷۵	تعداد و تراکم مناسب بوستانها (پارک)	
	۳.۶۵	فضای پیاده و پیاده روی	
۳.۷۲	فضای قابل سکونت		
۳.۸۲	۳.۹۵	وضعیت جرم و جنایت	اجتماعی
	۴.۳۰	مشارکت اجتماعی	
	۳.۶۲	مشارکت در سازمانهای غیر حکومتی (NGO)	
	۳.۸۵	زندگی خانوادگی	
	۳.۴۶	حق رای دادن	
	۳.۶۸	نسبت شهروندان تحت پوشش بیمه	
	۳.۵۵	بیمه بیکاری	
	۴.۱۱	نرخ مهاجرت به شهر	

۳.۹۸	۴.۰۸	بهداشت و سلامت عمومی	سلامتی و بهداشت
	۳.۷۸	مرگ و میر کودکان	
	۳.۹۵	گسترده‌گی خدمات بهداشتی	
	۳.۷۸	وضعیت بیماری‌های خطرناک و عفونی	
	۴.۰۱	تعداد بیمارستان و مراکز درمانی به نسبت جمعیت	
	۴.۳۰	مید به زندگی	
۳.۸۰	۳.۵۵	سرانه معلم	آموزشی
	۳.۹۸	وضعیت و سیستم آموزش و پرورش (دبستان، راهنمایی و دبیرستان)	
	۴.۰۱	وضعیت و سیستم آموزش عالی	
	۳.۸۲	ترخ بیسوادی (میزان باسوادان)	
	۳.۷۸	گسترده‌گی خدمات آموزشی	
	۳.۶۵	قیمت خدمات آموزشی	
	۳.۷۸	تسهیلات آموزشی	
	۳.۸۲	میزان تحصیلات	
۳.۴۵ (*)	۳.۸۵	استانداردهای مسکن	مسکن
	۳.۳۹	نوع مالکیت (مالکیت فردی، رهن و اجاره، اجاره به شرط تملیک)	
	۳.۵۰	نوع ساختمان	
	۳.۰۷	تعداد اتاق‌ها	
	۳.۰۷	مساحت اتاق‌ها	
	۳.۲۶	تراکم فرد در اتاق	
	۳.۲۰	سال ساخت (عمر ساختمان)	
	۳.۵۹	وضعیت چیدمان ساختمانها	
	۳.۲۳	سرانه زیر بنا	
۳.۷۲	۴.۱۴	جریان ترافیک	حمل و نقل
	۲.۸۷	مالکیت اتومبیل	
	۳.۶۱	وجود بلیط اتوبوس، راه آهن و هواپیما	
	۴.۰۸	حمل و نقل عمومی	
	۳.۷۲	زمان انتظار در ایستگاه اتوبوس	
	۳.۸۸	زمان سفر بین محل کار و سکونت	
	۴.۰۴	سفرهای درونشهری	
	۳.۴۲	سفرهای برونشهری	
	۳.۶۵	تعداد تصادفات	
	۳.۷۵	تعداد مرگ و جرح ناشی از تصادفات	
۳.۵۵	۳.۸۵	تعداد و سرانه مراکز فرهنگی	هنر و ورزش
	۳.۴۲	برنامه‌های موسیقی	
	۳.۵۱	وضعیت تئاتر و سینما	
	۳.۳۶	وضعیت موزه	
	۳.۵۹	تعداد و سرانه مراکز هنری	
۳.۷۵	۳.۸۵	تعداد سرگرمی و فعالیتهای تفریحی در دسترس	تفریح و اوقات فراغت
	۳.۷۵	عضویت در مراکز تفریحی	
	۳.۶۲	تعداد سفر در تعطیلات سال	
	۳.۷۸	فضای تفریحی شهری	

۴.۰۲	۴.۱۴	امنیت عمومی	اهمیت
	۳.۹۱	نسبت تعداد جرایم به اشخاص	
	۴.۱۱	وضعیت پاسخگویی و حضور بهنگام آتش‌نشانی	
	۴.۰۸	وضعیت پاسخگویی و حضور بهنگام اورژانس و آمبولانس	
	۴.۱۴	وضعیت پاسخگویی و حضور بهنگام پلیس	
	۳.۸۲	موارد اعمال خشونت به ساکنان	
	۳.۹۵	همسایگی امن	
۳.۳۹	۴.۰۴	امنیت در برابر سوانح	ارتباطات و رسانه
	۳.۵۵	تعداد و تنوع رسانه‌ها	
	۳.۲۶	تعداد روزنامه	
۳.۵۹	۳.۲۶	تعداد مجلات	فعالیت‌های ورزشی
	۳.۵۹	تعداد ورزش‌های فعال	
	۳.۳۹	زمان‌های ورزش در طول هفته	
	۳.۷۲	ورزش همگانی	
۳.۷۷	۳.۶۵	ورزش‌های در دسترس عموم	فردی
	۳.۷۲	زندگی کاری	
	۳.۸۲	زندگی اجتماعی	
	۳.۹۱	شادمانی خانوادگی	
	۳.۹۸	سلامت فردی	
	۳.۹۱	فراهم‌نمایی فرصت‌های بهتر برای زنان، اقلیت‌ها و ناتوانان	
	۳.۶۸	احساس بهره‌وری و مفید احساس کردن خود	
۳.۳۳	۳.۵۵	زندگی تحصیلی	مذهبی
	۳.۶۲	زندگی معنوی	
	۳.۲۳	تعداد مساجد	
	۳.۲۳	پراکندگی و دسترسی به مساجد (یا اماکن مذهبی اقلیت‌ها)	
	۲.۸۷	تعداد سایر اماکن مذهبی (به غیر از مساجد)	
۴.۰۰	۳.۵۹	برنامه‌های مذهبی در شهر	خدمات و زیرساخت‌های شهری
	۴.۱۷	تاسیسات آب آشامیدنی	
	۴.۰۱	تاسیسات برق	
	۴.۰۸	تاسیسات گاز	
	۴.۰۸	تاسیسات مخابراتی (تلفن، همراه، اینترنت و ...)	
	۳.۹۱	دلدگیری محله	
	۳.۹۵	جوی آب و فاضلاب	
۳.۷۸	سروصدای کارگاهی		

با مشاهده جدول ۱ مشخص است که در شاخصهای اقتصادی بالاترین میزان اهمیت را نرخ رشد تورم و درآمد ماهیانه و کمترین میزان اهمیت را هزینه تجهیزات و لوازم خانه دارا هستند. در شاخصهای سیاسی بالاترین میزان اهمیت را پهنه قدرت اقتصادی و کمترین میزان اهمیت را مشارکت سیاسی دارا هستند. در شاخصهای زیست محیطی بالاترین میزان اهمیت را دفن زباله و پسماندها و فضای زندگی و کمترین میزان اهمیت را فضای پیاده و پیاده روی و

فضای قابل سکونت دارا هستند. در شاخصهای اجتماعی بالاترین میزان اهمیت را مشارکت اجتماعی و کمترین میزان اهمیت را حق رای دادن دارا هستند. در شاخصهای سلامتی و بهداشت بالاترین میزان اهمیت را امید به زندگی و کمترین میزان اهمیت را هزینه مرگ و میر کودکان و وضعیت بیماری های خطرناک و عفونی دارا هستند. در شاخصهای آموزش بالاترین میزان اهمیت را وضعیت سیستم آموزش عالی و کمترین میزان اهمیت را سرانه معلم دارا هستند. در شاخصهای مسکن بالاترین میزان اهمیت را استانداردهای مسکن و کمترین میزان اهمیت را تعداد اتاق ها و مساحت اتاق ها دارا هستند. در شاخصهای حمل و نقل بالاترین میزان اهمیت را حمل و نقل عمومی و کمترین میزان اهمیت را مالکیت اتومبیل دارا هستند. در شاخصهای هنر و فرهنگ بالاترین میزان اهمیت را تعداد و سرانه مراکز فرهنگی و کمترین میزان اهمیت را وضعیت موزه دارا هستند. در شاخصهای تفریحات و اوقات فراغت بالاترین میزان اهمیت را تعداد سرگرمی و فعالیتهای تفریحی در دسترس و کمترین میزان اهمیت را تعداد سفر در طی تعطیلات سال دارا هستند. در شاخصهای امنیت بالاترین میزان اهمیت را امنیت عمومی و وضعیت پاسنگویی و حضور بهنگام پلیس و کمترین میزان اهمیت را موارد

جدول ۲- آزمون رتبه بندی فریدمن شاخصهای اصلی

میانگین رتبه	شاخص
4.34	مسکن
5.3	فرهنگ و هنر
6.33	فعالیت های ورزشی
6.66	حمل و نقل
6.69	تفریح و اوقات فراغت
7.3	فردی
7.93	اقتصادی
8.12	آموزشی
8.21	اجتماعی
8.3	سیاسی
8.34	زیست محیطی
8.77	سلامتی و بهداشت
9.2	امنیت
9.51	خدمات و زیر ساخت های شهری

اعمال خشونت به ساکنان دارا هستند. در شاخصهای فعالیت‌های ورزشی بالاترین میزان اهمیت را ورزش همگانی و کمترین میزان اهمیت را زمانهای ورزش در طول هفته دارا هستند. در شاخصهای فردی بالاترین میزان اهمیت را سلامت فردی و کمترین میزان اهمیت را زندگی تحصیلی دارا هستند. در شاخصهای خدمات و زیرساخت‌های شهری بالاترین میزان اهمیت را تاسیسات آب آشامیدنی و کمترین میزان اهمیت را سروصدای کارگاهی دارا هستند. در مجموع کل شاخصهای مورد بررسی بالاترین میزان اهمیت را نرخ رشد تورم (۴.۳۴) و امید به زندگی و مشارکت اجتماعی (۴.۳۰) و کمترین میزان اهمیت را مالکیت اتومبیل و تعداد سایر اماکن مذهبی (۲.۸۷) و هزینه تجهیزات و لوازم خانه (۲.۹۳) دارا هستند.

با استفاده از آزمون ناپارامتری فریدمن، رتبه بندی شاخصهای اصلی (که آماره خی دو آن معنا دار شده) و ترتیب اهمیت این شاخصها در محاسبه کیفیت زندگی شهری (جهت وزن دهی برای محاسبه میزان رضایت و سطح کیفیت زندگی شهری و همچنین اولویت بندی برنامه ریزی شهری) به شرح جدول ۲ می‌باشد.

جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادات

- کیفیت زندگی شهری محثی است که از نیمه دوم قرن بیستم اهمیت یافته و روزبروز نیز بر اهمیت آن افزوده شده است. در اکثر کشورهای توسعه یافته نهادهای ملی و محلی پایش، اندازه گیری، تدوین و بروزرسانی شاخصهای کیفیت زندگی شهری و شاخص سراسری کیفیت زندگی شهری وجود دارد که به طور مستمر و اکثرا سالانه به فعالیت میپردازند.

- در نهایت ۹۳ شاخص (از ۱۱۳ شاخص فرعی مورد بررسی) در ۱۴ دسته (شاخصهای اصلی) برای بررسی میزان رضایت شهروندان تهرانی (ایرانی) طبقه بندی گردیدند.

- در مجموع کل شاخصهای فرعی مورد بررسی بالاترین میزان اهمیت را نرخ رشد تورم (۴.۳۴) و سپس امید به زندگی و مشارکت اجتماعی (۴.۳۰) و کمترین میزان اهمیت را مالکیت اتومبیل و تعداد سایر اماکن مذهبی (۲.۸۷) و هزینه تجهیزات و لوازم خانه (۲.۹۳) دارا هستند.

- آزمون ناپارامتری رتبه بندی فریدمن معنی دار، نشان میدهد که میانگین اهمیت ۱۴ طبقه شاخصهای کیفیت زندگی شهری از لحاظ رتبه ای نیز متفاوت است. میزان اهمیت این شاخصها در کیفیت زندگی شهری از دیدگاه مدیریت شهری به ترتیب (صعودی) عبارتست از: مسکن، فرهنگ و هنر، فعالیت های ورزشی، حمل و نقل، تفریح و اوقات فراغت، فردی، اقتصادی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، سلامتی و بهداشت، امنیت، خدمات و زیر ساخت های شهری

- در این بررسی میزان اهمیت شاخصها از دیدگاه مدیران و کارشناسان شهری اخذ شده است اما بدست آوردن میزان اهمیت شاخصها از دیدگاه شهروندان در تحقیقات بعدی پیشنهاد میگردد. همچنین برای سنجش دقیقتر میزان اهمیت شاخصها و استخراج شاخصهای مناسب

میتوان از گروه های کانونی، مصاحبه های عمیق و حتی روش دلفی (روشهای کیفی) نیز استفاده کرد.

- برای بررسی سطح کیفیت زندگی شهری و شاخصهای آن، معمولاً هم میزان اهمیت شاخصها و هم میزان رضایت از آنها از شهروندان مورد سوال قرار میگیرد. اندازه گیری میزان رضایتمندی یا سطح کیفیت زندگی شهروندان گام بعدی و مهمی است که با این شاخصهای بومی شده قابل پیگیری است.

منابع و ماخذ

- ۱) آسایش، حسین (۱۳۸۰): سنجش کیفیت زندگی در یکصد شهر بزرگ جهان، فصلنامه جستارهای شهرسازی، ۸ (زمستان)، صص ۹۴-۱۰۵
- ۲) امینی، مهدی، شاخصهای کیفیت زندگی شهروندی و نقش و وظایف دولت، هفتمین کنفرانس بین المللی مدیران کیفیت، تیرماه ۱۳۸۵، تهران
- ۳) امینی، مهدی، شناسایی و کاربرد شاخصهای کیفیت زندگی شهری از دیدگاه مدیریت شهری؛ مطالعه موردی منطقه ۴ شهرداری تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت شهری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷
- ۴) باری، نورمن (۱۳۸۰): رفاه اجتماعی، ترجمه سید اکبر میرحسینی و سید مرتضی نوربخش، چاپ اول، انتشارات سمت
- ۵) پورجعفر، محمدرضا، افشین کوبی و علی اکبر تقوایی (۱۳۸۴): برنامه ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری، تعاریف و شاخصها، جستارهای شهرسازی، ۱۲ (بهار)، صص ۶-۱۳
- ۶) جاجرمی، کاظم و ابراهیم کلتی، (۱۳۸۵): سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مطالعه موردی گنبد قابوس، مجله جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره پیاپی ۸، پاییز و زمستان
- ۷) خاتم، اعظم (۱۳۸۴): سنجش ظرفیت جمع پذیری و کیفیت زندگی در تهران، مطالعات فرادست طرح جامع تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی
- ۸) رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه حسینی (۱۳۸۳): فرآیند برنامه ریزی شهری ایران، چاپ اول، انتشارات سمت
- ۹) سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۱): فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، چاپ دوم، دانشگاه شیراز
- ۱۰) مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵): برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری؛ تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، چاپ دوم، شرکت طرح و نشر پیام سیمان

۱۱) هال، پیتز (۱۳۸۱): برنامه ریزی شهری و منطقه ای، ترجمه جلال تبریزی، چاپ اول،

انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری

- 12) Besleme, K., Erquiaga, E. & sawin, D. (1998): *Community indicator projects: Practical tools for quality of life in communities*, In proceedings of the first international conference on Quality of life in cities, vol. 2, Singapore: national University of Singapore
- 13) Foo Tuan Seik(2000): *Subjective assessment of urban quality of life in Singapore*, Habitat International, 24, pp 31-49
- 14) Mc crea, Rod, Tung-Kai Shyy & Robert Stimson (2004): *Modelling Urban Quality of Life in South East Queensland by linking subjective and objective indicators*, 28th Australian and New Zealand regional Science Association International annual Conference, Wollongong, NSW, 28th September to 1 October
- 15) Norman C. Dalkey With: Daniel L. Rourke, Ralph Lewis, david Snyder, 1972. pp 9-11
- 16) Profect, Michuel and Power, Gorden: (1992): *Planning for Urban Quality*, London
- 17) Rahman, Mittelhamer & Wandschaneder (2003): *Measurin the Quality of Life Across Countries: A sensitivity analysis of well-being indices*, wider international conferences on inequality, poverty and human well-being, May 30-3 2003, Helsinki, Finland
- 18) Schyns, Peggy and Jeroen Boelhouwer (2004), *Measuring Quality Of Life in Amsredam from the viewpoint of participation*, The Amsterdam bureau for Research an statistics/ Social and Cultural Planning Office
- 19) Stokie, T. (1998): *Benchmarkinh Melbourne: Indicator of livability and competitiveness*, In proceedings of the first international conference on Quality of life in cities, vol. 2, Singapore: national University of Singapore
- 20) Ulengin, Burc, Fusun Ulengin & Umit Guvenc(2001): *A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul*, European Journal of Operation Reasrch, 130, pp 361-274
- 21) 2005 Quality of Life Progress; Marian County, Florida, Presented by Public Policy Institute of Marian County
- 22) <http://www.iranurbanstudies.com/ShowInsight.aspx?iid=240> سایت اعظم، مطالعات شهری ایران
- 23) (<http://www.jcci.org/projects/reports/AirQualityEnergyEnvironmentandtheEconomy.aspx>) سایت موسسه جکسونویل
- 24) www.tehran.ir پرتال شهرداری تهران

یادداشتها

¹- Quality of Life
^۲- Jacksonville Community Council Inc.
^۳- Overseas Development Council

^۴- Life expectancy at birth

^۵- Adult literacy rate

^۶- GDP per capita

^۷- Living Condition Index

Social and Cultural Planning Office -^A

^۹- Subjective Indicators

^{۱۰}- The first international conference on quality of life in cities,

^{۱۱}- Objective Indicators

^{۱۲}- Well being

^{۱۳}- Welfare

^{۱۴}- community

^{۱۵}- QOL Benchmarking

^{۱۶}- Neighborhood QOL

^{۱۷}- Social well being

^{۱۸}- Physical Characteristics

^{۱۹}- Economic Vitality Area

^{۲۰}- Sense of Place



عوامل موثر در گسترش مهاجرت به کلانشهر تهران

دکتر کریم حمدی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سروش فتحی

دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
(نویسنده و مسئول مکاتبات)

چکیده

به دنبال گسترش امکانات اشتغال در بخش نوین، مهاجرت افرادی که در جستجوی درآمد بیشتری هستند ادامه خواهد یافت. با افزایش تراکم جمعیت در شهر بهای زمین در مناطق شهری، هزینه های مسکن، حمل و نقل مواد خوراکی و دیگر امکانات شهری بالا می رود. این امر شکاف بین سطح درآمد روستایی و شهری را تنگتر می کند و بنابراین، آهنگ شهرنشینی و روند مهاجرت کندتر می شود. با ادامه روند توسعه، گوناگونی فعالیتهای بخش نوین اقتصادی بیشتر شده و بخش شهری، به صورت یک نظام یکپارچه مستقل از شهرهای مختلف درمی آید که هر کدام در جهت تخصص یافتن در جنبه ای از فعالیتهای اقتصادی، توسعه می یابند. در این مسیر، روند شهرنشینی با جذب منابع انسانی به سوی فعالیتهایی که بازده اقتصادی بیشتری دارند، در تمام جنبه های توسعه اثر می گذارد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجراء توصیفی (همبستگی) است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه اساتید، متخصصان و مدیران در حوزه مدیریت، علوم اجتماعی و فرهنگی می باشند. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شد و تعداد ۱۵۰ سشنامه در میان نمونه مورد پژوهش توزیع شد که در این میان ۱۳۱ پرسشنامه بصورت کامل تکمیل و به پژوهشگر عودت داده شد. ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه بصورت پرسشنامه ای بوده است. پرسشنامه مذکور در دو بخش الف) مشخصات فردی و ب) گویه ها با ۴۰ گویه می باشد. بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق و ارزیابی آراء خبرگان از میان مؤلفه های هشتمانه، عوامل اقتصادی شهر تهران در جایگاه نخست، عوامل اقتصادی مبدا در جایگاه دوم و عوامل سیاسی شهر تهران در جایگاه انتهایی عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارند.

واژگان کلیدی

مهاجرت، کلان شهر تهران، مؤلفه اقتصادی، مؤلفه فرهنگی، مؤلفه اجتماعی، سیاسی

مقدمه

مراکز شهری، نقش راهبردی در توسعه دارند. از نظر تاریخی، پویای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی با امواج چشمگیر مهاجرت به مراکز رشد یابندهی شهری که بازار عرضه کارند، همراه است. برای اینکه از منابع کمیاب عمومی، از طریق بهره گیری از صرفه جویی های ناشی از تولید بیشتر، بهترین استفاده به عمل آید، معمولاً امکانات تولید نیرو و استفاده از آب، نظامهای ترابری و دیگر امور زیربنایی شهری عمومی در مناطق شهری بنا نهاده می شوند. دسترسی به امکانات زیربنایی شهری، هزینه های بنگاه های صنعتی را که در این مناطق قرار دارند پایین می آورد. چنانچه دسترسی به بازارهای متنوع و گسترده ترکار و دیگر عوامل تولید نیز همین تأثیر را در جریان صرفه جویی های ناشی از تولید بیشتر را دارند (هدایتی و منصوره ۱۳۵۷: ۲۹).

در برنامه توسعه که عمدتاً به وسیله اقتصاددانها تنظیم می شود، افزایش تولیدات صنعتی به طور نسبی منجر به بالا رفتن سطح اشتغال (مزد گیری) در صنعت می گردد. در اثر بهبود سطح درآمدها، میزان پس اندازها رو به افزایش می گذارد که برای سرمایه گذاری در امور صنعتی امکانات بیشتری فراهم می گردد. با افزایش درآمد، ترکیب تقاضای داخلی تغییر کرده و علاوه بر مواد غذایی، مواد غیر غذایی از قبیل امکانات نوین درمانی، خدمات مسکن و همچنین فرآورده های صنعتی نیز مورد تقاضا قرار می گیرند که به نوبه خود محرکی برای رشد بیشتر بخش نوین جامعه می شوند. با ادامه تحول در ترکیب تولیدات و الگوهای مصرف، سهم کشاورزی در اشتغال نیروی انسانی کاهش و سهم صنایع و خدمات، افزایش می یابد. حرکت نیروی کار از محیط فعالیتهای روستایی نسبتاً کم بازده به سوی بخشهای نوین خدماتی و صنعتی پردرآمدتر، افزایش عمومی سطوح درآمد متوسط را در پی داشته و موجب تحریک بیشتر رشد اقتصادی می شود (نورایی ۱۳۷۶: ۵).

بیان مساله

مهاجرت مهمترین عامل خارجی تغییر تعداد و ساخت جمعیت است. برخی از کشورها قسمت اعظمی از فرهنگ و تمدن امروزی خود را مدیون مهاجران هستند. در مطالعات جمعیت شناسی، نه تنها حجم و چگونگی مهاجرتها از کشوری به کشور دیگر از اهمیت خاصی برخوردار است، بلکه حرکات و جابجایی جمعیت در داخل یک کشور نیز می تواند حداقل در برخی از دوره های زمانی موجب عمران و آبادی و یا رکود و عقب ماندگی شود. امروزه برخی از مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه را به چگونگی مهاجرت های داخلی آنها نسبت می دهند و مهاجرت های «بی رویه» را عامل اصلی رکود کشاورزی و تشدید مسایل و مشکلات شهری می دانند. (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۷۷).

تقریباً همه کشورهای در حال توسعه مهاجرت و شهرنشینی را مبرم ترین مسأله جمعیتی خود می شناسند. تا آنجا که فشار این دو جریان را از عامل باروری و آهنگ رشد طبیعی

جمعیت، جدی‌تر می‌دانند. هم اکنون شهرهای عمده این گونه کشورها وسعت زیادی یافته و در مقایسه با شهرهای کوچکتر و مناطق روستایی، گسترش بسیار سریعی دارند. باور همگانی بر این است که مسائل عمده‌ای مانند بالا رفتن شمار بیکاران شهری، خانه‌های تنگ، امکانات ناکافی آب و برق، بهداشت نامناسب، کمبود امکانات آمد و رفت و دیگر خدمات و کاستی همه جانبه کیفیت زندگی شهری، ناشی از روی آوردن مهاجران روستایی به شهر می‌باشند. همچنین عموماً باور دارند که مهاجرت به شهرها، مناطق روستایی را بی‌تاثیر باقی نمی‌گذارد. این امر نه تنها اعضای فعالتر را از روستا بیرون می‌کشد، بلکه موجب می‌شود، جریان منابع سرمایه‌گذاری ملی عموماً به سوی شهرها سرازیر گردد (ابراهیم زاده ۱۳۸۰: ۴۵).

البته اگر مهاجرت را تنها با برداشت منفی بنگریم و آن را عاملی زیانبخش برای توسعه در کشورهای کم‌درآمد بدانیم، به خطا رفته‌ایم. مهاجرت روستایی به شهر و رشد شهرها، نقشی مهم در فرآیند توسعه دارد. روی آوردن مهاجران جریان شغل به شهرها، نه تنها عرضه کار را در شهر افزایش می‌دهد، بلکه خود محرکی برای گسترش صنعت و دیگر تلاشهای اقتصادی شده و از این رو، امکانات اشتغال تازه ای را فراهم می‌نماید. از سوی دیگر، جریان مهاجرت به خارج از روستا ممکن است نسبت کار به زمین را کاهش داده و محیط تازه‌ای را در جهت تحول یافتن فنون تولید روستای آماده سازد. انتقال نیروی کار به سوی فعالیتهای مولد در شهر، ممکن است سرانجام موجب رشد تقاضا برای تولیدات روستایی شده و بنابراین، شرایط مبادله‌ی شهری - روستایی را تغییر دهد و بهای فرآورده‌های کشاورزی را نسبت به کالاهای شهری بالا برد. افزایش بهای محصولات کشاورزی می‌تواند به نوبه خود، محرکی در جریان تولید کشاورزی و بالا رفتن درآمدهای روستایی شود. همچنین پولهایی که به وسیله مهاجران، از شهر به روستا فرستاده می‌شود - ویژه اگر این پولها در پویتهای سرمایه‌گذاری در روستا به کار افتند - ممکن است توزیع درآمد را بین جمعیتهای شهری و روستایی، بهبود بخشد (زیمل ۱۳۸۵: ۳). لذا این تحقیق به دنبال شناسایی مهمترین عوامل مهاجرت به کلانشهر تهران می‌باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

شرایط واقعی جهان، با چارچوبهای نظری اقتصاد دانان در برنامه توسعه، همیشه تطابق ندارد. گرچه میزانهای کنونی رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه با میزانهای مربوط به کشورهای توسعه یافته‌ی امروزی در سالهای پایانی سده‌ی نوزدهم قابل مقایسه است. تفاوتهای مهمی در روند شهرنشینی، چه در بنیادها و چه در پیامدهای آنها وجود دارد. سهم نیروی کار غیرکشاورزی شاغل در بخش صنعتی در کشورهای در حال توسعه‌ی امروزی در مقایسه با همتای تاریخ دیروزی آنها به مراتب کمتر است، یعنی تقریباً ۴۰ درصد در سال ۱۹۸۱، در مقایسه با ۵۵ درصد در سال ۱۹۰۰. یکی از دلایل پایین تر بودن سهم اشتغال صنعتی در کشورهای در حال توسعه (در این مرحله آغازین رشد صنعت) در برابر کشورهای توسعه یافته کنونی در مرحله مشابه (سالهای پایانی سده ۱۹)، این است که با وجود فراوانی

نیروی کار در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار ذخیر آنها از جریان تولید منحرف می‌شود. به علاوه، شهرنشینی در کشورهای توسعه یافته‌ی امروزی، بیش از هر چیز محصول افزایش بهره‌وری کشاورزی بوده است. افزایش یاد شده از یک سو، انباشت سرمایه را در پی داشت و از سوی دیگر، نیروی کار اضافی روستایی به وجود آورد. به این ترتیب، منابع سرمایه‌های متناسب با توسعه‌ی شهری، شامل کالاهای سرمایه‌ای لازم برای بهره‌وری فزاینده‌ی نیروی کار شهری و صنعت و به گسترش فراهم آمد. بالا رفتن سطح درآمدها که در پی این امر روی داد، توانست نیروی کار اضافی در بخش کشاورزی را به مناطق شهری، یعنی به محلهایی که بخش صنعتی رو به رشد، فرصتهای شغلی کافی به وجود آورده بود، بکشاند. افزایش جمعیت شهرنشین و نیروی کار شهری منجر به گسترش تقسیم کار، افزایش تخصصها، به کارگیری بیشتر تکنولوژی، و صرفه‌جویی در مقیاس تولید گردید. پیامد مهم این توسعه، افزایش بهره‌وری، بالا رفتن سطح دستمزدها و معیارهای زندگی در مناطق شهری بود که این وضعیت، موجب تقویت مهاجرت روستایی به شهر می‌گردید. از این رو با توجه به پیشینه کشورهای توسعه یافته‌ی امروزی، شهرنشینی هم علت و هم پیامد بالا رفتن معیارهای زندگی بود (زنجان‌ی ۱۳۸۰: ۶۳).

اما شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، به طور عمده نتیجه‌ی دفع جمعیت از مناطق روستایی به طرف شهرها بوده است. در دوران پس از جنگ جهانی دوم، میزان مرگ و میر در مناطق شهری و روستایی کشورهای در حال رشد، به گونه‌ای غیر منتظره کاهش یافت. این کاهش مرگ و میر در مناطق تا اندازه‌ای نتیجه فراهم آمدن امکانات نوین درمان و تندرستی از سوی دولت و ورود داروهای از قبیل آنتی بیوتیکها بود. در نتیجه میزان مرگ کاهش یافت، ولی میزانهای زایش همچنان بالا ماند. این گونه افزایش طبیعی جمعیت، تاثیر مضاعف در افزایش رشد شهرها و آنگ شهرنشینی داشت. افزایش طبیعی با میزان بیشتر در روستاها موجب بالا رفتن جمعیت در این مناطق به اندازه‌ای شد که بخش کشاورزی، توان جذب آنرا نداشت و بنابراین شتاب روند مهاجرت روستایی به شهر را به دنبال آورد. در همین حال، در نتیجه رشد طبیعی فزاینده در شهرها، تاثیر افزایش طبیعی جمعیت در رشد شهری، بیش از تاثیر مهاجرت شهری به این مناطق بود. بنابراین، رشد شهر بیش از اینکه پیامد بهره‌وری فزاینده و بالا رفتن معیارهای زندگی باشد، مشکلات جذب نیروی کار و شیوه‌ی بهره‌گیری موثر از آنرا وخیم‌تر کرده است (صرافی ۱۳۸۱: ۴).

از دهه ۱۹۶۰ شهرهای جهان با رشد بی‌سابقه‌ای روبرو شدند. این مسأله در آمار زیر کاملاً مشهود است. در سال ۱۸۰۰ میلادی تنها ۵۰ میلیون نفر در سراسر جهان در مناطق کوچک و بزرگ شهری زندگی می‌کردند. این میزان در سال ۱۹۷۵ به ۱/۵ میلیارد نفر و در سال ۲۰۰۰ به سه میلیارد نفر افزایش یافته که این جمعیت از کل جمعیت کره زمین در سال ۱۹۶۰ بیشتر است (هادیزاده ۱۳۸۲: ۱۲۹). شهرنشینی در قرن بیستم فرآیندی جهانی است که جهان سوم به گونه‌ای فزاینده به آن کشانده شده است. قبل از سال ۱۹۰۰ تقریباً رشد شهرها مربوط به

شهرهای غرب بود. پنجاه سال بعد از آن، افزایش در رشد شهرها در جهان سوم پدید آمد، اما دوره‌ی اصلی رشد آن در طول چهل و چند سال گذشته بوده است. روی هم رفته، رشد جمعیت شهری خیلی سریع‌تر از رشد جمعیت جهانی به طور کامل است (گیدنز: ۱۳۸۳: ۹۳).

در حال حاضر سه میلیارد نفر در شهرها ساکن هستند. امروزه سیاره ما دارای:

۱۹ شهر ۱۰ میلیونی و بیشتر

۲۲ شهر ۵ تا ۱۰ میلیونی؛

۳۷۰ شهر ۱ تا ۵ میلیونی و

۴۳۳ شهر ۵ تا ۱ میلیون می باشد.

با توجه به رشد کنونی جمعیت شهری، تخمین زده می‌شود که تا پایان سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان در شهرها ساکن شوند. در این زمینه، شهرهای کشورهای توسعه یافته به سرعت از فهرست بزرگترین شهرهای دنیا خارج خواهند شد. بین سالهای ۲۰۰۰-۱۹۸۰، شهرهایی چون لائوس، داکا، قاهره، تیان چین، حیدرآباد و لاهور در فهرست ۳۰ شهر بزرگ جهان بوده‌اند. تا پایان سال ۲۰۱۰، شهر لائوس پایتخت نیجریه سومین شهر بزرگ دنیا خواهد بود. شهرهایی چون توکیو، بمبئی، میلان و لندن از فهرست ۳۰ شهر بزرگ دنیا خارج شده و شهرهای نیویورک، ازاکا و پاریس تا سال ۲۰۱۰ به انتهای این فهرست خواهند رسید (هادیزاده، ۱۳۸۲: ۱۲).

طبق برآوردهای سازمان ملل، شرق و جنوب آسیا در حدود نیمی از جمعیت جهان را در سال ۲۰۲۵ در خود جای خواهد داد و تا آن تاریخ، جمعیت‌های آفریقا و آمریکای جنوبی بر جمعیت اروپا فزونی خواهد یافت (گیدنز: ۱۳۸۳: ۱۰۸).

مفهوم مهاجرت

مهاجرت به معنای حرکت وسیع، همه جانبه و گاه دسته جمعی روستائیان به سوی شهرها (مخصوصاً پایتخت) می‌باشد. این مهاجرت در مواردی چند به پیدایش حاشیه‌نشینی شهری، تورم بخش خدمات، رشد بیکاری پنهان و بسط آسیب‌های اجتماعی در شهرها منجر می‌شود (پیران: ۱۳۷۵: ۱۴). اگر از روزه مفهوم لغوی به مهاجرت نگاه کنیم، این واژه به معنی از جایی به جایی دیگر رفتن و در آنجا منزل کردن، دوری کردن از شهر و دیار خود، از موطن خود به جایی دیگر انتقال کردن و هجرت گزیدن است. در این تعریف به ملاک‌های (زمان، فاصله و انگیزه) توجهی نشده است و این مفهوم از بعد لغوی صرف توصیف گردیده است. بنابراین خیلی عام و کلی است و فقط مبین شرح صوری مفهوم است.

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می‌باشد. این گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نمی‌باشد، تفکیک کرد. (کلانتری ۱۳۸۲: ۲۱۲).

لهسايی زاده مفهوم مهاجرت را از جنبه شیوه معیشت مورد تأکید قرار داده است. او معتقد است: اصولاً مهاجرت روستا - شهری یک انتقال اصلی از ساخت مرکزی جامعه که در آن مردم از اجتماعات به طور کلی کوچکتر کشاورزی به اجتماعات بزرگتر و عمدتاً غیرکشاورزی حرکت می کنند را نشان می دهد. (لهسايی زاده، ۱۳۶۸: ۱۵).

در کتاب مهاجرت، شهرنشینی و توسعه به چهاربعد ویژه مفهوم مهاجرت به شرح زیر اشاره شده است: تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و فعالیت.

الف) معیار مکانی: مفهوم مهاجرت بیانگر جابجایی از یک مکان به مکان دیگر است که همواره با تغییر « منطقه » و حرکت در « فاصله » مشخصی باشد.

ب) معیار اقامتگاهی: مفهوم مهاجرت بیانگر حرکتی است برای ماندن در جایی دیگر.

ج) معیار زمانی: سومین نمود جابجاییها جمعیت، بعد زمانی آن است. بدین معنی که چه مدت باید کسی از محلی دور باشد تا مهاجر به شمار آید؟ از یک سو، پاسخ داده می شود که این یک تصمیم اختیاری (نظر شخصی) است. برخی صاحب نظران استدلال کرده اند که مهاجرت باید یک تغییر مکان اقامتگاهی باشد که طی آن، مرزهای از قبل تعیین شده یک منطقه برای مدت یک سال یا بیشتر پشت سر گذاشته می شود. بعد دیگر زمانی، دوره مبنای باشد و کسانی را که زمره مهاجران می آورد که در یک محدوده زمانی معین مهاجرت کرده اند.

د) معیار فعالیت: چهارمین بعد جابجایی جمعیت تغییر در یک مکان فعالیت است که تحرک جمعیت هم شامل تغییر در اقامتگاه و هم تغییر در محل فعالیت می شود. یک شخص می تواند بدون اینکه تغییری در محل اقامتگاهش بدهد، مکان فعالیتش را تغییر بدهد، مانند افرادی که پیوسته به طور روزانه یا هفتگی (بین محل کار و اقامتگاهش) رفت و آمد می کنند. (اوبرای ۱۳۷۰: ۴۹).

مهاجرت و برنامه ریزی منابع انسانی

یک برنامه ریز منابع انسانی، به دلایل گوناگون باید درباره آمایش مهاجرت آگاهی داشته باشد: نخست، مهاجران معمولاً برای بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی و اقتصادی خودشان مهاجرت می کنند. بنابراین می توان مهاجرت را وسیله ای برای توسعه منابع نیروی انسانی جهت داد. دوم اینکه، در فرآیند توسعه، بیشتر کشورها در استفاده کامل از منابع انسانی و طبیعی خود با تضادهایی روبرو می شوند. حتی در کشورهای آسیایی که فشار جمعیت بر روی زمین عامل قابل توجهی است، گاهی سرزمینهایی با منابع فراوان نیروی کار پیدا می شود که اگر حرکت و سازماندهی آنان به طور دقیق برنامه ریزی شود، فرصتهای قابل توجهی برای استفاده کاملتر از آنها فراهم می شود (سیلانیا ۱۳۸۰: ۸۰). سوم، بهبود بخشیدن برابری و اجتناب از افزودن بر اختلاف سطح توسعه (بین مناطق مختلف) و کاهش دادن آن در کشورهای در حال توسعه امری منطقی است. برای رسیدن به این هدفها، لازم است که برنامه ریزان خط مشی ها (و برنامه های) توسعه اقتصادی و منطقه ای را برای توزیع کارآمدتر جمعیت

و فعالیتهای اقتصادی در سطوح ملی و منطقه‌ای هماهنگ کنند. چهارم، از آنجا که حرکت‌های جمعیتی سریع‌تر از دیگر متغیرهای جمعیت شناختی، از قبیل رشد جمعیت، تحت تأثیر تحولات اقتصادی قرار می‌گیرند این حرکت‌ها می‌تواند، ماهیت و سرعت رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و تحولات عمده‌ای در توزیع مشاغل، درآمد و رفاه ایجاد نماید. برای نمونه در آفریقای حاره‌ای، با وجود امکانات کسب درآمد در کشاورزی و بالا بودن سطح بیکاری در شهرها، روند مهاجرت روستایی به شهر، نه تنها همچنان به جریان خود ادامه می‌دهد، بلکه در بعضی موارد شتاب هم دارد، این روند موجب بروز عدم تعادل در بازار کار و کمبود فصلی کار در مناطق روستای شده است (عظیمی ۱۳۸۱: ۸۷).

پنجم، با توجه به گزینشی بودن مهاجرت، این جریان می‌تواند وضعیت توزیع سنی و جنسی مناطق روستایی و شهری را تغییر دهد. که این امر موجب تحول در نیازهای آموزشی، کارآموزی و خدمات درمانی و تندرستی می‌شود. بنابراین، برنامه‌ریزی در امر آموزش، تربیت حرفه‌ای و خدمات درمانی و تندرستی، مانند سایر امور، نیاز به اطلاعاتی درباره‌ی ماهیت و میزان جریانهای مهاجرت دارد (تودارو ۱۳۶۷: ۴۳).

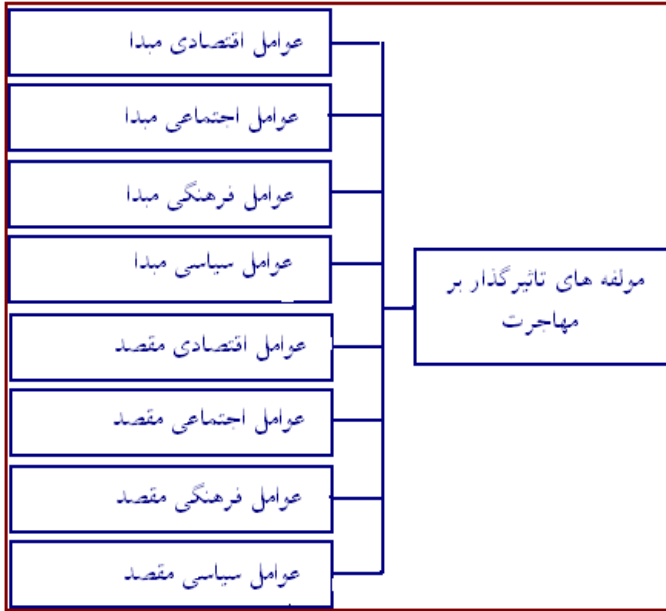
ششم، شهرنشینی بدون برنامه، بین گروهها و طبقات مختلف در شهر و بین مناطق روستایی تنشهایی ایجاد می‌کند. در جامعه‌های ناهمگن که اختلافهای مهم فرهنگی، سیاسی، قومی و زبانی در آنها آشکار است، رشد جنبشهای بومی‌گرای (مانند آنچه در شهرضا در انتخابات شورای شهر به وقوع پیوست) در سالهای اخیر با هدفهای یکپارچگی قومی و یگانگی ملی در ستیز قرار گرفته و مستلزم ارائه راه‌حلهایی به کمک خط‌مشی‌های مکانی متناسب است. بنابراین مهاجرت، فرآیند پیچیده‌ای است که مسایل خاص خود را دارد و این امر، راه‌های ویژه‌ای را متناسب با وضعیت هر کشور ایجاد می‌کند. این راه‌حلها بر پایه شناخت کامل واقعیت‌ها، تجزیه و تحلیل خط‌مشی‌ها، و ارزشیابی سیاستهای انتخابی صورت گیرد. نیاز مبرم این است که برای توسعه خط‌مشی‌ها، معیارهای مشخصی تدوین شود. زیرا این معیارها هستند که می‌توانند جهت و حجم جریانهای مهاجرت را با توجه به دستیابی به منابع مثبت و مطلوب تحت تاثیر قرار دهند، و نیز می‌توان به کمک آنها، از پیامدهای منفی و نابرابری‌های اجتماعی ناشی از توزیع ناسامان جمعیت را به حداقل رسانید (جواهری پور ۱۳۸۱: ۳۷).

مدل مفهومی پژوهش

چارچوب نظری یک الگوی مفهومی است مبتنی بر روابط تئوریک میان شماری از عواملی که در مورد مسأله مورد پژوهش با اهمیت تشخیص داده شده‌اند. این نظریه با بررسی سوابق پژوهشی در قلمرو مسأله به گونه‌ای منطقی جریان پیدا می‌کند.

در این پژوهش به منظور سنجش مولفه‌های عمده تاثیر گذار در مهاجرت، از مدل ترکیبی اورت لی و مایکل تودارو بهره‌گیری شد.

الگوی اندازه گیری میزان مهاجرت (مدل تلفیقی اورت لی و مایکل تودارو)



اهداف پژوهش

هدف کلی: تعیین عوامل عمده مهاجرت در کشور

اهداف ویژه پژوهش:

- ۱- شناسایی عوامل موثر در مهاجرت به کلانشهر تهران.
- ۲- تعیین سطح اثرگذاری هر یک از مولفه ها در مهاجرت به شهر تهران.
- ۳- رتبه بندی میزان تاثیر هر یک از مولفه ها.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر اجراء توصیفی (همبستگی) است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل کلیه اساتید، متخصصان و مدیران در حوزه مدیریت، علوم اجتماعی و فرهنگی می باشند. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شد و تعداد ۱۵۰ پرسشنامه در میان نمونه مورد پژوهش توزیع شد که در این میان ۱۳۱ پرسشنامه بصورت کامل تکمیل و به پژوهشگر عودت داده شد.

ابزار اندازه گیری

ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه بصورت پرسشنامه ای بوده است. پرسشنامه مذکور در دو بخش الف) مشخصات فردی و ب) گویه ها با ۴۰ گویه می باشد.

سوالات پژوهش

- ۱) آیا عوامل اقتصادی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است؟
- ۲) آیا عوامل اجتماعی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است؟
- ۳) آیا عوامل فرهنگی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است؟
- ۴) آیا عوامل سیاسی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است؟
- ۵) آیا عوامل اقتصادی شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است؟
- ۶) آیا عوامل اجتماعی شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است؟
- ۷) آیا عوامل فرهنگی شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است؟
- ۸) آیا عوامل سیاسی شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است؟

فرضیات پژوهش

- ۱) عوامل اقتصادی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.
- ۲) عوامل اجتماعی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.
- ۳) عوامل فرهنگی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.
- ۴) عوامل سیاسی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.
- ۵) عوامل اقتصادی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.
- ۶) عوامل اجتماعی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.
- ۷) عوامل فرهنگی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.
- ۸) عوامل سیاسی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.

آزمون فرضها

جنس

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	7	5.3	5.3	5.3
مرد	65	49.6	49.6	55.0
زن	59	45.0	45.0	100.0
جمع	131	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۶۵ نفر معادل ۴۹.۶ درصد مرد و ۵۹ نفر معادل ۴۵ درصد زن و ۷ نفر معادل ۵.۳ درصد بدون پاسخ می باشند.

سن

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	4	3.1	3.1	3.1
20-25	8	6.1	6.1	9.2
26-34	59	45.0	45.0	54.2
35-40	50	38.2	38.2	92.4
۴۱ سال به بالا	10	7.6	7.6	100.0
جمع	131	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۸ نفر معادل ۶.۱ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۵ سال ، ۵۹ نفر معادل ۴۵ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۴ سال، ۵۰ نفر معادل ۳۸.۲ درصد در گروه سنی ۳۸-۴۰ سال قرار دارند و ۱۰ نفر معادل ۷.۶ درصد در گروه سنی بالاتر از ۴۱ سال و ۴ نفر معادل ۳.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.

تاهل

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	4	3.1	3.1	3.1
مجرد	55	42.0	42.0	45.0
متاهل	72	55.0	55.0	100.0
جمع	131	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۵۵ نفر معادل ۴۲ درصد مجرد و ۷۲ نفر معادل ۵۵ درصد متاهل و ۴ نفر معادل ۳.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.

تحصیلات

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	8	6.1	6.1	6.1
کارشناسی	46	35.1	35.1	41.2
کارشناسی ارشد	46	35.1	35.1	76.3
دکتری	31	23.7	23.7	100.0
جمع	131	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۴۶ نفر معادل ۳۵.۱ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۴۶ نفر معادل ۳۵.۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۱ نفر معادل ۲۳.۷ درصد دارای مدرک دکتری و ۸ نفر معادل ۶.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.

(۱) عوامل اقتصادی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۱	131	8.2137	1.38123	.12068		
Test Value = 12						
					95% Confidence Interval of the Difference	
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
فرض ۱	-31.375	130	.000	-3.78626	-4.0250	-3.5475

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-۳۱.۳۷۵) با درجه آزادی (۱۳۰) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که عوامل اقتصادی مبدا نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

۲) عوامل اجتماعی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۲	131	8.6641	2.09619	.18314		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۲	-18.214	130	.000	-3.33588	-3.6982	-2.9735

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (۱۸.۲۱۴-) با درجه آزادی (۱۳۰) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که عوامل اجتماعی مبدا نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

۲) عوامل فرهنگی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۳	131	8.3359	1.55717	.13605		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۳	-26.932	130	.000	-3.66412	-3.9333	-3.3950

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (۲۶.۹۳۲-) با درجه آزادی (۱۳۰) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که عوامل فرهنگی مبدا نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

۴) عوامل سیاسی مبدا در گسترش مهاجرت به شهر تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۴	131	8.3130	2.28737	.19985		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۴	-18.449	130	.000	-3.68702	-4.0824	-3.2916

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-18.449) با درجه آزادی (130) و سطح معنی داری (0.000) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان 99 درصد می توان قضاوت کرد که عوامل سیاسی مبدا نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

۵) عوامل اقتصادی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۵	131	7.8931	1.98553	.17348		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۵	-23.674	130	.000	-4.10687	-4.4501	-3.7637

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-23.674) با درجه آزادی (130) و سطح معنی داری (0.000) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان 99 درصد می توان قضاوت کرد که عوامل اقتصادی مقصد نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

۶) عوامل اجتماعی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۶	131	8.3817	2.04735	.17888		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۶	-20.228	130	.000	-3.61832	-3.9722	-3.2644

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (۲۰.۲۲۸-) با درجه آزادی (۱۳۰) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که عوامل اجتماعی مقصد نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

۷) عوامل فرهنگی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۷	131	8.4427	2.48738	.21732		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۷	-16.368	130	.000	-3.55725	-3.9872	-3.1273

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (۱۶.۳۶۸-) با درجه آزادی (۱۳۰) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که عوامل فرهنگی مقصد نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

۸) عوامل سیاسی در شهر تهران در گسترش مهاجرت به تهران تاثیرگذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۸	131	8.9313	2.31779	.20251		
Test Value = 12						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۸	-15.154	130	.000	-3.06870	-3.4693	-2.6681

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-۱۵.۱۵۴) با درجه آزادی (۱۳۰) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که عوامل سیاسی مقصد نقش مهمی در مهاجرت به شهر تهران دارد.

آزمون کندال جهت تعیین رتبه مولفه ها

رتبه مولفه	میانگین رتبه ها	عنوان مولفه	رتبه مولفه
فرض ۱	۵/۳۱	عوامل اقتصادی مبدا	۲
فرض ۲	۴/۵۵	عوامل اجتماعی مبدا	۴
فرض ۳	۴/۳۷	عوامل فرهنگی مبدا	۶
فرض ۴	۳/۳۷	عوامل سیاسی مبدا	۷
فرض ۵	۵/۹۷	عوامل اقتصادی شهر تهران	۱
فرض ۶	73/4	عوامل اجتماعی شهر تهران	۳
فرض ۷	40/4	عوامل فرهنگی شهر تهران	۵
فرض ۸	۳/۲۴	عوامل سیاسی شهر تهران	۸

خلاصه و نتیجه گیری

مهاجرت در ایران به طور کلی به عنوان نیروی مازاد از مناطق سرریز جمعیت به مناطق نیازمند به نیروی انسانی نیست. بلکه به عنوان مهاجرتی تلقی می‌شود که بر اثر اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون کشاورزی و بیکار شدن روستائیان، جذب صنایع و مشاغل به وجود آمده در شهرها خواهند شد. وقتی که هزاران نفر روستایی در ایران به طرف شهرها سرازیر شوند، بدون اینکه هیچ‌گونه برنامه‌ریزی اصولی و هماهنگ برای جذب و استقبال آنان صورت گرفته باشد، بدون شک نتایج و اثرات مخربی را به بار خواهند آورد.

بطور کلی نتایج حاصل از اجرای تحقیق عبارتند از:

- از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۶۵ نفر معادل ۴۹.۶ درصد مرد و ۵۹ نفر معادل ۴۵ درصد زن و ۷ نفر معادل ۵.۳ درصد بدون پاسخ می باشند.
- از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۸ نفر معادل ۶.۱ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۵ سال، ۵۹ نفر معادل ۴۵ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۴ سال، ۵۰ نفر معادل ۳۸.۲ درصد در گروه سنی ۳۸-۴۰ سال قرار دارند و ۱۰ نفر معادل ۷.۶ درصد در گروه سنی بالاتر از ۴۱ سال و ۴ نفر معادل ۳.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.
- از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۵۵ نفر معادل ۴۲ درصد مجرد و ۷۲ نفر معادل ۵۵ درصد متأهل و ۴ نفر معادل ۳.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.
- از مجموع ۱۳۱ نفر نمونه مورد پژوهش ۴۶ نفر معادل ۳۵.۱ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۴۶ نفر معادل ۳۵.۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۱ نفر معادل ۲۳.۷ درصد دارای مدرک دکتری و ۸ نفر معادل ۶.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل اقتصادی شهر تهران در جایگاه نخست عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل اقتصادی مبدا در جایگاه دوم عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل اجتماعی شهر تهران در جایگاه سوم عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل اجتماعی مبدا در جایگاه چهارم عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل فرهنگی شهر تهران در جایگاه پنجم عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل فرهنگی مبدا در جایگاه ششم عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.

- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل سیاسی مبدا در جایگاه هفتم عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل سیاسی شهر تهران در جایگاه هشتم عوامل تاثیر گذار در مهاجرت به کلانشهر تهران قرار دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل اقتصادی شهر تهران تاثیر بیشتری نسبت به عوامل اقتصادی مبدا در گسترش مهاجرت نقش دارد.
- بر اساس ارزیابی حاصل از نتایج آزمون فرضیات تحقیق عوامل اجتماعی شهر تهران تاثیر بیشتری نسبت به عوامل اجتماعی مبدا در گسترش مهاجرت نقش دارد.

منابع و ماخذ

- ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۰، مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن؛ نمونه: استان سیستان و بلوچستان، نشریه تحقیقات جغرافیایی بهار .
- اوپرای، آس، ۱۳۷۰، مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی
- پیران، پرویز، ۱۳۷۰-۱۳۶۹، دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۲-۴۲
- تودارو، مایکل، ۱۳۶۷، مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی، تهران، دفتر بین‌المللی کار، چاپ اول.
- سیلانیان طوسی، علی، ۱۳۸۰، بررسی پدیده مهاجرت و اثرات آن بر زندگی اجتماعی و اقتصادی شهر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- جواهری پور، مهرداد، ۱۳۸۱، چالش جهانی فقر شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- ۴۸-زنجانی، حبیب اله، ۱۳۷۰، جمعیت و شهرنشینی در ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- زنجانی، حبیب اله، ۱۳۷۱، جمعیت و توسعه، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زنجانی، حبیب‌اله، ۱۳۸۰، مهاجرت، تهران، انتشارات سمت.
- زمیلم، جورج، ۱۳۸۵، کلانشهر و حیات ذهنی، مترجم: ناصرالدین غراب، مجله مدیریت شهری، شماره ۱۸.
- صرافى، مظفر، ۱۳۸۱، مهاجرت داخلی و مسأله مدیریت شهری؛ با تأکید بر شرایط ایران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۱۰.

- عظیمی، ناصر، ۱۳۸۱، مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت، نشریه مدیریت شهری، شماره ۱۰.
- کلانتری، صمد، ۱۳۸۲، کلیات جمعیت‌شناسی، تهران، نشر هور و سلمان.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ سوم
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، ۱۳۶۸، نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید.
- نورائی، مهرداد، ۱۳۷۶، پویایی پدیده هویت در مهاجرت و حاشیه‌نشینی، نشریه فرهنگ، شماره ۲۲ و ۲۳.
- هادیزاده بزاز، مریم، ۱۳۸۴، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات آذربرزین، چاپ دوم.
- هدایتی، محمود و منصور، محمود (۱۳۵۷) علل مهاجرت‌های داخلی در تهران و حاشیه‌نشینی در تهران، طرح پژوهشی دانشگاه تهران.



متدولوژی استقرار شهر الکترونیک ضرورتی در ایجاد شهرداری الکترونیک

مهرداد سرفرازی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لارستان
(نویسنده و مسئول مکاتبات)

دکتر غلامرضا معمارزاده

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

امروزه نگاه صحیح و راهبردی به حمل و نقل به عنوان فعالیتی اقتصادی، به ضرورتی درخور توجه تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که مشخصات حمل و نقل و سیاست‌های مرتبط با آن، یکی از ارکان رشد حجم ترافیک است.

در این نوشتار، پس از آشنایی با تعاریف حمل و نقل و سیر تاریخی آن، انواع وسایل نقلیه موتوری، چگونگی استفاده از آنها، ترافیک و ریشه‌ها، و منشأ و مضرات این معضل در شهرهای ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به سیستم‌های حمل و نقل عمومی و سیاست‌های راهبردی و مزایای آن نگاهی اجمالی انداخته، به تعریف شهر پایدار، توسعه پایدار شهری و ابعاد مختلف آن از منظری نو پرداخته شده است. همچنین با نگاهی به هر یک از وسایل حمل و نقل انبوه مسافر - اعم از اتوبوس، قطار، مترو، مونوریل و تراموا - تلاش شده است نکات مثبت و معایب هر یک به اجمال بررسی و سیستم‌های نوین حمل و نقل روز دنیا مورد کنکاش قرار گیرند.

مقدمه

توسعه شهرنشینی و نیازهای اجتماعی و به دنبال آن بالا رفتن تقاضای شهروندان و افزایش روزافزون این نیازها دولت و دولتمردان حکومت را به این فکر وادار می سازد که این رابطه و نیازهای روزمره و اجتماعی را به نحوی ساده و با استفاده از امکانات موجود به شهروندان ارائه کنند تا از این طریق مشکلات موجود هم برای شهروندان و هم برای نظام ارائه دهنده این خدمات به حداقل ممکن خود برسد لذا با توجه به عصری که در آن زندگی می کنیم (عصر ارتباطات) فنآوری اطلاعات و ارتباطات بهترین راه کار ابزار برای ارائه این خدمات در سطح گسترده و فراگیر می باشد. در این راه می توان به ظهور شهرداری الکترونیکی، شهر الکترونیکی و ... اشاره کرد.

در شهر الکترونیکی رمز و راز زندگی هم برای شهروندان تغییر یافته و رنگ شهروند الکترونیک را به خود گرفته است و در حقیقت شهروندان این شهر خود را آماده می سازند تا با استفاده از ابزار فناوری برای زندگی در آن آماده شوند در یک شهر الکترونیک تمامی ارتباطات و فعالیت های اقتصادی، تجاری، فرهنگی و بهداشتی بخش های خصوصی و دولتی در فضای وب و به صورت الکترونیکی انجام می شود. رزرو هتل ها، فروش بلیط های مسافرتی و پرداخت قبوض در این شهرها به صورت الکترونیکی صورت می گیرد و مهمترین مزیت این طرح صرفه جویی در وقت و هزینه است. پس شهر الکترونیکی عبارت است از امکان دسترسی الکترونیکی شهروندان به کلیه خدمات و سرویس های بر خط ادارات، سازمانها و اماکن درون شهری و دستیابی به اطلاعات مختلف مورد نیاز به صورت شبانه روزی و هفت روز هفته به شیوه ای باثبات، قابل اطمینان و امن و محرمانه. ایجاد شهر الکترونیکی تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زیادی در شهر و برای شهروندان به دنبال خواهد داشت دولت به عنوان ارائه دهنده خدمات نوین به حساب می آید.

لذا از آن جایی که شهرداری ها قسمت عمده ای از فعالیت سازمان ها را در شهرها عهده دار و در هر نوع برنامه ریزی و تصمیم گیری مدیریت شهری سهم عمده ای را دارا هستند می توانند کانون راه رسیدن به شهر الکترونیکی باشند در بیان مفهومی می توان اینگونه تعریف نمود که شهرداری الکترونیکی، سازمانی است که با بهره گیری از فن آوری اطلاعات و ارتباطات خدمات خود را در حوزه ی وظایف شهرداری به صورت سریع، قابل دسترسی و امن به شهروندان ارائه می دهد. طرف از بهرداری الکترونیکی اجرای سیستم های مبتنی بر دانش فن آوری اطلاعات و با اصول الکترونیکی است که با اجرای این سیستم ها همه شهروندان بتوانند با دسترسی سریع و آسان از طریق شبکه های کامپیوتری اطلاعات مورد نیاز را دریافت کرده درخواست های خود را مطرح کرده و درخواست را تا رسیدن به پاسخ پیگیری نمایند و در نهایت پاسخ مناسبی برای درخواست خود دریافت دارند. روندی که ضمن دقت و سرعت بالا،

بهره‌وری در سیستم‌های مدیریت شهری را بالا برده برده و امکان استفاده بهینه از دقت و نیروی انسانی را میسر می‌سازند تا فرایند کارآمد برای پیشرفت جامعه ایجاد گردد.

شهر الکترونیک: تعریف مفهومی

شهر الکترونیک یکی از خاستگاه‌های مدیران شهری و شهروندان در عرضه کردن و مورد استفاده قرار دادن خدمات شهری است. شهر الکترونیک عبارت از شهری است که اداره امور شهروندان شامل خدمات و سرویس‌های دولتی و سازمان‌های بخش خصوصی به صورت برخط (online) و به طور شبانه‌روزی، در هفت روز هفته با کیفیت و ضریب ایمنی بالا با استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن انجام می‌شود. یا به عبارت دیگر می‌توان گفت در شهر الکترونیکی تمام خدمات مورد نیاز ساکنان از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی تأمین می‌شود.

به این ترتیب دیگر نیازی به حرکت فیزیکی شهروندان برای دسترسی به خدمات دولت و نهادهای خصوصی نیست.

در این شهر الکترونیکی ادارات دیجیتالی جایگزین ادارات فیزیکی می‌شوند و سازمانها و دستگاه‌هایی همچون شهرداری، حمل و نقل عمومی، سازمان آب منطقه‌ای و ... بیشتر خدمات خود را به صورت مجازی یا با استفاده از امکاناتی که ITC در اختیار آنان قرار می‌دهد به مشترکین و مشتریان خود ارائه می‌دهند. در شهر الکترونیک علاوه بر اینکه شهروندان در شهر مجازی و در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های الکترونیک حرکت می‌کنند قادرند خدمات جاری خود را همچون خریدهای روزمره از طریق شبکه انجام دهند. البته باید به این نکته توجه کرد که شهر الکترونیک یک شهر واقعی است که دارای شهروند، اداره‌ها و سازمانهای مختلف و ... است که در آن فقط ارتباطات و برخی تعامل‌های اجتماعی و تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای روزمره از طریق اینترنت صورت می‌گیرد. می‌توان بیشترین ویژگی‌های این شبکه اطلاع‌رسانی را در شبکه حمل و نقل شهری و اطلاع‌رسانی در مورد حوادث غیرمترقبه جست و جو کرد که در زمان بروز حوادث غیرمترقبه با توسل به این سیستم می‌توان در کمترین زمان بحران پیش آمده را در منطقه مدیریت کرد. رویکرد جهانی طی ۲۰ سال گذشته به سمت اطلاعاتی شدن جوامع بوده و امروزه جامعه‌ای پیشرفته‌تر است که به لحاظ اطلاعاتی سرعت و قابلیت بیشتری در تولید و تبادل اطلاعات داشته باشند. با توجه به تکنولوژی‌های جدید که پیچیدگی زندگی اجتماعی را به دنبال دارند، نیازمند تسهیل امور مختلف زندگی هستیم و بدون توجه به فناوری بسیاری از امور، زندگی قابل عمل، پیگیری و اجرا نیست. در حال حاضر تکنولوژی اطلاعات این امکان را به فرد داده و کمک می‌کند تا سریع به اهداف خود دست یابند. ایجاد شهر الکترونیک و قدم گذاشتن در مرحله تکنولوژی IT نیز یک فرصت انکارناپذیر است. این شهر عاملی در جهت ایجاد سازمانهای شیشه‌ای است به گونه‌ای که تمام کارکردها و هدف‌های سازمان به طور شفاف قابل مشاهده باشد. شهر الکترونیک دسترسی الکترونیکی

شهروندان به شهرداری، ادارات دولتی، بنگاه های اقتصادی و کلیه خدمات فرهنگی و بهداشتی شهری به صورت شبانه روزی را قابل اطمینان و امن می کند. این شهر از بستر پیشرفت اطلاعات مخابراتی برخوردار است، به صورتی که می توان از طریق کامپیوتر با خانه ها، مدارس، ادارات و غیره ارتباط برقرار کرد. البته شهر الکترونیک یک اختراع و یا یک پیشنهاد نوآورانه نیست بلکه واقعیتی است که بر اساس نیاز جای خود را باز می کند. اگر امروز چشم خود را بر نیازها ببندیم فردا باید با پرداخت هزینه بیشتر قدم در اجرای آن بگذاریم. (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۷)

ضرورت ایجاد شهر الکترونیک

ازدحام و تراکم جمعیت های بزرگ و تفاوت جمعیت شب و روز در شهرهایی مثل تهران، همراه با آلودگی گسترده نور، صدا، هوا و فضا و مسئله ترافیک و زمان، منشاء یافتن چاره ای برای کاهش آلام ناشی از زندگی در اینگونه شهرها شده است. مهمترین مسأله در این شهرها حرکت جمعیت است. حرکت جمعیت اعم از حرکت با وسیله نقلیه و یا ازدحام جمعیت در مراکز فروش و خدمات اداری و رفاهی شهر، علت اصلی بسیاری از "مسائل شهری" اعم از مسائل انسانی شهری و یا حوادث و سوانح شهری در شهرهای بزرگ می باشد. با ظهور صنعت همزمان ارتباطات، کامپیوتر و بدنبال آن ارتباطات شبکه ای در قالب اینترنت فضای جدیدی برای شهر بوجود آمد که از آن تعبیر به "شهر مجازی" می شود. ظهور شهر مجازی موجب کاهش "حرکت جمعیت" در شهر واقعی می شود. در واقع دو فضائی شدن شهر در فضای واقعی و فضای مجازی، نوعی "مدیریت کنترل حرکت جمعیت شهری" محسوب می شود که تلاش می کند با عقلانی کردن روند حرکت جمعیت شهر آرامتر، کم هزینه تر و برخوردار از امنیت شهری و امنیت روانی شهروندان را فراهم کند. در شهر مجازی، خدمات اطلاعاتی بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی انجام می شود. مفهوم شهر و دولت مقید به ساعت کار اداری، تبدیل به شهر و دولت ۲۴ ساعته در هفت روز هفته می شود و شهروندان در همه ساعات و دقایق روز امکان بهره مندی از خدمات دولتی و شهری را خواهند داشت. در این فضای جدید دیگر مفهوم بازکردن و بستن دروازه شهر و یا تقسیمات شهری بر اساس میدان، خیابان و کوچه و یا اساساً معماری مبتنی بر مکان محوری به پایان می رسد، بلکه معماری فضای مجازی مبتنی بر تغییر تکنولوژیکی زمان و مکان است و ساخت های قابل دسترسی همزمان برای همگان است.

در حال حاضر تکنولوژی اطلاعات این امکان را به افراد داده و کمک می کند تا سریع تر به اهداف خود دست یابند. ایجاد شهر الکترونیک و قدم گذاشتن در مرحله تکنولوژی IT نیز یک فرصت انکارناپذیر است. این شهر عاملی در جهت ایجاد سازمان های شیشه ای است به گونه ای که تمام کارکردها و هدف های سازمان به طور شفاف قابل مشاهده باشد. شهر الکترونیک، دسترسی الکترونیک شهروندان به شهرداری، ادارات دولتی، بنگاه های اقتصادی و کلیه خدمات

فرهنگی و بهداشتی شهری به صورت شبانه روزی را قابل اطمینان و امن می کند. این شهر از بستر پیشرفته اطلاعات مخابراتی برخوردار است، به صورتی که می توان از طریق کامپیوتر با خانه ها، مدارس، ادارات و غیره ارتباط برقرار کرد. (صفری، کنعانی، ۱۳۸۶، ص ۷)

فعالیت ها و مزایای ایجاد شهر الکترونیک

ایجاد شهرهای الکترونیکی مزایای زیادی را به همراه دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- مزایای اقتصادی: از مزایای اقتصادی پیاده سازی طرح شهر الکترونیکی می توان به کاهش هزینه های تردد شهری، افزایش سرمایه گذاری در نتیجه گسترش ارتباطات جهانی، صرفه جویی در مصرف سوخت های محدود، تسهیل انجام امور اقتصادی به خاطر ۲۴ ساعته بودن ارائه خدمات و ... اشاره کرد. کاهش زمان اتلاف شده شهروندان در ترافیک، عرضه بهتر خدمات، توزیع عادلانه تر امکانات، کاهش آلودگی محیط زیست، افزایش اشتغال و بهبود مدیریت پایدار شهری از ویژگی های اجتماعی شهر الکترونیکی است.

- مزایای اجتماعی و فرهنگی: مهم ترین اثرات فرهنگی این شهر نیز شامل اطلاع رسانی سریع، انتشار نشریات الکترونیکی برای شهروندان، آموزش مجازی، ایجاد کتابخانه دیجیتالی، افزایش سواد و ایجاد نوعی جهان نگری است که به افزایش رفاه و ارتقای فرهنگ کمک می کند. در واقع در شهر الکترونیکی دیگر به شهر به مثابه کالبدی که ساختمان های بلند، خیابان های پرترافیک و آلودگی های زیست محیطی را در برمی گیرد نیست، بلکه شهری است که در آن تعامل میان شهروندان و مسئولان اهمیت بیشتری می یابد و این تعاملات دو سویه است که محیط اجتماعی مطلوبی را برای شهروندان ایجاد می کند. این موضوع به ویژه در مورد کلان شهرها اهمیت دارد. در شهر الکترونیک، کلان شهرها شهرهایی نیستند با آسمان خراش های بزرگ، سینماهای عظیم، سالن های بزرگ به عنوان محل هایی برای تعامل و ... بلکه شهرهایی هستند که با زندگی در آنها می توان فیلم های بزرگ را در صفحات کوچک دید، پشت میز خود در موزه ها گردش کرد و به طور کلی دیگر نیازی به چارچوب شهری گذشته نیست. در واقع شهر الکترونیک به معنای شهروند سالاری در مدیریت شهری است.

مزایای عمده ای که ایجاد شهر الکترونیک، بدنبال دارد می توان بصورت زیر نیز فهرست

نمود: (Georgeand Budithimedhee, 2002)

۱. فراهم آوردن خدمات اینترنتی با کیفیت و سرعت بالا برای شهروندان (بوجود آوردن

زیر ساختاری مناسب جهت اتصال به اینترنت و شبکه جهانی)

۲. بهبود کیفیت زندگی مردم با تسهیل فعالیتهای شهری و بهبود اوضاع اقتصادی شهر که نتیجه بهبود و امور در سطح شهر می باشد و همچنین افزایش آگاهی مردم از فرایند شهری و همچنین امکانات شهر.

۳. یک مرحله ای کردن ارائه خدمات به شهروندان با تعریف مناسب ارتباطات شهری توسط فن آوری اطلاعات و همچنین الکترونیکی کردن آنها، در نتیجه دیگر نیازی به مراجعه های پی در پی به ادارات و سازمانهای مختلف جهت نخواهد داشت. (صفری، کنعانی، ۱۳۸۶، ص ۸).

مکان در شهر واقعی و در شهر الکترونیک

زندگی در شهر واقعی با پدیده های کاملاً برجسته و مشخص مواجه می باشد و از اجزاء محسوس و طبیعی مثل مردم، حیوانات، گلها و گیاهان، درختان، سنگها، ابر، باران و خورشید و تغییر فصول و عناصر طبیعی - صنعتی مثل ساختمانها، خیابانها و میداين و کارخانه ها برخوردار است. بقول نوربرگ - شولز (۱۹۷۶) (Norberg - Schulz) علاوه بر این امور محسوس که در ظرف مکان شهر بصورت مشخص دیده می شود، امور نامحسوسی نیز هست که از آن تعبیر به "احساس" می شود. این مجموعه به "مکان" در شهر واقعی معنا می بخشد. خصیصه مشترک همه آنها "بدن داشتن"، حجم داشتن و محسوس بودن است. از طرفی باید توجه داشت که یکی از جنبه های مهم زندگی در شهر واقعی و جهان واقعی، جنبه دیداری زندگی روزمره است که ناشی از حسی بودن و با بدن بودن مکان می باشد. خیس شدن در باران، دیدن انواع متنوعی از چهره های مردم در حال حرکت، کنش و واکنش های روزمره مردم، نور آفتاب و هوای تاریک و صدها نمونه دیگر حوزه گسترده "قابل رویت شهرها" (Visible Cities) را به نمایش می گذارد (دونات، ۲۰۰۴:۴۰) (Donath).

با خصیصه های مشابه در "نمایش"، ولی متفاوت در ماهیت، مکان در شهر الکترونیک خودنمایی می کند. در فضای مجازی مکان از یک حیثیت کاملاً قرار دادی، تعریف شده، صنعتی و ساختگی و بی بدن برخوردار است. در شهر الکترونیک نیز جغرافیای مکان و حتی امکان دسترسی به آن، اگر چه "قابلیت جهانی" دارد ولی قابل محدود شدن به فضای خاص و کاربران خاص با خصیصه های مرتبط به جغرافیای خاص می تواند، تعریف شود. تلاش گسترده ای که برای شبیه سازی فضا و مکان در شهر الکترونیک با شهر واقعی می شود، اولاً مفهوم فضای مکان دار را تحقق می بخشد بگونه ای که حتی در طراحی فضاها به جنبه های "دورنمایانه تصاویر" (ایکوچی و همکاران، ۲۰۰۴) (Ikeuchi et al) و معماری شهر و حتی پردازش نور و طبیعی کردن گردش شب و روز در فضای مجازی توجه می کند (فوکودا و همکاران، ۲۰۰۳) (Fukuda et al). صنعت گرافیک کامپیوتری (کاد) و برنامه های طراحی همکاری های مجازی، تلاش می کند جنبه های دیداری و حسی را در فضای شهر الکترونیک تقویت کند، تا فرد از "احساس غیرواقعی" بودن کمتری برخوردار شود. البته در کنار تلاشی که

برای شبیه سازی واقعی جهان مجازی با جهان واقعی می شود، نگرش هایی وجود دارد که روند دیزاینلندی شدن این فضا را نیز دنبال می کند. دیزاینلندی شدن^۲ فضای شهری، نگرش مقابل واقعی سازی می باشد ولی به نظر می رسد هر دوی اینها جنبه از واقعیت های زندگی ما می باشد (واکاباشی، ۲۰۰۲) (Wakabayashi).

به نظر می رسد مهمترین متولی اجرایی برای تأسیس شهرهای الکترونیک در کلان شهرها، شهرداری هایی می باشند، که به جای سرمایه گذاری میلیاردی روی صنعت حمل و نقل، نیازمند اعمال "مدیریت کنترل حرکت جمعیت" هستند. مثلاً در شهر تهران از طریق مجازی نمودن روندهای انجام امور شهری بسیار از معضلات ناشی از حرکت وسیع جمعیت حل می شود. بر اساس بعضی از برآوردها نزدیک به سه میلیون و یا بر اساس شمارش ماشین ها حدود ۷۰۰ هزار نفر تفاوت جمعیت روز و شب تهران می باشد که با الکترونیک شده شهر به صورت قابل توجهی این تفاوت کاهش می یابد و حرکت بین شهری جمعیت تهران را نیز کنترل می کند. (Wakabayashi, 2002).

اجرای شهر الکترونیک

اصولاً چهار مرحله برای اجرایی کردن الگو شهر یا شهرداری الکترونیک توصیه می شود. در مرحله اول که مرحله پیدایش نامیده می شود، لازم است سند راهبردی بر مبنای مطالعات میدانی از امکانات و پتانسیل های موجود تهیه شود. در این زمینه استفاده از تجربیات جهانی نیز مؤثر خواهد بود. توسعه زیر ساخت ها و آموزش به کارکنان ادارات یا سازمانهای وابسته به شهرداری صورت می گیرد. در مرحله دوم که مرحله ارتقاء نام دارد، شهرداری یا شهر الکترونیکی فعالیت خود را با ارائه ابتدایی ترین خدمات بر روی شبکه اینترنت از طریق وب سایت های طراحی شده آغاز می کند. در مرحله بعد، مرحله تعامل، فعالیت هایی برای آموزش به کاربران و شهروندان شهر الکترونیک انجام می شود و در مجموعه تعاملی دو سویه میان مدیران شهری و شهروندان از طریق وب سایت ها ایجاد خواهد شد. در مرحله یکپارچگی که آخرین حلقه ایجاد شهر الکترونیکی محسوب می شود، دامنه خدمات ارائه شده به شهروندان گسترش می یابد و خدمات متنوع تری عرضه می شود. در اجرای شهر الکترونیکی باید به ارائه سبک زندگی الکترونیک و درخور عصر توجه داشت و باید توجه کرد که سبک زندگی سنتی برای جامعه اطلاعاتی، تضادها و ناهنجاری های خاص را به دنبال خواهد داشت. بنابراین یک الگوی مناسب زندگی با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر و مناسب در جامعه اطلاعاتی، یکی از برنامه های شهرهای الکترونیک است. البته با توجه به اینکه توسعه شهرهای الکترونیک، دستاوردهای بسیاری را برای شهروندان، سازمانهای شهری و دیگر ذی نفعان شهر به همراه دارد، مطمئن هستیم در صورتی که در کشور برنامه ریزی ها بر اساس اولویت های جهانی و واقعیت های موجود جهان که حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی است

انجام شود، اجرای شهر الکترونیک در اولویت قرار می‌گیرد. (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۸).

جهت‌گیری‌های شهرهای الکترونیکی

هر شهری در کشور، با توجه به شرایط حاکم بر آن شهر، از جمله شرایط جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی می‌تواند در نظام حاکم کشوری و یا شهری دخالت داشته باشد. مثلاً شهرهای صنعتی می‌توانند تأثیرات بسزایی در نظام صنعتی کشور داشته باشند.

از این رو در شهرهای الکترونیکی می‌توان جهت‌گیری‌هایی مشخص کرد، جهت‌گیری‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... با استفاده از این جهت‌گیری‌ها می‌توان شاهد گسترش شهر الکترونیکی در زمینه‌های خاصی شد. از جمله فواید این بحث می‌توان به تکمیل بانک اطلاعاتی در جهت‌ها و زمینه‌های مختلف شد. در این گونه شهرهای الکترونیکی مردم به راحتی می‌توانند در این جهت‌گیری شریک شده و شهر با هدف مشخص در ترویج و تکمیل نظام حاکم کشوری به راه خود ادامه دهد.

باید در نظر داشت که شهرهای الکترونیکی فقط با هدف آرایه خدمات شهری و خدمات مورد نیاز شهروندان، ساخته و آرایه نمی‌شوند، بلکه همواره با جهت‌گیری‌های مشخص سعی در بهبود وضعیت کشوری و حاکم دارند. می‌توان به صورت زیر نام برد:

۱) شهر الکترونیکی صنعتی

۲) شهر الکترونیکی فرهنگی

۳) شهر الکترونیکی سیاسی

۴) شهر الکترونیکی اقتصادی و ...

یک شهر الکترونیکی همواره دارای یک اصول و مدل اجرایی واحد و تعریف شده‌ای می‌باشد که این اصول از طرف سازمان و یا متولی این امر مشخص می‌گردد. در کل نیز زمانی که این اصول و مدل‌ها مشخص شدند در تمامی شهرها به طور یکسان اجرا می‌شوند، ولی باید توجه داشت که تمامی شهرها دارای موقعیت‌های یکسان در کشور نمی‌باشند و هر کدام از این شهرها به نحوی در امور کشور دخالت دارند و هر کدام به نحوی برای خود جهت‌گیری خاصی دارند.

پس زمانی که شهری از نظام سنتی به نظام الکترونیکی و مدرن تغییر پیدا می‌کند لازم است که جهت‌گیری خود را حفظ و در عین حال بیش از پیش در تقویت این جهت‌گیری پایبندتر باشد. به عنوان مثال: شهری را در نظر بگیرید که آن شهر را با عنوان شهر صنعتی خطاب می‌کنند دلیل این که این شهر را صنعتی می‌نامند چیست؟ شاید علت در این است که آن شهر به علت غنای موجود در صنعت و نیز تأثیراتش در امورات کشور به این نام شهرت یافته است.

حال اگر چنین شهری به صورت الکترونیک و بر خط به کار خود ادامه دهد، نمی توان خصوصیت صنعتی این شهر را فراموش کرد، لذا این شهر با استفاده از این خصوصیت، جهتگیری داشته و با استفاده از وضعیت موجودش در تقویت امورات کشوری نقش خود را به خوبی ایفا کند.

از این رو نمی توان شهرهای الکترونیکی را بدون جهتگیری آنها در نظر گرفت، زیرا که این امر لازمه ی وجود یک شهر الکترونیکی است.

مثال عملی: اولویت های شهرداری بوستون در پیاده سازی شهر الکترونیک:

۱. امنیت عمومی

۲. تحصیلات

۳. تهیه ی مسکن و خانه سازی

۴. گسترش نیروی کار

۵. توسعه ی اقتصادی

با توجه به این که شهر بوستون از شهرهای جزیره ای و نیز اقتصادی به شمار می آید لذا شهرداری این شهر نیز از این موضوع غافل نبوده چنانچه در اولویتهای پیاده سازی شهر الکترونیکی خود، گسترش نیروی کار و توسعه ی اقتصادی را در نظر گرفته است، که خود نمونه ای از این جهت گیری ها می باشند. (تبریزی مسکین، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

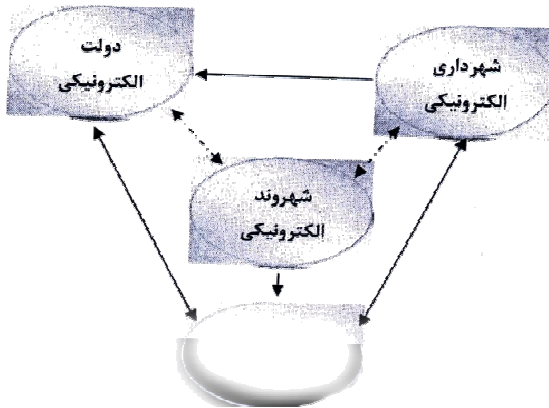
مفهوم شهروند الکترونیک

بر اساس استاندارد، شهروند الکترونیک کسی است که از حداقل دانش لازم درباره مفاهیم پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات برخوردار است. توانایی برقراری ارتباط با اینترنت و ارسال و دریافت پیامهای الکترونیکی از طریق پست الکترونیک را دارد و همچنین اطلاعات، خدمات، کالاها و نرم افزارهای مورد نیاز خود را از طریق اینترنت جستجو می کند. ضمن اینکه چنین فردی باید نسبت به تأمین امنیت شخص و خانواده در برابر آسیب های اینترنتی آگاهی داشته و بتواند امور مختلف زندگی خود را تا حد امکان از طریق شبکه های اینترنتی انجام دهد. شهروند الکترونیک یک نماینده از سوی شهروند واقعی در شهر الکترونیک است که خود اختیاری ندارد، بلکه دستورات شهروند حقیقی را اجرا می کند. هویت شهروند الکترونیک بسیار مهم است و جهت ایجاد یک شهروند الکترونیک می توان یک پرونده برای شهروند ایجاد کرد که در آن اطلاعات مورد نیاز کاربر در اختیار شهرداری الکترونیک قرار می گیرد. ارتباطات مورد نیاز شهروند الکترونیک در شهر الکترونیک در شکل (۲) نشان داده شده است.

به بیانی واضح تر شهروند الکترونیک کسی است که از توانایی لازم برای کار با رایانه برخوردار باشد و بتواند از اینترنت برای انجام سریع تر و مؤثرتر امور روزمره زندگی از قبیل برقراری ارتباط با دیگران، خرید و فروش، تعاملات بانکی، استخدام، مسافرت، تفریح، سرگرمی، درمان و ... استفاده کند. امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان، اغلب شهروندان ویژگی

های یک شهروند الکترونیک را دارند و لزوم چنین تحولی در کشور ما نیز احساس می شود. پیام پنهان در استاندارد شهروند الکترونیکی این است. «به زودی اگر یک شهروند الکترونیک نباشید، اساساً شهروند به حساب نمی آید». بنابراین تمام کسانی که می خواهند در عصر حکمرانی اطلاعات زندگی موفق داشته باشند نیازمند فراگیری مهارت‌های لازم در فناوری اطلاعات هستند. شهرداری الکترونیک امکان دسترسی به پایگاه های داده خدمات شهرداری، به صورت ۲۴ ساعته و هفت روز در هفته را فراهم می آورد. شهرداریهای الکترونیکی بخش وسیعی از خدمات خود را از طریق وب ارائه می کنند و به این ترتیب زمینه ارائه خدمات با کیفیت، سریع و بعضاً کم هزینه ای را از طریق الکترونیکی صرف نظر از محدودیت‌های زمانی و مکانی فراهم می کنند. شهرداری الکترونیکی با اهدافی چون بکارگیری فناوری اطلاعات، وسیله ای جهت ارائه خدمات الکترونیکی به مردم با استفاده از ابزار فناوری اطلاعات در مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه ای از دولت الکترونیکی می باشد. هدف از ایجاد شهرداری الکترونیکی، اجرای سیستمی است که همه شهروندان بتوانند درخواستهای خود را از طریق ابزارهای شهرداری الکترونیک نظیر اینترنت مطرح نموده و روند درخواست را تا رسیدن به پاسخ پیگیری نماید. (Odendaal, 2003).

شکل ۱ - ارتباطات مورد نیاز شهروندان الکترونیک



ماخذ: صفری، کنعانی، ۱۳۸۶، ص ۶

گسترش فناوری اطلاعات و کاربردهای آن در شهرداری می تواند پاسخگوی انتظارات جدید از مجموعه مدیریت باشد، هدف از این گسترش عبارت است از:

۱ - همه خدماتی که انجام آنها در حال حاضر مستلزم مراجعه حضوری است، از طریق شبکه قابل دسترسی و انتقال باشند، به این ترتیب در هر نقطه از جهان که امکان دسترسی به شبکه را داشته باشد می تواند مانند ساختمان فیزیکی شهرداری عمل کند.

۲ - تمامی اطلاعات مربوط به شهر و شهرداری به صورت الکترونیکی ذخیره شود و با صحیح ترین، به روزترین و سریع ترین زمان برای سایر سازمان ها و شهروندان قابل دسترسی باشد. (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۹).

مشکلات و چالشهای موجود در راه ایجاد شهرهای الکترونیکی:

۱. فرهنگ سازی
۲. داشتن متولی
۳. تغییر مدیریت پی در پی
۴. نبود دیتا سنتر به تعداد مناسب با استانداردهای لازم
۵. نبود سند راهبردی مناسب برای هر سازمان و یا بخش
۶. حمایت دولتی و تخصیص نیافتن بودجه مناسب
۷. نبود نظام آموزشی مناسب (از ابتدا تا انتها)
۸. عدم شناخت واقعی و اعتماد لازم به این فن آوری در میان مدیران ارشد کشور
۹. عدم حضور فعال بخش خصوصی
۱۰. نبود زیر ساختار مناسب
۱۱. نبود زیر ساخت حقوقی (قوانین و مقررات)
۱۲. امضای الکترونیکی
۱۳. پول الکترونیکی
۱۴. عدم وجود سلسله مراتب طرح های شهر الکترونیکی
۱۵. شرایط حاکم متفاوت در مناطق مختلف کشور (تبریزی مسکین، ۱۳۸۶، ص ۹)

ارکان شهر الکترونیکی

شهر الکترونیک از ارکان و اجزاء مختلفی تشکیل شده که تعامل آگاهانه آنها، منجر به پدید آمدن یک محیط مجازی برای زندگی الکترونیکی می شود. ارکان مذکور عبارتند از:

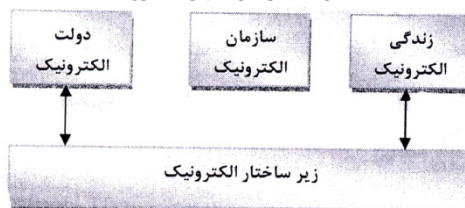
۱. زندگی الکترونیک: توسعه شهرهای الکترونیکی موجب ایجاد سبک جدیدی از زندگی برای مردم و شهروندان الکترونیکی شده است که دارای اجزائی مانند آموزش الکترونیک، تفریح الکترونیک، ارتباطات الکترونیک و تراکنش الکترونیک می باشد.
۲. سازمان الکترونیک: فناوری اطلاعات امکان جهانی شدن را برای شرکت ها و سازمان ها به ارمغان آورده است. در این حوزه می توان به مواردی از جمله تجارت الکترونیک، تدارکات و زنجیره تأمین الکترونیک، سیستم های برنامه ریزی منابع سازمان و مدیریت روابط مشتریان اشاره کرد.
۳. دولت الکترونیک: شامل چهار بعد اساسی دولت و مردم، دولت و بخش خصوصی، دولت و کارمندان و دولت و دیگر بخش های دولت می باشد. دولت الکترونیک، شیوه ای برای

دولتها به منظور استفاده از فناوریهای جدید است که به افراد، تسهیلات لازم برای دسترسی مناسب به اطلاعات و خدمات دولتی، اصلاح کیفیت آنها و ارائه فرصتهای گسترده برای مشارکت در فرایندها و نمادهای مردم سالار می دهد. اصولاً تعریف واحدی درباره دولت الکترونیک وجود ندارد و این مسأله ناشی از ماهیت پویا و متغیر فناوری است. امروزه به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود کارایی و اثر بخشی، شفافیت اطلاعات و مقایسه پذیری مبادلات اطلاعاتی و پولی در درون دولت، بین دولت و سازمانهای تابعه آن، بین دولت و شهروندان و بین دولت و بخش خصوصی دولت الکترونیک اطلاق می شود.

۴. زیر ساختار الکترونیک: زمینه لازم برای توسعه فناوری اطلاعات است. زیر ساختار الکترونیک را می توان به چهار بخش زیر تقسیم نمود: قوانین و مقررات؛ نیروی انسانی؛ فرهنگ و شرایط اجتماعی زیر ساختار فناوری اطلاعات

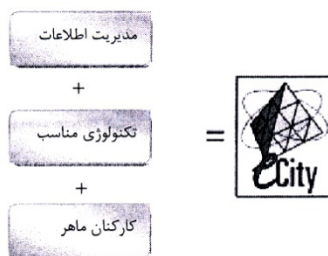
ارتباط بین ارکان مذکور در شکل (۳) نشان داده شده است:

شکل ۲- ارکان شهر الکترونیک



شهرداری شهر تورنتو مدیریت اطلاعات، تکنولوژی پیشرفته و کارکنان ماهر زیرساختهای شهر الکترونیک تورنتو بیان نموده است.

شکل ۳- زیرساختهای شهر الکترونیک تورنتو



مأخذ: صفری، کنعانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵

تعریف مفهومی شهرداری الکترونیک^۲

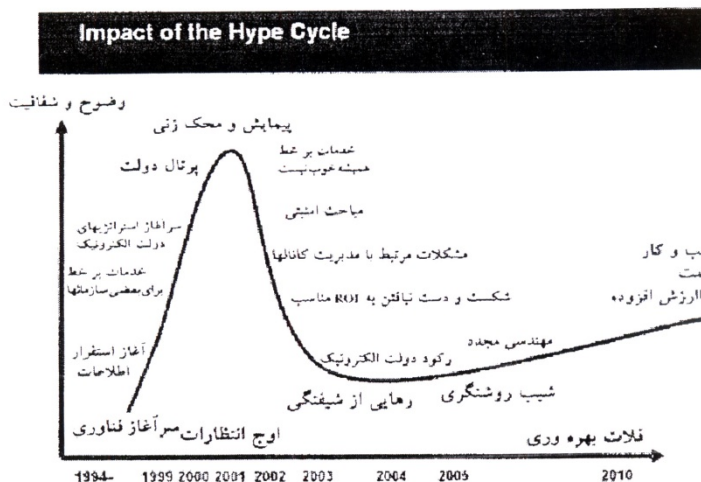
مقوله ی فناوری اطلاعات با گستردگی امروز خود در بین مجامع عصر حاضر جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. از این رو دولت ها و سازمان ها می توانند از طریق شبکه های الکترونیکی با شهروندان، تبادل نظر، اطلاع رسانی و تراکنش داشته در ارائه خدمات مجازی بصورت الکترونیکی اثر بخش عمل نمایند. دولت، در این مقوله، ارائه دهنده خدمات نوین محسوب می شود و در عمل موزون موتور اصلی رشد و توسعه کشورهای پیشرفته از طریق آنها صورت می گیرد. لذا از آنجا که شهرداریها، قسمت عمده ای از فعالیت سازمان ها را در شهرها عهده دار، و در هر نوع برنامه ریزی و تصمیم گیری مدیریت شهری، سهم عمده ای را دارا هستند، می توانند کانون راه رسیدن به شهر الکترونیکی باشند. در بیان مفهومی، می توان اینگونه تعریف نمود که، شهرداری الکترونیکی، سازمانی است که با بهره گیری از فن آوری اطلاعات و ارتباطات، خدمات خود را در حوزه ی وظایف شهرداری به صورت سریع، قابل دسترسی و امن به شهروندان ارائه می دهد. از نظر دیگر، شهرداری ها می آموزند که تحول و استقرار یک سیستم جامع خدمات الکترونیکی، از online کردن خدمات، طراحی مهندسی مجدد سازمان، روندهای شهروند محور و یکپارچگی در میان بخش های مختلف جهت ساده کردن تعامل، کاهش هزینه ها و توسعه خدمات شهری، به طور بهینه عمل نمایند. (سرفرازی و معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۲ و ۱)

چرخه هیجان فناوری اطلاعات در شهرداری الکترونیک (E- municipality)

هنگامی که مفاهیم توسعه پایدار، به عنوان هدف های نهایی حرکت های جذب و به کارگیری فناوری نظام های دولتی مطرح می شود، دسته جدیدی از چالش ها پیش روی استقرار خدمات الکترونیکی در کشورهای مختلف قرار می گیرد که یافتن پاسخی منتهج، از عهده اکثر اندیشمندان با توجه به حرکت های سریع و انفجار گونه عصر مجازی خارج است. به هر صورت این یکی از مهمترین مسائل، در مورد همه سطوح چالش های مطرح مدیریت و راهبردی انتظارات آحاد و اقشار مختلف جامعه است. در کنار هدف های کلان دولت ها و نظام ها در شهرداری الکترونیک، مدیران، انتظارات شهروندان و ذی نفعان، عمده ترین نیروی پیش برنده و انرژی اصلی این حرکت جهان شمول است. عدم شناخت منطبق بر واقع از چالش های فوق، تهدیدی جدی برای امنیت و دوام سیستم ها به شمار می آید و البته با توجه به اینکه هر تهدید جدی در برگیرنده فرصتی بی نظیر نیز است، شناخت واقعی و منطقی این چالش ها فرصتی بی نظیر برای کشورها برای جهش در توسعه ایجاد می کند، به ویژه در مورد فناوری اطلاعات و ارتباطات، درک رفتاری که گارنتر از آن به عنوان چرخه هیجان نام می برد، می تواند تصویری واقعی را پیش روی استراتژی و برنامه ریزی راهبردی کشورها و سازمان ها قرار دهد. چنان که در شکل (۵) ملاحظه می شود، طی دهه گذشته که فناوری ارتباطات و اطلاعات از زمره فناوری های رایج، خارج و به انقلابی عظیم تبدیل شده است، رفتاری هیجانی

و انتظاراتی خارج از واقع نسبت به آن به وجود آمده که تأثیرات جهانی اقتصادی-اجتماعی ناشی از این حرکت هیجانی طی چند سال گذشته با ابعاد گسترده و گاهی مخرب روبه رو بوده است.

شکل ۴- چرخه هیجان فناوری اطلاعات



مأخذ: سرفرازی و معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۲

امروزه با توجه به تجربه های جهانی، ما در شرایطی قرار داریم که پایان توهمان نام گرفته است و پیش بینی می شود که استفاده از تجربه حاصل از زمان پاسخ به خواسته های متورم که منجر به صرف هزینه های چند هزار میلیارد دلاری شده، و تجربه های غنی را در اختیار ما گذاشته است، بتواند ما را در اتخاذ سیاست ها و راهبردها کمک شایانی کند. مانند اغلب فناوریها و پدیده های مربوط به IT، دولت و شهرداری الکترونیک به سوی آنچه گارتتر از آن به منزله «چرخه هیجان» یاد کرده، پیش می رود. این چرخه تحت تأثیر عوامل متعدد، از قبیل تفاوت های جغرافیایی، چشم انداز اقتصادی و شرایط سیاسی است. در نتیجه، یک چرخه ساده هیجان، نمی تواند بازتاب بازارهای جهانی عصر مجازی باشد. با وجود این در اغلب کشورها، شهرداری الکترونیک به «بالاترین سطح انتظارات متورم» رسیده است. پیش بینی گارتر آن بود که در سال ۲۰۰۲، افزایش نامناسب سطوح خدمات و مشکلات مدیریت ارتباطات مردمی از طریق شبکه های متعدد، خدمات الکترونیک را به «پایان توهمان» سوق خواهد داد. برنامه های شهرداری الکترونیک به اشکال برخواهند خورد، پروژه ها قطع خواهند شد، که تمامی این مسائل ناشی از شدت و تداوم رکود اقتصادی است. اشتباه به ارائه online خدمات، با تردید ناشی از فهم ضرورت بازسازی ژرف فعالیت های پشت پیشخوان، جایگزین می شود. اصل، تمرکز بر ماموریت اصلی و مشارکت با شرکای بخش خصوصی و دولتی در ارتباطات پویای مبتنی بر

فناوری، با هدف افزایش ارزش از دیدگاه شهروندان است. (سرفرازی و معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲)

متدولوژی شکل گیری و تکامل شهرداری الکترونیک

شهرداری الکترونیک معمولاً در چهار مرحله پیدایش، ارتقاء تعامل و یکپارچگی بشرح ذیل شکل می گیرند.

مرحله پیدایش: نخستین اقدام لازم جهت ایجاد یک شهرداری الکترونیک، تهیه سند راهبردی بر اساس مطالعات میدانی از امکانات، وضعیت موجود و بررسی تطبیقی اقدامات و تجربیات جهانی در این زمینه است.

مرحله ارتقاء: بسیاری از شهرداری های الکترونیک در جهان کار خود را با ارائه خدمات ابتدایی بر روی وب سایت ها شروع کرده و بروز کردن زیرساخت ها و آموزش کارکنان را در این مرحله انجام داده اند.

مرحله تعامل: در مرحله بعد، وب سایت ها و شبکه ها امکان برقراری ارتباطات دو طرفه را برقرار می سازند و مردم به راحتی می توانند با شهرداری های الکترونیک ارتباط برقرار کنند.

مرحله یکپارچگی: در این مرحله بعضی از خدمات مانند بانک اطلاعات شهری، از طریق اینترنت در اختیار شهروندان قرار می گیرد. در مرحله یکپارچگی، اغلب خدمات توسط وب سایت ها قابل ارائه هستند و شهروندان می توانند با استفاده از شبکه های گسترده محلی و یا از طریق اینترنت به اکثر خدمات شهری دسترسی داشته باشند. این مرحله، زمینه ساز برپایی شهرداری الکترونیک می باشد. اغلب شهرهای برتر الکترونیک در دنیا همچون تورنتو، برلین و بوستون در ابتدای این مرحله هستند. ایجاد سازمان ها و ادارات مجازی و سیستم اجرای کار از راه دور از برنامه های آینده شهرداری های الکترونیک است که با اجرای آنها مراجعه مردم به ادارات دولتی به حداقل رسیده و کارمندان نیز در هر محلی امکان انجام کار اداری خود را خواهند داشت. (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۳).

اعتماد چیست؟

اعتماد عامل تسهیل کننده تعاملات بشری است، اعتماد به افراد امکان انجام تراکنش های تجاری را داده و به حرکت روانتر اقتصاد کمک می کند. از طرف دیگر، عدم اعتماد خود یک حالت ذهنی مفید است که ما را در دوری جستن از سیستم ها یا افراد و سازمانهای غیر قابل اعتماد و ناسالم توانا می سازد. (Geyskens, 1996, Berry, 1995) از اعتماد به عنوان قدرتمندترین ابزار بازاریابی مبتنی بر رابطه یاد می کند. با توجه به مطالعات مشتریان تنها بر پایه و اساس اعتماد تصمیم به خرید اینترنتی می گیرند. از نظر لفظی تعاریف زیادی از اعتماد وجود دارد. بعضی از محققان این تعاریف را متناقض و گیج کننده می دانند، بعضی بر این اعتقادند که تعریف این واژه مشکل بوده، و عده ای نیز ترجیح می دهند که آنرا تعریف نکنند. همه این مشکلات در زمینه تحقیقات تجارت الکترونیک نیز ارائه شده است. چه محققانی که

اعتماد را بصورت تمایل به باور داشتن^۴ [۲۷] تعریف می کنند و چه آنهایی که اعتماد را بصورت باورهایی با در نظر گرفتن ویژگی های مختلف دیگر چون انصاف^۵، خوبی^۶، توانایی^۷، خیرخواهی^۸، صداقت^۹ و قابلیت پیش بینی^{۱۰} در نظر می گیرند با چنین مشکلاتی مواجه هستند. بعضی از محققان اینترنتی، به هر دلیل، بطور مشخص تعریفی از اعتماد ارائه نداده اند. یک تعریف واحد به محققان کمک خواهد کرد تا مدلهایی از تجارت الکترونیکی را ارائه دهند که معنای مشترکی بین محققان و دیگر دست اندرکاران را مورد ارتباط قرار دهند. چرا تعریف واژه "اعتماد" همراه با اشتباه و یا تعریف آن از طرف برخی محققان با بی میلی روبرو بوده است؟ یک دلیل این است که هر رشته اعتماد را از دیدگاه خود مد نظر قرار داده است؛ بطوریکه روانشناسان اعتماد را بصورت یک خصیصه شخصی^{۱۱}، جامعه شناسان آن را بصورت یک ساختار اجتماعی و اقتصاددانان آن را بصورت یک مکانیسم انتخاب اقتصادی^{۱۲} مد نظر قرار داده اند طرفداران یک رشته ممکن است نقطه نظر رشته های دیگر در مورد اعتماد را درک نکرده و آن را مورد تصدیق قرار ندهند، بنابراین تعاریف موجود، بسیار متفاوت بوده و اغلب در طول یک خط بین رشته ای تجمیع می شوند.

Mayer اعتماد را به عنوان تمایل فرد به آسیب پذیر بودن در مقابل عملکرد طرف مقابل، بر اساس این تصور که طرف مقابل، فعالیت مورد انتظار وی را بدون کنترل و نظارت مستقیم انجام خواهد داد، تعریف کرده است. در تعریفی دیگر اعتماد به عنوان اعتقاد و یا انتظار از اینکه گفته و یا تعهدی که فروشنده عنوان می کند، قابل اتکا است و فروشنده از آسیب پذیری خریدار سوء استفاده نخواهد کرد، آورده شده است.

اعتماد و ریسک کاملاً به هم مربوطند و به عبارت دیگر ریسک هسته اعتماد است. با در نظر گرفتن ریسک، اعتماد عبارتست از نمره ای که برای طرف اعتماد کننده، نمایانگر میزان بوجود آمدن طرز تلقی و نگرش مثبت به خوب بودن و مطمئن بودن طرف اعتماد شونده در شرایط تبادل پرریسک است.

اختلاف نظر در تعاریف اعتماد و نیز چندگانگی آن می تواند ناشی از دو دلیل باشد. اول اینکه اعتماد مفهومی انتزاعی بوده؛ و دوم اینکه اعتماد مفهومی چند وجهی بوده و دارای ابعاد حسی و رفتاری می باشد با این حال مراجع مختلفی سعی در تعریف اعتماد داشته اند که گزیده هایی از آن در جدول ۱ ارائه شده است.

پژوهشگران حوزه بازاریابی، اعتماد را به عنوان سازه ای کلیدی در بازاریابی رابطه مند^{۱۳} قلمداد می کنند. این محققان بر این باورند که اعتماد مشتری اثر قابل ملاحظه ای بر وفاداری مشتری^{۱۴} دارد، که این خود می تواند به مثابه تمایل مشتری برای حفظ و تداوم رابطه مستمر با فروشنده تلقی شود. در حوزه بازاریابی، پژوهش های زیادی موجود است که بیان نموده اند: اعتماد بر روی نگرش مشتری مؤثر است.

جدول ۱ - تعاریف اعتماد

مرجع	تعریف اعتماد
[۴۱]	اعتماد یعنی "باور اینکه گفته های یک شخص قابل اتکا بوده و او در انجام تعهدات خود رابطه تجاری کوتاهی نخواهد کرد".
[۴۲]	اعتماد هنگامی رخ می دهد که "شخصی از ایجاد ارتباط تجاری با دیگری احساس راحتی نماید".
[۴۳]	اعتماد یعنی "شخصی خطرات آسیب رسانی دیگری را در یک معامله بازرگانی، با توقع موفقیت می پذیرد".
[۴۴]	اعتماد یعنی "حالتی روانی دربرگیرنده پذیرش خطرات آسیب رسانی دیگری در یک معامله بازرگانی، با انتظارات مثبت".
[۴۵]	اعتماد به فروشنده های اینترنتی یعنی "پذیرش آسیب های احتمالی همراه با احساس امنیت".
	اعتماد یعنی "اعتقاد به این که شخص دیگر در راستای برآورده ساختن خواسته های ما اقدام می کند".

مأخذ: خیبری، ناصری، ۱۳۸۶، ص ۵

Macintosh & Lockshin نشان داده اند که اعتماد مشتری رابطه مثبتی را با نگرش وی دارد. آنها اعتقاد دارند که نگرش^{۱۵} یکی از اجزای وفاداری مشتری است. Grazioli & Jarvenpaa ادعا نموده اند که نگرش مشتری به وسیله اعتماد وی تعیین می شود. Crasby et al نشان داده اند که کیفیت رابطه^{۱۶}، تأثیر مثبتی روی پیش بینی تعاملات آتی در زمینه فروش خدمات خواهد داشت. آنان همچنین بیان داشته اند که اعتماد به نیروی فروش نیز یکی از ابعاد مهم کیفیت رابطه خواهد بود. Cannon & Doney نیز در پژوهش خود دریافتند که اعتماد مشتری به ارائه کننده خدمت، رابطه مثبتی با قصد ادامه تعامل با فروشنده را در آینده خواهد داشت. Gefen نیز معتقد است، در زمینه تجارت الکترونیک اعتماد به یک فروشنده، موجب افزایش قصد و نیت (تمایل) افراد در زمینه استفاده از وب سایت فروشنده می شود. در نتیجه میان اعتماد و نگرش مشتری رابطه وجود دارد. (خیبری، ناصری، ۱۳۸۶، ص ۳-۴-۵)

اعتماد سازی الکترونیکی (E-Trust)

در ترسیم نمودار سازمانی دولت و شهرداری الکترونیک و بررسی استراتژیک چگونگی تجزیه و تحلیل به کارگیری فناوری مدرن تکنولوژی انتقال اطلاعات در ساختار شهرداری، اولین و بنیادی ترین موضوع قابل بحث چگونگی تدوین یک استاندارد قابل قبول درون و برون سازمانی، در بحث اعتماد سازی الکترونیکی است. بدون شک، یکی از مهمترین عوامل قابل تعمق با محوریت کلان در دولت و شهرداری الکترونیک بهره گیرندگان از این خدمات مجازی

یا شهروندان دولت می باشد. در ورود به موضوع چگونگی نگرش یک سیستم دولت و شهرداری الکترونیک به گیرندگان خدمات خود، اولین و اساسی ترین بحث پیرامون «ایجاد هویت دیجیتالی به عنوان شاخص شناسایی و مدیریت دسترسی به منابع اطلاعات فردی» می باشد. چیزی که از آن به عنوان «Trust, Identity and Access Management» یاد می کنیم. برای بررسی گام به گام این موضوع، بهتر آن است که مطالب را در قالب چند پرسش کاربردی مطرح کنیم:

شاخص تشخیص هویت چیست؟

انواع سازمان های مختلف، از هر نوع که باشند، در جهت ایجاد امکان خدمات رسانی به مراجعین خود، قبل از هر اقدامی، نسبت به تخصیص انواع شاخص های شناسایی، اقدام کرده و اشخاص با توجه به نوع سیستم خدمات گیری خود، از این شاخص ها استفاده می کنند. وجود شناسه های تشخیص هویت (Identity) برای همگان، اعم از کارکنان مشتریان و یا سایر شهروندان، امری لازم و ضروری است. همان گونه که اجرای عملیات مختلف به صورت «online» به یک مدل استاندارد در زندگی روزمره تجاری بدل گردیده، شاخص های شناسایی الکترونیکی افراد نیز به صورت کلیدی، جهت ورود به لایه های مختلف این عملیات ایفای نقش می کنند.

لزوم ایجاد مدیریت بر شناسه های تشخیص هویت افراد چیست؟

نیاز به مدیریت بر ارتباط میان شناسه های مختلف به صورت فردی یا گروهی در فرآیندهای مختلف اجتماعی از مهمترین مسائل قابل بررسی در سازمان ها و ارگان های تحت پوشش دولت الکترونیک می باشد. هر کدام از این رده های اجتماعی نیازمند ایجاد شناسه تعیین هویت و مدیریت دسترسی به منابع اطلاعاتی خاص خود بوده و این در حالی است که نوع بهره وری از سرویس های مجازی تولید شده در سازمان های مختلف، وابسته به شرایط پیش بینی شده در سازمان ذیربط می باشد. فرآیند ایجاد و دسترسی به شناسه ها و منابع اطلاعاتی به صورت موازی و یا چند سویه، در انواع شرکت های کوچک نیز قابل مشاهده است؛ اما مدیریت این اطلاعات در یک محیط کاملاً بسته و اختصاصی، با توجه به عدم وجود الگوهای استاندارد در استقرار و همچنین عدم هماهنگی در تعیین سطح امنیت متناسب با روند پردازش به صورت برون سازمانی، کار به صرفه ای نیست. بنابراین شیوه ای استوار، امن و کارآمد در مدیریت این اطلاعات به صورت درون و برون سازمانی مورد نیاز است. کنترل شاخص های شناسایی و شناسه گرها در این وسعت کلان، به عنوان هسته مرکزی بقا و دوام فعالیت ها، تنها با مدیریت یکپارچه با امکان بازرسی پیوسته بر تمام فعالیت های وابسته بر شناسه ها، امکان پذیر است که در نهایت و با بالا بردن سطح امنیت در انتقال و پردازش اطلاعات، چهارچوب استاندارد به نام «E-Trust» را با ضریب اطمینان قابل محاسبه در تعامل GTOC¹⁷ به وجود خواهد آورد. پس از معین شدن حد ضریب اطمینان در انتصاب شناسه ها و مدیریت دسترسی بر اطلاعات، که منجر به طراحی انواع برنامه های کاربردی در حفظ امنیت سیستم خواهد

گردید، E-Trust نسبت به تبیین یک پروتکل واحد، جهت به اشتراک گذاری اطلاعات، مابین تمامی هسته های متصل به دولت الکترونیک و در سطح خود آن، شهرداری الکترونیکی اقدام می کند، درگاه مشترک اطلاعاتی مابین تمامی سازمان های ذیربط مورد سنجش قرار گرفته و استراتژی (E-Strategy) چگونگی تشریح مساعی با حفظ بالاترین ضریب اطمینان، مورد بررسی قرار می گیرد. در نگرش کلاس جهانی، اقدامات یک دولت الکترونیک در تعامل GTOC با دولت الکترونیک در سایر کشورها، همخوانی پروتکل های «E-Trust» با استانداردهای بین المللی، امری لازم و ضروری است. این در حالی است که مبنای واحد در نمودارهای تعیین سطح امنیت الکترونیکی برای هر زیر مجموعه سیستمی دولت و شهرداری الکترونیک می بایست با در نظر گرفتن اجتماعی از نقاط اکستریم نمودارهای امنیتی سازمان های همکار در سیستم بین المللی به طریقی طرح ریزی شود که ضمن برخورداری از بیشترین سطح انعطاف پذیری، دارای ارکانی از قبیل: امنیت، امکان مدیریت پیوسته و مهندسی مجدد یکپارچه نیز باشد. (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، صص ۵ و ۴)

وظایف شهرداری الکترونیک

هنگامی که در مورد وظایف دولت الکترونیک تحقیق و بررسی می کنیم متوجه می شویم که آنها با وظایف و فعالیتهای شهروند معمولی در دولت فیزیکی فرق چندانی ندارد، به عبارت دیگر فناوری اطلاعات باعث شده است که انجام برخی وظایف در شهرداری فیزیکی به صورت الکترونیکی صورت بگیرد. وظایف شهرداری الکترونیک را به طور خلاصه می توان در چهار بخش تأمین اطلاعات برون خط، تأمین اطلاعات فوری و تبادل اطلاعات اجتماعی تقسیم بندی کرد.

الف - **تأمین اطلاعات برون خط** تأمین اطلاعاتی نظیر نقشه ها اخبار، خدمات، اطلاعات رفاهی و تجاری، خرید الکترونیکی، جهان گردی، هتل داری، رزروها، خدمات پستی و ارتباط برای شهروندان و گردشگران.

ب - **خدمات بر خط** انجام خدماتی نظیر تکمیل و ارسال فرمها، امور اداری نظیر اخذ یا تمدید پروانه ساخت، ذخیره فایل ها و برنامه های نرم افزاری از طریق سایت هایی که زیر نظر شهرداری اند، نظرخواهی و آموزش از راه دور و همچنین تراکنشهای مالی نظیر پرداخت جریمه ها، قبوض، مالیات، خریدهای الکترونیکی و حتی برگزاری مناقصه ها و مزایده های دولتی.

ج - **تأمین اطلاعات فوری** ارائه اطلاعات ضروری و فوری مانند پیش بینی وضعیت هوا، اطلاعات در مورد ترافیک، اطلاعات اورژانس و نجات پلیس و اطلاعات بازار مالی و املاک.

د - **تبادل اطلاعات اجتماعی** مانند اتاق های گپ، گروه های گفت و گو، گروه های حمایت محیط زیست، گروه های علمی، فرهنگی، هنری، سیاسی و اقتصادی، که همه و همه علاوه بر اینکه به اشتراک دانایی کمک می کند و بعضا اوقات فراغت افراد را پر می کند بستر فرهنگی برقراری دموکراسی الکترونیکی را فراهم می کند. (جلالی، ۱۳۸۲)

زیر ساخت های لازم برای توسعه شهرداری الکترونیک:

- ۱- زیرساخت های مخابراتی: شامل شبکه فیبر نوری و کارسازهای مورد نیاز و شبکه های اینترنت و اکسترانت، و در اختیار قرار دادن اینترنت پرسرعت برای شهروندان، بنگاه ها و ادارات شهرداری، که عموماً بر عهده وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات می باشد.
- ۲- زیرساخت های حقوقی: شامل سیاست گذاری های کلان حکومت و میزان اهمیت موضوع برای حکومت می باشد و نیز مجموعه قوانین در ارتباط با اجرای شهرداری الکترونیک، استفاده از آن، ایجاد بستر حقوقی و سایر موارد.
- ۳- زیرساخت های فرهنگی: شامل تربیت نیروی متخصص، آموزش پرسنل شهرداری که درگیر اجرای پروژه شهرداری الکترونیک می شوند، آموزش شهروندان و استفاده کنندگان خدمات شهرداری الکترونیک و تبلیغات و فرهنگ سازی و سایر موارد روانی و انگیزشی.
- ۴- زیرساخت های نرم افزاری: شامل مهندسی مجدد فرآیندها، تشخیص و توسعه خدمات الکترونیکی، یکپارچگی سیستم اطلاعاتی و نرم افزارهای کاربردی و در نهایت توسعه وب سایت رسمی شهرداری الکترونیک.

جدول ۲- زیر ساخت های لازم در راستای توسعه شهرداری الکترونیک

ردیف	حوزه	عنوان
۱	زیرساخت	مطالعه و برنامه ریزی زیرساخت های لازم برای پیاده سازی شهرداری الکترونیک
۲	آمادگی الکترونیکی	برنامه فرهنگی و توسعه نیروی انسانی
۳	مراحل توسعه	پیشنهاد در مورد مراحل توسعه شهرداری الکترونیک
۴	دورکاوی	برنامه توسعه دورکاوی در شهرداری
۵	آموزش	برنامه توسعه آموزش الکترونیکی در شهرداری
۶	تجارت الکترونیک	برنامه توسعه تجارت الکترونیکی در شهرداری
۷	سرگرمی	برنامه توسعه تفریح و سرگرمی مجازی
۸	خدمات الکترونیک	پیشنهاد خدمات الکترونیکی برای توسعه شهرداری الکترونیکی
۹	مهندسی مجدد	مهندسی مجدد فرآیندهای مربوط به خدمات الکترونیکی شهرداری الکترونیک
۱۰	کانال های ارتباطی	برنامه توسعه استفاده از تلفن گویا و پیام کوتاه در شهرداری الکترونیک
۱۱	مدیریت دانش	پروژه مدیریت دانش در شهرداری
۱۲	شهروند گرایی	تطابق پورتال تهران با چارچوب های متداول مشتری مداری و شهروندگرایی
۱۳	بستر قانونی	پیشنهاد در مورد قانون گذاری و ایجاد بستر قانونی شهرداری الکترونیک

اولویت اول: ایجاد و بهبود زیرساخت های شبکه جامع دولت الکترونیک به شکلی که ارگان های دولتی و شهرداری ها توسط این شبکه به یکدیگر متصل گردند. در این راستا شهرداری ها در ارتباط با یکدیگر زمینه های ایجاد دانش و فناوری لازم برای رسیدن به اهداف طولانی مدت را مهیا می سازد. تدوین قوانین در جهت استفاده قانونی از خدمات شهرداری الکترونیک نیز در اولویت است. هر چند ایجاد امکانات و خدمات الکترونیک، تغییر قوانین را نیز در تمام مراحل به همراه می آورد.

اولویت دوم: ایجاد سیستم های مرکزی ثبت و شناسایی پایه ای افراد، نفوس، تولد، مرگ و میر، ازدواج و طلاق و ساختمان ها و اماکن و نیز ایجاد شماره ملی و شناسنامه الکترونیکی از زیر مجموعه های بسیار مهم این اولویت هستند.

اولویت سوم: شهرداری ها خود در این مرحله به سیستم های پیاده سازی شده در مرحله قبل متصل کرده با یکدیگر و با دیگر ارگان های دولتی نظیر ثبت اسناد، سازمان ثبت شرکت ها و اداره دارایی در تعامل قرار می گیرند. بهره گیری از امکانات شناسایی و تشخیص هویت و اطلاع رسانی موثر و به موقع به شهروندان امری ضروری در ایجاد این تعامل است.

اولویت چهارم: نظارت جامع بر تبادلات بین سازمانی و درون سازمانی به مرکزیت، سازماندهی و ساختار و سیستمی هوشمند نیازمند است. تدوین و برنامه ریزی سیاست های راهبردی بلند مدت دولت و شهرداری الکترونیک از مواردی است که به شکل مرکزی و کلی توسط این سازمان مورد بررسی و تصمیم گیری قرار می گیرد. برنامه های تدوین شده در هر دو سال، دوباره بررسی و نقایص احتمالی آن بر طرف می شود. گزارش های نظارت در دوره های گذشته از عوامل تغییر این سیاست ها هستند.

اولویت پنجم: سیستم های مدیریت و پشتیبانی که برای هر جزء به شکل مجزا پیاده سازی شده اند در این مرحله با یکدیگر در تعامل و همکاری قرار می گیرند. این سیستم ها در راستای یک معماری واحد، پشتیبانی موثر و بهره وری را به کلیه سازمان های دولتی ارائه می دهند و سبب می شوند تا از هزینه های ناشی از تکرار و دوگانگی در مدیریت کاسته شود. (جلالی، ۱۳۸۴)

فرایند راهبردی در استقرار پروژه شهرداری الکترونیکی

- سند راهبردی: سند راهبردی (DFD)^{۱۸} شهر الکترونیکی، نتیجه مطالعات و تحقیقاتی است که به عنوان اولین مرحله در اجرای شهر الکترونیکی با محوریت شهر الکترونیکی مورد نیاز است. تمام کشورهای موفق در توسعه شهر و شهرداری الکترونیکی، موفقیت خود را مدیون سند راهبردی مناسب به عنوان یکی از اقدامات اولیه در برنامه های چهار مرحله ای توسعه خود می دانند. چهار مرحله توسعه، بشرح ذیل می باشند:

مرحله اول:

۱ - تهیه قانون. ۲- ارائه تسهیلات اینترنت و طراحی سایت های سازمان های دولتی و بخش خصوصی. ۳- ایجاد ساختار سازمانی مناسب در وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۴- افزایش آگاهی عمومی شهروندان و کارکنان دولت به توانمندی ها تسهیلات فناوری اطلاعات. ۵- تربیت نیروی انسانی متخصص در فناوری اطلاعات. ۶- ایجاد شبکه، بین دستگاه های اجرائی شهری، تجهیز و ارتقاء سخت افزار و نرم افزار واحدها.

مرحله دوم:

۱ - ارائه خدمات الکترونیکی به شهروندان. ۲- تولید، توزیع و استفاده از اطلاعات الکترونیکی در واحدهای دولتی و خصوصی. ۳- توسعه آموزش تخصصی به کارکنان دولت و آموزش های ویژه شهروندی. ۴- اصلاح نظام مدیریت شهری و رویه های سنتی.

مرحله سوم:

۱ - ایجاد تعامل اطلاعاتی در بین دستگاه های اجرایی. ۲- ایجاد تعامل اطلاعاتی بین شهروندان و دستگاه های اجرایی. ۳- تدوین استانداردهای لازم.

مرحله چهارم:

۱ - ایجاد سیستم های عمومی یکپارچه در سطح ادارات، سازمان ها و شرکت ها. ۲- ایجاد تراکنش های ویژه به صورت الکترونیکی. ۳- تعامل اطلاعاتی در سطح ملی با دستگاه های دولتی و بخش خصوصی. ۴- تعامل اطلاعاتی با جامعه اطلاعاتی جهان به عنوان شهروندان هزاره سوم. (کارمندان شهرداری و شهروندان) (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۷)

چالشهای اساسی در نقاط قوت و ضعف شهرداری الکترونیکی

شهرداری الکترونیکی و شیوه مدیریت و ارتباطات شهری در آن دارای نقاط ضعف و قوت خاص خود می باشد که در زیر به آنها اشاره می شود:

۱ - نقاط ضعف شهرداری الکترونیکی: - افزایش سطح انتظارات مردم - مشکلات امنیتی - وابستگی امور شهر به فناوری الکترونیکی

۲ - نقاط قوت شهرداری الکترونیکی: - ایجاد فرصت های اشتغال - امکان جهانی شدن - ارتقاء کیفیت زندگی مناسب برای مردم - توزیع مناسب و یکسان خدمات شهری - دایر بودن شهرداری بیست و چهار ساعته. (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۷)

تأثیرات برپای شهرداری الکترونیکی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اثرات اقتصادی: - ارائه خدمات با هزینه بسیار کمتر به شهروندان. - ایجاد زمینه برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی. - امکان گسترش استفاده از کارت های اعتباری.

اثرات اجتماعی: - ارائه خدمات روی خط، به شهروندان در هر جا، هر وقت و به هر شخص - دسترسی آسانتر به خدمات دولتی و بخش خصوصی - کاهش زمان انجام امور اداری برای شهروندان - کاهش فساد اداری در کارکنان دولت به علت شفاف شدن امور- امکان توزیع

عادلانہ امکانات در میان شهروندان - ایجاد زمینہ استفادہ از نظرات شهروندان در مدیریت شہر - کاهش مشکلات محیط زیست و کاهش آلودگی بہ علت کم شدن ترددہا - مدیریت پایدار شہری - افزایش اشتغال - ایجاد زمینہ برای واگذاری اجرای امور بہ مردم - اثرات فرهنگی: - شفاف سازی امور و فرآیندہا - اطلاع رسانی بہ موقع و سریع بہ مردم - آموزش مجزای شهروندان در موضوعات عمومی و اختصاصی در ہمہ جا و در ہر زمان دلخواہ - امکان انتشار رسانہ های الکترونیکی برای شهروندان - استفادہ از کتابخانہ های الکترونیکی سایر نقاط کشور و جہان - انتشار اخبار و اطلاعات بطور صحیح و سریع - افزایش دانش عمومی مردم

اثرات سیاسی: معرفی در سطح جہان و امکانات بیشتر ارتباطات بین المللی - افزایش رضایت عمومی

مزایای کلی شهرداری الکترونیکی (E- municipality)

شهرداری الکترونیکی مزایای بسیار در زمینہ نحوہ ارتباط شہردار با شهروندان، شهروندان با شہردار، شهروندان، شهروندان و شہردار با تجار، تجار با شهروندان و شہردار، بہ ہمراہ دارد. (سرفرازی، معمارزادہ، ۱۳۸۶، ص ۷۸)

ب: مزایای استقرار شهرداری الکترونیک در جامعہ مجازی

۱ - فراہم آوردن خدمات اینترنتی با کیفیت و سرعت بالا برای شهروندان: بہ وجود آوردن زیرساختاری مناسب جہت اتصال بہ اینترنت و شبکہ جہانی یکی از مزایای است کہ توسط شهرداری الکترونیکی بہ دست می آید.

۲ - بہبود کیفیت زندگی مردم: با تسہیل فعالیت های شہری و بہبود اوضاع اقتصادی شہر کہ نتیجہ بہبود امور در سطح شہر می باشد و همچنین امکانات شہر، بطور خودکار کیفیت زندگی مردم رو بہ بہبود خواهد گذاشت.

۳ - یک مرحلہ ای کردن ارائه خدمات بہ شهروندان با تعریف مناسب ارتباطات شہری توسط فناوری اطلاعات و همچنین الکترونیکی کردن آنها دیگر نیاز بہ مراجعہ های پی در پی بہ ادارات و سازمان های مختلف جہت انجام کارها وجود نخواہد داشت، بلکہ تمام فرایند لازم برای انجام یک کار در شہر بہ یک فعالیت تقلیل خواهد یافت.

۴ - ارتباط بہتر سازمان و ارگان های مختلف شہری: ارتباط سازمان ها بہ صورت الکترونیکی با یکدیگر و تسہیل امر مکاتبات از طریق اینترنت توسط زیرساخت های ایجاد شدہ بوسیلہ شهرداری الکترونیکی، بہبود بخشیدہ خواهد شد.

۵ - دسترسی ۲۴ ساعته بہ خدمات شہری: برقراری ارتباط مداوم شهروندان و تجار با شهرداری و بالعکس، شہردار و مسئولان شہر را ہر چہ سریعتر در جریان مشکلات و نواقص موجود در سطح شہر قرار خواهد داد؛ بنابراین مشکلات شہر سریعتر انجام خواهد شد.

۶- افزایش مشارکت مردم در اداره شهر: ایجاد حس مشارکت، در نتیجه، حق اظهارنظر در مورد شهر و همچنین ارتباط مستقیم با شهردار باعث می شود که شهروندان خود را در قبال شهر و جامعه ای که در آن زندگی می کنند مسئول بدانند و در نتیجه تمام سعی خود را جهت برقراری یک جامعه بهتر، به کار بندند.

۷- کاهش آلودگی هوا با کاهش ترافیک شهری با توجه به کاربرد اینترنت در فعالیت هاس شهری شهروندان: کاهش ترافیک به وجود آمده در نتیجه افزایش استفاده از اینترنت در انجام فعالیت های شهری مسلماً کاهش آلودگی ایجاد شده توسط اتومبیل ها در سطح شهر را، در بر خواهد داشت.

۸- تسریع در برطرف شدن مشکلات ایجاد شده در شهر با ارتباط مستقیم شهردار با شهروندان: ارتباط مستقیم شهردار با شهروندان و مسئولین شهر باعث می شود که مشکلات شهری هر چه سریعتر به گوش مسئولین رسیده و آنها در جهت رفع آن اقدام نمایند.

۹- صرفه جویی در وقت و انرژی: مسلماً با افزایش استفاده از اینترنت در انجام الکترونیکی کارها، دو عامل مصرف وقت و انرژی، تا حد زیادی تقلیل خواهد یافت.

۱۰- جلوگیری از سرمایه گذاری بیشتر بر روی روش های قدیمی اداره شهر: زیرساختارهای ایجاد شده توسط شهر و شهرداری الکترونیکی، باعث می شود که سرمایه گذاری های آتی شهر، بر مبنای طرح های نوین صورت گیرد و از سرمایه گذاری بیشتر بر روی روش های قدیمی خودداری شود

۱۱- کاهش فساد اداری: کاستن از اختلالاتی که در امور اداری وجود دارند.

۱۲- افزایش نظم: افزایش نظم در فعالیت های شهر با تعریف دقیق این فعالیت ها.

(سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۷)

نتیجه گیری

با توسعه روزافزون فناوری اطلاعات، شهرهای جهان نیز رنگ و بویی جدید به خود گرفته و بسیاری از شهرها در کشورهای مختلف به شهرهای الکترونیک تبدیل شده اند. ایجاد شهر الکترونیکی مستلزم سرمایه گذاری زیادی است و در صورت همکاری دولت این مشکل قابل حل است وجود شهرک های الکترونیکی مزایای زیادی را به همراه دارد از جمله: امکان بازاریابی مجازی را در اختیار شهروند قرار می دهد تا او بتواند از طریق وب سایت ها کالاهای خود را عرضه کند. ایجاد شهر الکترونیکی چنانچه با هدف توسعه دانش در داخل کشور صورت گیرد می تواند با افزایش توان متخصصان دستاوردهای خوبی را برای کشورمان به همراه داشته باشد. از آن جایی که شهرداری ها قسمت عمده ای از فعالیت سازمان ها را در شهرها عهده دار هستند و در هر نوع برنامه ریزی و تصمیم گیری مدیریت شهری سهم عمده ای را دارا می باشند می توانند کانون رسیدن به شهر الکترونیکی باشند شهرداری الکترونیک را می توان سازمانی نامید که با بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، خدمات خود را در حوزه ی

وظایف شهرداری به صورت سریع، قابل دسترسی تر و همچنین مطمئن تر به شهروندان ارائه دهد در یک نتیجه گیری کلی می توان عنوان کرد که استفاده از فناوری اطلاعات در فرایندهای شهری و شهرسازی و... می تواند نقش قابل توجهی در کاهش هزینه ها و صرفه جویی در وقت شهرداری و شهروندان داشته باشد بنابراین تسریع تفکر سیستمی بهره گیری از توانمندی ها در پیشبرد برنامه های شهرسازی در شهرداری ها مدیریت بهینه شهری و ارائه خدمات شایسته به شهروندان بررسی موانع توسعه سیستم های موجود و ارائه پیشنهادهای اجرایی و نقش فناوری اطلاعات در بهینه سازی فرایندهای شهر الکترونیک از اهداف شهرداری الکترونیک می باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- سرفرازی، مهرزاد، معمارزاده، غلامرضا (۱۳۸۶) پارادایم دولت الکترونیک ضرورتی اساسی در استقرار شهرداری الکترونیک، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات، سالن همایش های هتل بین المللی المپیک، ۳۰ و ۲۹ بهمن ماه، تهران.
- ۲- سرفرازی، مهرزاد، معمارزاده، غلامرضا، (۱۳۸۶) پارادایم استقرار شهرداری الکترونیک ضرورتی در عصر مجازی، اولین کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک، سالن همایش های بین المللی برج میلاد، ۱، ۲ اسفندماه، تهران.
- ۳- صفری، سعید، کنعانی احمد بگلو، علی (۱۳۸۶) شهرداری الکترونیک زیربنای شهر الکترونیک، اولین کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک، سالن همایش های بین المللی برج میلاد، ۱ و ۲ اسفندماه، تهران.
- ۴- رهبری، دادمهر (۱۳۸۶) شهر الکترونیک و مدیریت شهری، اولین کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک سالن همایش های بین المللی، برج میلاد، ۱ و ۲ اسفندماه، تهران.
- ۵- تاج نیشابوری، نسرین، جلالی، علی اکبر (۱۳۸۶) جایگاه شهر الکترونیک در دولت الکترونیک، اولین کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک سالن همایش های بین المللی برج میلاد، ۱ و ۲ اسفندماه، تهران.
- ۶- جنیدی، مهدی، ناصری، هدی (۱۳۸۶) بررسی نقش اعتماد مشتری در خریدهای اینترنتی با رویکرد مدل پذیرش فناوری (TAM)، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات، سالن همایش های هتل بین المللی المپیک، ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه، تهران.
- ۷- تبریزی مسکین، آرش زاد محمدحسین (۱۳۸۶) پورتال، شهر الکترونیک و آنبوه مجازی اولین کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک سالن همایش های بین المللی برج میلاد، ۱ و ۲ اسفندماه، تهران.
- ۸- جلالی، علی اکبر (۱۳۸۲) شهر الکترونیک، دانشگاه علم و صنعت ایران، مرکز انتشارات، تهران.
- ۹- کارگری، مهرداد، خادمی زارع، حسن (۱۳۸۴) طرح جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری، دانشگاه علم و صنعت ایران، مرکز انتشارات، تهران.

- ۱۰- قبانچی ، امیرحسین، زارعی، بهروز (۱۳۸۶) ارائه چهارچوبی برای برنامه ریزی توسعه شهرداری الکترونیک در ایران ، اولین کنفرانس بین المللی شهرداری الکترونیک ، تهران.
- ۱۱- طباطبایی ، احمد (۱۳۸۶) توانمندی منابع انسانی، دولت الکترونیک، شهروند الکترونیک، اولین کنفرانس بین المللی شهرداری الکترونیک، مهرماه، تهران.
- ۱۲- کارگر راضی، مهدی (۱۳۸۶) تحقیق شهرداری الکترونیک در ایران، اولین کنفرانس بین المللی شهرداری الکترونیک، مهرماه، تهران.

14. Donath, j.s.(2004) In habiting the virtual city,[http:// postcards. www.media .mit.edi / thesis / Illust Conv.fram.html](http://postcards.www.media.mit.edu/thesis/IllustConv.fram.html).
15. Fukuda T.; Nagahama R.;kagaA.; (2003) collaboration support system for city plans or community Designs Based on VR/CGT echnology , in International journal of Architectural computing , vol.1 (4),pp.461 – 469.
16. Giddens,A.(2001) Sociology:4th Edition , Combridge , Polity press.
17. waddell P.;Borning A. (2004) A Case study in Digital Governments Developing and Applying Urbansim , a system for simulating Urban Land use, Trasportion , and Environmental Impacts, in social science computer Review , vol: 22 (1) , pp 27-51.
18. Wajabayashi, M.(2002) Urbon spece and cyberspace: Urban Environment in the Age of media and Information Technology , in International journal of Japanese sociology , vol- 11 (1) .pp.6-18
19. Budthimedhee , k,Li,j.and George,R.V.(2002) eplaning : A snapshot of the Literature on Using the world wide web in Urban planning in journal of planning Literture,vol.17(2) ,pp.227 – 246.
20. Wyatt,s.ICT innovation incentral government: Learning from the past. International jurnal of Innovation management ,(2000).
21. Odendaal N.(2003). Information and communication technology and local government : understanding the difference between cities in developed and emerging economies. Computers, Environmentand Urbam Systems s,27,585 – 607.

یادداشتها

- ¹ Panoramic Images
² Disneylandization
³ E- municipality
⁴ Willingness to believe
⁵ Fairness
⁶ Goodness
⁷ Ability
⁸ Benevolence
⁹ Honesty
¹⁰ Predictability
¹¹ Personal Trait
¹² economic- choice mechanism
¹³ Relationship Marketing
¹⁴ Customer Loyalty
¹⁵ Attitude
¹⁶ Relationship Quality
¹⁷ Government to citizen
¹⁸ Data Flow Diagram



دلایل حاشیه نشینی در کلان شهر تهران

دکتر علیرضا لادن

عضو هیئت علمی و معاونت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد گرمسار

هادی رزقی شیرسوار

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار
(نویسنده و مسئول مکاتبات)

چکیده

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجراء توصیفی (همبستگی) است. جامعه آماری شامل کلیه اساتید، متخصصان و مدیران در حوزه مدیریت، علوم اجتماعی و فرهنگی می باشند. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شد و تعداد ۲۰۰ پرسشنامه در میان نمونه مورد پژوهش توزیع شد که در این میان ۱۵۷ پرسشنامه بصورت کامل تکمیل و به پژوهشگر عودت داده شد. ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه بصورت پرسشنامه ای بوده است. پرسشنامه های مذکور در دویخس الف) مشخصات فردی و ب) گویه ها با ۲۴ گویه می باشد. مطابق نظرات ارائه شده از سوی خبرگان ضعف ساختار اقتصادی مهمترین مولفه و در جایگاه نخست، ضعف نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری در رتبه دوم، عدم حمایت و هدایت دولتی در جایگاه سوم، حوادث سیاسی در جایگاه چهارم، بلایای طبیعی در جایگاه پنجم و حوادث اجتماعی در جایگاه ششم تاثیر گذار در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران معرفی شده اند.

واژگان کلیدی

حاشیه نشینی، برنامه ریزی و مدیریت شهری، حوادث سیاسی و اجتماعی، بلایای طبیعی

مقدمه

به موازات گسترش سریع شهرنشینی، حاشیه‌نشینی نیز در اکثر نقاط شهری جهان گسترش یافت و میزان فقر شهری و اختلاف زیاد در میان محلات شهری از جمله عوامل اصلی بودند که انگیزه نخستین تحلیل‌های جامعه‌شناختی زندگی شهری را به وجود آوردند. جای شگفتی نیست که نخستین مطالعه مهم جامعه‌شناختی و مهمترین نظریه‌ها درباره‌ی شرایط امروز زندگی شهری در شیکاگو آغاز گردید- شهری که با آهنگ توسعه شگفت انگیز و نابرابری‌هایی بسیار آشکار مشخص می‌شود (گیدنز ۱۳۸۳: ۹۴).

لذا حاشیه‌نشینی گرچه با رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر چونان مشکل حاد مطرح شده است اما پیشینه‌ای به قدمت خود شهر دارد. شهر به عنوان هسته جمعیتی فشرده و کانون اقتصاد و سیاست و فرهنگ، همواره برای جمعیت پیرامونی دارای جذابیت و کشش بوده است؛ اما شهر هر چقدر هم که بزرگ و وسیع باشد در هر حال محدوده‌ای را شامل می‌شود. این محدوده را در سالیان گذشته، باروبی از پیرامون جدا می‌کرد؛ و در زمان حاضر این حصار با قلم و بر روی نقشه ترسیم می‌شود و به دلیل همان جذابیت‌های پنهان و آشکاری که در شهر وجود دارد، همواره پیرامونیان تمایل دارند به شهر بپیوندند و خود را شهری به حساب آورند.

رشد سریع شهرنشینی در کشورهای جهان سوم باعث افزایش فقر شهری شده و این پدیده در حال رشد، مشکلات فراوانی را برای این کشورها به وجود آورده است. به طوری که یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی این کشورها، حاشیه‌نشینی و روند رو به گسترش آن می‌باشد (هادیزاده ۱۳۸۲: ۱۲).

بیان مساله

نگاهی گذرا به کتابها و مقاله‌های متعدد در مورد مسائل شهری در کشورهای در حال توسعه، آمار و ارقام مختلف وحشت آور و هراس انگیز را درباره وسعت و گستردگی این پدیده نشان می‌دهد:

« طبق آمارهای موجود در کشورهای در حال توسعه، ۵۰ درصد جمعیت شهری در آلونک‌ها و مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند که در بعضی شهرها این نسبت تا ۸۰ درصد افزایش می‌یابد. به عنوان مثال ۲/۳ درصد جمعیت آنکارا در شرایط زاغه‌ای زندگی می‌کنند. در چین، ازدحام در خانه‌ها آنقدر زیاد است که به هر نفر تنها ۴/۸ متر مربع می‌رسد. در بمبئی بزرگ، ۷۷ درصد خانواده‌ها- که میانگین آنها ۵/۳ نفر است- در یک اتاق بسر می‌برند. در نیجریه، میانگین تراکم در خانه‌های لائوس ۱/۴ نفر در هر اتاق است. در شهر تورپستی آکاپولکو در مکزیک، ۴۵ درصد خانه‌ها فاقد لوله‌کشی بوده و در کیپ کوست غنا، ۷۳ درصد خانه‌ها فاقد آب و ۲۵ درصد بی‌برق هستند (پارسا پژوه ۱۳۸۱: ۱۶۲). در سئول پایتخت کره جنوبی، ۲۰ درصد از ساکنان شهر حاشیه‌نشین هستند و در کراچی نیمی از سکنه شهر در مسکن غیرقانونی زندگی می‌کنند. در کلکته نیز ۶۰۰ هزار نفر در پیاده روها می‌خوابند. این ارقام نشان دهنده این واقعیت است که

توسعه‌ی شهرنشینی (گسترش کالبدی و افزایش جمعیت نقاط شهری) و نتیجه‌ی آن گسترش حاشیه نشینی، فرجام ناگزیر اکثر جوامع شهری در دهه‌های پیش روی هزاره جدید است. به طوری که بنا به برآوردهای موجود از یک میلیارد نفر افراد فقیر، بیش از هفتصد و پنجاه میلیون نفر در نقاط شهری سکونت دارند که از سرپناه مناسب و خدمات پایه محرومند. حدود سی و هفت درصد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه در بخش غیر رسمی شاغل هستند و یک چهارم خانوارها در فقر به سر می‌برند (جواهری پور ۱۳۸۱: ۱۲۹).

در ایران حدود هشت میلیون از جمعیت کشور را حاشیه‌نشین تشکیل می‌دهند و این معضل که امروزه دامنگیر شهرهای کلان کشورمان شده است، وقتی به وجود می‌آید که مردم مناطق مستضعف‌نشین به راحتی نتوانند نیازهای اقتصادی و معیشتی خود را برطرف کنند. این رو دست به مهاجرت می‌زنند و چون نمی‌توانند به راحتی خود را با فرهنگ شهرنشینی در کلان شهرها تطابق دهند و توان مالی اقامت در درون شهر را ندارند، بالاجبار به حاشیه رانده می‌شوند و حاشیه‌نشینی را برمی‌گزینند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، همواره یک نوع دوگانگی دیده می‌شود: یکی شهر قانونی که زمین و واحدهای مسکونی آن بر مبنای قوانین و مقررات جاری تهیه شده و دیگری شهر غیرقانونی که زمین و واحدهای مسکونی آن به صورت تصرف عدوانی و غیرقانونی اشغال شده که بیشتر مناطق حاشیه‌نشین و آلونک‌نشین ها شهرها را شامل می‌شود. شهر قانونی سالانه به طور متوسط ۳-۴ درصد وسعت می‌یابد، در حالیکه شهر غیر قانونی، سالانه دو برابر شهر قانونی (۷-۸ درصد) وسعت پیدا می‌کند (شکویی ۱۳۷۹: ۱۰۸).

به زعم متخصصان، سکونتگاه‌های خودرو حاشیه کلان شهرها سه مرحله مشخص را پشت سر گذاشته‌اند:

(۱) شکل‌گیری اولیه^۱

(۲) تغییر شکل، دگرگونی و گذار^۲

(۳) پیوستگی، انسجام و ثبات نسبی^۳

مدت زمان طولانی شدن این مراحل و فاصله آنها بسیار متفاوت و تابع عوامل داخلی و خارجی است و ادامه این فرآیند نیز الزاماً و همواره خطی، یکنواخت و منطبق بر مراحل پیوسته نیست. بلکه تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی (روندهای غیرخطی) دگرگون شده و نتایج و محصول کالبدی و فضایی متنوع و متعددی به بار می‌آورد و مشخصه‌های این سکونتگاه‌ها پس از ثبات پارامترهای داخلی و خارجی دخیل، طی سه مرحله بر طیفی گسترده از فرآیند رشد به شرح زیر بوده است:

مرحله اول: شکل‌گیری اولیه

در این مرحله، ابتدا اراضی خارج از محدوده روستاهای اولیه (هسته‌های اولیه سکونت) به صورت غیرقانونی تفکیک و تبدیل شده و به صورت غیررسمی به متقاضیانی که غالباً اқشار مهاجرکم درآمد از کلان شهرها هستند، فروخته می‌شود.

مرحله دوم، دوره انتقال و گذار سکونتگاه

در این مرحله، به موازات تثبیت امنیت، تصرف و جایگاه عینی سکونتگاه، جمعیت مهاجر بیشتری از منطقه کلانشهر، و به خصوص بخش‌های حاشیه‌ای کلانشهر و گاهی هم سایر استان‌ها به سکونتگاه هجوم می‌آورند و دوره رشد بسیار شتابانی آغاز می‌شود.

مرحله سوم: دوره پیوستگی، انسجام و ثبات نسبی

در این دوره، رشد خارج از رویه و انفجاری جمعیت، کند می‌شود و سرانجام به دلیل تأثیر عوامل خارجی، چون طرح‌های شهری و ضوابط و مقررات مربوط به آن و عوامل داخلی، شامل شهرداری و دیگر دستگاه‌های عمرانی شهری که همراه با به رسمیت شناخته شدن و شناسنامه‌دار شدن سکونتگاه نام شهر در آنجا حضور مشهود یافته‌اند، متوقف و حتی در تداوم تحرک جمعیت، مهاجرپرستی سکونتگاه آغاز می‌شود. (شیخی، ۱۳۸۱: ۵۰-۴۸).

لذا مناطق حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهر، در طی زمان شکل‌ها و ویژگی‌های مخصوص به خود را می‌گیرند. به عنوان مثال، پیران معتقد است که: «پدیده حاشیه‌ای شهرها مفهومی گذرا است. نقطه‌ای که امروز حاشیه شهر است فردا از حاشیه بودن خارج می‌شود. همچنین حاشیه‌نشینی بیش از آنچه که انتظار می‌رود، معمولاً طیف گسترده‌ای از فعالیتها و افراد را دربر می‌گیرد» (پیران ۱۳۸۷: ۲۱).

آغاز فرآیند حاشیه‌نشینی

قدمت حاشیه‌نشینی به شهرهای باستانی می‌رسد، چنانکه در شهر موهنجودارو وجود زاغه‌نشینی به اثبات رسیده است. در دوره‌های روم باستان و دوره ساسانیان، گتوهای نژادی و مذهبی به ویژه اسیران در محلات ویژه‌ای در شهرها جا می‌گرفتند و از مناطق عمده زاغه‌نشین به شمار می‌آمدند. از حدود سال‌های ۱۲۸۰ میلادی در کشورهای اسلامی نیز گتوهای مذهبی وجود داشته است. در مورد گتوهای نژادی می‌توان گفت که در طول تاریخ بزرگترین گتوهای نژادی در شهرهای آمریکا ایجاد شده که بزرگترین آنها محله «هارلم» سیاهان در نیویورک است. علاوه بر این از گتوهای پرتوریکویی، ژاپنی، چینی و مکزیکی در این مملکت می‌توان نام برد (شکویی ۱۳۷۹: ۶۳).

در ارتباط با ریشه‌ی تاریخی گتو، جی.دی. لویاک^۴ معتقد است که کلمه گتو برای اولین بار در سال ۱۵۱۶ در ونیز مطرح شد و ریشه‌ی تاریخی آن به جوامع اروپای قرون وسطی می‌رسد که گروه‌های خاصی از یهودی‌ها در بعضی محله‌ها توسط مسیحی‌ها مورد قرنطینه قرار گرفته بودند (ربانی ۱۳۸۱: ۴۸).

گتو به منطقه یا محله ای از شهر گفته می شود که در آن اقلیت های مذهبی، قومی و زبانی در نتیجه فشارهای اجتماعی-اقتصادی و قانونی به صورت جدا از سایر گروه های شهری زندگی می کنند و مهمترین وجه تشابه آن با حاشیه نشینی، جذب نشدن در متن شهرهای غربی است. گتوهای شهری در اغلب موارد به وسیله موانع فیزیکی یا انسانی از بقیه بخش های شهری جدا می شود. ناهمواری ها، رودها، ایستگاه راه آهن، مانداب، گورستان و فرودگاه قدیمی از آن جمله است (شکویی ۱۳۷۹: ۱۴).

در ایران نیز اگر چه از زمان شروع حاشیه نشینی اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی می توان گفت که توسعه حاشیه نشینی ارتباط تنگاتنگی با بزرگ شدن بی رویه شهرها داشته است. حاشیه نشینی قبل از سال ۱۳۳۰ به صورت محدود در چند شهر به وجود آمد ولی اساساً تا قبل از اصلاحات ارضی، روندی بسیار آرام و کند داشته و به صورت یک مشکل اجتماعی در شهر مطرح نبوده است. اما بعد از اصلاحات اراضی ۱۳۴۲ همراه با رشد مهاجرت، حاشیه نشینی نیز ابعاد وسیع تری پیدا می کرد. چرا که اغلب خوش نشینانی که صاحب نسق نبوده و در نتیجه زمینی به آنها واگذار نشد و همچنین کشاورزانی که مقدار ناچیزی زمین به آنها رسیده بود دست به مهاجرت زده و در محلات فقیرنشین و حاشیه شهرها اسکان یافتند و علاوه بر تهران که کانون جذب جمعیت بوده و حاشیه نشینی در آن رشد و گسترش چشمگیری داشت، حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ نیز دیده می شود. بنابراین حاشیه نشینی در این هنگام راه فراری بود از معضلات روستا و محلی برای داشتن سرپناهی هر چند نامناسب (مهجوریان ۱۳۸۱: ۱۴).

ویژگیهای اجتماعی و فیزیکی مناطق حاشیه نشین

زاغه های حاشیه شهر، یکی از پدیده هایی است که در بیشتر شهرهای کشورهای توسعه نیافته دیده می شود. مهاجران حاشیه ای در شهرهای توسعه نیافته، طبقه ای فقیر، بیکار، سرگردان و آنومیک هستند و از نظر دولت ها یک مسأله اجتماعی می باشند. زیرا صنایع یا وجود ندارند یا جاذب آن نیروهای کار نیستند. تنها امکان کار برای آنها، بخش ساختمانی است که اگر فعال باشد آنها را جذب می کند و در دوران های رکود بخش ساختمانی، این امکان از بین می رود. مشاغل کاذب مثل دستفروشی و گدایی زمینه های دیگر شغلی برای این گونه هستند (ممتاز ۱۳۷۹: ۸۴).

عده دار بودن مشاغل کاذب یعنی مشاغلی که نیاز به مهارت، تخصص، وقت، زمان و نظم خاصی نداشته و فاقد امنیت و آتیه است بیانگر این معناست که حاشیه نشینان جذب بازار شهری نمی شوند و دریافت پیچیده اقتصادی شهری جایی ندارند. درآمد حاصل از چنین کارهایی طبعاً برای گذران زندگی خانواده های حاشیه نشین- که اکثراً پر جمعیت نیز هستند- کافی نیست. لذا کودکان و فرزندان این خانواده ها به محض رسیدن به سن کار، سعی می کنند با انجام کاری نظیر پدرشان مقداری از بار زندگی را به دوش بکشند (هارس ۱۹۹۰: ۹).

چارلز آبرامز برای نواحی حاشیه‌نشین دو خصوصیت عمده ذکر می‌کند:

(۱) جمعیت متراکمی در آنها جای گرفته‌اند.

(۲) فاقد ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین وسایل بهداشتی، خدماتی و فرهنگی هستند و در اکثر مناطق حاشیه‌نشین سه نفر یا بیشتر در یک اتاق زندگی می‌کنند (ابراهیم زاده ۱۳۸۰: ۴۵).

مناطق حاشیه‌نشین دارای وضعیت نامطلوب و کیفیت پایین محیط زندگی از نظر تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی هستند. مناطق مسکونی آنها که اغلب در کنار مسیله‌ها، اطراف راه‌آهن، در نزدیکی جایگاه‌های تخلیه و انباشت زباله و یا در حاشیه شهرهاست و فاقد کمترین تأسیسات رفاهی است. گاهی نیز این مناطق فاقد آب آشامیدنی و در مواردی دارای یک یا دو شیر آب هستند یا در فاصله نسبتاً زیادی از شیرهای آب قرار دارند. گاهی آب را می‌خرند و گاه با شکستن لوله‌های اصلی شهر به لوله‌کشی محل مسکونی خویش می‌پردازند. توالت‌های روباز و غیر بهداشتی و محیط آلوده به کثافات و زباله در محل اسکان این قشر، محل مناسبی برای شروع انواع مرض‌هاست. در زمستان، کوچه‌ها پر از گل و لجن بوده و آب خیابانها و کوچه‌ها به این مناطق سرازیر می‌شود. خانه‌ها فاقد سیستم فاضلاب بوده و پایین بودن سطح فرهنگ و سواد، امکان استفاده از روشهای صحیح بهداشتی را به آنان نمی‌دهد. به همین دلیل با مرضی و مرگ و میر بالای کودکانشان نیز روبرو هستند (وینر ۲۰۰۲: ۷).

از نظر فیندلی اجتماعات حاشیه‌نشین با توجه به امکانات خود بسیار متنوع است. فقیرترین آنها فاقد راه، فاضلاب و آب و برق است. این شرایط با توجه به معیارهای سکونت در کشورهای غربی وحشتناک است ولی در مقایسه با مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه ممکن است پایین نباشد (احمدیان ۱۳۷۹: ۱۴).

مهمترین ویژگی‌های اجتماعی حاشیه‌نشینان به قرار زیر طبقه‌بندی می‌شود:

(۱) مناطق حاشیه‌نشین دربرگیرنده مکان جغرافیایی مشخص هستند.

(۲) منافع مشترک ساکنین را به هم پیوند می‌دهد.

(۳) الگوهای مشترکی بر روابط اجتماعی و اقتصادی ساکنین آنها حاکم است.

(۴) تجانس گروهی و همبستگی نسبتاً بالایی خاصه در مواجهه با مسائل مشترک و افراد خارج از اجتماع خود بروز می‌دهند.

(۵) نهادهایی خاص خود پدید آورده‌اند.

(۶) یکدیگر را به خوبی کنترل می‌کنند.

علاوه بر مشخصات فوق، دارای خصوصیات مشترک زیرین نیز هستند:

- عمدتاً جمعیت حاشیه‌نشین را جوانان تشکیل می‌دهند.

- در ساختن محیط مسکونی خود و در برابر عملیات تخریب روحیه بسیار قوی همکاری

دارند.

- به افراد غیر ساکن در منطقه اعتماد نداشته و در مسائل خود، آنها را شرکت نمی‌دهند.

به لحاظ عدم وجود فضای کافی، اغلب اوقات خود را، در خارج از چهارچوب مسکونی می گذرانند.

ناهنجاری های اجتماعی به لحاظ از بین رفتن ارزشهای انسانی در حاشیه شهرها سریع پرورش یافته و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق و فحشا در آنجا بیش از متن اصلی شهر دیده می شود (نوردبرگ ۲۰۰۰: ۵).

حاشیه نشینی و مسائل اجتماعی

طبق تعریف زاهد زاهدانی، «حاشیه نشینان» کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می کنند و جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهری نشده اند. به این ترتیب، عدم جذب حاشیه نشینان در نظام اجتماعی-اقتصادی معرف آن است که حاشیه نشینان به عنوان یک شهروند مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده اند. همچنین رفتار خود حاشیه نشینان نیز به گونه رفتار طبیعی خود ساکنین شهر نمی باشد (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷).

تجمع مهاجران با فرهنگ های متعدد در چنین محیط های نامناسب همراه با معضلات ناشی از فقدان اشتغال به بزهکاری ها و ایجاد مناطق تبهکاری می شود. مطاعات و تحقیقات جامعه شناسی شهری نشان داده است که زندگی حاشیه نشینی با افزایش جرم زایی رابطه مستقیم و نزدیک دارد. همچنین از بعد اقتصادی، افزایش مهاجرین غیر ماهر و غیر متخصص، موجب پیدایش بیکاری پنهان و توسعه غالباً غیر ضروری خدمات می شود (تودارو ۱۳۶۷: ۲۹). پیترو دیکن نیز معتقد است در مناطق مهاجر پذیر و زاغه ای به علت تحرک زیاد و وجود هویت فردی از یک طرف و تماس چهره به چهره کم و عدم تسلط بر آداب و رسوم از طرف دیگر، انحراف در آنجا زیاد می باشد (دیکنز ۱۳۷۷: ۶۷).

حاشیه نشینی با جرم رابطه مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه های جاری زندگی موجب می شود تا مهاجران غیرمتخصص که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی دهد، جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری، ولو غیر قانونی بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش های انسانی، کجروی های اجتماعی سریعاً رشد می کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش می یابد (ستوده ۱۳۷۶: ۷۷).

علاوه بر اینها، پیدایش زمینه توسعه و فعالیت در سوء استفاده از مواد مخدر و نابسامانی های کانون خانواده در مناطق حاشیه نشین از نتایج شوم مهاجرت های شدید روستایی به شهرها می باشد.

بر طبق تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است این نظر تأیید شده است که محیط های نامأنوس شهری برای مهاجران و انتخاب «حاشیه نشینی» به عنوان مشکل سکونت، بیگانگی را به همراه دارد و قرار گرفتن در شرایط بی هنجاری (آنومیک) شهرها برای کسانی که از فرهنگ خود جدا شده اند، مفاسد اجتماعی و اعتیاد و تنش های اجتماعی را افزایش می دهد. به علاوه،

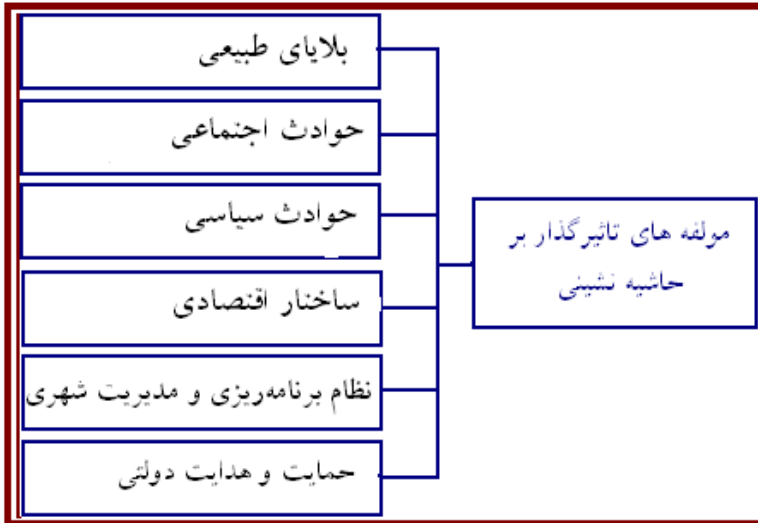
این گونه افراد ممکن است به صورت گروهی یک خرده فرهنگ به وجود آورند که در آن این گونه آسیب‌های اجتماعی توسعه یابد و نوید عدم مشارکت آنان (یا عدم امکان مشارکت) در فرهنگ عمومی جامعه شهرنشین باشد (توسلی ۱۳۷۴: ۵۳).

عماد افروغ جامعه‌شناس، در خصوص «خرده فرهنگ کج رو» در مناطق حاشیه‌نشین می‌گوید: «عامل اصلی تشکیل خرده فرهنگ کج رو، تمرکز فقر است نه خود فقر. خرده فرهنگ کج‌رو مقدمه بزهکاری است و قربانیان بزه معمولاً جنوب شهری‌ها و حاشیه‌نشینان هستند. از همین رو اکثر جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی در کلانشهرها منشأ انواع انحرافات اجتماعی در درون کلانشهرهاست و از طرفی کودکانی که در چنین محیطی پرورش می‌یابند، قطعاً نمی‌توانند در آینده از سطح فکری کاملاً منطبق با فرهنگ شهرنشینی برخوردار باشند. زیرا در مناطق و محله‌هایی که عدم تعادل و برابری اجتماعی و فقر مطلق و مسائل بحران‌زا حاکم باشد، نابسامانی و آسیب‌های جدی اجتماعی هم کاملاً به چشم می‌خورد (لهسایی ۱۳۶۸: ۲۴).

مدل مفهومی پژوهش

چارچوب نظری یک الگوی مفهومی است مبتنی بر روابط تئوریک میان شماری از عواملی که در مورد مسأله مورد پژوهش با اهمیت تشخیص داده شده‌اند. این نظریه با بررسی سوابق پژوهشی در قلمرو مسأله به گونه‌ای منطقی جریان پیدا می‌کند. در این پژوهش به منظور سنجش مولفه‌های عمده تاثیر گذار در حاشیه نشینی، از مدل ترکیبی رابرت پارک، کولین و برگس بهره‌گیری شد.

نمودار مولفه‌های تاثیر گذار بر حاشیه نشینی (مدل ترکیبی رابرت پارک، کولین و برگس)



اهداف پژوهش

هدف کلی

تعیین عوامل عمده حاشیه نشینی در کشور

اهداف ویژه پژوهش:

- ۱- شناسایی عوامل موثر در حاشیه نشینی در کلانشهر تهران.
- ۲- تعیین سطح اثرگذاری هر یک از مولفه ها در حاشیه نشینی در شهر تهران.
- ۳- رتبه بندی میزان تاثیر هر یک از مولفه ها.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر اجراء توصیفی (همبستگی) است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل کلیه اساتید، متخصصان و مدیران در حوزه مدیریت، علوم اجتماعی و فرهنگی می باشند. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شد و تعداد ۲۰۰ پرسشنامه در میان نمونه مورد پژوهش توزیع شد که در این میان ۱۵۷ پرسشنامه بصورت کامل تکمیل و به پژوهشگر عودت داده شد.

ابزار اندازه گیری

ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه بصورت پرسشنامه ای بوده است. پرسشنامه مذکور در دو بخش الف) مشخصات فردی و ب) گویه ها با ۲۴ گویه می باشد.

سوالات پژوهش

- ۱) آیا بلایای طبیعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است؟
- ۲) آیا حوادث اجتماعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است؟
- ۳) آیا حوادث سیاسی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است؟
- ۴) آیا ضعف ساختار اقتصادی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است؟
- ۵) آیا ضعف نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است؟
- ۶) آیا عدم حمایت و هدایت دولتی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است؟

فرضیات پژوهش

- ۱) بلایای طبیعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.
- ۲) حوادث اجتماعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.
- ۳) حوادث سیاسی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.
- ۴) ضعف ساختار اقتصادی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

۵) ضعف نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

۶) عدم حمایت و هدایت دولتی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

آزمون فرضیات

جنس

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	7	4.5	4.5	4.5
مرد	82	52.2	52.2	56.7
زن	68	43.3	43.3	100.0
جمع	157	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۸۲ نفر معادل ۵۲.۲ درصد

مرد و ۶۸ نفر معادل ۴۳.۳ درصد زن و ۷ نفر معادل ۴.۵ درصد بدون پاسخ می باشند.

سن

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	4	2.5	2.5	2.5
20-25	10	6.4	6.4	8.9
26-34	66	42.0	42.0	51.0
35-40	61	38.9	38.9	89.8
۴۱ سال به بالا	16	10.2	10.2	100.0
جمع	157	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۱۰ نفر معادل ۶.۴ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۵، ۶۶ نفر معادل ۴۲ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۴ سال، ۶۱ نفر معادل ۳۸.۹ درصد در گروه سنی ۳۵-۴۰ سال، ۱۶ نفر معادل ۱۰.۲ درصد در گروه سنی بالاتر از ۴۱ سال و ۴ نفر ۲.۵ معادل درصد بدون پاسخ می باشند.

تاهل

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	4	2.5	2.5	2.5
مجرد	62	39.5	39.5	42.0
متاهل	91	58.0	58.0	100.0
جمع	157	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۶۲ نفر معادل ۳۹.۵ درصد مجرد و ۹۱ نفر معادل ۵۸ درصد متاهل و ۴ نفر معادل ۲.۵ درصد بدون پاسخ می باشند.

تحصیلات

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
بدون جواب	8	5.1	5.1	5.1
کارشناسی	46	29.3	29.3	34.4
کارشناسی ارشد	72	45.9	45.9	80.3
دکتری	31	19.7	19.7	100.0
جمع	157	100.0	100.0	

همانگونه که از جدول بالا مشاهده می شود از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۴۶ نفر معادل ۲۹.۳ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۷۲ نفر معادل ۴۵.۹ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۳۱ نفر معادل ۱۹.۷ درصد دارای مدرک دکتری و ۸ نفر معادل ۵.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.

۱) بلایای طبیعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۱	157	8.2293	1.32468	.10572		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۱	-35.667	156	.000	-3.77070	-3.9795	-3.5619

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-35.667) با درجه آزادی (۱۵۶) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که بلایای طبیعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

۲) حوادث اجتماعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۲	157	8.5860	1.93829	.15469		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۲	-22.070	156	.000	-3.41401	-3.7196	-3.1085

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-22.070) با درجه آزادی (۱۵۶) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که حوادث اجتماعی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

۳) حوادث سیاسی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۳	157	8.4713	1.50026	.11973		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۳	-29.471	156	.000	-3.52866	-3.7652	-3.2922

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-۲۹.۴۷۱) با درجه آزادی (۱۵۶) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که حوادث سیاسی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

۴) ضعف ساختار اقتصادی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۴	157	8.3121	2.15684	.17213		
	Test Value = 12					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۴	-21.424	156	.000	-3.68790	-4.0279	-3.3479

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (-۲۱.۴۲۴) با درجه آزادی (۱۵۶) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که ضعف ساختار اقتصادی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

۵) ضعف نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۵	157	7.9490	1.90073	.15169		
Test Value = 12						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۵	-26.705	156	.000	-4.05096	-4.3506	-3.7513

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (۲۶.۷۰۵-) با درجه آزادی (۱۵۶) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که ضعف نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

۶) عدم حمایت و هدایت دولتی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean		
فرض ۶	157	12.8280	2.82430	.22540		
Test Value = 18						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
فرض ۶	-22.945	156	.000	-5.17197	-5.6172	-4.7267

تفسیر:

با توجه به اینکه مقدار (t) محاسبه شده (۲۲.۹۴۵-) با درجه آزادی (۱۵۶) و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) از مقدار (t) بحرانی جدول بزرگتر است فرض صفر رد می شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد که عدم حمایت و هدایت دولتی در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران تاثیر گذار است.

آزمون کنادال جهت تعیین رتبه مولفه ها

رتبه مولفه	میانگین رتبه ها	عنوان مولفه	رتبه مولفه
فرض ۱	2.64	بلایای طبیعی	۵
فرض ۲	2.55	حوادث اجتماعی	۶
فرض ۳	3.37	حوادث سیاسی	۴
فرض ۴	5.86	ضعف ساختار اقتصادی	۱
فرض ۵	5.09	ضعف نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری	۲
فرض ۶	4.93	عدم حمایت و هدایت دولتی	۳

خلاصه و نتیجه گیری

نواحی شهری که اکنون به سرعت در کشورهای جهان سوم توسعه می‌یابند به گونه چشمگیری با شهرهای کشورهای صنعتی تفاوت دارند. مردم در کشورهای جهان سوم یا از آن روی به شهرها کشانده می‌شوند که نظام های سنتی تولید روستایی آنها از هم پاشیده یا به دلیل آن که نواحی شهری فرصت‌های شغلی بیشتری ارائه می‌دهند. آنها ممکن است قصد داشته باشند فقط برای مدت نسبتاً کوتاهی به شهر مهاجرت کنند، با این هدف که پس از کسب پول کافی به روستای خود بازگردند. بعضی واقعاً برمی گردند اما اکثراً که به دلیلی موقعیتشان را در اجتماعات قبلی خود از دست داده‌اند، خود را مجبور به ماندن می‌یابند.

اما با توجه به آزمون مولفه های مورد تحقیق مهمترین یافته های این پژوهش عبارتند از:

- از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۸۲ نفر معادل ۵۲.۲ درصد مرد و ۶۸ نفر معادل ۴۳.۳ درصد زن و ۷ نفر معادل ۴.۵ درصد بدون پاسخ می باشند.

- از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۱۰ نفر معادل ۶.۴ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۵، ۶۶ نفر معادل ۴۲ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۴ سال، ۶۱ نفر معادل ۳۸.۹ درصد در گروه سنی ۳۵-۴۰ سال، ۱۶ نفر معادل ۱۰.۲ درصد در گروه سنی بالاتر از ۴۱ سال و ۴ نفر ۲.۵ معادل درصد بدون پاسخ می باشند.

- از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۶۲ نفر معادل ۳۹.۵ درصد مجرد و ۹۱ نفر معادل ۵۸ درصد متأهل و ۴ نفر معادل ۲.۵ درصد بدون پاسخ می باشند.

- از مجموع ۱۵۷ نفر نمونه مورد پژوهش ۴۶ نفر معادل ۲۹.۳ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۷۲ نفر معادل ۴۵.۹ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۳۱ نفر معادل ۱۹.۷ درصد دارای مدرک دکتری و ۸ نفر معادل ۵.۱ درصد بدون پاسخ می باشند.

- مطابق نظرات ارائه شده از سوی خبرگان ضعف ساختار اقتصادی مهمترین مولفه تاثیر گذار در توسعه و گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران شده است.
- مطابق نظرات ارائه شده از سوی خبرگان ضعف نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری در رتبه دوم تاثیر گذاری در توسعه و گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران شده است.
- مطابق نظرات ارائه شده از سوی خبرگان عدم حمایت و هدایت دولتی در جایگاه سوم در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران شده است.
- مطابق نظرات ارائه شده از سوی خبرگان حوادث سیاسی در جایگاه چهارم در توسعه و گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران شده است.
- مطابق نظرات ارائه شده از سوی خبرگان بلایای طبیعی در جایگاه پنجم در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران شده است.
- مطابق نظرات ارائه شده از سوی خبرگان حوادث اجتماعی در جایگاه ششم در گسترش حاشیه نشینی در کلانشهر تهران شده است.

پیشنهادات

- با توجه به نتایج بدست آمده برخی از مهمترین راهکارهای کاهش حاشیه نشینی در کلانشهر های کشور به شرح زیر می باشد:
- تلاش دولت در جهت بهبود درآمد اقشار مختلف جامعه و توزیع عادلانه ثروت
- ایجاد اشتغال از طریق اجرای طرح آمایش سرزمین در کل کشور.
- کاهش تجمع صنعت و تجارت و یا گسترش صنعت در بخشهای مختلف جغرافیایی.
- افزایش امکانات آموزشی در مناطق محروم به ویژه گسترش آموزش عالی در این بخشها.
- حمایت بیش از پیش دولت از بخش کشاورزی و کشاورزان و دامداران.
- تغییر از ساختار سیاسی متمرکز در چند کلانشهر به تمامی شهرها.
- بهبود قوانین و مقررات شهری و اجرای قوانین سخت گیرانه تر در ایجاد مناطق زاغه نشین.
- حمایت دولت در بازگشت زاغه نشینان شهرستانی و روستایی در بازگشت به موطن اصلی خویش.

منابع و ماخذ

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۰) مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن؛ نمونه: استان سیستان و بلوچستان، نشریه تحقیقات جغرافیایی بهار
- احمدیان، محمد علی (۱۳۷۹) حاشیه‌نشینی: ریشه‌ها و راه حل‌ها، نشریه اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴.
- پارسا پژوه، سعید (۱۳۸۱) نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی، مطالعه موردی اسلام آباد کرج، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶، انتشارات علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- پیران، پرویز (۱۳۸۷) آلودگی‌های نظری: دیدگاه‌های نظری، با نگاهی به شرایط ایران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۸۸-۸۷.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷) مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی، تهران، دفتر بین‌المللی کار، چاپ اول.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- جواهری پور، مهرداد (۱۳۸۱) چالش جهانی فقر شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- دیکنز، پیت (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی شهری: جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسان، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- ربانی، رسول (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، دانشگاه اصفهان و سازمان سمت، چاپ اول.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹) حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۷۶) آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات، تهران انتشارات آوای نور
- شکویی، حسین (۱۳۷۹) دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران، انتشارات سمت.
- شیخی، محمد (۱۳۸۱) فرآیند شکل‌گیری و دگرگونی، سکونتگاه‌های خودرو پیرامون کلان‌شهر تهران، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ سوم.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید.
- مهجوریان، محمدرضا (۱۳۸۱) بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی-جمعیتی مؤثر بر رضایت‌مندی مهاجرین در نقاط حاشیه‌نشین فلاورجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی شهر، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول

- هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۴) حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات آذریزین، چاپ دوم.

- Hares,b(1990) *Urbanization, economic development in developing Country*, Habitat international, No 4
- Nordberg, Rainer(2000) "*Alleviating Poverty through Housing Development*", Habitat Debate, Vol. 6, No. 4.
- Weiner , mark,(2002) *Internal migration policies and effects*, Lexington Books.
- Toll, George (2001)*The Economic of Urbanization and Urban Policies*, The World Bank, Washington.

یاداشتها

¹ Formation

² Transformation

³ Relative

⁴ J.D.Loic



شناسایی موانع توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی (GIS) در حوزه خدمات شهری و ارائه راهکارهای اجرایی (مورد مطالعه - شهرداری شیراز)

دکتر اسماعیل کاوسی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
(نویسنده و مسئول مکاتبات)

دکتر حسین وظیفه دوست

استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

علی قادری

کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، شناسایی موانع پیش روی توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در شهرداری شیراز و ارائه راه حل‌های اجرایی، می‌باشد. بدین منظور با شناسایی جامعه آماری مورد نظر و انتخاب روش تحقیق توصیفی، فرضیات مستخرج از مطالعات پیشین در قالب پرسشنامه‌هایی بصورت نظر سنجی در بین جامعه آماری مخاطب توزیع گردیده و پس از تجزیه و تحلیل‌های آماری مربوطه، مشخص گردید که تمامی پنج فرضیه، مورد تایید قرار گرفتند بطوری که به نظر جامعه آماری، مسائل و مشکلات مالی، مسائل و مشکلات ایمنی و فنی، مسائل و مشکلات فرهنگی، عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز و عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز شده است. در انتها با مراجعه به جامعه آماری دوم و یا کارشناسان و صاحب نظران توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، به جمع آوری راهکارهای پیشنهادی آنها به منظور رفع موانع توسعه شناسایی شده، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، موانع توسعه، خدمات شهری و شهرداری شیراز

مقدمه

شهرداریها^۱ به عنوان سازمانهایی عمومی، بنا بر نوع سیستم حکومتی مرکزی و محلی و نیز حدود واگذاری اختیارات از سوی حکومت‌های مرکزی به سازمانهای محلی، و شهرداری‌ها، در جای جای جهان، از وظائف و اختیارات متعددی برخوردار می‌باشند. یکی از این وظائف، وظائف مربوط به خدمات رسانی به تمامی شهروندان و یا خدمات شهری می‌باشد. وظیفه خدمات شهری در ایران، در قالب یکی از وظائف کلی نه گانه شهرداری‌ها، مطرح شده است. انجام وظائف خدمات شهری به شیوه‌ای مناسب و کارآ، ملزومات بسیاری را طلب می‌کند. یکی از این ملزوات، دسترسی به اطلاعات مناسب، صحیح، اقتصادی و به روز در جهت بهره‌مندی در انجام وظائف، به شیوه کارآ می‌باشد. سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی به عنوان (سیستمهایی که جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، کنترل، ادغام، پردازش، تحلیل و نمایش داده‌های زمین مرجع را در اختیار دارد) (حبیبی و پور احمد، ۱۳۸۴، ص ۱۶)، همانند کشورهای توسعه یافته، می‌تواند باعث فراهم آوردن اطلاعات مناسب و مورد نیاز برای شهرداری‌ها در انجام وظائف خدمات رسانی به شهروندان خود بصورت کارآ شود.

آنچه که مسلم است در شهرداری‌های ایران بطور اعم و در شهرداری شیراز بطور اخص، از این سیستمها، استفاده مناسب و شایسته‌ای به عمل نمی‌آید و یا به عبارت دیگر، سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در شهرداری‌های ایران و نیز شیراز از توسعه لازم برخوردار نمی‌باشند. انجام پژوهشهایی در زمینه شناسایی موانع پیش روی توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در تمامی شهرداری‌های ایران، به عنوان یکی از مهمترین اقدامات در زمینه توسعه استفاده از این سیستمها، از ضرورت برخوردار می‌باشد. مقاله حاضر با تشخیص این ضرورت، شناسایی موانع توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز و ارائه راهکارهای اجرایی را مورد هدف قرار داده است.

سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی

سیستمهای کامپیوتری متعددی در زمینه گردآوری داده‌ها، پردازش آنها و ارائه آنها بصورت اطلاعات از چندین دهه قبل تاکنون و عموماً در کشورهای توسعه یافته، در زمینه‌های خدمات شهری، از رواج و کارکرد برخوردار می‌باشند. سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی، در این بین بدلیل مرجع بودن زمین بسیاری از تصمیمات و عملکردها در زمینه خدمات شهری، از شهرت و رواج بیشتری بهره‌مند می‌باشند، بطوری که علاوه بر درونی شدن ضرورت استفاده از آنها در کشورهای توسعه یافته، در کشورهای در حال توسعه نیز کمابیش شاهد ظهور و استفاده از آنها در برخی از شهرها و شهرداری‌های مهم می‌باشیم. اهمیت استفاده از این سیستمها به علت گسترش سریع شهرها و به تبع آن افزایش جمعیت در قسمتهای مختلف شهر و نیز ضرورت خدمات رسانی به این جمعیت ساکن و نیاز روزافزون به مدیریت اطلاعات سریعاً در حال افزایش، بیش از پیش احساس می‌شود.

از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، تعاریف بسیاری به عمل آمده است، بررسی چندین نمونه از این تعاریف ضروری به نظر می‌رسد:

◆ سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، یک فناوری قدرتمند برای به نمایش درآوردن اطلاعات فضایی برای کاربری‌های مختلف می‌باشد. (Hall, 2004, p 5)

◆ سیستم‌هایی به منظور گردآوری، کنترل، پردازش، ادغام، تحلیل و ایجاد مدل و گزارش داده‌های زمین مرجع می‌باشند (حبیبی و پورا احمد، ۱۳۸۴، ص ۱۶).

◆ مجموعه‌ای سازمان یافته از سخت افزار و نرم افزار و اطلاعات جغرافیایی و نیروی انسانی متخصص که به منظور کسب، ذخیره، بهنگام سازی، پردازش، تحلیل و ارائه کلیه اشکالات اطلاعات جغرافیایی طراحی و ایجاد شده است (شاعلی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹).

◆ - (تکنولوژی اطلاعاتی که داده‌های فضایی و غیر فضایی را ذخیره، تحلیل و به تصویر می‌کشد) (حبیبی و پور احمد، ۱۳۸۴، ص ۱۶).

هاکسپولد و اوینسوهن (۱۹۹۵) سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی را به عنوان مجموعه‌ای از فناوری اطلاعات، داده‌ها و رویه‌های جمع آوری، ذخیره، دستکاری، تجزیه و تحلیل ارائه نقشه‌ها و اطلاعات توصیفی در مورد خصیصه‌هایی می‌دانند که می‌توانند بر روی نقشه‌ها ارائه گردند چنان و ویلیامسون به ارائه خصیصه‌های منحصر به فردی می‌پردازند که سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی را از دیگر انواع سیستم‌های اطلاعاتی متفاوت می‌سازد، این خصیصه‌ها عبارتند از:

۱) داده‌های موجودیت‌ها و ارتباطات مدیریت شده در یک چارچوب فضایی

۲) توانایی اجرای تجزیه و تحلیل‌های فضایی.

ندوویک و سایرین (۱۹۹۶) سه دلیل مطلوبیت سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در دولتهای محلی را اینگونه بر می‌شمارند:

۱) داده‌های فضایی محور، نسبت وسیعی از داده‌های قابل پردازش در سازمانهای دولت محلی را ارائه می‌دهند.

۲) اطلاعات به عنوان یک منبع اساسی برای دولتهای محلی مطرح است. و

۳) فشار در جهت بهبود عملکرد، دولت را به یافتن شیوه‌های کارآتر انجام کارهایش

ترغیب می‌کند. (Hall, 2004, p 5)

آنچه که از تعاریف بالا قابل برداشت است این است که سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی به علت سیستم بودن، دارای ورودی‌هایی (داده‌ها) بوده، بر روی ورودی‌های خود پردازش انجام داده (تبدیل داده‌ها به اطلاعات) و خروجی‌هایی (اطلاعات) را نمایش و ارائه می‌دهند. همینطور به علت مرجع بودن زمین این داده‌ها و اطلاعات و یا به عبارت دیگر ارتباط این داده‌ها و اطلاعات با زمین و جغرافیا به سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی مشهور می‌باشند.

مولفه‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی

سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی از ۵ مولفه تشکیل یافته است. این ۵ مولفه عبارت از سخت افزار، نرم افزار، اطلاعات سازمان یافته، افراد متخصص و روش‌های کار می‌باشد (پرهیزکار، ۱۳۷۶، ص ۶).

هر یک از این مولفه‌ها در سیستم، عملکردی را در راستای رسیدن سیستم به اهداف تعیین شده و مشخص، بر عهده دارند بطوری که، سخت افزار و نرم افزار توانایی سیستم را تعیین می‌نمایند و معمولاً هدف راه اندازی سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، در انتخاب آنها نقش اول را دارد و سهولت کار و استفاده راحت و آسان در ارتباط با راه اندازی سیستم و ذخیره سازی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و جستجوی اطلاعات جغرافیایی و پشتیبانی نرم افزاری از نکات اولیه است که همواره شرکتها، متخصصان عرضه کننده سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در بازاریابی محصولات خود وعده می‌دهند. آنچه در موفقیت سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی اهمیت برجسته دارد کادر فنی و نیروی انسانی است که با سیستم کار می‌کنند. یک سخت افزار و نرم افزار بسیار قوی بدون پشتیبانی کادر متبحر به کارآیی مناسب نمی‌رسد بلکه هرچه سیستم قویتر باشد نیاز به نیروی متخصص و مجرب و کارآمد بیشتر است (مدیری و خواجه، ۱۳۸۴، ص ۲۱).

پایگاه داده‌ها عبارت است از مجموعه داده‌های کامپیوتری قابل استفاده توسط استفاده کنندگان مجاز که در آن امکان تعریف سطوح مختلف استفاده، دسترسی، تعدیل، استخراج و نمایش داده‌ها وجود دارد. اگر چه پایگاه اطلاعاتی می‌تواند دستی یا سنتی نیز باشد ولی آنچه امروزه در سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی مطرح است پایگاه اطلاعات اتوماتیک یا کامپیوتری رقومی است. مهمترین مسائل در کیفیت داده‌های یک پایگاه اطلاعاتی عبارتند از دقت، زمان، به روز بودن و کامل بودن (علیمحمدی، ۱۳۷۸). بطور خلاصه می‌توان مولفه‌های یک سیستم، تعریف آنها و مثالهایی در رابطه با سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی را بر طبق جدول (۱) داشت.

اهداف استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی

همانگونه که می‌دانیم، سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در موارد و زمینه‌های کاری متعددی کاربرد دارد، اما آنچه که این سیستمها را به یک عامل اصلی و اساسی در استفاده از آنها در این زمینه‌های تخصصی تبدیل می‌کند و نیز به عنوان عامل مشترک در تمامی این زمینه‌های کاری مطرح می‌کند اهداف این سیستم‌های اطلاعاتی می‌باشند. هدف نهایی یک سیستم اطلاعات جغرافیایی، پشتیبانی جهت تصمیم گیری‌های پایه گذاری شده بر اساس داده‌های مکانی می‌باشد و عملکرد اساسی آن، بدست آوردن اطلاعاتی است که از ترکیب لایه‌های متفاوت داده‌ها با روشهای مختلف و با دیده گاههای گوناگون بدست می‌آید. (پایگاه اینترنتی داده‌های ملی علوم زمین <http://www.ngdir.ir>).

جدول ۱: مولفه‌های یک سیستم

ردیف	نام مولفه	تعریف	مثال
۱	سخت‌افزار	تجهیزات و قطعات و اجزای قابل لمس یک سیستم را سخت‌افزار گویند. (هدایتی آذری و شیرکوند ۱۳۸۴، ص ۹).	ماهوره‌های جغرافیایی - رسمها برای ترسیم نقشه ها- گیرنده‌ها و فرستنده‌های اطلاعاتی
۲	نرم‌افزار	نرم افزار عبارت از دستورالعملهایی برای سخت افزار است. به نرم افزار اغلب برنامه گفته می‌شود. نرم افزار به یارانه دیکته می‌کند چه اقدامهایی را صورت دهد (رضاییان ۱۳۸۴، ص ۵۲).	Arc GIS- Ilwis- -AutoCad Map Idrisi
۳	اطلاعات	با توجه به اینکه داده‌ها بیانگر مشاهدات یا واقعیت‌های خارج از زمینه اصلیشان است، بنابراین این بطور مستقیم معنایی ندارند. از قرار گرفتن داده‌ها در درون یک متن معنی دار که اغلب بصورت پیام است اطلاعات به دست می‌آید (رضاییان ۱۳۸۴، ص ۳۹).	جمعیت جانوری یک منطقه جغرافیایی خاص - ارتباط تخریب اراضی جنگلی با افزایش خطرات سیل
۴	افراد متخصص	افراد در سیستمهای اطلاعاتی نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کنند که می‌توان آنها را در سه دسته طراحان، راهبران و کاربران طبقه بندی کرد. طراحان سیستم شامل تحلیل گران و برنامه نویسان می‌شود. راهبران سیستم، تجهیزات رایانه‌ای را مدیریت، کنترل و تعمیر و نگهداری می‌کنند. کاربران سیستم شامل همه کسانی می‌شود که از اطلاعات تولید شده بوسیله یارانه استفاده می‌کنند. (رضاییان ۱۳۸۴، ص ۳۸).	متخصصان نقشه برداری و نقشه کشی - کاربران سیستمای اطلاعاتی جغرافیایی
۵	روشهای کار	رویه ها، دستورالعمل‌های هنجار یافته و مشروحي هستند که افراد باید بطور منظم دنبال کنند. یک روش دسته بندی رویه‌ها بر اساس نوع افرادی است که باید آنها را به کار گیرند. (رضاییان ۱۳۸۴، ص ۴۴)	نوع استفاده از یک نرم افزار خاص - نوع سازماندهی سیستم بر اساس اهداف مورد نظر

به طور کلی از جمله اهداف کلی سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی می توان به این موارد اشاره کرد:

- توانایی کاربرد سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در رشتههای گوناگون علوم و تکنولوژی
- قدرت تفکیکی که دقت آنالیز گرافیکی و نتایج خروجی را به نمایش می گذارد
- بانک اطلاعات (اطلاعات پایه)
- سهولت بهره برداری و تجزیه و تحلیل با صرف وقت اندک. (مدیری و خواجه ۱۳۸۴، ص ۶۹-۶۸).

با این وجود، اهداف خاصی نیز می توان برای سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در نظر گرفت که عبارتند از:

- توسعه و پیشبرد پایگاههای اطلاعاتی موجود
- کاهش زمان دریافت اطلاعات
- ارائه یک مکانیزم مناسب جهت دریافت دادههای سنجش از راه دور و ورود آنها به پایگاه اطلاعاتی منابع طبیعی
- ارائه یک سیستم جهت جمع آوری اطلاعات از منابع گوناگون
- امکان به روز نگه داشتن اطلاعات و منطبق با وضعیت و شرایط موجود. (مدیری و خواجه ۱۳۸۴، ص ۲۰).

پس همانگونه که از این اهداف بر می آید، سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی، به دنبال ساماندهی، نظم بخشی و مدیریت جمع آوری، پردازش و ارائه دادهها و اطلاعات مورد نیاز در علوم و زمینههای کاری مختلف می باشد. اصولا ما بر اساس اهداف مورد نظر در هر زمینه، راهها و استراتژیهای دستیابی به آن اهداف را برنامه ریزی و اجرایی می کنیم. در سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی نیز می بایست با توجه به اهداف تعیین شده، ابزارها و استراتژیهای مناسب جهت دستیابی به این اهداف را مشخص کرده و بکار گرفت.

مزایای استفاده از سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی

یک سیستم اطلاعاتی جغرافیایی برخوردار از طراحی و مدیریت مناسب، دسترسی آسان و سریع به حجمهای وسیعی از دادهها را امکان پذیر می سازد. این سیستمها از قدرت انتخاب دادهها بر اساس ناحیه و یا بر اساس موضوع و ترکیب و تلفیق آنها برخوردار می باشند. در مجموع، محاسن یک سیستم اطلاعات جغرافیایی شامل موارد زیر می باشد:

- کیفیت بالای تحلیل دادهها و امکان تجزیه و تحلیل آنها با روشهای پیشرفته
- مدیریت و تغییر سریع حجم عظیمی از دادهها در زمینههای مختلف
- روشهای بهتر و جدیدتر برای تهیه نقشههای مختلف و امکان به روز کردن آنها

- ایجاد ارتباط بین عوارض مختلف و اتصال حجم زیادی از اطلاعات آنها در جداول اطلاعاتی
- کاهش زمان، هزینه و مواد مصرفی کار و پول ساز و اشتغال ساز بودن آنها
- استفاده وسیع آن در علوم مختلف
- اداره و سازماندهی وسیع داده‌های زمین مرجع
- به روز رسانی سریع و جمع آوری اطلاعات پراکنده
- قابلیت بازیابی روشها
- مدل سازی، فرضیه و آزمایش و پیشگویی (پایگاه اینترنتی داده‌های ملی علوم زمین <http://www.ngdir.ir>)

بنابراین مشخصه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی سرعت عمل و به روز رسانی اطلاعات، مطابق با فرمت‌های استاندارد، دسترسی سریع و آسان به اطلاعات در حجم وسیع، تجزیه و تحلیل اطلاعات و کاهش هزینه هاست. موارد متعددی در استفاده از مزایا و منافع سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سراسر جهان وجود دارد. ذکر یک نمونه از این موارد در اینجا مناسب به نظر می‌رسد. شهر بوینتون بیج یکی از شهرهایی است که به برنامه ریزی استراتژیک در جهت توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سال ۲۰۰۰ میلادی دست زده است و با پیاده سازی و اجرای این سیستمها به نتایج مثبتی دست یافته است. برخی از این منافع عبارت از ارتقاء کارایی و بهره وری در سطح شهر، بهبود پردازش اطلاعات و صرفه جویی در هزینه‌های پولی و زمانی در سطح شهر می‌باشند. در مجموع، مزایای سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، به این شهر به افزایش کارایی و بهره وری برای هم مشتریان داخلی و هم خارج از شهر کمک کرده است (Hall, 2004, p 8).

چارچوب نظری و مدل تحلیلی تحقیق

بحث توسعه فناوری سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سازمانها، مطمئناً موضوعی جدید نمی‌باشد. پژوهشگرانی مانند اینس و سیمسون (Innes and Simpson, 1993, p 236)، ونتورا (Ventura, 1995, p 465)، ندوویک و پینتو (nedovik and Pinto, 1999, p56)، مستنداتی در زمینه موانع بکارگیری و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در دولتهای محلی، اهمیت سازگاری این سازمانها و همسازی این فناوری با ساختارها و فرهنگهای سازمانی موجود ارائه داده اند. این مستندات، توسط تحقیقات و یافته‌های سایبر در بکارگیری و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در چندین سازمان مورد حمایت قرار گرفته و یکی از مهمترین مباحث خود را به بررسی در مورد فاکتورهای نهادی، سازمانی، فنی و سیاسی محدود کننده استفاده این سازمانها از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی اختصاص داده است. بنا به نظر سایبر

(Siber, 2002, p60)، تنها، ارائه یک نوآوری در بالاترین رده فرایندهای قدیمی، باعث تهییج موفقیت آمیز بکارگیری و توسعه این سیستمها نخواهد شد.

در یکی از مقالات معتبر دانشگاهی در این موضوع، تایلور، اظهار می‌دارد که به کارگیری و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در کشورهای در حال توسعه، چیزی فراتر از مرحله آزمایش نرفته و فعالیتهایی نیز که در این زمینه صورت می‌پذیرند بجای اینکه از حمایتها و مدیریت‌های محلی برخوردار باشند در بیشتر موارد از طریق کارشناسان استخدام شده خارجی قراردادی یا سازمانهای توسعه بین‌المللی انجام می‌گیرند (Taylor, 1991, p75). چنین رویکردی، در حالی که در ابتدای به کارگیری این سیستمها از اهمیت برخوردار می‌باشد، اما نقش بسیار ضعیفی در توسعه و پایداری این سیستمها در سازمانهای عمومی و دولتی کشورهای در حال توسعه دارد. به عنوان نمونه، در ارتباط با به روز کردن نرم افزارهای این سیستمها، عدم استطاعت مالی کشورهای در حال توسعه و سازمانهای آنها به عنوان یکی از موانع بسیار مهم در توسعه این سیستمها مطرح می‌باشد (Morgan, 1991, p83).

بر طبق مطالعات صورت پذیرفته، برخی از موانع پیش روی توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در سازمانهای محلی، از ماهیتی فنی دارند، اما بیشتر آنها از موانعی با سوگیری‌های انسانی شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی و یا حتی سیاسی و مدیریتی برخوردار می‌باشند. (Fox, 1991, p69). بنا به نظر هریس و واینر، در آمریکای شمالی، مسائل فنی در مقایسه با مسائل انسانی از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشند. موفقیت یا شکست در توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی، بندرت به عوامل فنی و تقریباً همیشه به عوامل نهادی یا مدیریتی وابسته است... (Harris and Weiner, 1998, p 242)

مهارتهای پایین کامپیوتری، فقر و کیفیت نامطلوب داده‌ها و ابزار موجود GIS، کاربرد و توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در سازمانهای محلی کشورهای در حال توسعه را با مشکلات بیشتری مواجه ساخته است. در حالی که بسیاری از این موانع از طریق مداخله سازمانهای توسعه و کشورهای توسعه یافته قابل برطرف شدن می‌باشند، سایر موانع، شامل مواردی از قبیل انگیزشی، نهادی و سیاسی و مدیریتی از دشواری بیشتری در رفع، برخوردار هستند (Masser and Campbell, 1991, p 65)

در مجموع، بر طبق نظریات ذکر شده در بالا، یکی از بزرگترین موانع تجربه شده در کاربرد و توسعه فناوری سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در سازمانهای عمومی و محلی کشورهای در حال توسعه این است که کاربردهای مورد انتظار از سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی، غالباً تحت شعاع نمایش نرم افزار قرار گرفته، تا استفاده موثر از آنها و کاربرد در رفع نیازهایی که پایداری و توسعه آنها را بدنبال خواهد داشت (Hutchison and Toledano, 1993, p 460). مسر و کامپیل (۱۹۹۱) اظهار می‌دارند که علارغم اینکه هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته با موانع مشابهی در این زمینه روبرو می‌باشند، عظمت و فوریت نیاز به رفع موانع

در کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر می‌باشد، چرا که در این کشورها، منابع اطلاعاتی و ابزارهای گردآوری این اطلاعات با محدودیت‌های بسیار شدیدتری همراه می‌باشد. (Masser and Campbell, 1991, p 66)

اکنون چند مورد از نتایج تحقیقات صورت پذیرفته در مورد شناسایی موانع پیش روی توسعه سیستم‌های اطلاعاتی، ارائه خواهد شد:

۱- رد، هیگز و تیلور (۲۰۰۵) در بررسی موانع و فرصت‌های پیاده‌سازی یک سیستم اطلاعاتی جغرافیایی در بازاریابی آموزش عالی در انگلستان، موانع پیاده‌سازی این سیستم‌ها را شامل این موارد می‌دانند:

- مشکل همکاری میان حوزه‌های اداری و آکادمیک به ویژه در مورد مبادله مهارت‌ها و داده‌ها.
- مشکل ترویج استفاده افراد غیر کارشناس از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی.
- مشکل در قبول رویه‌های جدید و غیر مستمر توسط افراد.
- محدودیت در دسترسی به اطلاعات به خاطر هزینه بالای آنها.
- مشکل اجازه استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در امور تجاری (Higgs and Taylor, 2005, p 33).

۲- سالملا و تارانن (۲۰۰۳) موانع پیش روی توسعه یک سیستم اطلاعاتی جغرافیایی، در مطالعه موردی یک سیستم مبتنی بر مدیریت نقشه‌ها را شامل همکاری غیر موثر میان واحدهای مختلف سازمان، عدم درک کلی از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی توسط کاربران مختلف، عدم همخوانی نقشه‌های قدیمی با سیستم‌های جدید و زمانبر بودن تبدیل آنها به کدهای قابل شناسایی توسط سیستم‌های جدید، آموزش‌های نامناسب کارکنان، زمان بر بودن تغییر کارکنان از سیستم‌های قدیمی به استفاده از سیستم‌های جدید، عدم هماهنگی میان سطوح آموزشی مورد نیاز کارکنان در واحدهای مختلف و نا آشنایی برخی از کارکنان واحدها با قابلیت‌های این سیستم‌ها بر می‌شمارند (Salmela and Turunen, 2003, p 20).

۳- بریزک (۲۰۰۶) در بررسی توسعه سیستم جغرافیایی مدیریت جرائم در آفریقای جنوبی، از موارد زیر به عنوان مشکلات پیش روی توسعه این سیستم نام می‌برد:

- ثبت نادرست و ناقص جرائم گزارش شده.
- نظارت و کنترل ناکافی در ثبت داده‌ها.
- استخراج و تجزیه و تحلیل ناصحیح اطلاعات جرائم.
- تعدد سیستم‌های قدیمی که بایستی مورد نوسازی قرار گرفته شوند (Breetzke, 2006, p 736).

۴- آتاناسیوس (۱۹۹۹) به نقل از پیاتیر (۱۹۸۴) به یک تقسیم بندی از موانع پیش روی چنین سیستم‌هایی در سازمان‌ها پرداخته و آنها را به دو دسته موانع بیرونی و موانع درونی تقسیم بندی می‌کند. وی موانع بیرونی را شامل موانع مربوط به عرضه (مشکلات دسترسی به

فناوری اطلاعات، مواد خام و تامین مالی)، تقاضا (انجام نیازهای مشتریان، احساس آنها در باره ریسک همراه با پذیرش نو آوری و محدودیت‌های بازاری داخل و خارج) و محیط (قوانین و مقررات متعدد دولتی و اقدامات سیاسی) می‌داند. وی موانع درونی سازمان‌ها در توسعه چنین سیستم‌هایی را در برگزیده فقدان منابع داخلی، مهارت‌های فنی و مدیریت زمان، فرهنگ و سیستم‌های مربوطه و نگرش‌های کارکنان و مدیران در باره ریسک همراه با نوآوری در سیستم‌ها می‌داند (Athnasios, 1999, p 7).

۵- آنومباو سایرین (۲۰۰۶)، به نقل از گرامشا و کمپ (۱۹۸۹) موانع توسعه چنین سیستم‌هایی در سازمان‌ها را اینگونه اولویت بندی می‌کنند:

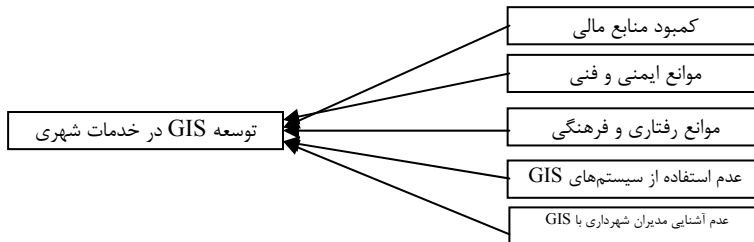
- عدم تعهد مدیران عالی.
- عدم حمایت مداوم کاربران.
- سیستم‌های نا مطمئن.
- عدم استفاده از کاربران در طراحی.
- عدم سهولت استفاده از سیستم‌ها.
- مدیریت پروژه ناکارآ.
- هزینه‌های نامعقول.
- سیستم‌های آزمایش نشده.
- عدم آموزش.
- اهداف غیر صریح.
- عدم مطابقت با نیازهای اصلی.
- ضعف استفاده توسط رهبران و پیشروان.
- تغییرات سازمانی (Anumba , at ell, 2006, p 630).

۶- زارع (۱۳۸۳) در مقاله خود تحت عنوان سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، ابزاری برای مدیریت اطلاعات در مسائل شهری، به مشکلات موجود در بکارگیری سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در کلان شهرها پرداخته و از موارد زیر در این رابطه نام می‌برد:

- عدم یکپارچگی در تیب اطلاعات و تبادل آن و بکارگیری آنها در موضوعات دسته بندی نشده در میان سازمانهایی که به نوعی دارای اطلاعات هستند.
- نبودن اطلاعات نقشه‌ای به هنگام، دقیق و جامع به مدت سه دهه، به رغم وقوع تغییرات و تحولات فراوان در سطح شهر.
- فقدان ارگانی رسمی که بتواند نیازمندیهای اطلاعاتی واحدهای شهرداری را بررسی کند و راهکاری عملی در زمینه‌های جمع آوری، نگهداری یا تحلیل و پردازش آنها به کار گیرد.

- عدم تعریف صریح روابط بین گروه‌های تولید کننده و مصرف کننده اطلاعات، بطوری که واحدهای مختلف شهرداری بدون آگاهی از اطلاعات موجود در سایر سازمانها، به صورت موردی و جدا از هم اقدام به تهیه نقشه می‌نمودند.
 - مدیریت نادرست اطلاعات، شامل بی توجهی به ضوابط علمی و فنی در اخذ، نگهداری و استفاده از اطلاعات (زارع، ۱۳۸۳، ص ۲۷۳).
- علاوه بر موارد فوق، کانکا و سایرین با بررسی شهرداری ابوظبی در کشور امارات متحده عربی (۲۰۰۵)، زلر با بررسی کشورهای جهان سوم (۲۰۰۴)، هال و سایرین در بررسی دو کشور آمریکای لاتین و پنج کشور آفریقایی (۱۹۹۷) و هال در بررسی یک استان در انگلیس (۲۰۰۲)، مطالعاتی را در این زمینه به انجام رسانیده‌اند.

مدل تحلیلی تحقیق



با توجه به مطالعات صورت پذیرفته و استخراج موارد و موانع مشترک در آنها، و بومی سازی آنها، متغیرهای تعیین شده در تحقیق حاضر، را می‌توان شامل دو نوع متغیر وابسته و متغیرهای مستقل دانست: ۱- متغیرهای مستقل، شامل؛ منابع مالی، موارد فنی، موارد رفتاری و فرهنگی، نوع استفاده سایر شهرداریها و سازمانها از سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی و میزان آشنایی مدیران شهری (اعضاء شورای شهر و مدیران رده بالای شهرداری) و ۲- متغیر وابسته، شامل؛ عدم توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز می‌باشد.

هدف اصلی تحقیق

با توجه به تعریف مسئله، هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی موانع پیش روی توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی، در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز از نظر پاسخگویان می‌باشد.

هدف اختصاصی تحقیق

هدف خاص این تحقیق عبارت از ارائه راهکارهای اجرایی مربوط به هر دسته از موانع شناسایی شده توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، بر اساس نظر کارشناسان و صاحب نظران سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی و مسائل شهری می‌باشد.

سؤالات تحقیق
موانع توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز کدامند؟

راهکارهای اجرایی در جهت رفع موانع شناسایی شده در زمینه توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز کدامند؟
فرضیات تحقیق

فرضیات تحقیق حاضر عبارت اند از:

کمبود منابع مالی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

مشکلات ایمنی و فنی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

موانع رفتاری و فرهنگی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

آشنایی اندک مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، مانع از توسعه این سیستم‌ها در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز می‌باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی است و در دو مرحله متوالی انجام می‌گیرد. در مرحله اول انجام تحقیق، موانع موثر در توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و توزیع پرسشنامه در بین تمامی کارمندان دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا در معاونت اجرایی و خدمات شهری و شش سازمان وابسته به آن، که تعداد این افراد، ۱۰۵ نفر می‌باشد، مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

سپس، در مرحله دوم انجام تحقیق، با مراجعه به تمامی اعضاء هیات علمی دو گروه مدیریت و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز که آگاه و متخصص در زمینه استفاده از

سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی می‌باشند، و انجام مصاحبه با آنها، راه حل‌های موثر و اجرایی مورد نظر آنها جهت رفع موانع شناسایی شده در مرحله اول تعیین می‌گردند.

جدول ۲: آمار پرسنل فوق دیپلم به بالای شاغل در سازمانهای مورد مطالعه این پژوهش تا تاریخ ۱۳۸۶ / ۷ / ۳۰

ردیف	محل خدمت	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	مجموع
۱	حوزه معاونت اجرایی و خدمات شهری	۳	۳	۱	۷
۲	سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی	۱۲	۹	۰	۲۱
۳	سازمان بهشت احمدی	۰	۲	۰	۲
۴	سازمان پارکها و فضاهای سبز	۱۳	۲۶	۱	۴۰
۵	سازمان نظیف و بازیافت مواد	۶	۱۹	۲	۲۷
۶	سازمان خدمات موتوری	۰	۳	۰	۳
۷	سازمان ساماندهی میداین و مشاغل	۱	۴	۰	۵
					۱۰۵

منبع: سایت اینترنتی شهرداری شیراز؛ www.shirazcity.org

*اصل آمار در پیوست ارائه شده است.

جامعه آماری تحقیق

این تحقیق از دونوع جامعه آماری برخوردار است، که در زیر ذکر شده‌اند:

الف) تمامی کارمندان (وزارتی، ثابت و قراردادی) دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا در معاونت اجرایی و خدمات شهری و شش سازمان وابسته به آن. تعداد افراد این جامعه ۱۰۵ نفر می‌باشند. کل جامعه مذکور مورد آزمون و سرشماری قرار گرفت و تعداد ۱۰۲ نفر به سؤالات پرسشنامه طراحی شده جواب دادند.

ب) تمامی اعضاء هیات علمی دو گروه مدیریت و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز که آگاه و متخصص در زمینه استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی می‌باشند

روش گرد آوری و تجزیه و تحلیل داده ها

پس از گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی (استفاده از سایتهای علمی اینترنتی Science direct, Emerald, Rose net) و استفاده از این اطلاعات در زمینه مبانی، مفاهیم، موضوع، قابلیت‌های سیستم‌های مربوطه و سوابق مطالعات انجام شده، به مرحله پژوهش میدانی وارد شده و با استفاده از توزیع پرسشنامه در بین مخاطبان، به جمع آوری نظرات آنها در زمینه موانع مورد نظر پرداخته شده است. متأسفانه هیچ گونه پرسشنامه مشابیهی یافت نشد و محقق بر اساس مطالعات نظری و جستجوهای فراوان در منابع لاتین، شاخص‌های پرسشنامه مذکور را استخراج نموده است. در پرسشنامه مذکور از طیف ۵ مقیاسی لیکرت استفاده شده است.

این پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده است.

بخش اول: در برگزیده معرفی تحقیق و نیز تعریف سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی به مخاطبان است.

بخش دوم: شامل سؤالاتی مبنی بر کسب اطلاعات عمومی از مخاطبان در سه زمینه نام سازمان، میزان تحصیلات و سابقه کاری می‌باشد.

بخش سوم: شامل ارائه ۲۸ سؤال در پنج بند با هدف کسب اطلاعاتی در زمینه سنجش فرضیات پنج گانه می‌باشد. یک نسخه از پرسشنامه، در ضمیمه پایان نامه ارائه گردیده است. در مرحله پایانی با ارائه نتایج آماری حاصل از پژوهش میدانی به کارشناسان سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی و مسائل شهری شیراز، با استفاده از مصاحبه، به جمع آوری راهکارهای مورد نظر آنان در زمینه رفع موانع شناسایی شده پرداخته شده است. در تحقیق حاضر، تمامی عناصر جامعه مورد آزمون و سرشماری قرار گرفته اند. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با روش تحقیق همبستگی و محاسبه رگرسیون صورت پذیرفته است.

ابزار گردآوری داده ها

بسته به روشهای تحقیق بکار گرفته شده در این پایان نامه از ابزار متفاوتی جهت گردآوری اطلاعات، استفاده شده است. بطوری که در مرحله بررسی و تنظیم سوابق تحقیق و ادبیات موضوع و نیز تعاریف و مفاهیم تحقیق از ابزار فیش به منظور گردآوری اطلاعات مربوطه استفاده شده است. در مرحله نظر سنجی از جامعه آماری نوع اول از پرسشنامه تنظیم شده بدین منظور استفاده شده است و در مرحله آخر گردآوری اطلاعات و یا نظر سنجی از جامعه آماری نوع دوم در تحقیق حاضر (اساتید گروه‌های مدیریت و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز)، ابزار کارت مصاحبه به منظور یادداشت نظریات مخاطبان به کار گرفته شده است.

متغیرهای تحقیق

منظور از تحقیق حاضر شناسایی موانع پیش روی توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری و ارائه راهکارهای اجرایی می‌باشد. در همین راستا در جهت شناسایی موانع موثر، متغیرهای این پایان نامه عبارتند از:

متغیرهای مستقل، شامل؛ مشکلات مالی، مشکلات ایمنی و فنی، موانع رفتاری و فرهنگی، عدم استفاده، یا استفاده ضعیف سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز از سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی و آشنایی اندک مدیران شهری (اعضاء شورای شهر و مدیران رده بالای شهرداری) با سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی متغیر وابسته، شامل؛ عدم توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدماتی شهرداری شیراز می‌باشد.

قلمرو تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق (جامعه آماری)

قلمرو مکانی تحقیق حاضر، شهر شیراز می‌باشد، همچنین این پایان نامه از دو جامعه آماری به عبارت زیر بر خوردار می‌باشد:

۱- تمامی کارمندان (وزارتی، ثابت و قراردادی) دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا در معاونت اجرایی و خدمات شهری شهرداری شیراز و شش سازمان وابسته به آن. تعداد این افراد، ۱۰۵ نفر می‌باشد.

۲- تمامی اعضاء هیات علمی دو گروه مدیریت و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز که آگاه و متخصص در زمینه استفاده از سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی می‌باشند.

آزمون فرضیه اول تحقیق

فرضیه اول تحقیق عبارت است از: کمبود منابع مالی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

بر این اساس، فرض صفر و فرض یک آن را می‌توان اینگونه نوشت:

H0: کمبود منابع مالی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانعی برای توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه نمی‌باشد.

H1: کمبود منابع مالی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

جدول شماره ۳: جدول خلاصه مدل فرضیه اول

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.377 (a)	.142	.133	6.80888

جدول شماره ۴: جدول آنوای فرضیه اول

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	767.262	1	767.262	16.550	.000 (a)
	Residual	4636.081	100	46.361		
	Total	5403.343	101			

جدول شماره ۵: جدول ضرائب فرضیه اول

Sig.	t	Standardized Coefficients Beta	Unstandardized Coefficients		Model
			Std. Error	B	
.000	18.794		4.363	82.002	(Constant) 1
.000	4.068	.377	.264	1.075	mali

همانگونه که مشاهده می‌کنیم، در مدل فوق، میزان همبستگی برابر با ۰/۳۷۷ است. بدلیل اینکه خطای محاسبه شده، کمتر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه، فرض صفر رد شده و می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان از دیدگاه آماری، کمبود منابع مالی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، به عنوان مانع در توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز عمل می‌کند. همبستگی این دو متغیر ۰/۳۷۷ است که بیانگر همبستگی مثبت بوده و در نتیجه با افزایش کمبود منابع مالی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، موانع توسعه سیستمهای اطلاعاتی افزایش یافته و با کاهش آن، موانع توسعه سیستمهای اطلاعاتی کاهش پیدا می‌کند.

مدل فوق، یک رگرسیون ساده بصورت $Y = \beta_0 + \beta_1 X + e$ را با داده‌ها برازش می‌کند، که در آن، Y متغیر پاسخ یا همان وابسته، یا عدم توسعه سیستمهای اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، X متغیر مستقل، یا کمبود منابع مالی، β_0 و β_1 به ترتیب، ضریب رگرسیون ثابت و ضریب متغیر مستقل می‌باشند و e خطای مدل است که دارای توزیع نورمال

با میانگین صفر و انحراف استاندارد سیگما می‌باشد. برآوردهای رگرسونی β_0 و β_1 در جدول ضرائب، فهرست شده اند از این رو مدل فوق بصورت زیر ارائه می‌شود:

$$Y = 82/0.02 + 1/0.75X + e$$

به عبارت دیگر:

(عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز) = $(1/0.75 + 82/0.02)$ (کمبود منابع مالی) $+ e$ بررسی ضرائب: در مدل رگرسیون چند گانه، ضریب رگرسیون پارشیال به شما می‌گوید که با افزایش یک واحد در مقدار آن متغیر مستقل، چقدر مقدار متغیر وابسته تغییر می‌کند (البته مقدار سایر متغیرهای مستقل ثابت است). یک ضریب مثبت بدین معناست که با افزایش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد و یک ضریب منفی به این مفهوم است که با کاهش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته کاهش می‌یابد.

آزمون فرض: با استفاده از جدول ANOVA این فرضیه صفر آزمون می‌شود که مقدار ضریب رگرسیون پارشیال جامعه برای متغیر کمبود منابع مالی برابر با صفر است:

$$H_0: \beta_0 = \beta_1 = 0$$

یعنی فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل کمبود منابع مالی، نمی‌تواند پیش بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر کمبود منابع مالی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

آزمون فرضیه دوم تحقیق

فرضیه دوم تحقیق عبارت است از: مشکلات ایمنی و فنی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

بر این اساس، فرض صفر و فرض یک آن را می‌توان اینگونه نوشت:

H_0 : مشکلات ایمنی و فنی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه

سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه نمی‌باشد.

H_1 : مشکلات ایمنی و فنی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه

سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه نمی‌باشد.

جدول شماره ۶: جدول خلاصه مدل فرضیه دوم

Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
5.98053	.331	.338	.581 (a)	1

جدول شماره ۷: جدول آنوای فرضیه دوم

Sig .	F	Mean Square	df	Sum of Squares	Model
.000 (a)	51.072	1826.666	1	1826.666	Regression 1
		35.767	100	3576.677	Residual
			101	5403.343	Total

جدول شماره ۸: جدول ضرائب فرضیه دوم

Sig .	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B	
.000	10.444		5.671	59.231	Constant (1
.000	7.146	.581	.190	1.356	Fanni

همانگونه که مشاهده می‌کنیم، در مدل فوق، میزان همبستگی برابر با ۵۸۱/۵ است. بدلیل اینکه خطای محاسبه شده، کمتر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه، فرض صفر رد شده و می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان از دیدگاه جامعه آماری، مشکلات ایمنی و فنی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، به عنوان مانع در توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز عمل می‌کند.

مدل فوق، یک رگرسیون ساده بصورت $Y = \beta_0 + \beta_1 X + e$ را به داده‌ها برازش می‌کند، که در آن، Y متغیر پاسخ یا همان وابسته، یا عدم توسعه سیستمهای اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، X متغیر مستقل، یا مشکلات ایمنی و فنی، β_0 و β_1 به ترتیب، ضریب رگرسیون ثابت و ضریب متغیر مستقل می‌باشند و e خطای مدل است که دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و انحراف استاندارد سیگما می‌باشد. برآوردهای رگرسونی β_0 و β_1 در جدول ضرائب، فهرست شده اند از این رو مدل فوق بصورت زیر ارائه می‌شود:

$$Y = 59.231 + 1.356X + e$$

به عبارت دیگر:

$$= (\text{عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز}) \\ e + ((\text{مشکلات ایمنی و فنی}))$$

بررسی ضرائب: در مدل رگرسیون چند گانه، ضریب رگرسیون پارشیال به شما می‌گوید که با افزایش یک واحد در مقدار آن متغیر مستقل، چقدر مقدار متغیر وابسته تغییر می‌کند (البته مقدار سایر متغیرهای مستقل ثابت است). یک ضریب مثبت بدین معناست که با افزایش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد و یک ضریب منفی به این مفهوم است که با کاهش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته کاهش می‌یابد.

آزمون فرض: با استفاده از جدول ANOVA این فرضیه صفر آزمون می‌شود که مقدار ضریب رگرسیون پارشیال جامعه برای متغیر مشکلات ایمنی و فنی برابر با صفر است:

$$H_0: \beta_0 = \beta_1 = 0$$

یعنی فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل مشکلات ایمنی و فنی، نمی‌تواند پیش بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر مشکلات ایمنی و فنی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

آزمون فرضیه سوم تحقیق

فرضیه سوم تحقیق عبارت است از: موانع رفتاری و فرهنگی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

بر این اساس، فرض صفر و فرض یک آن را می‌توان اینگونه نوشت:

H_0 : موانع رفتاری و فرهنگی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه نمی‌باشد.

H_1 : موانع رفتاری و فرهنگی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

جدول شماره ۹: جدول خلاصه مدل فرضیه سوم

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.645 (a)	.417	.411	5.61466

جدول شماره ۱۰: جدول آنوای فرضیه سوم

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	2250.898	1	2250.898	71.402	.000 (a)
	Residual	3152.445	100	31.524		
	Total	5403.343	101			

جدول شماره ۱۱: جدول ضرائب فرضیه سوم

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error			
1	(Constant)	64.746	4.155		15.583	.000
	farhangi	1.097	130.	.645	8.450	.000

همانگونه که مشاهده می‌کنیم، در مدل فوق، میزان همبستگی برابر با ۰/۶۴۵ است. بدلیل اینکه خطای محاسبه شده، کمتر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه، فرض صفر رد شده و می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان از دیدگاه جامعه آماری، موانع رفتاری و فرهنگی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، به عنوان مانع در توسعه سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز عمل می‌کند.

مدل فوق، یک رگرسیون ساده بصورت $Y = \beta_0 + \beta_1 X + e$ را به داده‌ها برازش می‌کند، که در آن، Y متغیر پاسخ یا همان وابسته، یا عدم توسعه سیستمهای اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، X متغیر مستقل، یا موانع رفتاری و فرهنگی، β_0 و β_1 به ترتیب، ضریب رگرسیون ثابت و ضریب متغیر مستقل می‌باشند و e خطای مدل است که دارای توزیع نورمال با میانگین صفر و انحراف استاندارد سیگما می‌باشد. برآوردهای رگرسونی β_0 و β_1 در جدول ضرائب، فهرست شده اند از این رو مدل فوق بصورت زیر ارائه می‌شود:

$$Y = 64.746 + 1.097X + e$$

به عبارت دیگر:

(عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز) =
 $e + (1/0.97 + 64/746)$ (موانع رفتاری و فرهنگی)

بررسی ضرائب: در مدل رگرسیون چند گانه، ضریب رگرسیون پارشیال به شما می‌گوید که با افزایش یک واحد در مقدار آن متغیر مستقل، چقدر مقدار متغیر وابسته تغییر می‌کند (البته مقدار سایر متغیرهای مستقل ثابت است). یک ضریب مثبت بدین معناست که با افزایش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد و یک ضریب منفی به این مفهوم است که با کاهش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته کاهش می‌یابد.

آزمون فرض: با استفاده از جدول ANOVA این فرضیه صفر آزمون می‌شود که مقدار ضریب رگرسیون پارشیال جامعه برای متغیر موانع فرهنگی و رفتاری برابر با صفر است:

$$H_0: \beta_0 = \beta_1 = 0$$

یعنی فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل موانع رفتاری و فرهنگی، نمی‌تواند پیش بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر موانع رفتاری و فرهنگی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

توصیف داده‌های مربوط به سایر شهرداریهای کشور و نیز سازمانهای مرتبط با خدمات شهری در جهت شناسایی موانع مربوط به سایر شهرداریهای کشور و نیز سازمانهای مرتبط با خدمات شهری به عنوان شرکا و الگوهای حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز در توسعه این سیستمها، تعداد ۳ شاخص و در قالب ۳ سؤال مطرح گردیده است. توصیف هر یک این سه شاخص در ادامه، ارائه خواهد شد.

آزمون فرضیه چهارم تحقیق

فرضیه چهارم تحقیق عبارت است از: عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.
بر این اساس، فرض صفر و فرض یک آن را می‌توان اینگونه نوشت:

H0: عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه نمی‌باشد.

H1: عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد.

جدول شماره ۱۲: جدول خلاصه مدل فرضیه چهارم

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.334 (a)	.111	.102	6.92934

جدول شماره ۱۳: جدول آنوای فرضیه چهارم

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	601.767	1	601.767	12.533	.001 (a)
	Residual	4801.577	100	48.016		
	Total	5403.343	101			

جدول شماره ۱۴: جدول ضرائب فرضیه چهارم

Model		Unstandardized Coefficients	Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Beta		
1	(Constant)	88.677		28.206	.000
	moghayese	1.061	.334	3.540	.001

همانگونه که مشاهده می‌کنیم، در مدل فوق، میزان همبستگی برابر با ۳۳۴/۳ است. بدلیل اینکه خطای محاسبه شده، کمتر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه، فرض صفر رد شده و می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان از دیدگاه جامعه آماری، عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات

شهری شهرداری شیراز، به عنوان مانع در توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز عمل می‌کند.

مدل فوق، یک رگرسیون ساده بصورت $Y = \beta_0 + \beta_1 X + e$ را به داده‌ها برازش می‌کند، که در آن، Y متغیر پاسخ یا همان وابسته، یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، X متغیر مستقل، یا عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، β_0 و β_1 به ترتیب، ضریب رگرسیون ثابت و ضریب متغیر مستقل می‌باشند و e خطای مدل است که دارای توزیع نورمال با میانگین صفر و انحراف استاندارد سیگما می‌باشد. برآوردهای رگرسونی β_0 و β_1 در جدول ضرائب، فهرست شده اند از این رو مدل فوق بصورت زیر ارائه می‌شود:

$$Y = 88.677 + 1.061X + e$$

به عبارت دیگر:

(عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز) = $88.677 + 1.061X + e$ (عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز) + e

بررسی ضرائب: در مدل رگرسیون چند گانه، ضریب رگرسیون پارشیال به شما می‌گوید که با افزایش یک واحد در مقدار آن متغیر مستقل، چقدر مقدار متغیر وابسته تغییر می‌کند (البته مقدار سایر متغیرهای مستقل ثابت است). یک ضریب مثبت بدین معناست که با افزایش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد و یک ضریب منفی به این مفهوم است که با کاهش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته کاهش می‌یابد.

آزمون فرض: با استفاده از جدول ANOVA این فرضیه صفر آزمون می‌شود که مقدار ضریب رگرسیون پارشیال جامعه برای متغیر عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز برابر با صفر است:

$$H_0: \beta_0 = \beta_1 = 0$$

یعنی فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل موانع رفتاری و فرهنگی، نمی‌تواند پیش بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

آزمون فرضیه پنجم تحقیق

فرضیه پنجم تحقیق عبارت است از: عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، مانع از توسعه این سیستم‌ها در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز می‌باشد.

بر این اساس، فرض صفر و فرض یک آن را می‌توان اینگونه نوشت:

H_0 : عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، مانع از توسعه این سیستم‌ها در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز نمی‌باشد.

H_1 : عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، مانع از توسعه این سیستم‌ها در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز می‌باشد.

جدول شماره ۱۵: جدول خلاصه مدل فرضیه پنجم

Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
6. 88551	.114	.123	.350 (a)	1

جدول آنوای فرضیه پنجم جدول شماره ۱۶:

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	Model
.000 (a)	13. 970	662. 313	1	662. 313	Regression 1
		47. 410	100	4741. 030	Residual
			101	5403. 343	Total

جدول شماره ۱۷: جدول ضرائب فرضیه پنجم

Sig.	t	Standardized Coefficients Beta	Unstandardized Coefficients		Model
			Std. Error	B	
.000	30.577		2.910	88.967	(Constant) 1
.000	3.738	.350	.245	.914	modiran

همانگونه که مشاهده می‌کنیم، در مدل فوق، میزان همبستگی برابر با ۰/۳۵۰ است. بدلیل اینکه خطای محاسبه شده، کمتر از ۵ درصد می‌باشد، در نتیجه، فرض صفر رد شده و می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان از دیدگاه جامعه آماری، عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، به عنوان مانع در توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز عمل می‌کند.

مدل فوق، یک رگرسیون ساده بصورت $Y = \beta_0 + \beta_1 X + e$ را به داده‌ها برازش می‌کند، که در آن، Y متغیر پاسخ یا همان وابسته، یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، X متغیر مستقل، یا عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، β_0 و β_1 به ترتیب، ضریب رگرسیون ثابت و ضریب متغیر مستقل می‌باشند و e خطای مدل است که دارای توزیع نورمال با میانگین صفر و انحراف استاندارد سیگما می‌باشد. برآوردهای رگرسونی β_0 و β_1 در جدول ضرائب، فهرست شده اند از این رو مدل فوق بصورت زیر ارائه می‌شود:

$$Y = 88.967 + 0.350X + e$$

به عبارت دیگر:

(عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز) = $(88.967 + 0.350X) / (0.350)$ (عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی) + e

بررسی ضرائب: در مدل رگرسیون چند گانه، ضریب رگرسیون پارشیال به شما می‌گوید که با افزایش یک واحد در مقدار آن متغیر مستقل، چقدر مقدار متغیر وابسته تغییر می‌کند (البته مقدار سایر متغیرهای مستقل ثابت است). یک ضریب مثبت بدین معناست که با افزایش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته نیز افزایش می‌یابد و یک ضریب منفی به این مفهوم است که با کاهش مقدار متغیر مستقل، مقدار پیش بینی شده متغیر وابسته کاهش می‌یابد.

آزمون فرض: با استفاده از جدول ANOVA این فرضیه صفر آزمون می‌شود که مقدار ضریب رگرسیون پارشیال جامعه برای متغیر عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز برابر با صفر است:

$$H_0: \beta_0 = \beta_1 = 0$$

یعنی فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، نمی‌تواند پیش بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری در فصل چهارم، فرضیات پژوهش، مورد آزمون قرار گرفتند و نتایج زیر حاصل گردید.

در فرضیه اول بیان شد که کمبود منابع مالی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد. فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل کمبود منابع مالی، نمی‌تواند پیش بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و

این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر کمبود منابع مالی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد. فرضیه دوم تحقیق اظهار می‌دارد که مشکلات ایمنی و فنی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد. فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل مشکلات ایمنی و فنی، نمی‌تواند پیش‌بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر مشکلات ایمنی و فنی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

در فرضیه سوم داریم که: موانع رفتاری و فرهنگی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد. فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل موانع رفتاری و فرهنگی، نمی‌تواند پیش‌بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر موانع رفتاری و فرهنگی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

بنا بر فرضیه چهارم عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، مانع از توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در این حوزه می‌باشد. فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر مستقل موانع رفتاری و فرهنگی، نمی‌تواند پیش‌بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه

سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر عدم استفاده و یا استفاده ضعیف از سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در سایر شهرداریها و سازمانهای مرتبط با حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

و سر انجام بر اساس فرضیه پنجم تحقیق عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، مانع از توسعه این سیستم‌ها در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز می‌باشد. فرض H_0 بیان می‌دارد که متغیر عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، نمی‌تواند پیش بینی کننده متغیر وابسته یا عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز باشد. چنانچه فرض H_0 را بپذیریم، قبول کرده ایم که خط رگرسیون، بایستی موازی محور X ها باشد یعنی مدل رگرسیون، دارای فرم $Y_i = \beta_0 + e_i$ بوده و در نتیجه تغییرات متغیر مستقل، هیچگونه تاثیری بر روی متغیر وابسته ندارد.

فرض مقابل یعنی فرض ۱ مدعی است که ضریب رگرسیون برابر با صفر نیست و در نتیجه متغیر مستقل مربوطه، بر متغیر وابسته تاثیر دارد. با توجه به مقدار با معنایی نشان داده شده در ستون آخر جدول ANOVA که برابر با صفر شده است، بطور قطع، فرض H_0 رد می‌شود و این، نشان دهنده این است که به احتمال بسیار قوی، متغیر عدم آشنایی مدیران رده بالای شهرداری و اعضاء شورای شهر شیراز (مدیران شهری) با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، بر روی عدم توسعه سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی در حوزه خدمات شهری شهرداری شیراز، تاثیر دارد.

منابع و ماخذ

۱. پایگاه اینترنتی داده‌های ملی علوم زمین: <http://www.ngdir.ir>.
 ۲. پایگاه اینترنتی شهرداری شیراز: www.shirazcity.org.
 ۳. پرهیزگار، اکبر و شکویی حسین. الگوی مناسب مکان‌گزینی مراکز خدمات شهری، فصلنامه مدرس، شماره ۴، ۱۳۷۶.
 ۴. حبیبی، کیومرث و پوراحمد، احمد. توسعه کالبدی- فضایی شهر سنندج با استفاده از GIS، انتشارات دانشگاه کردستان- چاپ اول- بهار ۱۳۸۴.
 ۵. خاکی، محمد رضا. روش تحقیق، با رویکردی به پایان‌نامه نویسی انتشارات بازتاب، چاپ سوم- ۱۳۸۶.
 ۶. رضاییان، علی. سیستم‌های اطلاعات مدیریت- مدلسازی اطلاعات، انتشارات سمت، چاپ پنجم، بهار ۱۳۸۴.
 ۷. زارع، محمد. سیستم‌های اطلاعاتی جغرافیایی، ابزاری برای مدیریت اطلاعات در مسائل شهری، مجموعه مقالات دومین همایش برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳.
 ۸. شاعلی، جعفر. مقدمه‌ای بر GIS در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مجموعه مقالات همایش پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی، ۱۳۷۸.
 ۹. علیمحمدی، عباس. جزوه درسی پایگاه داده‌های رقومی، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا، ۱۳۷۸.
 ۱۰. کارگری، مهرداد و خادمی زارع، حسن. فناوری سیستم‌های اطلاعاتی- شناخت، تجزیه و تحلیل، طراحی، پیاده‌سازی و پشتیبانی، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
 ۱۱. مدیری، مهدی و خواجه، خسرو. اشاره‌ای به سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی GIS، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
1. Athanasios Hadjimanolis (1999) " Barriers to innovation for SMEs in a small less developed country (Cyprus) " 0166- 4972/99/\$ - see front matter 1999 Elsevier Science Ltd. PII: S0166- 4972 (99) 00034- 6 .
 2. Claire E. H. Anumba, Andrew Dainty , Stephen Ison and Amanda Sergeant (2006) "Understanding structural and cultural impediments to ICT system integration A GIS- based case study" Engineering, Construction and Architectural Management Vol. 13 No. 6, 2006 pp. 616- 633 q Emerald Group Publishing Limited 0969- 9988 DOI 10. 1108/09699980610712409 .
 3. G. Brent Hall, R. D. Feick and R. L. Bowerman (2002) "Problems and Prospects for GIS- based Decision Support Applications in Developing Countries "Faculty of Environmental Studies University of Waterloo Waterloo, Ontario CANADA N2L 3G1 .
 4. G. D. Breetzke (2006) "Geographical information systems (GIS) and policing in South Africa: a review)) - Policing: An International Journal of Police Strategies & Management Vol. 29 No. pp. 723- 740 4, 2006 q

- Emerald Group Publishing Limited 1363- 951X DOI 10. 1108/13639510610711628 .
5. Hannu Salmela, Pekka Turunen and Kuopio, Finland (2003) "Competitive implications of information technology in the public sector ,The case of a city geographic information System" The International Journal of Public Sector Management Vol. 16 No. 1, 2003 pp. 8- 26 q MCB UP Limited 0951- 3558 DOI 10. 1108/09513550310456391 .
 6. Harris and D. Weiner (Eds.) (1998). Community Participation and Geographic Information Systems (p 232- 245). London: Taylor and Francis
 7. HUTCHISON, CHARLES F. and J. TOLEDANO. 1993. Guidelines for demonstrating Geographic Information Systems based on participant development. International Journal of Geographical Information Systems, 7, 5, 453- 461
 8. Inc. , Fort Collins, 83- 88 .
 9. Innes, J. E. and D. M. Simpson. 1993. Implementing GIS for planning: lessons from the history of technological innovation. Journal of the American Planning Association 59 (2) : 230- 236.
 10. James P. Hall (2004) "Development of an implementation plan for a geographic information system: case of Lincoln County" International Journal of Information Management 24 267–275 .
 11. MORGAN, G. 1991. Geographic Information Systems in development planning: A world bank perspective. In Heit, M. and A. Shortried (eds.) GIS Applications in Natural Resources. GIS World
 12. Nedovic- Budic, Z. and J. K. Pinto. 1999. Understanding interorganizational GIS activities: A conceptual framework. URISA Journal 11 (1) : 53- 64.
 13. Rogers, Everett M (1965) "Prediction of the Adoption of Innovations: A Progress Report. "Paper presented at the Rural Soc. Society. Sgicago- RS
 14. Sieber, R. E. 2002. "Human Factor Determinants of GIS Implementation Success: Perception, Experience, Attitude and Communication Behaviour, Testing Technology Transfer Hypotheses in GIS Environments Using a case Study Approach, Technical paper 93- 8. National Centre for Geographic Information and Analysis (NCGIA) , pp. 55- 63.
 15. TAYLOR, D. R. F. 1991. GIS and Developing Nations. In Maguire, D. J. , Goodchild, M. F. , Rhind, D. W .
 16. Ventura, S. 1995. The use of geographic systems in local government. Public Administration Review 55 (5) : 461- 467 .

¹ Municipalities



بررسی عوامل مؤثر بر کاهش کیفیت محیط شهری

دکتر مجتبی رفیعیان

عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس
(نویسنده و مسئول مکاتبات)

زهرا عسگری زاده

کارشناس ارشد شهرسازی از دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

این مقاله با هدف سنجش میزان عدم رضایت ساکنین محدوده نواب از ۴ عامل اجتماعی - محیطی (شامل مولفه‌های فقدان بهداشت محیط، عدم احساس امنیت، آلودگی صوتی و آلودگی هوا) انجام گردیده است. حجم نمونه مطالعاتی شامل ۲۷۰ عدد پرسشنامه و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss تحلیل شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که تمامی عوامل مورد نظر در مدل تجربی در محدوده مطالعاتی با میزان نارضایتی ساکنین از محیط سکونت‌شان رابطه معنی داری دارند ($P < .05$). در مجموع میزان نارضایتی ساکنین نواب از مجموع عوامل مورد بررسی بالاتر از متوسط آن ($1 < 3.41 < 5$) با میانه نظری (۳) ارزیابی شد. میزان آزدگی ساکنین از تمامی عوامل مورد بررسی بالا و بیشتر از متوسط آن به دست آمد. بیشترین میزان نارضایتی ساکنین مربوط به احساس آزدگی از آلودگی هوا ($1 < 2.89 < 3$) با میانه نظری (۲) و کمترین میزان مربوط به آزدگی از فقدان بهداشت محیط ($1 < 2.02 < 3$) با میانه نظری (۲) بوده که در حد متوسط ارزیابی شد. همچنین در بررسی میزان تاثیرگذاری سه متغیر مستقل جنس، سن و طول مدت اقامت در محله بر روی میزان نارضایتی، نتایج نشان داد که هیچ کدام از این متغیرها بر ادراک احساس آزدگی ساکنین از عوامل مورد بررسی تاثیر گذار نبوده‌اند ($P > .05$).

واژگان کلیدی

نارضایتی، احساس آزدگی، ارزش‌های محیطی، نواب.

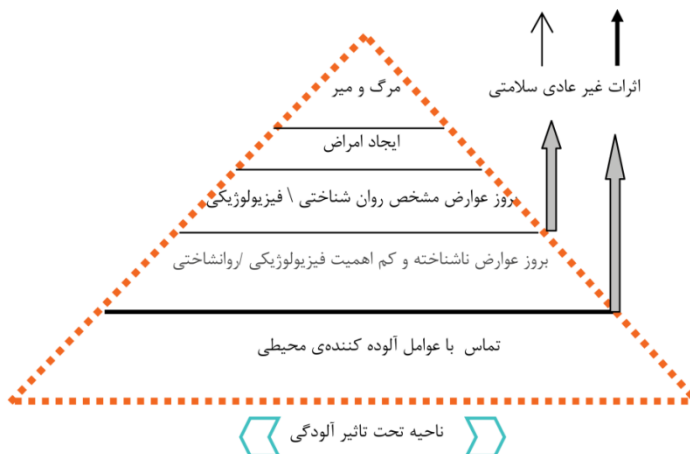
مقدمه

امروزه اهمیت محیط‌های سکونتی به ویژه در نواحی شهری به عنوان زیستگاه اصلی ساکنین افزایش یافته است. از طرفی افول ارزش‌های محیطی در این نواحی و در معرض قرار گیری ساکنین با انواع آلودگی‌ها موجبات بروز عدم رضایتمندی را فراهم کرده است. از طرفی آگاهی از شدت اثرات نامطلوب این عوامل بر روی کیفیت زندگی و سلامت اشخاص، بر اهمیت این مساله تاکید کرده است. در این تحقیق سعی بر آن بوده مجموعه عواملی که منجر به عدم رضایتمندی و احساس آزدگی ساکنین نواب از ناحیه سکونتی‌شان شده را شناسائی و به صورت کمی بیان گردد.

۲- چارچوب نظریه‌ای تحقیق

مسائل محیطی از جنبه‌های گوناگون و در سطوح مختلفی از سطح جهانی تا محلی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند (Von Winterfeldt and Edwards, 1986). از جمله مهمترین سطوح مورد بررسی، سطح محلی (شامل واحد مسکونی و محیط زندگی افراد) می باشد که ساکنین در معرض تعداد زیادی از انواع مختلف آلاینده‌های محیطی قرار دارند (Van Poll, 1997). در این سطح به اختلالاتی که برای زندگی انسان به وجود می‌آید، پرداخته می شود. افرادی که به صورت منظم در معرض این اختلالات قرار دارند، بر اهمیت این مساله تاکید کرده‌اند. ممکن است آسیب فیزیکی واقعی، محدود به سطح فردی باشد، اما مقیاس و فراوانی رخداد آثار، این موضوع را به یکی از مباحث اساسی محافظت محیطی تبدیل کرده است (Von Winterfeldt and Edwards, 1986) به آثاری که در این نقل قول از آنها یاد شد، آزدگی اطلاق می‌شود. اثرات زیان‌آور سلامتی ناشی از تنزل محیطی در رنجی از آزدگی تا مرگ و میر متفاوت است. گر چه آزار ناشی از تنزل کیفیت محیطی بر روی سلامتی شدتش بسیار کمتر از شیوع بیماری‌ها و یا مرگ و میر است، با وجود این احساس آزدگی بدین خاطر که تعداد زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضوع نگران‌کننده‌ای است (Van poll, 1997, p: 4). به علاوه اثر تاثیرات محیطی بر روی سلامت همگانی (عمومی) کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Kasl, 1990, p: 479-490). همان طور که در هرم سلامتی ملاحظه می‌شود، سطحی وسیعی از مردم در معرض آلودگی‌های محیطی قرار دارند که در مقایسه با سطوح مرگ و میر، امراض و ... قابل توجه می‌باشد (نمودار ۱-۱). برای مثال در سال ۱۹۹۲ در هلند مرگ و میر ناشی از سرطان از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر ۲۳۵ نفر بوده است (Van poll, 1997, p: 3). همچنین بر طبق یک بررسی توسط Peto و Doll در سال ۱۹۸۱، ۲ درصد از مرگ و میر ناشی از سرطان به آلودگی‌های محیطی، خصوصاً آلودگی‌های هوا، قابل استناد می‌باشد.

نمودار ۱-۱- هرم سلامتی



منبع: (van poll, 1997, p: 4)

عوامل محیطی که در بالا ذکر شدند، ممکن است به عنوان محرک‌های تنش را ادراک شوند. محرک‌های تنش زای محیط اطراف^۱ آن دسته از شرایط مزمن، ماندگار و جامع^۲ محیطاند که در حالت کلی نمایانگر تحریک عصبی آزاردهنده‌ای که به عنوان محرک برای فرد این التزام را به وجود می‌آورند که یا با آنها سازگاری پیدا کند و یا بر آنها غلبه کند، می‌باشند (Campbell, 1983). بدین ترتیب آزرده‌گی، به عنوان یک احساس ناراضی‌تی همراه با هر عامل یا شرایطی که بر این باوریم تأثیر بدی بر روی فرد و یا یک گروه می‌گذارد، تعریف شده است (Linavall and Radford, 1973, p: 136). معنای ضمنی آن عبارت است از محدودیت، مانع (دردساز)، زشتی، ناراحتی و ناسازگاری و یا ناامیدی (Campbell, 1983). اغلب به عنوان معیاری برای سنجش پیامدهای منفی محرک‌های احساسی از در معرض قرار گرفتن با عوامل مختلف محیطی (همچون صدا، بوی بد، خطرات ایمنی (اجتماعی)، ازدحام به کار رفته است. لذا این احساس به عنوان متداول‌ترین اثر از ویژگی‌های نازل محیطی می‌باشد که تأثیر منفی‌ای بر روی رضایتمندی سکونتی می‌گذارد (Van poll, 1997, p: 17). کیفیت محیط‌های شهری توسط سنجش مجموعه عوامل مثبت و منفی تاثیر گذار در ادراک ساکنین قابل اندازه‌گیری است. در زمینه شناسایی مجموعه عوامل منفی تاثیر گذار در ناراضی‌تی سکونتی ساکنین، تحقیقات گسترده‌ای توسط محققین صورت گرفته است که در ادامه به بررسی آنها و تعریف شاخص‌های ناراضی‌تی معطوف به محدوده مطالعاتی پرداخته شده است.

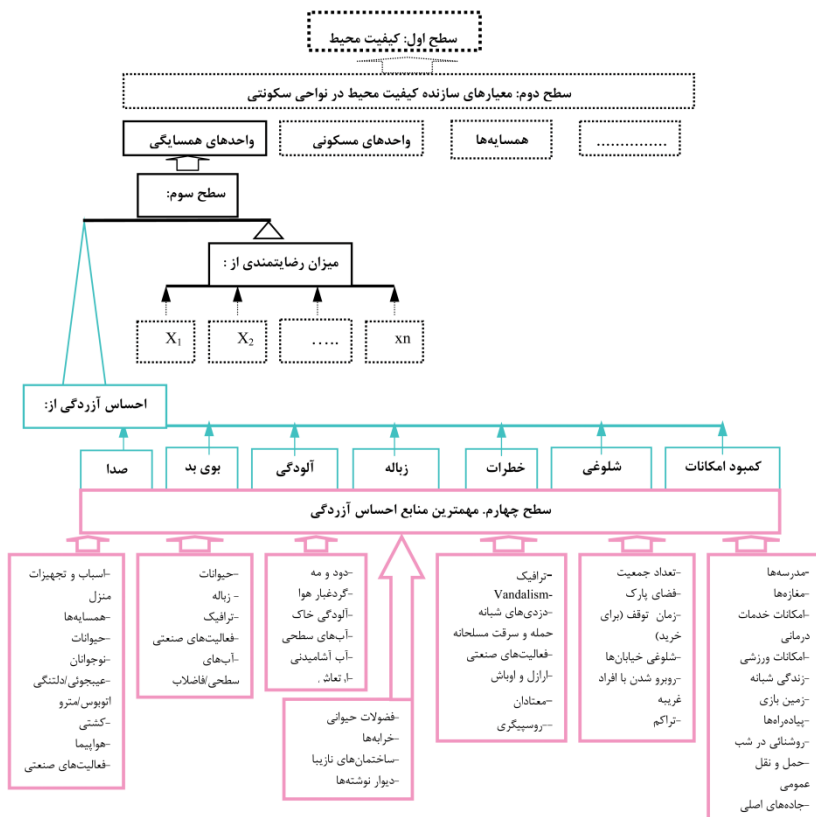
کیفیت محیط‌های محلی تنها توسط عوامل فیزیکی تعیین نمی‌شوند بلکه در کنار ویژگی‌های فیزیکی، ویژگی‌های روان شناسی اجتماعی و ویژگی‌های محیط ساخته شده نیز از ویژگی‌های

مهمی می‌باشند که در بررسی کیفیت محیط باید بررسی شوند (Van poll, 1997, p: 151). ویژگی‌های اجتماعی-روانشناختی مهم محیط‌های مسکونی عبارتند از حس اجتماع (Campbell et al, 1976)، ازدحام و شلوغی (Baum and Paulus, 1987) و مخاطرات ایمنی اجتماعی (Lewis and Maxfield, 1980)، از خصوصیات محیط مصنوع موجود بودن و قابل دسترس بودن امکانات و خدمات واحد همسایگی است (Carp et al, 1976). در مبنای نظری مطالعه شده، در کنار مخاطرات صنعتی، از مخاطراتی که اصطلاحاً مخاطرات ایمنی اجتماعی خوانده می‌شوند نیز بحث شده است. از نمونه‌های این مخاطرات می‌توان به دزدی، واندالیسم، تجاوز و مورد حمله قرار گرفتن، و یا حضور معتادان در واحد همسایگی اشاره کرد (Baba and Austin, 1989; White et al, 1987). یکی دیگر از مخاطرات ایمنی به ترافیک مربوط می‌شود. سرانجام، جدای از انواع گوناگون آلودگی هوا (وجود ذرات معلق، گرد و خاک و غبار و ...)، آلودگی آب (آب آشامیدنی، آبهای سطحی) (Carp and Carp, 1982) و خاک را نیز می‌توان در نظر گرفت. در مجموع، ویژگی‌هایی که به محیط کیفی و به صورت ضعیف نگهداری شده مرتبط هستند و بر روی ظاهر واحد همسایگی تاثیر می‌گذارند، به وجود آورنده مواردی هستند که از آنها تحت عنوان آشغال یاد می‌شود. آثار آزارنده این منابع تولید و پخش کننده بوی بد بر روی ساکنین محیط‌های مسکونی شهری به صورت وسیعی مورد مطالعه قرار گرفته است (Van poll, 1997). از دیگر منابع رایج بوی بد در محیط مسکونی شهری می‌توان به آشغال و زباله، فاضلاب، آبهای سطحی، و فضولات حیوانات اشاره کرد. مخاطرات ایمنی خارجی از سوی منابعی از قبیل حمل و نقل، نگهداری و پردازش مواد خطرناک، بر ساکنین تحمیل می‌شوند. به طور خاص کارخانه‌های صنعتی بزرگ (شیمیایی، اتمی) در این فعالیت‌ها بیشترین سهم را دارند و بنابراین انتظار می‌رود که از منابع عمده مخاطرات ایمنی خارجی باشند (Cook, 1983; Bachrach and Zautra, 1985).

در سال ۱۹۹۰ پولس، استگ و کوتز-کمرلینگ یک مطالعه پرسشنامه‌ای از پاسخ ۴۸۷ نفر ساکنین شهر گرونینگن انجام دادند. در این مطالعه از مخاطبان خواسته شد تا میزان رضایتمندی‌شان از منزل و واحد همسایگی فعلی‌شان را بیان کنند. نتایج نشان داد که در کل آزاردهنده ترین مشخصه‌های مسکونی عبارت بودند از بوی بد، آزدگی از فضولات حیوانی، مخاطرات ایمنی اجتماعی (جرم)، آزدگی از سروصدای همسایه‌ها، آشغال و زباله، آزدگی از سروصدای ترافیک، و وضعیت نامناسب نگهداری واحد همسایگی. باز طریق تحلیل عاملی امتیازهای آزدگی مشخصه‌های مسکونی، پنج عامل قابل تفسیر پدیدار شدند: آزدگی از ترافیک، وضعیت نگهداری/آشغال واحد همسایگی، آزدگی از سروصدای مخاطرات امنیت اجتماعی، و آزدگی از بوی بد. در تحلیل رگرسیون چندمتغیره، بیشترین سهم واریانس شرح داده شده در رضایتمندی از منزل مسکونی را می‌توان با عواملی تحت عنوان آزدگی از سروصدای و آزدگی از ترافیک، شرح داد. رضایتمندی از واحد همسایگی عمدتاً به آزدگی ناشی از آشغال

و مواد زاید در واحد همسایگی و آزدگی ناشی از سروصدا بستگی داشت (Van Poll, 1997). روبین و همکارانش در سال ۲۰۰۶ مطالعه‌ای را در فرانسه (۹۲۶ نفر) انجام دادند که در آن برای اندازه‌گیری آزدگی‌های محیطی ادراک شده در محیط‌های شهری، یک مقیاس ساخته و به آن اعتباردهی شد. این مقیاس همه وضعیت‌هایی را که بالقوه آزارنده^۳ بودند، و در زندگی روزمره ساکنین شهر به آنها برخورد داشته را شامل می‌شد. بر اساس نتایج حاصل از دسته‌بندی تحلیل عاملی، هفت بعد اصلی حاصل شد. احساس ناامنی، عدم راحتی مرتبط با استفاده از حمل و نقل عمومی، آزدگی‌های محیطی و نگرانی در مورد آکولوژی جهانی، عدم کنترل بر روی استفاده از ماشین، نامدنی‌های مربوط به شریک شدن چند استفاده کننده در استفاده از فضاهای عمومی، نبود کارآیی منتج از تراکم جمعیت و ناامن بودن و رو به تنزل بودن محیط زندگی (Robin et al, 2007).

نمودار ۱-۲- مهمترین منابع احساس آزدگی در مدل تئوری ارزیابی کیفیت محیط سکونتی

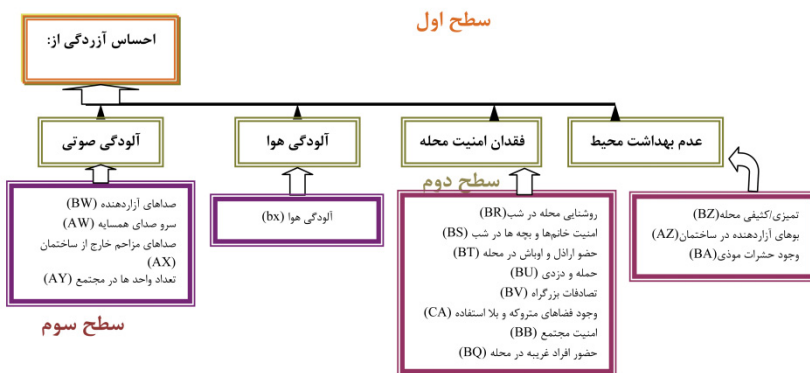


منخذ: (van poll, 1997, p: 24) با تصحیح و تکمیل نگارندگان

دسته‌ای دیگر از اظهارنظرها به منابع به وجودآورنده اشکال گوناگون نارضایتی می‌پردازد. برای مثال، منابع عمده آلودگی صوتی مشخص شده در (برنامه ملی سیاست محیطی NEPP) عبارتند از ترافیک جاده‌ای، قطارها، هواپیما و فعالیت صنعتی. پتانسیل‌های ایجاد و القای آلودگی ناشی از آلودگی صوتی با منشاء ترافیک جاده‌ای، هواپیما، (Vanpoll, 1997) و یا قطارها (Howarth and Griffin, 1990) مشخص شده‌اند. با این وجود دیگر منابع مربوط به آلودگی صوتی مربوط می‌توانند از وسایل درون خانه، همسایه‌ها، و جوانان/ بچه‌های در حال بازی کردن باشد. در سطح سوم مدل تئوری سنجش کیفیت محیط (نمودار ۱-۲) از هفت عامل آلودگی محیطی یاد شده که در پایین‌ترین سطح (سطح ۴) آن مهمترین منابع احساس نارضایتی ذکر گردیده است.

میزان آلودگی ناشی از یک منبع خاص، تحت تاثیر فراوانی آن منبع، وقوع، شدت و دوام آن قرار می‌گیرد. در آن صورت می‌توان میزان آلودگی تجربه شده از سوی مردم را به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم اندازه‌گیری کرد (Dravnieks and O'Neill, 1979). در روش مستقیم مخاطب مورد سوال مستقیم قرار می‌گیرد که چه میزان از موضوعات مورد بررسی اذیت می‌شود. در روش غیر مستقیم از ساکنین می‌خواهند که یک منبع مشخص را بر اساس میزان تکرار، شدت و زمان استمرار آن ارزیابی کنند و بدین ترتیب حاصل مجموع ارزیابی‌های مخاطبین معیار تخمین غیر مستقیمی را جهت کسب میزان احساس آلودگی ارائه می‌دهد (Van poll, 1997, p: 17).

نمودار ۱-۳- مدل تئوری سنجش میزان نارضایتی از آلودگی‌های اجتماعی- محیطی در محدوده مطالعاتی



ماخذ: نگارندگان

۲- روش تحقیق

در سنجش میزان آزدگی درک شده از سوی ساکنین نواب بر روی مولفه های آزددهنده ی اجتماعی- محیطی از روش مستقیم به صورت طرح سئوالاتی راجع به اینکه چه میزان از آلودگی های مورد نظر اذیت می شوند، استفاده شد. بدین ترتیب از مدل تئوری مطابق با نمودار ۱-۳، در ۴ مولفه (میزان آزدگی از عدم احساس امنیت، فقدان بهداشت محیط، آلودگی هوا و آلودگی صوتی) به صورت سلسله مراتبی در سه سطح استفاده شد و از ساکنان نواب خواسته شد که میزان آزدگی از هر یک از فاکتورهای مورد نظر را در طیف لیکرت ۵ گزینه ای از "خیلی زیاد" تا "خیلی کم" ارزیابی کنند. برای جمع آوری اطلاعات از حجم نمونه ۲۷۰ پرسشنامه استفاده شد. ابتدا سایت مورد نظر به سه قسمت تقسیم، که این جداسازی منطبق بر فازبندی های اجراء شده در پروژه نواب (فاز ۱، فاز ۲ و فاز ۳) بود. شیوه توزیع پرسشنامه در هر قسمت بر اساس تعداد واحدهای موجود در هر فاز بوده که به صورت تصادفی انتخاب شدند. نحوه پر کردن پرسشنامه ها به دو صورت مصاحبه رودررو با مخاطب و یا دادن آنها به ساکنان و تحویل گرفتن در مراجعات بعدی بود. در جدول ۱-۱ نحوه پراکنش نمونه ها در هر یک از محدوده ها ارائه شده است. داده ها توسط نرم افزار SPSS و روش های آماری همچون آزمون T تک نمونه ای، آزمون لون، آزمون Tukey و T دو نمونه ای تحلیل شدند.

جدول ۱-۱- تعداد نمونه در هر یک از ۶ محدوده مطالعاتی

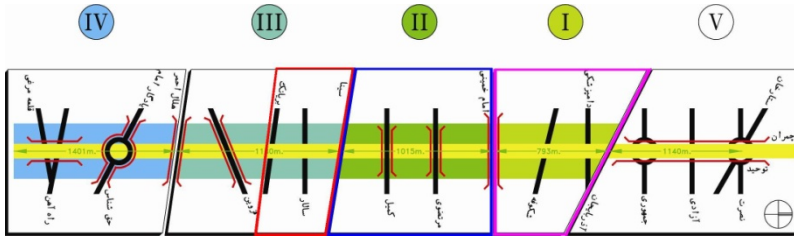
شماره فاز	تعداد کل
فاز ۱	۱۰۰
فاز ۲	۹۰
فاز ۳	۸۰
مجموع	۲۷۰

۳- معرفی محدوده مطالعاتی

پروژه عظیم نواب با دیدگاه های خاص نوسازی شهری واقع در مرز غربی منطقه ۱۱ و مرز شرقی منطقه ۱۰ می باشد. محدوده مطالعاتی شامل سه فاز اجرا شده پروژه نواب حد فاصل تقاطع خیابان آذربایجان تا تقاطع بریانک به شرح ذیل می باشد:

- فاز اول- تقاطع خیابان آذربایجان تا تقاطع امام خمینی بطول ۷۹۳ متر،
- فاز دوم- تقاطع خیابان امام خمینی تا تقاطع سینا بطول ۱۰۱۵ متر و
- فاز سوم- تقاطع خیابان سینا تا بریانک (سازمان نوسازی، ۱۳۸۲).

نقشه ۱-۱- محدوده مورد مطالعه (فاز ۱، ۲ و ۳ نواب)



ماخذ: سازمان نوسازی تهران، ۱۳۸۶

نواب در زمره آن دسته از بافت‌های شهری تهران است که در روند گسترش تهران به خارج از باروهای ناصری در غرب تهران شکل گرفته است. سابقه ایجاد محلات اولیه این حوزه به حدود ۶۰ سال پیش بر می‌گردد (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۷۶). بافت قدیمی منطقه مورد نوسازی نواب از نظر کالبدی دارای بافتی فشرده و ریز دانه با تراکم بالای جمعیتی و ساختمانی بوده است (تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲). از دیگر خصوصیات این بافت می‌توان به بالا بودن حجم تردد و شکل‌گیری ساخت و سازهایی متناسب با موضوع حمل و نقل و خدمات وابسته به آن در طول این مسیر (سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۲) و منطقه‌ای که عمدتاً جاذب طبقه مهاجر کارگر و یا کارمندان پایین بوده (سلیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۸) اشاره کرد. از طرفی احداث معبر سریع‌السیری که جنوب به شمال تهران را متصل نماید از سالیان گذشته مطرح بوده و ضرورت اجرای آن در کلیه مطالعات و تحقیقات به عمل آمده، تایید شده است (سازمان نوسازی، ۱۳۸۲). اولین طرحی که نواب را مورد توجه قرار داد، طرح جامع اول تهران مصوب ۱۳۴۷ بود (مهندسین مشاور ویکتور گروئن و فرمانفرمایان، ۱۳۴۷) پس از آن در سایر طرح‌ها از جمله طرح سوپرتو (مهندسین مشاور سبزینه راه، ۱۳۷۹) دنبال شد. شهرداری تهران در سال ۱۳۶۹ طراحی و اجرای بزرگراه مذکور را با اولویت ویژه در دستور کار خود قرار داد و برای اولین بار به بدنه‌سازی اطراف محور نواب پرداخته شد (سازمان نوسازی، ۱۳۸۲). اجرای واقعی پروژه در سال ۱۳۷۳ آغاز شد.

پروژه بازسازی و طراحی بزرگراه نواب از جمله پروژه‌هایی است که در طی دو دهه گذشته به بهره‌برداری رسیده و به نظر می‌رسد این پروژه یکی از تبلورات عدم توجه به کیفیت محیطی می‌باشد (نکویی،). به نظر می‌رسد در جریان مداخلات صورت گرفته در بافت فرسوده قدیم نواب نحوه شکل‌گیری و ساخت و ساز آن موجب بروز مسائلی برای ساکنین فعلی آن شده که موجبات نارضایتی ساکنین را فراهم کرده است. از جمله می‌توان به بروز مسائلی همچون بارگذاری شدید جمعیت در محدوده طرح، جانمایی طرح در حداقل فاصله از محل ترافیک، مساله آلودگی هوا و آلودگی صوتی برای ساکنان، نبود امکان ایجاد فضای سبز،

عدم رعایت سلسله مراتب دسترسی، شکل‌گیری فعالیت‌های مخدوش و ناهنجار در میان ساختمان‌های مسکونی به‌خاطر پراکندگی و رهاشدگی بافت اجتماعی و بوجود آمدن فضاهای ناامن و بی‌دفاع در پوسته و بافت (سازمان نوسازی شهر تهران، ۱۳۸۶) اشاره کرد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در این مقاله به سنجش میزان نارضایتی از آزدگی‌های اجتماعی-محیطی که ساکنین فعلی نواب با آنها درگیر می‌باشند، پرداخته شده است.

۴- نتایج و تحلیل داده‌ها

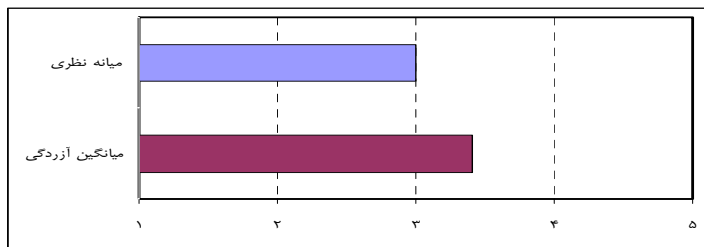
مهم‌ترین نتایج حاصل از سنجش میزان آزدگی ساکنان نواب از آزدگی‌های اجتماعی-محیطی به شرح زیر بوده است:

جدول ۱-۲- نتایج آزمون T تک نمونه‌ای- میزان نارضایتی از محدوده سکونتی نواب

	Test Value = 0					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
میزان نارضایتی	65.770	269	.000	3.41111	3.3090	3.5132

-نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای^۴ حاکی از آزدگی ساکنان نواب از آزدگی‌های اجتماعی-محیطی محل سکونت خود می‌باشد. میانگین نارضایتی ساکنان نواب برابر با ۳/۴۱ به دست آمد. همان‌طور که قبلاً اشاره گردید در پرسشنامه از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخها اختصاص داده شد. امتیاز ۱ نشان دهنده کمترین میزان نارضایتی

نمودار ۱-۴- مقایسه میزان نارضایتی ساکنین نواب با میانه نظری



ساکنین از سوال مربوطه و امتیاز ۵ نشان دهنده بیشترین میزان نارضایتی است. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخها انتخاب شد. سپس میانگین امتیاز نارضایتی با عدد ۳ مقایسه گردید. بالاتر بودن میانگین نارضایتی در محدوده مطالعاتی از میانه نظری نشان دهنده

بالتر بودن میزان آزدگی ساکنین از به اندازه ۴۱. بالاتر از متوسط آن می‌باشد. این میزان با اطمینان ۹۹ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. نتایج آمار توصیفی نشان داد که حدود ۴۵ درصد از ساکنین میزان آزدگی از مجموع فاکتورهای محیطی بررسی شده را متوسط، ۴۲.۶ درصد به صورت خیلی زیاد و زیاد و ۱۲.۳ درصد کم و خیلی کم ارزیابی کردند. بدین ترتیب بیشترین درصد (حدود ۸۷ درصد) محدوده سکونتی نواب را در رنجی از میزان آزدگی متوسط تا خیلی زیاد عنوان کردند.

جدول ۱-۳- نتایج آمار توصیفی میزان نارضایتی از عوامل محیطی - اجتماعی ساکنین نواب

	تعداد	درصد
خیلی کم	1	.4
کم	32	11.9
متوسط	122	45.2
زیاد	85	31.5
خیلی زیاد	30	11.1
مجموع	270	100.0

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون T تک نمونه‌ای، هر چهار متغیر اصلی تحقیق یعنی: "فقدان بهداشت محیط"، "عدم احساس امنیت محله"، "آلودگی هوا" و "آلودگی صوتی" با متغیر وابسته "نارضایتی ساکنان نواب" رابطه معنی داری داشته‌اند ($P < .01$) و با اطمینان ۹۹ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارا می‌باشند.

نمودار ۱-۵- میزان احساس نارضایتی از آلودگی‌های محیطی - اجتماعی ساکنین نواب

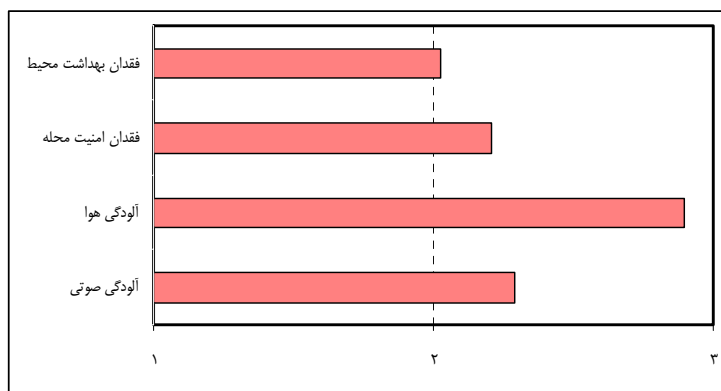


جدول ۱-۴- نتایج آزمون T تک نمونه ای- میزان نارضایتی از آلودگی‌های اجتماعی-محیطی

	Test Value = 0					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
آلودگی صوتی	56.429	269	.000	2.29259	2.2126	2.3726
آلودگی هوا	139.974	269	.000	2.89630	2.8556	2.9370
فقدان امنیت محله	58.793	269	.000	2.20741	2.1335	2.2813
عدم بهداشت محیط	49.672	269	.000	2.02593	1.9456	2.1062

در بررسی متغیرهای میزان نارضایتی ساکنان نواب از آلودگی‌های اجتماعی- محیطی، در حالی که میانه نظری آلودگی ساکنان نواب از آلودگی‌های اجتماعی- محیطی محل سکونت خود ۲ بوده، میانگین "آلودگی هوا" با ۲/۸۹ بیشترین امتیاز، "آلودگی صوتی" با ۲/۲۹ و گویه‌های "فقدان امنیت محله" با ۲/۲ بالاتر از متوسط میزان نارضایتی و "عدم بهداشت محیط" با ۲/۰۲ کمترین امتیاز را داشته که در حد متوسط ارزیابی شد. مقادیر فوق با اطمینان ۹۹ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارند.

نمودار ۱-۶- میزان نارضایتی از آلودگی‌های اجتماعی محیطی در محدوده سکونتی نواب



در بررسی مقایسه وضعیت میزان نارضایتی ساکنین از انواع آلودگی‌ها در هر سه فاز نتایج نشان داد که بیشترین آزارندگی ناشی از آلودگی هوا و کمترین آزارندگی ناشی از بهداشت محیط می‌باشد (جدول ۱-۵).

جدول ۱-۵- مقایسه میزان ناراضیاتی از آزردهی های اجتماعی محیطی در فازهای نواب

شماره فاز	عدم بهداشت محیط	فقدان امنیت محله	آلودگی هوا	آلودگی صوتی
یک	2.0300	2.0400	2.9100	2.1500
دو	1.9889	2.2667	2.8778	2.4111
سه	2.0625	2.3500	2.9000	2.3375

- با استفاده از آزمون لون^۵ تفاوت معناداری میان فازهای یک، دو و سه نواب در رابطه با متغیرهای "عدم بهداشت محیط"، "آلودگی هوا" و "آلودگی صوتی" دیده نشد.
 - در رابطه با متغیر "امنیت محله" تفاوت معناداری میان فازهای یک، دو و سه نواب وجود دارد. به نحوی که فاز یک به میزان ۲/۴۲ امتیاز نسبت به فاز دو و به میزان ۳/۵۸ امتیاز نسبت به فاز سه از وضعیت مطلوب تری برخوردار است. این بدین معنی است که با حرکت از فاز ۱ به ۲ و از فاز ۲ به ۳ از میزان امنیت کاسته می گردد (جدول ۱-۶).

جدول ۱-۶- نتایج آزمون Tukey- مقایسه وضعیت ناراضیاتی از فقدان امنیت محله

	شماره فاز (I)	شماره فاز (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
						Lower Bound	Upper Bound
Tukey HSD	فاز ۱	فاز ۲	*-۲.۴۲۱۱	.۸۹۷۸	.۰۲۰	-۴.۵۳۷۳	-۰.۳۰۵۰
		فاز ۳	*-۳.۵۸۵۰	.۹۲۶۹	.۰۰۰	-۵.۷۶۹۶	-۱.۴۰۰۴
	فاز ۲	فاز ۱	*۲.۴۲۱۱	.۸۹۷۸	.۰۲۰	.۳۰۵۰	۴.۵۳۷۳
		فاز ۳	-۱.۱۶۳۹	.۹۴۹۵	.۴۳۹	-۳.۴۰۱۸	۱.۰۷۴۰
	فاز ۳	فاز ۱	*۳.۵۸۵۰	.۹۲۶۹	.۰۰۰	۱.۴۰۰۴	۵.۷۶۹۶
		فاز ۲	۱.۱۶۳۹	.۹۴۹۵	.۴۳۹	-۱.۰۷۴۰	۳.۴۰۱۸

The mean difference is significant at the .05 level.

- نتایج آزمون T دونمونه‌ای در بررسی میزان تاثیر متغیرهای مستقلی همچون جنس، سن و طول مدت اقامت در محله نشان داد که هیچ کدام از این متغیرها بر روی میزان رضایت و ناراضیاتی ساکنین نواب تاثیرگذار نبوده اند. بدین معنی که میزان احساس آزردهی ساکنین نواب چه مرد چه زن، در هر گروه سنی از انواع آلودگی‌ها یکسان بوده و به مدت زمان اقامت در محله بستگی ندارد.

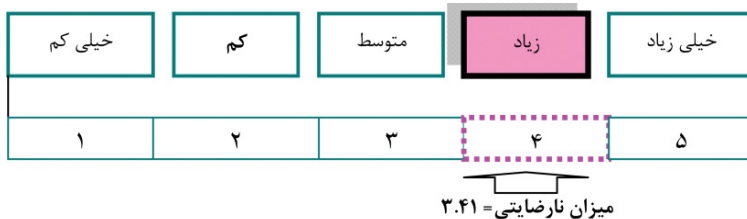
جدول ۱-۷- مقایسه ارتباط بین متغیرهای مستقل بر عوامل نارضایتی

		N	Correlation	Sig.
Pair 1	جنس & بهداشت محیط	270	.005	.939
Pair 2	جنس & امنیت محله	270	.005	.941
Pair 3	جنس & آلودگی هوا	270	-.037	.546
Pair 4	جنس & آلودگی صوتی	270	.096	.116
Pair 5	سن & بهداشت محیط	270	.095	.120
Pair 6	سن & امنیت محله	270	-.017	.778
Pair 7	سن & آلودگی هوا	270	.006	.917
Pair 8	سن & آلودگی صوتی	270	.091	.136
Pair 9	مدت زندگی در محله & بهداشت	270	.054	.376
Pair 10	مدت زندگی در محله & امنیت محله	270	.114	.062
Pair 11	مدت زندگی در محله & آلودگی هوا	270	.094	.125
Pair 12	مدت زندگی در محله & آلودگی صوتی	270	.052	.392

۴- جمع بندی

ارزیابی ساکنین از مجموعه عوامل ایجاد کننده رضایتمندی و عدم آن از محل سکونت شان در برنامه ریزی به منظور ارتقاء کیفیت و ایجاد محیط‌های سکونتی رضایت بخش شهروندان ارزشمند بوده و گام موثری در جهت مطلوبیت این فرایند می باشد. سنجش عوامل بوجود آورنده احساس آزدگی (نظیر آلودگی هوا، صوتی، فقدان بهداشت محیط، عدم احساس امنیت و ...) با استفاده از روش‌های مستقیم و غیر مستقیم قابل قیاس می‌باشد. روش مستقیم با استفاده از نظرات و دیدگاه‌های ساکنین در مورد عوامل بر هم زننده رضایتمندی و شدت آن، از جمله مناسب‌ترین روش‌ها است که در این تحقیق، از این روش در قالب مدل تئوری سنجش عدم رضایتمندی ساکنین محدوده نواب استفاده شد. با توجه به نمودار ۱-۷ نتایج تحقیق حاکی از بالا بودن میزان نارضایتی، افول ارزش‌های محیطی و احساس آزدگی ساکنین نواب از مجموعه عوامل مورد بررسی بود.

نمودار ۱-۷- وضعیت میزان نارضایتی ساکنین از انواع آلودگی‌ها در محدوده سکونتی نواب

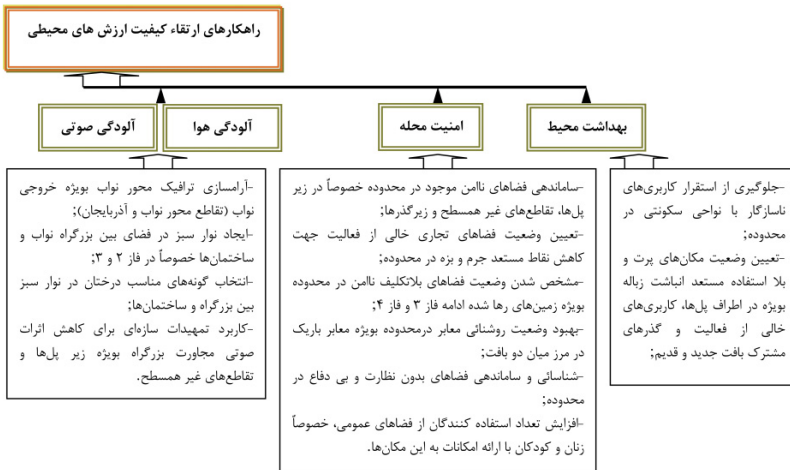


جدول ۱-۸- وضعیت میزان ناراضی‌تبی از ارزش‌های محیطی در محدوده سکونتی نواب

وضعیت	$\langle \text{میانۀ نظری } (2) \rangle$ Mean $\langle 3 \rangle$	آزردگی‌های اجتماعی-محیطی
ناراضی	2.29259	آلودگی صوتی
ناراضی	2.89630	آلودگی هوا
ناراضی	2.20741	فقدان امنیت محله
متوسط	2.02593	عدم بهداشت محیط

با توجه به بالا بودن میزان احساس ناراضی‌تمندی ساکنین نواب، لزوم بهبود و ارتقاء سطح کیفی عوامل مورد بررسی به منظور کاهش اثرات منفی‌شان بر سلامت عمومی ساکنین، ارتقاء کیفیت زندگی، حس رفاه و رضایتمندی ساکنین این محدوده ضروری به نظر می‌رسد. همان‌طور که گفته شد، بالاترین میزان ناراضی‌تبی مربوط به آلودگی هوا و پس از آن آلودگی صوتی

نمودار ۱-۸- راهکارهای ارتقاء کیفیت ارزش‌های محیطی در محدوده سکونتی نواب



می‌باشد، به نظر می‌رسد انجام اقدامات لازم در این زمینه و همچنین ارائه راهکارهای کالبدی و غیر کالبدی در جهت افزایش حس امنیت، ارتقاء احساس رضایتمندی، ایجاد حس رفاه و آسودگی ساکنین تاثیر گذار باشد. همچنین ارتقاء سطح کیفی بهداشت محیط در ایجاد محیط‌های سالم و سلامت ساکنین نقش عمده‌ای دارد. در این خصوص با توجه به نمودار ۱-۸ راهکارهایی در جهت ارتقاء هر یک از ارزش‌های محیطی مورد بررسی ارائه شده است.

فهرست منابع

- ۱- سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، "نظام هدایت و کنترل توسعه تهران: یک رویکرد مفهومی"، حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۷۶.
- ۲- سازمان نوسازی شهر تهران، "گزارش عملکرد سازمان در خصوص نوسازی بافت‌های فرسوده"، اردیبهشت ۱۳۸۲.
- ۳- سلیمی، نغمه، "احساس امنیت در نواب و پسکرانه هایش"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
- ۴- مهندسین مشاور باوند، "طرح ویژه پیرامون نواب"، شرکت تهران تدبیر بافت، مهرماه ۱۳۷۶.
- ۵- مهندسین مشاور سبزینه راه، "مطالعات مرحله دوم ایمن سازی ترافیکی محور نواب"، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، اسفند ماه ۱۳۷۹.
- ۶- مهندسین مشاور ویکتور گروئن و فرمانفرمایان، "طرح جامع تهران"، سازمان برنامه و بودجه، آذر ماه ۱۳۴۷.

- 7-Howarth, H. V. C., and Griffin, M. J. (1990). The relative importance of noise and vibration from railways. *Applied Ergonomics*, 21 (2), 129-134.
- 8-Van Poll, R. (1997). The perceived quality of the urban residential environment . A multiattribute evaluation. PhD-thesis, Center for Energy and Environmental Studies (IVEM), University of Groningen (RuG), The Netherlands
- 9-BABA, Y. and AUSTIN, D. M. (1989) Neighborhood environmental satisfaction, victimization, and social participation as determinants of perceived, neighborhood safety, *Environment and Behavior*, 21(6), pp. 763-780
- 10-Lewis, D. A., and Maxfield, M. G. (1980). Fear in the neighbourhoods: an investigation of the impact of crime. *British Journal of Psychology*, July, 160-189.
- 11-White, M., Kasl, S. V., Zahner, G. E. P., and Will, J. C. (1987). Perceived crime in the neighborhood and mental health of women and children. *Environment and Behavior*, 19 (5), 588-613.
- 12-Lindvall, T., and Radford, E. P., (1973). "Measurement of Annoyance Due to Exposure to Environmental Factors". *Environmental Research*, 6, 1-36.
- 13-Campbell, J. M., (1983). "Ambient Stressors". *Environment and Behavior*, 15 (3), 355-380.
- 14-Kasl, S. V., (1990). "Quality of the Residential Environment, Health, and Well Being. *Bulletin of the New York Academy of Medicine*", 66 (5), 479-490.
- 15-Doll, R., and Peto, R., (1981). "The Causes of Cancer: Quantitative Estimates of Avoidable Risks of Cancer in the United States Today". *Journal of the National Cancer Institute*, 66, 1191-1308.
- 16-Von Winterfeldt, D., and Edwards, W. (1986). *Decision analysis and behavioral research* (1st ed.). pp. 604. Cambridge: Cambridge University Press.
- 17-Van Poll, R. (1997). The perceived quality of the urban residential environment . A multiattribute evaluation. PhD-thesis, Center for Energy and Environmental Studies (IVEM), University of Groningen (RuG), The Netherlands.

- 18-Campbell, J. M. (1983). Ambient stressors. *Environment and Behavior*, 15 (3), 355-380.
- 19-Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M.(2003). Indexes of perceived residential environmental quality and neighbourhood attachment in urban environments: A confirmation study on the city of Rome. *Landscape and Urban Planning*, 65, 41-52.
- 20-Robin, M, Matheau-Police, A, Couty,C, (2007), Development of a scale of perceived environmental annoyances in urban settings, *Journal of Environmental Psychology* 27 55-68
- 21-Baum, B., and Paulus, P. B. (1987). Crowding. In D. Stokols, and I. Altman (Ed.), *Handbook of environmental psychology* (vol. 1, pp. 533-570). New York Chicester Brisbane Toronto Singapore: John Wiley and Sons.
- 22-Campbell, A., Converse, P. E., and Rodgers, W. L. (1976). *The quality of American life: perceptions, evaluations and satisfactions*. New York: Russel Sage Foundation.
- 23-Lewis, D. A., and Maxfield, M. G. (1980). Fear in the neighbourhoods: an investigation of the impact of crime. *British Journal of Psychology*, July, 160-189.
- 16-Carp, F., Zawadski, R., and Shokron, H. (1976). Dimensions of urban environmental quality. *Environment and Behavior*, 8 (2), 239-264.
- 24-BABA, Y. and AUSTIN, D. M. (1989) Neighborhood environmental satisfaction, victimization, and social participation as determinants of perceived, neighborhood safety, *Environment and Behavior*, 21(6), pp. 763-780.
- 25-White, M., Kasl, S. V., Zahner, G. E. P., and Will, J. C. (1987). Perceived crime in the neighborhood and mental health of women and children. *Environment and Behavior*, 19 (5), 588-613.
- 26-Carp, F. M., & Carp, A. (1982). Perceived environmental quality of neighbourhoods: Development of assessment scales and their relation to age and gender. *Journal of Environmental Psychology*, 2, 295-312.
- 27-Cook, J. (1983). Citizen response in a neighborhood under threat. *American Journal of Community Psychology*, 11 (4), 459-471.
- 28-Bachrach, K. M., and Zautra, A. J. (1985). Coping with a community stressor: the threat of a hazardous waste facility. *Journal of Health and Social Behavior*, 26 (june), 127-141.
- 29-Dravnieks, A., and O'Neill, H. J. (1979). Annoyance potentials of air pollution odors. *American Industrial Hygiene Association Journal*, 40 (2), 85-95.
- 30-Howarth, H. V. C., and Griffin, M. J. (1990). The relative importance of noise and vibration from railways. *Applied Ergonomics*, 21 (2), 129-134.

یادداشتها

- ¹ Ambient stressors
- ² Global
- ³ Aversive
- ⁴ One Sample T test
- ⁵ Leven's Test



الگوهای رونق‌بخشی، نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری

دکتر شریف مطوف

دکتری برنامه‌ریزی شهری، استادیار دانشگاه شهید بهشتی
(نویسنده و مسئول مکاتبات) sm_1332@yahoo.com

زهرا خدائی

کارشناس ارشد شهرسازی از دانشگاه تربیت مدرس
zahra1361@gmail.com

چکیده

این مقاله بر آن است، ضمن تبیین انواع بافت‌های آسیب‌پذیر و شاخص‌های شناسایی بافت‌های فرسوده به علل پیدایش آن پرداخته و پیشنهاداتی در زمینه‌ی راه‌های برون رفت از وضعیت موجود و رونق‌بخشی به نوسازی در این بافت‌ها ارائه نماید. بدین منظور با استفاده از تجربه‌ی موردی شهر کاشمر این راه‌کارها مورد ارزیابی تجربی قرار گرفت. در این مقاله ضمن گونه‌شناسی تعاریف، مفاهیم و راه‌کارهای بهسازی بافت‌های فرسوده، به تبیین وضع موجود بافت‌های فرسوده‌ی شهر کاشمر و طبقه‌بندی آن‌ها با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP و نیز نرم‌افزار GIS پرداخته و به نحوه‌ی مداخله‌ی ارکان مؤثر در این بافت‌ها اشاره شده است. در نهایت با تقسیم‌بندی بافت‌های فرسوده‌ی شهر کاشمر به چهار گونه‌ی "بافت فرسوده با ارزش تاریخی"، "بافت فرسوده میانی"، "بافت فرسوده روستایی - شهری (دارای هسته روستایی)" و "بافت فرسوده حاشیه‌ای" شیوه‌ی مداخله‌ی دولت و نحوه‌ی مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی آن بیان شده است.

واژگان کلیدی

بافت‌های فرسوده شهری، بهسازی، نوسازی، مداخله در بافت، شهر کاشمر

(۱) مقدمه

بسیاری از شهرهای کشور ما با پدیده‌ی فرسایش محله‌های شهری مواجه‌اند. نمود عینی این فرسایش آفت زندگی اجتماعی در این بافت‌هاست. عوارض فرسایش به‌صورت نیمه متروک و متروک‌شدن بناها، مسکن‌های نامناسب و ناپه‌نجان و نزول کیفیت‌های اقتصادی-اجتماعی پدیدار می‌شود. وسعت بالای بافت‌های فرسوده با معضلات فراوان و نبود استراتژی‌های روشن درخصوص برنامه‌ریزی و مدیریت طرح و اجرا در نوسازی این گونه بافت‌ها، سبب شده است تا زمینه‌های تحقق قوانین و مصوبات (هرچند اندک) موجود نیز فراهم نشود و بافت‌های فرسوده شهری با روندی افزایشی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های شهرها تبدیل شوند.

قسمت عمده‌ی این فضاها که گذشته تاریخی زندگی اجتماعی گروه‌هایی را بر خود حمل می‌کنند، با گذشت زمان بالندگی خود را از دست داده و دستخوش فرسودگی شده‌اند، و این فرایند شهرها را از درون می‌پوساند. به هر صورت در پی تحول در شیوه‌ی زندگی و سکونتگاه-های کنونی، به خصوص در پی تغییر نیاز به خدمات گوناگون و نیازهای حاصل از تحولات در طیّ زمان- از جمله نیاز به زیرساخت‌های حمل و نقل، دسترسی به تأسیسات و تسهیلات و نظایر این‌ها برای زندگی- محله‌های کهن و قدیمی شهری به دلیل وفق نیافتن با شرایط جدید، دچار چنین روندی می‌شوند. انقطاع ارتباطی بین مهم‌ترین ویژگی‌های بافت قدیم و بافت‌های جدید و نوساز شهر، باعث زوال کالبد قدیمی شهر، از خود بیگانگی و از دست رفتن هویت شهر می‌شود. در چنین شرایطی لازم است با استفاده از سیاست‌های مناسب به احیاء این بافت‌ها پرداخته شود. احیاء، به مفهوم بازگرداندن زندگی در محلات قدیمی، بیش از هر چیز مستلزم رفع موانع قانونی فعلی از یک‌سو و توانمندسازی مردم محله به معنای واگذاری اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری و ایجاد تشکلهای اجرایی، فراهم آوردن خدمات مشاوره‌ای برنامه‌ریزی و طراحی و نیز اقدام شهرداری منطقه در رفع معضلات کالبدی- اجتماعی محله و ایجاد تسهیلات لازم از سوی دیگر می‌باشد.

(۲) شناسایی انواع بافت‌های آسیب‌پذیر

انواع بافت‌های آسیب‌پذیر نظیر بافت تاریخی، بافت قدیم، بافت فرسوده و بافت پیرامونی یا بافت‌های با اسکان غیر رسمی که در هسته‌ی مرکزی یا لایه‌های میانی شهرها واقعند و نیازمند دخالت و ساماندهی هستند به لحاظ ویژگی‌های فضایی، کالبدی و ارزشی، همسان نبوده و تعاریف زیر آنها را از هم متمایز می‌کند:

♦ **بافت‌های تاریخی:** ابنیه و فضایی که قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی شکل گرفته و به ثبت آثار ملی رسیده یا قابلیت ثبت شدن را دارا می‌باشند (مانند مجموعه میدان نقش جهان و پیرامون آن) تماماً واجد ارزش فرهنگی- تاریخی هستند. درمورد این گونه بافت‌ها، ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ملاک عمل خواهد بود.

♦ **بافت قدیم:** آن بخش از بافت‌های شهری را شامل می‌شود که قبل از ۱۳۰۰ شکل گرفته و لکن به دلیل فرسودگی کالبدی، فقدان استانداردهای ایمنی، استحکام، خدمات و زیرساخت‌های شهری علی‌رغم برخورداری از ارزش‌های هویتی از منزلت مکانی و سکونت‌ی پایین برخوردارند. مداخله در این‌گونه بافت‌ها یا سایر بافت‌های شهری متفاوت بوده و اقدامات از نوع بهسازی، روانبخشی و نوسازی خواهد بود که در قالب طرح‌های ویژه به اجرا درخواهند آمد!

♦ **بافت فرسوده:** بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده‌ی قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنین و مالکین آن‌ها امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و نیز سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای جهت سرمایه‌گذاری در آن را ندارند، معیارهای اساسی شناسایی و تشخیص این‌گونه بافت‌ها در ادامه ارائه می‌گردد.

♦ **بافت پیرامونی یا بافت‌های با اسکان غیررسمی:** بافت‌هایی هستند که عمدتاً مهاجرین روستایی و تهیدستان شهری را در خود جای داده‌اند و بدون مجوز و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری (طرح‌های جامع و تفصیلی) در درون یا خارج از محدوده‌ی قانونی شهرها به وجود آمده است. عمدتاً فاقد سند مالکیت بوده و از نظر ویژگی‌های کالبدی و برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های شهری - مشابه بافت‌های فرسوده - شدیداً دچار کمبود هستند.

۳) ویژگی عمومی بافت‌های فرسوده

الف) عمر ابنیه:

ساختمان‌های موجود در این‌گونه بافت‌ها عمدتاً قدیمی می‌باشد و فقدان رعایت استانداردهای ایمنی از ظاهر ساختمان قابل تشخیص است. ابنیه این بافت‌ها عمدتاً تحمل مقاومت در مقابل زلزله‌ای با شدت متوسط را ندارد.

ب) دانه بندی و تعداد طبقات:

ابنیه مسکونی واقع در این‌گونه بافت‌ها عمدتاً ریز دانه بوده و اکثر آنها یک یا دو طبقه هستند.

ج) نوع مصالح:

مصالح به‌کار رفته در این‌گونه بافت‌ها عمدتاً از انواع خشتی، آجر و چوب و یا آجر و آهن بدون رعایت اتصالات افقی و عمودی می‌باشند.

د) وضعیت دسترسی‌ها:

بافت‌های فرسوده که عمدتاً بدون طرح قبلی ایجاد شده‌اند عمدتاً از ساختاری نامنظم برخوردارند و دسترسی‌های موجود در آنها عمدتاً پیاده می‌باشد به گونه‌ای که اکثر معابر آن

بن بست یا با عرض کمتر از ۶ متر بوده و ضریب نفوذ ناپذیری در آن‌ها کمتر از ۰/۳۰ است. مساحت عرصه ابنیه واقع شده در این بافت‌ها عمدتاً کمتر از ۲۰۰ متر مربع می باشد.

ه) وضعیت خدمات و زیر ساختهای شهری:

بافت‌های فرسوده به لحاظ برخورداری از خدمات، زیرساخت‌ها، فضاهای باز، سبز و عمومی دچار کمبودهای جدی هستند.

و) شاخص‌های کیفی:

مسأله جمعیت‌پذیری بافت‌ها، حریم غسل‌ها، مسیر قنات‌ها، رود دره‌ها، بافت‌های روستایی درون شهری و ... از دیگر مسائلی هستند که در تعیین بافت‌های فرسوده مؤثر می باشند.

۴) شاخص‌های شناسایی بافت‌های فرسوده و آسیب پذیر

بافت‌های آسیب پذیر بر اساس بلوک آسیب‌پذیر تعریف شده‌اند و بلوک آسیب پذیر بلوکی است که حداقل یکی از شرایط سه‌گانه ذیل را داشته باشد:

الف) بلوکی که دارای حداقل ۵۰ درصد بناهای فرسوده نامناسب به لحاظ زیستی و سکونت‌ی یا آسیب پذیر باشد، بناهای فرسوده یا آسیب پذیر حداقل یکی از شرایط دوگانه زیر را باید داشته باشد:

۱- بنایی که فاقد سیستم سازه‌ای باشد (سازه بتونی، فولادی یا شناژهای تحتانی، قائم و فوقانی) به تشخیص کارشناس رسمی ساختمان

۲- بنایی که در اجرای آن مفاد آیین نامه ۲۸۰۰ رعایت نشده باشد یا قابلیت انطباق با آیین نامه مذکور را نداشته باشد.

ب) بلوکی که حداقل ۵۰ درصد املاک آن مساحتی کمتر از دویست متر مربع را داشته باشد.

ج) بلوکی که حداقل ۵۰ درصد عرض معابر آن (قبل از اصلاحی) بن بست، یا با عرض کمتر از ۶ متر باشد و یا ضریب نفوذ ناپذیری آن کمتر از ۰/۳۰ باشد.

۵) بافت فرسوده و علل پیدایش

۵-۱- تعریف کلی بافت فرسوده:

بافت فرسوده تظاهر نوعی بیماری در ساختار مجموعه‌های زیستی و عموماً مناطق شهری محسوب می‌گردند و عوامل چندی در بروز و شکل‌گیری آن‌ها دخیل‌اند که از میان می‌توان به عوامل کالبدی، عملکردی، زیست‌محیطی، اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی اشاره کرد. تأثیر مخرب هر یک از عوامل فوق سبب کاهش ارزش‌های کمی و کیفی محیط‌زیست، در محدوده‌هایی از شهر می‌شود و با نزول ارزش‌های سکونت‌ی-عملکردی در این قبیل محدوده‌ها امر نوسازی، بازسازی و بهسازی در آن‌ها متوقف می‌گردد و میل به عدم تغییر و تحوّل در آن‌ها فزونی می‌یابد و حالت فرسودگی و ناکارآمدی در آن‌ها مستولی می‌شود و بدین ترتیب بافت فرسوده‌ی

شهری به عنوان بازتابی از تاثیر عوامل مخرب شکل می‌گیرد و به صورت فضایی که به تدریج متعلق به همه‌کس و غیر قابل سکونت برای هر کس باشد به حیات خود ادامه می‌دهد. ویژگی‌های بیان شده، مرز بین بافت فرسوده و قدیمی و اقدامات ضروری به منظور بازسازی و نوسازی آن‌ها را تبیین می‌کند. بنا به تعریف بافت فرسوده و ناکارآمد به بافتی اطلاق می‌گردد که در آن کاهش ارزش‌های کمی و کیفی محیط‌زیست انسانی بروز کرده باشد در حالی که در یک بافت قدیم ولی کارآمد، به دلیل ساختار آن، نه تنها هیچ یک از عوامل مخرب در آن نقشی ندارد، بلکه هماهنگی و هارمونی بین عناصر متشکله بافت، ارزش تاریخی را نیز به آن می‌بخشند. از این رو قدمت بافت نمی‌تواند ملاک فرسودگی و ناکارآمدی آن قلمداد گردد و چه بسیارند بافت‌هایی که در بدو شروع شکل‌گیری در زمره بافت‌های ناکارآمد شهری محسوب می‌گردند و از این رو می‌توان فرسودگی و ناکارآمدی را در آن‌ها معادل یکدیگر در نظر گرفت (مهندسین مشاور امکو، ۱۳۸۲، ص ۱).

بافت‌های فرسوده به دلیل معضلاتی هم‌چون پایین بودن کیفیت زندگی، کاهش امنیت، مشکلات ترافیکی، فضاهای بی‌دفاع، ترس، بالا بودن جرم و بزه نیازمند استراتژی‌های بنیادین جهت تغییرات اساسی در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی و ... هستند. تغییراتی که اغلب در بلندمدت و با صرف هزینه‌های گزاف جهت رفع مشکلات فوق از سوی نهادهای عمومی با تاکید بر "سه e" شامل آموزش^۳، اجرا^۴ و مهندسی^۵ و در نظر گرفتن نیازهای خاص ساکنان به منظور تعیین اهداف و ارزیابی تغییرات صورت می‌گیرد (Anderson. et al, 2007, p: 315)

بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهری از جنبه‌های متفاوت، موضوعی بسیار پیچیده می‌باشد. ساکنان آن عمدتاً از اقشار پایین جامعه بوده و از فرصت‌های شغلی اندکی برخوردارند و به ناچار تن به مشاغل دون پایه می‌سپارند؛ از طرفی خدمات شهری ناچیزی به آنان ارائه می‌شود. به دلیل فرسودگی بالا، تنوع کاربری‌ها (تجاری، تفریحی، فضای سبز، درمانی، آموزشی و...) به ندرت دیده می‌شود. فنشتاین و گری^۶ بر این باورند که دولت به عنوان نهاد مؤثر اصلی باید در این بافت‌ها مداخله نماید و نیازهای اولیه و اساسی هم‌چون مسکن مناسب، مراکز آموزشی، فرصت‌های اشتغال از طریق مشاغل خرد و تأمین نیازهای روزمره ساکنان را فراهم نماید. پرت^۷ (۱۹۹۷) نقش سازمان‌های اجتماعی را همراه با بخش خصوصی در بهسازی محلات فرسوده بسیار ضروری دانسته است. سازمان‌های اجتماعی براساس مشارکت توسعه‌ی اجتماع محور^۸ (CDCs) با هدف بهسازی محلات، فعالیت‌هایی هم‌چون حمایت‌های مالی از اقشار کم درآمد مانند مسکن قابل استطاعت، تأمین خدمات موردنیاز ساکنان را با مشارکت ساکنان، سازمان‌های محلی و دولت انجام می‌دهند (Vidal, 1996). در این راستا توجه صرف به ساختارهای اقتصادی و اقدامات پراکنده و جزئی از سوی متولیان درخصوص نوسازی بافت‌های فرسوده نمی‌تواند مثمرتر باشد (Jude and Parkinson, 1990). برنامه‌های برنامه‌های

بازسازی و نوسازیِ موفقیت‌آمیز، منوط به در نظر گرفتن سرمایه‌ها یا ظرفیت‌های انسانی می‌باشد که بندرت در ساختارهای موجود به آن توجه می‌شود. ظرفیت‌های انسانی می‌تواند منجر به شکوفایی اقتصاد محلی و نوسازی با در نظر گرفتن شرایط مردمی که در آن جا زیست می‌کنند، باشد (Robinson-Barnes 1997).

عموماً تصویری که از بافت فرسوده‌ی شهری می‌شود، بافت قدیمی شهر است که به دلایلی نوسازی نشده است و رفته رفته ساختمان‌ها کهنه و پوسیده شده‌اند. این تصور از بافت فرسوده (که بیشتر موضوع کهنگی را در ذهن تداعی می‌کند)، تصور جامعی از انواع بافت‌های شهری را به دلیل مسائل و مشکلاتی که گریبان‌گیر آنهاست و نوسازی در آن تهدید می‌شود و رو به فرسودگی یا میرندگی نهاده‌اند در بر نمی‌گیرد، از این رو اگر هدف، مسئله‌یابی و شناخت مشکل برای یافتن راه‌حل به منظور تغییر و ارتقاء کیفیت بافت شهری است، عنوان بافت‌های فرسوده را می‌توان به "بافت‌های مسئله‌دار شهری" تغییر و مورد بحث قرار داد (جهانشاهی، ۱۳۸۲).

۵-۲- علل و شکل‌گیری بافت‌های فرسوده و ناکارآمد:

همان‌گونه که اشاره شد عوامل چندی به تنهایی و یا در هماهنگی با یکدیگر باعث شکل‌گیری و به وجود آمدن بافت‌های فرسوده و ناکارآمد می‌شوند. این عوامل می‌توانند در شروع ایجاد بافت و یا بر اثر مداخلات ناسنجیده‌ی بعدی در هر یک از عوامل ساختاری بافت وارد عمل شده و پهنه‌ای را از انتفاع خارج و کیفیت محیط انسانی را در آن کاهش دهند. پارامترهای تأثیرگذار و نقش آن‌ها به عنوان عوامل مخرب محیطی در علل شکل‌گیری بافت فرسوده را می‌توان به شرح ذیل مورد تحلیل قرار گرفت:

الف) عدم پیروی از یک برنامه‌ریزی منسجم

در اختیار نبودن برنامه‌ای مدوّن و همه‌جانبه‌نگر در مسائل توسعه‌ی شهری، می‌تواند مناطق شهری و یا محدوده‌هایی از آن‌ها را در بدو شکل‌گیری به یکی از دو عارضه‌ی ناکارآمدی و یا بی‌هویتی مبتلا کند. نمود بارز این دو پدیده را در بافت‌های شهری تهران، می‌توان به صورت عینی و ملموس در بخش‌های شمالی و جنوبی آن مورد شناسایی قرار داد. علاوه بر این، مداخلات بدون برنامه از پیش تعیین شده نیز، قادر است بافت کارآمدی را به پهنه‌ای فاقد کارایی لازم مبدّل نماید.

ب) عوامل کالبدی

شکل پیوند و ارتباط یک پهنه با کل منطقه، نفوذپذیری، شبکه دسترسی درونی و بیرونی و نیز نحوه‌ی پیوند یا انطباق بافت با مورفولوژی و عوارض زمین قادر است بافتی را از حالت کارایی مطلوب خارج و در زمره‌ی بافت‌های ناکارآمد قرار دهد. علاوه بر این، عدم تعادل بین تراکم بافت، نسبت توده و فضا، تفکیک اراضی و دانه‌بندی آن‌ها در یک پهنه، درجه آسیب-

پذیری آن را در مواجهه با سوانح طبیعی غیرمترقبه بالا برده و کاهش ارزش کمی و کیفی آن را نسبت به سایر نقاط پیرامونی آن پدید می‌آورد.

ج) معضلات عملکردی

به طور کلی در هر پهنه‌ای که تعادل لازم بین نسبت فضایی کار با فضای مسکونی و گذران اوقات فراغت برقرار نباشد، مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی بافت را دستخوش ناکارآمدی می‌سازند. پهنه‌های صرفاً کارگاهی، صنعتی، خدماتی، مسکونی، خوابگاهی و مراکز گسترده‌ی تجاری همگی شواهدی دال بر ناکارآمدی را در خود نهفته دارند که به محض مهتبا شدن شرایط مناسب به صورت معضل عملکردی بروز کرده و بافت را فاقد ارزش و کارایی مطلوب می‌نمایند.

د) عوامل آلاینده‌ی زیست محیطی

تولید و توزیع انواع آلاینده‌های زیست محیطی چه به صورت بالفعل و یا بالقوه باعث کاهش ارزش کمی و کیفی بافت شده و توقف نوسازی را برای آن به ارمغان می‌آورند. انتشار زباله و فاضلاب و مشکلات ناشی از دفع آب‌های سطحی و نیز معضلات ناشی از انواع آلودگی‌ها در هوا و هم‌چنین بروز انواع آلودگی‌های صوتی در فضا، بهداشت، سلامتی و آسایش ساکنان یک پهنه را مورد تهدید قرار می‌دهند. بروز پدیده‌های فوق، بافت شهری را دچار حالت فرسودگی و میرندگی می‌کند.

ه) عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ترکیب اجتماعی و قومی اشکال خانواده و خانوار، تراکم‌های ناخالص و خالص جمعیتی، درآمد و اشتغال و نیز انواع فعالیت‌های تولیدی و خدماتی از جمله عواملی هستند که بر شکل‌گیری و محتوای بافت شهری، اثر بایسته و تعیین‌کننده‌ای را می‌گذارند و آن را تبدیل به بافتی کارآمد و یا غیرکارآمد می‌کنند.

و) تأثیر ناشی از کمبود زیرساخت‌های شهری

کمبود و یا نارسایی تأسیسات و زیرساخت‌های شهری نظیر راه ارتباطی مناسب، کانال دفع فاضلاب و آب‌های سطحی، آب، برق، گاز، تلفن و ... سبب ایجاد معضل و در عین حال فرسودگی بافت شهری می‌شوند. علاوه بر این، عبور عناصر نامطلوب از میان بافت شهری برای ارائه خدماتی به کل مناطق شهری و یا نقاط پیرامونی آن سبب فرسودگی و یا ناکارآمدی بافت شهری می‌گردند. عبور اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها، راه‌آهن، شبکه برق فشار قوی، عبور کانال‌های روباز و مسیل‌های شهری به ویژه اگر با زباله، فاضلاب، و زائدات شهری همراه باشند سبب افت قیمت زمین در بافت و ناکارآمدی آن می‌گردند (مهندسين مشاور امکو، ۱۳۸۲، صص ۳-۱).

۶) انواع فرسودگی در بافت‌های شهری

فرسودگی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی آن می‌شود. فرسودگی عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقع‌های و شکل گرفتن حیات شهری روزمره-

ای کمک می‌کند حبیبی (۱۳۸۴) فرسودگی را به دو دسته‌ی کلی "کامل" و "نسبی" تقسیم می‌کند:

« فرسودگی کامل، فرسودگی است که فرسودگی در هر دو عنصر فضای شهر یعنی کالبد و فعالیت آن رخنه کرده باشد و به دنبال آن باعث فرسودگی کامل فضا شود». پس فرسودگی یا در "کالبد"، "فعالیت" و یا در "کالبد و فعالیت" به‌طور یک‌جا رسوخ می‌کند. بر این اساس می‌توان معادلاتی به شرح ذیل تشکیل داد که بیانگر انواع فرسودگی‌ها باشد:

معادله اول: شکل (کالبد سالم) + فعالیت (فرسودگی نسبی) = فرسودگی نسبی فضا
 معادله دوم: شکل (کالبد نسبتاً فرسوده) + فعالیت (سالم) = فرسودگی نسبی فضا
 معادله سوم: شکل (کالبد فرسوده) + فعالیت (فرسوده) = فرسودگی کامل فضا

جدول شماره یک میزان فرسودگی فضای شهری را براساس معادلات سه‌گانه‌ی فوق نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- میزان فرسودگی فضای شهری

مقیاس	نحوه استفاده از زمین و بنا	نوع طرح	مدت زمان اقدام	نوع اقدام	نوع مرمّت	فرسودگی فضای	فرسودگی فضای	معادله
در حد زیر محله و کوی	تعمیر، تدقیق کاربری و تأکید بر شکل بنا	اجرائی	کوتاه مدت (۰ تا ۵ سال)	إبقاء	بهبودی	فعالیت (عملکرد)	فرسودگی نسبی فضای شهری	اول
در حد زیر محله و برزن	تأکید بر کاربری و تغییر در شکل بنا	طراحی	میان مدت (۰ تا ۱۵ سال)	احیاء	نوسازی	کالبد (شکل)	فرسودگی نسبی فضای شهری	دوم
در مقیاس شهر یا بخشی از آن	تنظیم کاربری و تعریف شکل بنا	برنامهریزی	بلند مدت (۰ تا ۲۵ سال)	تخریب و ساخت مجدد	بازسازی	فعالیت + کالبد	فرسودگی کامل فضای شهری	سوم

منبع: حبیبی و مقصدی، ۱۳۸۴

در یک تقسیم‌بندی دیگر، می‌توان فرسودگی را به چند دسته کلی تقسیم نمود که عبارتند از:

الف) فرسودگی کالبدی

فرسودگی ممکن است ناشی از افت کیفیت کالبدی یا سازه‌ای بنا باشد. این وضع با قرار گرفتن بافت بنا در مسیر افت کیفیت ناشی از گذشت ایام، تأثیر آب و هوا، جابجایی زمین، ارتعاشات ناشی از رفت و آمد اتومبیل‌ها یا نگهداری نامناسب و نامطلوب به وجود می‌آید. چنین بنايي به تعریف و نگهداری، بیش از آنچه نگهداری منظم و جاری تأمین می‌کند، نیاز دارد. بدون چنین بازآرایی، شرایط کالبدی بنا در خلال تصرف و استفاده از بنا اختلال ایجاد می‌کند. ایجاد فرسودگی از این دست، احتمالاً - دست کم در آغاز - تدریجی است.

ب) فرسودگی کارکردی

فرسودگی هم‌چنین می‌تواند از کیفیت‌های کارکردی بنا ناشی شود. ممکن است بافت بنا دیگر برای کارکردی که به خاطرش طراحی شده، برای استفاده‌ی جاری مناسب نباشد. بنا در این حالت با استانداردهای روز یا شرایط متصرف یا متصرفین بالقوه تطبیق نمی‌کند. ممکن است فرسودگی کارکردی یک بنا متأثر از یک نقطه‌ضعف فنی باشد. فرسودگی کارکرد هم‌چنین ممکن است از ویژگی‌های گستره ناشی شود. عدم کارآیی می‌تواند از عوامل خارجی ناشی شود که کارکرد بنا به آن‌ها متکی است. مثلاً ممکن است فضای کافی برای توقف اتومبیل در محل یا خیابان‌های پیرامون وجود نداشته باشد یا به‌خاطر وجود خیابان‌های باریک یا ازدحام ترافیک دسترسی به محل دشوار باشد.

ج) فرسودگی در تصویر ذهنی

فرسودگی در تصویر ذهنی محصول تلقی و برداشت ذهن بنا یا گستره است. در گذر زمان با ایجاد تحول در محیط انسانی، اجتماعی، اقتصادی یا طبیعی، بافت بدون تغییر تاریخی در مردم امروز تناسب خود را با نیازهایی که در خدمت آن است از دست می‌دهد. این برداشت یک داوری ارزشی است و ممکن است در واقعیت فاقد جوهره‌ی واقعی باشد.

د) فرسودگی قانونی و رسمی

این نوع فرسودگی به ابعاد کارکردی و کالبدی ربط پیدا می‌کند و مثلاً هنگامی روی می‌دهد که یک بنگاه عمومی استانداردهای حداقلی را برای کارکرد تعیین می‌کند. از این قرار است که رواج استانداردهای جدید بهداشتی و ایمنی، آتش‌سوزی یا مقررات ساختمانی، ممکن است یک بنا را محکوم به افسردگی کنند. به همین ترتیب یک بنا ممکن است از لحاظ قانونی " فرسوده" شده باشد. فرسودگی کالبدی، کارکردی و -گاه- در حوزه تصویر ذهنی ممکن است به یک فرسودگی "رسمی" منجر شوند و این امر مثلاً در شرایطی رخ می‌دهد که یک گستره رسماً "داخل در طرح" اعلام شود و قرار شود برای احداث جاده، تعریض راه و اجرای طرح بازسازی جامع از سوی دستگاه‌های شهرسازی دولت محلی تخریب شود.

ه) فرسودگی مکانی

فرسودگی مکانی متأثر از ویژگی‌های فعالیت‌های کارکردی در داخل گستره می‌باشد. ممکن است مکان انتخاب شده در طول زمان و در ارتباط با فعالیت‌هایی که بنا با توجه به آن‌ها ساخته شده است فرسوده شود. مثلاً فروشگاه‌هایی که در پیرامون یک بیمارستان یا ایستگاه راه‌آهن متروک قرار دارند. در واقع، این فرسودگی در نتیجه بلا تغییر ماندن یک مکان خاص نسبت به تغییراتی روی می‌دهد که در الگوی وسیع هزینه‌های دسترسی و نیروی کار پدید می‌آید (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶، صص ۵۸-۵۶).

۷) راه‌های برون رفت از وضع موجود و رونق‌بخشی به نوسازی بافت‌های فرسوده

برای برون‌رفت از وضع موجود ضمن پرداختن به مباحث کلی و بنیادین نوسازی و تلقی آن به صورت فرایندی مستمر و بلندمدت و مبتنی بر مدیریت راهبردی، نیاز به راهکارهایی است که برای مردم قابل اندازه‌گیری باشد؛ یعنی راهکارهایی که سریعاً آن‌ها را به نیازهایشان برساند و یا آن‌ها را مطمئن کند که زودتر به نتایج مورد انتظارشان دست پیدا خواهند کرد. این راهکارها کوتاه‌مدت و زود بازده بوده و نتایج مقطعی آن‌ها می‌تواند با امید بخشی به مردم، جلب مشارکت آن‌ها در روند نوسازی را محقق سازد. در مسیر تحقق آنچه ذکر شد، اولین گام به شناخت کلی از مسائل در سطح مدیریت راهبردی می‌باشد. به عبارتی اهداف، مبنای، استراتژی‌ها و ضرورت‌ها در این بعد مطرح شده و یک تحلیل راهبردی و آسیب‌شناسی از گذشته به دست خواهد آمد.

نوسازی مفهومی صرفاً کالبدی نیست و جنبه‌های مختلف و متنوعی را شامل می‌شود. در بافتی ممکن است اقدام نوسازی یا هدف آن (رفع محرومیت و توانمندسازی) از حالت انفعالی خارج شده و به شرایط مستلزم نوسازی تبدیل شود که حاصل آن نوسازی فعالانه می‌باشد. در نوسازی فعال، محدوده بافت فرسوده با همه ابعاد فرسودگی آن مدنظر بوده و عناصر کالبدی فی‌نفسه موضوع اساسی بحث نیستند. بدین ترتیب ضرورت ایجاد تحول در روش‌ها و شیوه‌های اجرایی نمایان می‌شود. به نحوی که بهسازی و نوسازی شهری منوط به بکارگیری سرمایه‌ی انسانی و مالی است (Green Leigh and Ross, 2000, p:378).

سازمان نوسازی شهر تهران به عنوان متولی امر نوسازی در بافت‌های فرسوده تهران، الگوهای نوسازی و یا آنچه که به نام محصول نهایی و خروجی کار مقوله نوسازی بافت‌های فرسوده تولید خواهد شد را به چهار دسته، مدل یا الگو تقسیم می‌کند (عندلیب، ۱۳۸۵، صص ۴۱).

الف) الگوی تولید طرح؛ طرح ویژه نوسازی بافت فرسوده: این الگو در چهارچوب

سیاست‌های طرح جامع تهیه می‌شود. طرح مذکور، بسته‌ای از طرح‌ها و برنامه‌های ویژه نوسازی شامل سطوح تفصیلی، منظر شهری و معماری در بافت فرسوده است. در این طرح با بررسی

محلات و نواحی مختلف و رسیدن به نظم و مرزهای مشخص، نظام برنامه‌ریزی و مدیریت بر آن تعیین می‌گردد.

در طرح تفصیلی ویژه نوسازی پهنه‌بندی کاربری‌ها، دسترسی‌های اصلی، سقف جمعیتی، تراکم پایه، به همراه جداول و سرانه‌ها ارائه می‌گردد و در طرح منظر شهری که مقیاس محله‌ای دارد ضمن تدقیق کاربری‌ها و پیشنهاد ترکیب حجمی بافت مبتنی بر ایده‌های منظرین فضا، نحوه توزیع کیفی تراکم مشخص می‌شود. هم در طرح تفصیلی و هم در طرح منظر شهری، پیشنهاد پارامترهای اساسی کارکردی - کالبدی مبتنی بر ویژگی‌های سازمان فضایی موجود و پیشنهادی صورت می‌گیرد.

ب) الگوی تولید زمین؛ پروژه‌های نوسازان: الگوی تولید زمین یا تملک مهم‌ترین گام اجرایی در روند نوسازی بافت‌های فرسوده می‌باشد. اغلب طرح‌ها در همان مراحل آغازین و به دلیل فراهم نشدن زمینه‌های تملک به بن‌بست می‌رسند. در این خصوص، الگوهای قابل تعمق در جهان تجربه شده که هرکدام از آن‌ها می‌تواند در مواردی راه‌گشا باشد. غیر از مکانیزم‌های برنامه‌ای نحوه جلب مشارکت مردم در خصوص موضوع یاد شده و به فرض مهیا شدن زمین‌های واگذاری املاک جهت نوسازی بافت، بایستی در فرایند اجرایی تملک دامنه و اولویت‌های آن را نیز مشخص نمود. این اولویت‌ها عبارتند از:

- تملک مسیر شبکه پیشنهادی طرح تفصیلی ویژه‌ی نوسازی

- ملک محدوده واحدهای مسکونی جایگزین (پروژه‌های نوسازان)

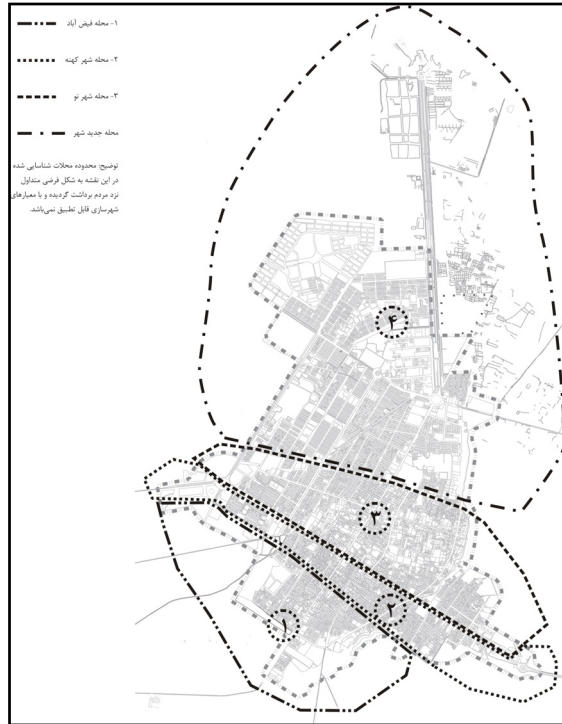
- تملک محدوده پروژه‌های مختلط

- تملک محدوده نقاط تحریک توسعه بر مبنای منظر شهری

ج) الگوی تولید سرمایه؛ کاربری‌های ارزش آفرین: منابع نهفته‌ای در شهر وجود دارد که از آنها استفاده درستی به عمل نمی‌آید و اتکای سیاستمداران شهری اصولاً به منابع و پول نقد است، می‌توان به طرق گوناگون منابع یادشده و پراکنده شهری را احیاء کرد. در این خصوص طرح‌های جامع شهری می‌توانند با پیشنهاد کاربری‌های ارزش‌افزاین نظیر بورس‌ها و مراکز مختلف تجاری - اداری در مناطق فقیر و فرسوده شهری، زمینه‌های لازم جهت نوسازی بافت‌های فرسوده را فراهم‌سازند. چنین نگاه‌های کل‌نگری با جذب سرمایه‌گذاران، صرفه‌های اقتصادی فرایند نوسازی و توسعه پایدار شهری را تضمین می‌کند.

د) الگوی تولید ساختمان: ساز و کارهای صنعتی در ساخت: تردیدی نیست که با مکانیزم‌های ساخت و ساز فعلی، امکان نوسازی عرصه‌های گسترده بافت‌های فرسوده شهری نه به لحاظ کمی و نه کیفی ممکن نیست (مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۷، صص ۸۵-۸۲).

نقشه شماره ۱- بافت شهر و محدوده محلات موجود



منبع: طرح جامع شهر کاشمر، مهندسین مشاور زیست کاوش

۸) بررسی سیمای کالبدی شهر کاشمر

شهر کاشمر^۹ یکی از کهن‌ترین شهرهای جنوب خراسان به شمار می‌رود. این منطقه دارای سابقه استقرار اقوام پارت بوده و پس از آنکه مردم کاشمر به ناحیه‌ای که امروزه به "محله سلطانیه" معروف است کوچ نمودند و در فاصله آن و قریه فیض آباد مستقر شدند، محل مذکور سلطان آباد نامیده شد و آن جا محلی است که امروزه به "شهر کهنه" معروف می باشد. در واقع شهر کهنه هسته اصلی شهر کاشمر می باشد و در زمان فتحعلی‌شاه ارگ حکومتی در شهر کهنه ساخته شد، پس از آن شهر نو با بافت مشخص و منظم تر در مجاورت شهر کهنه ایجاد شد.

به طور کلی از نظر خصوصیات مشترک می‌توان چهار نوع بافت شهری را در کاشمر

تشخیص داد:

- بخش قدیمی‌تر که شامل شهر کهنه و شهر نو است.
- توسعه‌های روستایی قدیم که شامل محلات سلطانیه و قریه فیض آباد است.

- بخش‌های توسعه هسته‌ی اصلی شهر که شامل محله‌ی نو و محله‌ی فیض‌آباد می‌باشد که در جنوب شهر و میان قلعه و فیض‌آباد تشکیل شده است.

- بخش جدید شهر و توسعه‌های بعد از طرح جامع مصوب ۱۳۶۱ است که بیشتر در سمت غرب و شمال غرب انجام گرفته‌اند و از نظر مصالح ساختمانی و شیوه‌ی ساختمان با سایر بافت‌های موجود شهر متفاوت می‌باشند.

بزرگ‌ترین و پرجنب و جوش‌ترین محله کاشمر، محله شهر کهنه است که بخش عمده‌ی آن در جنوب بازار قدیم و خیابان‌های اصلی کنونی شهر (خیابان قائم، میدان انقلاب، خیابان شهید مدرس) قرار دارد که در قدیم دور تا دور آن را قلعه، بارو و خندق فرا گرفته بود. در نقشه‌های قدیمی‌تر، چهار گوشه محدوده مذکور چهار برج قرار داشته است.

توسعه‌های اخیر شهر عموماً در شرق و شمال به ترتیب محلات فقیر و اعیان‌نشین شهر را ساخته‌اند که سکونتگاه‌های فاقد هویت بوده و نمی‌توان نام محله را بر آن نهاد.

بعد از تهیه طرح جامع شهر کاشمر توسط مهندسین مشاور اوربانیک در سال ۱۳۶۱، توسعه‌ی شهر عمدتاً در سمت غرب و شمال غربی بوده که از پیش‌اندیشیده و سازمان یافته و متکی بر شبکه شطرنجی می‌باشد.

۹) تبیین وضع موجود بافت‌های فرسوده شهر کاشمر

۹-۱- تصویری واقعی از بافت‌های فرسوده‌ی شهر کاشمر

فرسودگی بافت‌های فرسوده ناشی از نارسایی‌های متعدد و متنوعی است که بر شرایط کالبدی، کارکردی و کیفیت زندگی جمعی در این مناطق تأثیر جدی دارند. مطالعات پژوهشی، بررسی کارشناسی دستگاه‌های ذریع و مشاهده بافت‌های فرسوده شهر کاشمر نشان می‌دهد که این بخش شهر، از انواع فرسودگی‌ها، نارسائی‌ها و مسائل ذیل رنج می‌برد که آشفتگی‌های مختلف شهری و رشد و توسعه نامتوازن این مناطق را به همراه داشته‌است:

- فرسودگی کالبدی
- عدم دسترسی مناسب به درون بافت و عرض کم معابر
- مشکلات زیست‌محیطی و عدم رعایت حرایم مسیل و خطوط انتقال برق (در بافت حاشیه‌ای)

- کمبود امکانات گذارن اوقات فراغت به ویژه برای کودکان و نوجوانان
- فقر و محرومیت نسبی (به ویژه در بافت حاشیه‌ای)
- آسیب‌پذیری در برابر زلزله (عدم نظارت بر اجرای صحیح و استفاده از سازه‌های نامناسب و کم دوام)

- سرانه کم خدمات شهری (فضای سبز، مرکز آموزشی، فرهنگی و تفریحی)

- تراکم بالای جمعیت

- حجم بالای ساختمان‌های کم‌دوام و ریزدانه

- نامنی و معضلات اجتماعی و فرهنگی (به ویژه در بافت حاشیهای)
- ارزش پایین زمین‌های فاقد سند در مجاورت بافت حاشیهای و تداوم مشکلات این نوع از بافت‌ها

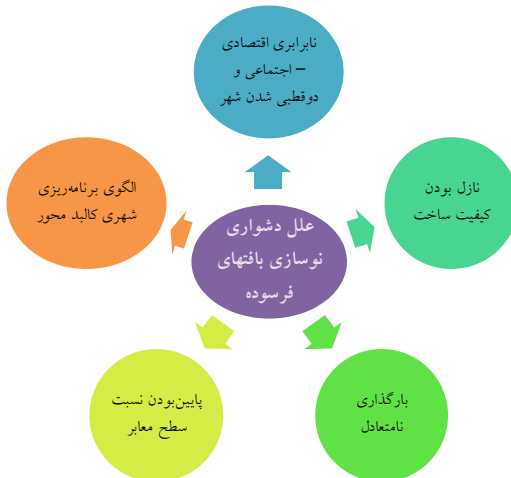
۹-۲- نتایج و پی‌آمدهای ادامه روند وضع موجود بافت‌های فرسوده

اصولاً فرسودگی به کالبد منحصر نمی‌شود بلکه معرف وجود شرایطی از جمله موارد زیر است که زندگی انسان را در ابعاد مختلف تهدید می‌کند، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد تداوم این روند در بافت‌های فرسوده خود به منزله زلزله‌های فاجعه‌آمیز است که نسل‌های آینده را تهدید می‌کند و باید بیش از پیش نگران وقوع تدریجی آن بود:

- جرایم در بافت فرسوده بیشتر از نقاط دیگر است.
- آسیب‌پذیری خانه‌های بافت فرسوده در برابر زلزله کاملاً جدی است.
- امداد و خدمات‌رسانی در مواقع بحران با مشکلات جدی روبرو است.
- امکان حفظ حرمت انسان‌ها به حداقل می‌رسد.
- رشد و تربیت در بافت فرسوده با موانع جدی محیطی روبرو است.
- زیرساخت‌های بافت فرسوده از متوسط شهر بسیار کمتر است.
- فقر اقتصادی در بافت‌های فرسوده، توان مشارکت و نظارت مردم را سلب می‌کند.
- انگیزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در بافت‌های فرسوده پایین است.

به طور کلی علل دشواری نوسازی بافت‌های فرسوده را که از تحلیل نتایج پیامدهای فرسودگی این مناطق قابل استنتاج است، می‌توان در نمودار شماره ۱ مشاهده نمود.

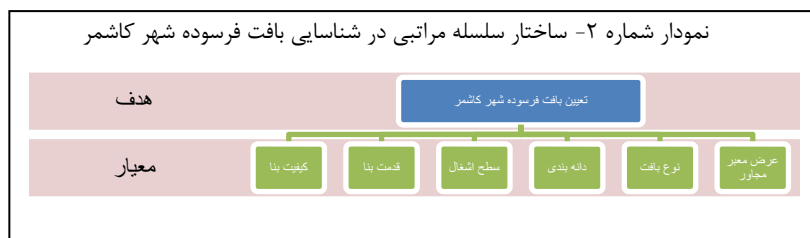
نمودار شماره ۱ - علل دشواری نوسازی بافت‌های فرسوده



۱۰) معرفی شاخص‌ها و تعیین محدوده انواع بافت با استفاده از روش AHP

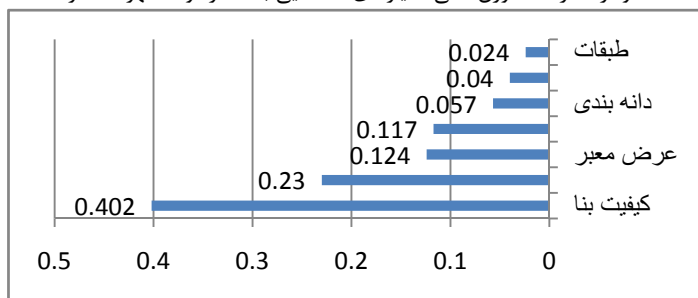
یکی از کارآمدترین تکنیک‌های تصمیم‌سازی فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) است. این تکنیک بر اساس مقایسه‌های زوجی بنا نهاده شده و امکان بررسی سناریوهای مختلف را به مدیران می‌دهد. فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه است زیرا این تکنیک امکان فرموله کردن مسأله را به صورت سلسله‌مراتبی فراهم می‌کند و همچنین امکان تحلیل حساسیت روی معیارها و زیرمعیار را دارد.

نمودار شماره دو شش معیار کالبدی تعیین شده را به عنوان شاخص‌های فرسودگی کالبدی براساس ساختار سلسله‌مراتبی AHP به منظور تشخیص بافت فرسوده نشان می‌دهد:



پس از تعیین ساختار سلسله‌مراتبی شاخص‌های مؤثر در تعیین بافت فرسوده شهر کاشمر، مقایسه دودویی شاخص‌ها، میزان اهمیت هر یک را نشان می‌دهد. در فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی ابتدا عناصر به صورت زوجی مقایسه شد و ماتریس مقایسه زوجی تشکیل گردید، سپس

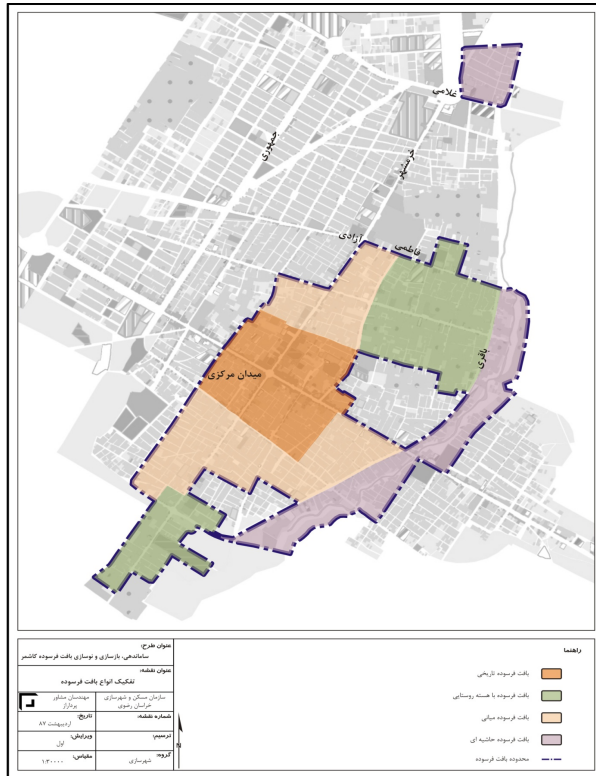
نمودار شماره ۳- وزن دهی معیارهای شناسایی بافت فرسوده شهر کاشمر



با استفاده از این ماتریس وزن نسبی عناصر محاسبه شد. پس از محاسبه‌ی میزان ناسازگاری، ماتریس این مقدار برابر ۰.۰۷ بدست آمد که با توجه به حداکثر قابل قبول برای میزان ناسازگاری ماتریس (عدد ۰.۱)، نتیجه بدست آمده قابل قبول می‌باشد. در نهایت و با

تخصیص این اوزان به لایه‌های نظیر آنها در GIS بافت فرسوده شهر کاشمر مشخص شد. نمودار شماره سه این اوزان را به تفکیک هر شاخص نشان می‌دهد.

نقشه شماره ۲- تفکیک انواع بافت فرسوده در شهر کاشمر



منبع: ساماندهی، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده کاشمر- مهندسين مشاور پردازاز

طبق ارزیابی‌های صورت گرفته سه نوع بافت در محدوده بافت فرسوده شهر کاشمر شناسایی گردید. همچنین بخش دیگری از محدوده بافت فرسوده نیز که هیچ‌یک از خصوصیات مذکور را دارا نمی‌باشند، بافت‌های فرسوده شهری می‌باشند که در دوره‌های تاریخی پس از بافت با ارزش تاریخی شکل گرفته‌اند و به عبارتی شامل توسعه‌های ثانویه شهر کاشمر می‌باشند. این بافت تحت عنوان بافت فرسوده میانی شناخته می‌شود.

بدین ترتیب کل بافت فرسوده شهر کاشمر شامل چهار نوع بافت می‌باشد که عبارتند از:

- بافت فرسوده با ارزش تاریخی
- بافت فرسوده میانی

- بافت فرسوده روستایی - شهری (دارای هسته روستایی)
- بافت فرسوده حاشیه‌ای

۱۱) ارکان مؤثر بر مداخله در بافت‌های فرسوده

امروزه پروژه‌های نوسازی شهری عموماً با مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی به‌طور توأمان با استفاده از نیروی دولتی و سرمایه‌ی بخش خصوصی انجام می‌پذیرد (Feldman, 1992, p: 8).

هم‌چنین مشارکت نهادهای محلی در مدیریت و بهسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهری از ارکان جدایی‌ناپذیر در ارتقاء کیفیت محیط و بهبود وضعیت کالبدی این نوع محلات می‌باشد. مطالعه‌ای توسط "سازمان اروپایی برای بهبود شرایط زندگی و کار" (EFILWC) به نقش مشارکت‌های محلی در بهسازی محلات فرسوده توجه می‌کند. اهم یافته‌های آنان به نقش رسانه‌ها در سنجش نظرات مردم در رابطه با مسائل نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده، تمهیدات و سیاست‌هایی جهت جلوگیری از گسترش این نوع بافت‌ها و ایجاد ارتباط بین نوسازی، آموزش، اشتغال به ویژه آموزش مشاغل جدید تأکید می‌نماید (Conway & Konvitz, 2000, p: 749).

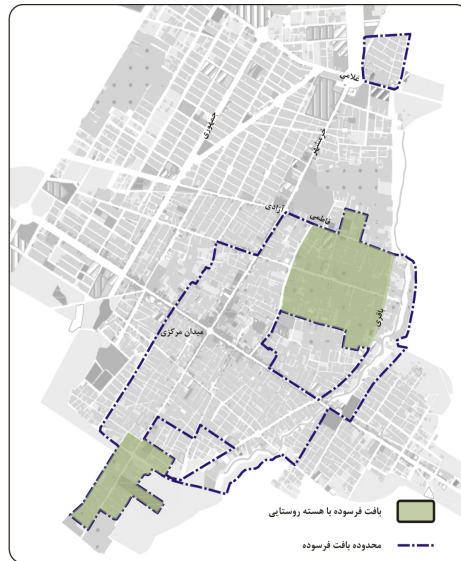
محققان متعددی درباره‌ی میزان مداخله‌ی دولت در بهسازی و نوسازی محلات فرسوده بحث کرده‌اند. پرتز (۱۹۹۷) حمایت دولت از این بافت‌ها را بسیار ضروری دانسته ولی معتقد است که نظارت مستقیم دولت نظیر سوبسید، مالیات، برنامه‌های فعالیتی مستقیم در این بافت‌ها بجای نتیجه مثبت، کاملاً نتیجه‌ی معکوسی خواهد داد. وی به نقش نهادهای محلی به همراه مشارکت مردم در موفقیت برنامه‌های نوسازی تأکید کرده است (Porter 1997, P. 12). هریسون و گلسمیر^{۱۲} (۱۹۹۷) نظری متفاوت با آن‌چه پرتز بیان کرده بود دارند. آن‌ها معتقدند دولت نقش مهمی در پیشبرد توسعه‌ی سیاست‌های اقتصادی ایفا می‌نماید و نهادهای محلی نیز حلقه‌ی اتصال دولت و بخش خصوصی هستند. سایر محققین نیز سیاست‌های دولت را در بهسازی بافت‌های فرسوده ضروری دانسته‌اند (Harrison & Glasmeier, 1997).

به طور کلی در برخورد با بافت‌های فرسوده، چهار شیوه مطرح است: ساماندهی (بهسازی)، مرمت، بازسازی و نوسازی؛ که میزان مداخله در بافت در هر کدام از شیوه‌های مذکور متفاوت خواهد بود. انتخاب شیوه مناسب پس از بررسی ابعاد بحران در بافت فرسوده صورت می‌گیرد. این بررسی از جنبه‌های مختلف از جمله فرهنگی - هویتی و اقتصادی مد نظر کارشناسان می‌باشد (ابلقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵).

یکی از موضوعات اساسی در طرح‌های بافت فرسوده، چگونگی مداخله در بافت می‌باشد. نحوه‌ی انجام مطالعات، ترسیم و تدوین ابعاد و اهداف طرح، شیوه‌های طراحی و برنامه‌ریزی، سازمان یا نهاد مداخله‌گر، روش‌های اجرایی، زمان بندی اجرا و ... هر کدام مسئله‌ای است که راه‌حل مناسب خود را می‌طلبد. بدیهی است که این راه حل‌ها باید با موضوع خاص هر طرح

متناسب و با بستر قانونی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن سنخیت داشته باشد تا بتواند تحقق یابد وگرنه به تحقیقی جهت نگهداری در آرشو تبدیل می‌شود و آن چه بر جای می‌ماند همان "بافت مسأله‌داری است" که حیات شهر را تهدید می‌کند. بدین منظور جهت نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهر کاشمر از استراتژی مداخله‌ی دولت و مشارکت مردم به صورت توأمان استفاده شده است به نحوی که با توجه به نوع بافت برای دو رکن دولت و مردم راه‌کارهایی ارائه گردیده است که ما حاصل آن در جداول ذیل نشان داده شده است.

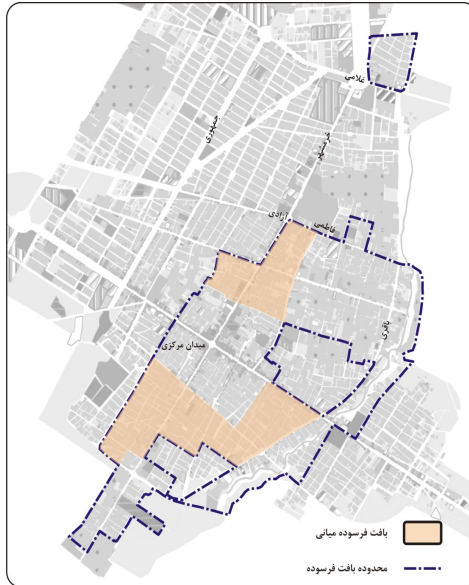
نقشه شماره ۴ - بافت فرسوده روستایی - شهری



جدول شماره ۳ - بافت فرسوده روستایی - شهری

نوع بافت	شیوه مداخله دولت	نحوه مشارکت مردم
بافت فرسوده روستایی - شهری	ورود دولت برای تهیه طرح تفصیلی با رعایت حال مردم و با نیت نگاه‌داشتن جمعیت ساکن و تسهیل تداوم سکونت و فعالیت در بافت از طریق بهسازی معبر و ایجاد فضاهای لازم و خدماتی	مشارکت مردم که می‌تواند با تشکیل گروه‌های همسایگی در سطح کوچه و یا گذر و ... باشد برای همکاری با دولت به منظور تسهیل فروش بخش‌هایی از بافت که صرفاً به امر ایجاد معبر و یا فضاهای عمومی تخصیص می‌یابد و جای دادن مالکان و ساکنان در داخل بافت از طریق ایجاد مکانیسم‌های تشویقی برای ساخت و ساز در داخل بافت‌ها از جمله اختصاص وام‌های مناسب بازسازی ارائه تراکم‌های اضافی تشویقی، بخشودگی واگذاری آب، برق، گاز و تلفن و در نتیجه ایجاد مجموعه‌های سکونتی مناسب با فرهنگ و خصوصیات اجتماعی ساکنان

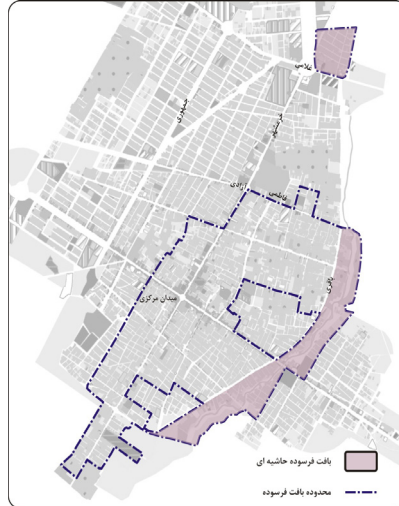
نقشه شماره ۵ - بافت فرسوده میانی



جدول شماره ۴ - بافت فرسوده میانی

نوع بافت	شیوه مداخله دولت	نحوه مشارکت مردم
بافت فرسوده میانی	دخالت دولت به منظور تهیه طرح تفصیلی مناسب و اصلاح معبر و ایجاد نهادها و مؤسسات رفاهی و خدماتی مورد نیاز، از طریق هدایت گروه‌های اجتماعی فاقد مسکن به این بافت‌ها و تغییر ماهیت اجتماعی و ایجاد محیطی مناسب برای زندگی گروه‌هایی از جامعه و ...	در چنین مناطقی با دو گروه از مردم مواجه هستیم: یکی مالکان واحدهای مسکونی و دیگری ساکنان؛ که با یکدیگر متفاوت هستند. گروه اول مشتاق فروش و دریافت وجه مربوط هستند زیرا مدت‌ها قبل محله را ترک کرده‌اند و منتظر خریدارند و گروه دوم که نه تنها علقه‌ای به محله ندارند بلکه مخالف بر هم خوردن شرایط موجود بوده و طبیعتاً با هر تغییری مقابله می‌کنند. این گروه شرایط بهسازی را نه مناسب شرایط اقتصادی خود می‌دانند و نه حاضر به همکاری خواهند بود. در چنین منطقه‌ای ورود دولت به عنوان اجرا کننده کل پروژه بازسازی به مصلحت نیست، ولی لازم است با تهیه پروژه‌هایی، زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی و حضور آن‌ها را به میدان بازسازی بافت جلب کرده و با احداث معابر، ایجاد خدمات شهری مورد نیاز منطقه و احداث چند مجموعه مسکونی توسط شرکت‌های دولتی امکان حضور بخش خصوصی یا بخشی از مالکان منطقه را فراهم خواهد کرد.

نقشه شماره ۶ - بافت فرسوده حاشیه‌ای



جدول شماره ۵ - بافت فرسوده حاشیه‌ای

نوع بافت	شیوه مداخله دولت	نحوه مشارکت مردم
نوع بافت فرسوده حاشیه‌ای	دولت ملزم است مسئولیت این مناطق را به رسمیت بشناسد و نسبت به تهیه طرح‌های ساماندهی در آن‌ها اقدام نماید. طرح‌های ساماندهی شامل احداث معابر مناسب، خدمت رسانی به منطقه و ... خواهد بود. این عوامل هر یک به تنهایی برای تشویق ساکنان به همکاری و مشارکت در سامان دادن منطقه کفایت می‌کند.	در این مناطق با اینکه با یک هیأت شهری منسجم روبرو نیستیم ولی منطقه از گروه‌های قومی و طایفه‌ای تشکیل شده است که در داخل خود از انسجام لازم برخوردارند ولی در رابطه با یکدیگر ممکن است تضادها و تقابل‌های زیادی داشته باشند. مهم این است که در این‌گونه از مناطق رانتهای فراوانی برای مشارکت و حضور مردم در اجرای پروژه‌های مورد نظر دولت وجود دارد. و از آنجا که جابجایی و گستراندن آن‌ها در داخل شهر مورد توصیه هیچ جامعه‌شناسی قرار نمی‌گیرد، لذا سامان دادن آن‌ها در همان منطقه شهری می‌تواند مشارکت در اجرای طرح ساماندهی را میسر سازد. نکته‌ی مهم در این زمینه ایجاد نهاد مشارکت‌جوی دولتی است و دیگر تشکیل نهادهای مردمی با حضور و مشارکت خود ساکنان که این مشارکت می‌تواند در قالب انجمن‌ها و یا کمیته‌های گوناگونی صورت گیرد و از روحیه‌ی سبقت‌جویی و رقابت‌های اجتماعی که در ساکنین این مناطق قوی است به خوبی بهره گرفت.

۱۲) نتیجه‌گیری

در این پژوهش با معرفی انواع بافت‌های آسیب‌پذیر از قبیل بافت تاریخی، بافت قدیم، بافت فرسوده و بافت پیرامونی و بیان ویژگی عمومی بافت‌های فرسوده هم‌چون عمر ابنیه، دانه بندی و تعداد طبقات، نوع مصالح، وضعیت دسترسی‌ها، وضعیت خدمات و زیر ساخت‌های شهری و شاخص‌های کیفی، علل پیدایش این‌گونه بافت‌ها تشریح گردید. سپس "الگوی تولید طرح؛ طرح ویژه نوسازی بافت فرسوده"، "الگوی تولید زمین؛ پروژه‌های نوسازان"، "الگوی تولید سرمایه؛ کاربری‌های ارزش آفرین" و "الگوی تولید ساختمان: ساز و کارهای صنعتی در ساخت" به‌عنوان الگوهای برون رفت از وضع موجود و رونق‌بخشی به نوسازی بافت‌های فرسوده برشمرده شد. در پایان با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP و نیز نرم‌افزار GIS به طبقه‌بندی بافت‌های فرسوده‌ی شهر کاشمر پرداخته و از استراتژی مداخله‌ی دولت و مشارکت مردم به صورت توأمان جهت نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهر کاشمر استفاده شد. به نحوی که با توجه به نوع بافت برای دو رکن دولت و مردم راه‌کارهای مشخصی ارائه گردید.

منابع و مأخذ

- ۱- ابلقی، علیرضا (۱۳۸۰)؛ "بافت تاریخی، حفاظت، مرمت، بهسازی یا نوسازی؟"، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، سال دوم، شماره چهارم.
- ۲- جهانشاهی، محمدحسن (۱۳۸۲)؛ "بافت‌های مسأله‌دار و فرسوده‌ی شهری"، تهران: سازمان فنی و مهندسی شهر تهران.
- ۳- حبیبی، محسن؛ مقصودی، ملیحه (۱۳۸۴)؛ "مرمت شهری، تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری"، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۴- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۵)؛ "نگاهی نو به: راهبردها و سیاست‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران"، تهران: سازمان نوسازی شهر تهران.
- ۵- مهندسین مشاور امکو (۱۳۸۲)؛ "مطالعات بافت‌های فرسوده"، ویرایش اول، تهران.
- ۶- مهندسین مشاور پردازاز (۱۳۸۷)؛ "ساماندهی، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر کاشمر، سند شناسایی و نوع مداخله در بافت"، مرحله اول، تهران.
- ۷- هدایت‌نیا، محمدحسن (۱۳۸۶)؛ "برنامه‌ریزی ساماندهی کالبدی بافت‌های فرسوده‌ی شهری در برابر زلزله- نمونه موردی: محدوده تپه آبک منطقه یک شهر تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- 8- Anderson, Craig; Day, Kristen; Powe, Michael; McMillan, Tracy; Winn, Diane (2007); "Remaking Minnie Street: The Impacts of Urban Revitalization on Crime and Pedestrian Safety", *Journal of Planning Education and Research*, Vol (26), No (3).

- 9- Conway, Maureen; Konvitz, Josef (2000); "Meeting the Challenge of Distressed Urban Areas", *Urban Studies*, Vol (37), No (4).
- 10-Feldman, Merge (1999); "*Urban regeneration in Eastern Europe: waterfront revitalization and local governance in Tallinn, Estonia*", Dissertation in doctor of philosophy in geography, Syracuse university.
- 11-Green Leigh, Nancey; L.Ross, Catherine (2000); "Planning, Urban Revitalization and the Inner City: An Exploration of Structural Racism", *Journal of Planning Literature*, Vol (14), No (3).
- 12-Jude, D., and M. Parkinson (1990); "*Leadership and Urban Regeneration: Cities in North America and Europe*". Beverly Hills, CA: Sage.
- 13-Harrison, Bennett; and Amy K. Glasmeier (1997); "Why business Alone won't redevelop the inner city: A friendly critique of Michael Porter's approach to urban revitalization". *Economic Development Quarterly* , Vol (11), No (1).
- 14-Porter, Michael (1997); "New strategies for inner-city economic development". *Economic Development Quarterly*, Vol (11), No (1).
- 15-Robinson. Barnes, Carla. J (1997); "*promoting economic development in the inner city: The importance of human resources*", eds. New Brunswick, NJ: Transaction Publishing.
- Vidal, Avis. 1996. "*CDCs as agents of neighborhood change: The state of the art. In revitalizing urban neighborhoods*", W. Dennis Keating, Norman Krumholz, and Philip Star, eds. Lawrence: University of Kansas Press.

یاداشتها

¹ تعاریف مندرج در موارد عو ۷ اساس نامه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری - مصوب هیأت وزیران

² تبصره: بلوک شهری عبارتست از محدوده‌ای محصور به معابر که حداقل ۸ متر داشته باشد

³ education

⁴ enforcement

⁵ engineering

⁶ Fainstein & Gray

⁷ Porter

⁸ Community Development Corporations

⁹ در بررسی نمونه موردی این مقاله از پروژه "ساماندهی، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر کاشمر - مهندسين مشاور پردازاز" بهره گرفته شده است.

¹⁰ Analytical Hierarchy Process

¹¹ European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions

¹² Harrison and Glasmeier



رویکرد مشارکتی و اجتماعی محور در ایجاد فضاهای امن شهری

الهام ضابطیان

کارشناس ارشد شهرسازی از دانشگاه تربیت مدرس

زهره خدائی

کارشناس ارشد شهرسازی از دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده و مسئول مکاتبات)

چکیده

امنیت یک حق اولیه و ضروری برای زندگی همه افراد اجتماع و شهروندان است، و البته در بیان مفهوم امنیت باید به دو بعد ذهنی و عینی آن توجه کرد. این دو بعد کاملاً بر یکدیگر تاثیرگذار بوده و نمی‌توانند به‌طور مجزا بررسی شوند. در واقع مفهوم "امنیت" و درک آن در همه ابعاد (فیزیکی، اجتماعی، روانی و ...) مشکل است و بنابراین ترقی دادن آن هم مشکل خواهد بود.

هم‌چنین روشن است که نیروی انتظامی و تعدد پلیس و نگهبان برای یک فضا به تنهایی نمی‌تواند ضامن تأمین امنیت شهر باشد و البته یک طرح شهرسازی نیز به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت را در کالبد شهر تزریق کند و هم‌چنین روشن است که پیشگیری از جرم از هر طریقی که باشد و برقراری امنیت بسیار راحت‌تر و با صرفه‌تر از بر خورد با جرم خواهد بود. اما با مداخلات فیزیکی و اجتماعی به صورت موازی می‌توان جو و محیط عمومی فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار داد و میزان احساس امنیت شهروندان و درک آن‌ها از محیط پیرامونشان را تغییر داد و حضور آنان را در شهر بالفعل گردانید. اما یکی از عوامل محرکه این اقدام خود شهروندان به عنوان روح حاکم بر شهر می‌باشند. آنان بهتر از همه بر معضلات ناامنی در محیط خود واقف هستند و در صورت مشارکت فعال با برنامه‌ریزان شهری می‌توانند محیطی امن برای خود و خانواده‌شان فراهم آورند.

واژگان کلیدی

امنیت، فضاهای شهری، ارتقاء امنیت، مشارکت

مقدمه

امنیت فرآیند بسیار پیچیده‌ای است و ارتقای آن نیز نیازمند تدابیر بسیار خواهد بود. و اما در یک فضای عمومی شهری، با اعتقاد به این مسأله که شهر موجودی زنده است و البته روح حاکم بر آن همان شهروندان استفاده کننده از فضاهای شهری هستند، لذا با استفاده از مشارکت خود شهروندان، برقراری امنیت در فضاهای شهری مسلماً بسیار مؤثرتر و اقتصادی‌تر خواهد بود. این مسأله سابقاً در نظریات جین‌جیکوب (نظریه‌پرداز بزرگ شهرسازی) در قالب "چشم‌های خیابان" مطرح گردیده است.

و اما رواج چنین مشارکتی برای ارتقاء امنیت فضای اجتماعی شهری، چندان ساده نخواهد بود و به تأمل و دقت بسیاری نیاز دارد تا جمعیت عملکرد بالفعل و مثبتی ایفا نماید و فضای شهری خود عامل مشوقی برای جذب و رونق خود داشته باشد. هم‌چنین مراقبت و نظارت دائم بر فضا از حرکت جو اجتماعی فضا به سمت اعمال مجرمانه جلوگیری خواهد کرد.

در واقع با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از احساس امنیت در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی فزاینده دارد. از آن‌جا که امنیت، مؤلفه‌ای اساسی در توسعه‌ی پایدار انسانی به شمار می‌رود، افزایش رضایت‌مندی شهروندی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را در ساختار شهری ممکن می‌کند، بدین منظور باید علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت، به ارزیابی احساس امنیت از دید شهروندان نیز التفات داشت. در واقع با استفاده از فرآیند مشارکتی خود شهروندان در ارتقاء امنیت، حس مالکیت در شهروندان تقویت خواهد شد و این حس مالکیت با خود مسئولیت‌هایی در پی خواهد داشت که موجب می‌شود مشارکت شهروندان از مراحل آغازین تا به دست‌یابی به هدف، بالفعل گردد.

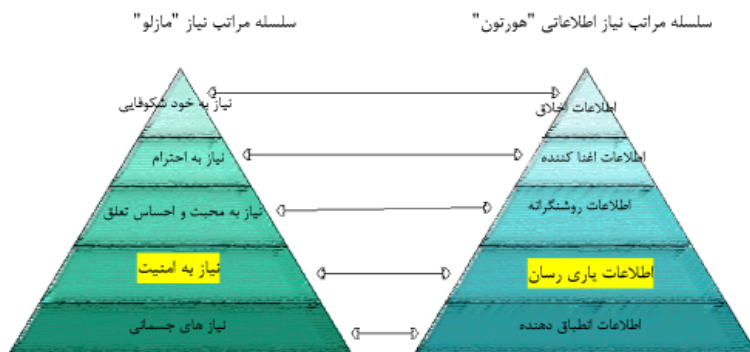
در این مطالعه صرفاً به بررسی راه‌کارهای اجتماعی محور، برای ارتقاء امنیت فضاهای شهری پرداخته شده است و البته روشن است که موفقیت کامل چنین رویکردی در صورت هم‌زمانی با رویکردهای مداخله‌ی فیزیکی برای ارتقاء امنیت از طریق طراحی‌ها، قابل حصول خواهد بود.

(۱) تعریف امنیت

براساس تئوری نیازها در هرم مازلو^۱ در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و وجودی انسان است، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان و این فاکتور بر سلامت و سعادت انسان‌ها بستگی مستقیمی دارد. هم‌چنین هورتون^۲ متناسب با نیازهای مطرح شده، هرم سلسله مراتب نیازهای اطلاعاتی را تعریف می‌کند که در نمودار شماره ۱ نیازهای اطلاعاتی هورتون متناسب با هرم مازلو آورده شده است و همان‌طور که مشاهده می‌شود برای نیازهای ایمنی، اطلاعات یاری‌رسان در نظر گرفته شده است.

در واقع امنیت انسانی از مهم‌ترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه پایدار در قرن حاضر را امنیت انسانی تشکیل می‌دهد که بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی سازمان ملل در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ میلادی، جنبه‌های امنیت شغلی، امنیت از جهت درآمد، سلامت جسمی و روانی و امنیت زیست محیطی را نیز در بر می‌گیرد.

نمودار شماره ۱ - نیازهای اطلاعاتی هورتون متناسب با هرم مازلو



مأخذ: عینی، ۱۳۸۴، ص ۴۶

اما به‌طور کلی برخی از تعاریف رایج برای واژه امنیت به شرح زیر می‌باشند:

- امنیت پیش‌نیازی برای ابقاء و ارتقای رفاه و سلامت مردم است.
 - امنیت یک حق بنیادین انسانی است .
 - امنیت حالتی است که در آن خطرات و شرایطی که منجر به صدمات فیزیکی، روانی یا جسمی می‌شوند، کنترل شده تا سلامت و رفاه اشخاص را حفظ نمایند .
 - امنیت یک منبع ضروری برای زندگی هر روزه، برآوردن نیازهای اشخاص و جوامع در راستای ارتقاء اشتیاق و آمال عمومی مردم است.
- یک ابهامی که در مورد مفهوم امنیت^۳ وجود دارد این است که عده‌ای این مفهوم را فقط به معنای جلوگیری از جرم و جنایت می‌دانند و بیشتر یک حالت عینی دارد و عده‌ای هم آن را به احساس برون از حیطه خطر بودن تعبیر می‌کنند و یا به‌عنوان احساس رضایت از نیازهای اولیه و پایه‌ای (مثل غذا، سرپناه، لباس و غیره) در نظر می‌گیرند.
- اما در واقع مفهوم "امنیت" و درک آن در همه ابعاد (فیزیکی، اجتماعی، روانی و ...) مشکل است و بنابراین ترقی دادن آن هم مشکل خواهد بود.^۴

۲) ابعاد امنیت

به‌طور کلی دو بعد برای امنیت وجود دارد: یکی بعد عینی^۵ آن است که با پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی می‌شود و دیگری بعد ذهنی^۶ است که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود. هر دو بعد می‌توانند بر یکدیگر تأثیر مثبت یا منفی بگذارند. بنابراین لازم است که این دو بعد را مورد توجه قرار داده تا امنیت جمع را ارتقاء بدهیم. البته در اینجا تأکید بیشتر بر بعد ذهنی و احساس امنیت می‌باشد.

بعد ذهنی امنیت به احساس یک جامعه از امنیت باز می‌گردد و در واقع کاهش وقایع نا-مناسب لزوماً منجر به افزایش نسبی احساس امنیت نمی‌گردد. برای مثال ممکن است برای کاهش مشکلات موجود در یک پارک شب‌ها درب آن را ببندیم و یا برای محافظت از زندگی شهروندان در یک واحد همسایگی در اطراف آن دیوارهایی ایجاد کنیم تا دسترسی به آن را محدود کنیم و یا از سیستم‌های آژیر در محل‌هایی استفاده کنیم، اما آیا می‌توانیم با این گونه تدابیر حس امنیت را افزایش چشم‌گیری دهیم؟

در واقع در چنین مواردی ما از حادثه، یا به کمک کاهش فرصت‌ها و یا به کمک ابزارهای حمایتی، پیش‌گیری کرده‌ایم و این بیشتر یک راه حل کوتاه مدت قابل انجام و شدنی است و مسأله امنیت با وجود چنین تلاش‌هایی هنوز بر جای خود باقی است. بنابراین این گونه ابزارها هیچ‌گونه راه حل بلندمدتی را ارائه نمی‌کند و یک مسکن موقتی و زود گذر است و مجرمان نیز به تدریج راه‌های جدیدتری پیدا خواهند کرد.

۳) ارتقاء امنیت

مفهوم "امنیت" و درک آن در همه ابعاد (فیزیکی، اجتماعی، روانی و ...) مشکل است و بنابراین ترقی دادن آن هم مشکل خواهد بود. ارتقاء امنیت در واقع نقطه پیوند عاملین از بخش‌های مختلف اجتماع می‌باشد و رویکردهای متفاوتی را به خود جذب می‌کند و هر گروه نیز ادبیات خاصی در درک حقیقت دارد. برای مثال به منظور ارتقاء امنیت در یک واحد همسایگی، در حوزه پلیس ممکن است از ابزارهای سرکوب‌کننده استفاده شود و در حوزه برنامه‌ریزی شهری از ابزارهای مطلوبیت محیطی تا فرصت‌های جرم کاهش پیدا کند و یا در حوزه فرهنگی ایجاد برنامه‌های پیشرو در جهت اوقات فراغت و فعالیت جوانان. و البته همه این نهادها برای رسیدن به یک هدف تلاش می‌کنند اما ارتباطی بین آن‌ها وجود ندارد و این مسأله را دشوارتر می‌کند و حتی وقتی آن‌ها بصورت ایزوله کار می‌کنند دست‌یابی به هدف مشترک آن‌ها به خطر هم می‌افتد (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸، ص ۲۹۹).

۳-۱) فرآیند ارتقاء امنیت

به‌طور کلی تغییرات رفتاری که امنیت را بهبود می‌دهد موجب تغییراتی در بهبود امنیت محیط می‌شود و بالعکس و هر دو نوع مداخله لازمند تا ارتقاء امنیت حاصل گردد.

در هر جامعه اقلماً دو نوع از فرآیند می‌تواند برای ارتقاء امنیت استفاده شود: (۱) فرآیند مبتنی بر مسأله^۷ و (۲) فرآیند مبتنی بر مجموعه^۸ و این دو فرآیند اگرچه کاملاً مجزا هستند، اما مکمل و ضروری هستند.

الف) فرآیند مبتنی بر مسأله

فرآیند مبتنی بر مسأله مبتنی بر راه‌حل‌های خاصی است که برای مشکلاتی که در یک زمان مطرح شده کاربرد دارند. مثل تصادفات مربوط به حمل و نقل و یا جرم‌های شهری و غیره، که این مسائل بر حسب اهمیت و شدت آنها در جامعه اولویت بندی می‌شوند. این فرآیند در ارتقاء امنیت بسیار ضروری است و به تعیین اهداف کمک می‌کند.

ب) فرآیند مبتنی بر مجموعه

اما فرآیند مبتنی بر سیستم، شامل همه ارزیابی‌ها از مشکلات مربوط به امنیت یک محیط خاص در راستای چشم اندازی کلی در جهت ارتقاء امنیت است و در واقع هدف حل یک مشکل خاص نیست، بلکه ایجاد یک امنیت سرتاسری با کار کردن بر روی یک‌سری از عوامل محیطی و رفتاری در جامعه است.

در این فرآیند هر کدام از محیط‌های شهری مثل خیابان، پارک، واحد همسایگی و شهرک و غیره به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شوند و هر سیستم از چندین مؤلفه (جمعیت، زیرساخت‌های تکنیکی و اقتصادی، فیزیکی و محیطی و غیره) تشکیل شده‌اند و هر کدام عملکرد خاصی دارند و بر طبق قوانین ناشناخته‌ای بر هم تأثیر می‌گذارند و در کل خانواده، محل کار، مدرسه، واحد همسایگی، شهر و یا حومه شهر، همه به‌عنوان یک مجموعه و کل بر هم تأثیر می‌گذارند و امنیت را باید در کل این مجموعه دید و در واقع امنیت به همه مربوط می‌شود و همه جوامع شامل اشخاص، گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ، آژانس‌ها و گروه‌های اجتماعی باید در فرآیند ارتقاء امنیت شرکت کنند و این شرط باید در همه مجموعه وجود داشته باشد.

فرآیند مبتنی بر سیستم "سه مرحله" دارد که در مرحله اول عیب‌شناسی امنیت است که بر پایه داده‌های کمی و کیفی و با استفاده از تعیین ضعف و قوت‌های هر سیستم صورت می‌گیرد و شرایطی که برای رسیدن به سطح بهینه امنیت نیاز است و مرحله دوم و سوم در جهت تشخیص علل و راه‌حل‌ها برای بهبود ضعف‌ها می‌باشد و اما به‌طور کلی برای نیل به امنیت؛ دولت، اشخاص، جوامع و دیگران باید شرط‌های ذیل را ابقاء کنند:

۱) ایجاد یک جو انسجام اجتماعی و صلح و ایجاد عدالت اجتماعی و رعایت حقوق

انسانی و آزادی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی

۲) جلوگیری یا کنترل از تصادفات و دیگر صدمات

۳) احترام گذاشتن به ارزش‌های فیزیکی و روحی اشخاص

۴) مطمئن شدن از شرایط مؤثر پیش‌گیرنده و کنترل‌کننده برای تحقق شرط‌های پیشین (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸، ص ۳۰۵).

۴) فاکتورهای شخصیتی مؤثر در احساس امنیت و ارتقاء آن با مشارکت شهروندان
مشخصه‌های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری تأثیر دارند مثل موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش‌ها (سن و طبقه اجتماعی، پشتوانه‌ی خانوادگی، دانشجو بودن و یا کارگر بودن و ...) و این مسائل در تعیین راحتی این افراد نیز تأثیر دارد و هم‌چنین در درکی که از آسیب‌پذیری یک مکان دارند و البته با در نظر گرفتن و طبقه‌بندی افراد بر حسب گروه‌های فوق می‌توان بازده مشارکت اجتماعی شهروندان را در جهت نیل به اهداف ارتقاء امنیت بر حسب شرایط در فضاهای خاص شهری افزایش داد.

مثلاً زنان سالخورده‌تر حس امنیت کمتری نسبت به مردان هم سن خودشان دارند و از مسائلی مثل شلوغی‌های ناشی از فوتبال، اسکیت و موتور سواران و از خطر تصادف کردن، بسیار بیشتر از مردان هم‌سن خود می‌ترسند. عموماً عوامل زیادی برای عکس العمل نشان دادن مردم به ترس وجود دارند، اما برخی از این عوامل نقش بیشتری دارند. از جمله:
(۱) جنس، (۲) سن، (۳) تجربه‌های گذشته در مورد جرم، (۴) محیط و جغرافیا، (۵) قومیت و فرهنگ (۶) سایر متغیرها.

۴-۱) جنسیت

جنسیت به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ترین عامل ترس یافته شده است. نوع جنایت در مورد زنان و مردان متفاوت است و حس امنیت آنان نیز متفاوت اما عموماً زنان ترس بیشتری را احساس می‌کنند تا مردان، گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی شوند و به‌طور کلی مردان احساس مثبت‌تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند. مثلاً هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند ولی درجه‌ی حس ناامنی در زنان بالاتر است. مثلاً در مورد وسایل نقلیه بیش از ۶۰ درصد زنان در تاریکی احساس ناامنی دارند و البته این بیشتر به ترس از آزارهای جنسی باز می‌گردد و در واقع نیز زنان ۱۰ برابر بیشتر از مردان ممکن است تحت آزار جنسی قرار بگیرند (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ص ۵).

برخی از زنان خود نیز از این ترس که در طول روز با آن‌ها همراه است آگاه نیستند و احساس ناخوشایندی دارند. آن‌ها با این ترس به‌دنیا نیامده‌اند، اما برای آن‌ها همگانی و هنجار شده است که اگر برای مثال در شب بیرون بروند قربانی حمله خواهند شد. البته خانواده‌ها، هم‌نوعانشان و رسانه‌ها نیز بر این مسأله تأکید می‌کنند و این نوع ترس را زنده می‌کنند و زنان هم آن را قبول می‌کنند.

۴-۲) سن

سن هم فاکتور مهمی است اما نه به اندازه جنسیت، سالخوردگان بیشتر می‌ترسند زیرا از نظر فیزیکی و بعضاً اجتماعی دفاع لازم را در برابر خطر در خود احساس نمی‌کنند.

۴-۳) جغرافیا و محیط

مکانی که فرد در آن زندگی می‌کند هم در میزان حس ترس او اهمیت به‌سزایی دارد. مثلاً مردمی که در شهرها زندگی می‌کنند درجه‌ی ترس بیشتری نسبت به آن‌هایی که در روستاها زندگی می‌کنند دارند؛ زیرا تجربه جرم‌زدگی و یا اخبار مربوط به آن را بیشتر حس کرده‌اند. مثلاً نرخ جرم در شهرهای انگلستان در سال ۱۹۹۳، ۲۲۲ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر و در روستاها ۱۳۳ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر بوده است و در نحوه‌ی استفاده از فضاهای شهری نیز در شهرهای بزرگ در حدود ۶۰ درصد از تنها پیاده روی کردن در شب می‌ترسند در حالی که این رقم در شهرهای کوچک در حدود ۳۰ درصد می‌باشد.

و حتی درون یک شهر نیز تحقیقات نشان داده است که احساس امنیت از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر متفاوت است. برای مثال در تحقیقاتی که بر روی ۷۲۰ زن و در مورد احساس امنیت در شهر مشهد انجام گرفت مشخص گردید که زنان مناطقی که از نظر اقتصادی محروم تر هستند، احساس امنیت کمتری نسبت به سایر مناطق شهری دارند (زنجانی زاده و اعزازی، ۱۳۸۵).

۴-۴) قومیت و فرهنگ

در ۱۹۹۴ در پی یک تحلیل جرم در بریتانیا متوجه شدند که ارتباطی بین میزان وقوع جرم و قومیت و نژاد وجود دارد. مثلاً در بریتانیا گروه‌های آسیایی بیشترین احساس ترس را داشتند و بعد از آن‌ها گروه‌های سیاه‌پوستان بودند و در نهایت خود سفید پوستان که نسبتاً احساس ترس کمتری داشتند.

۴-۵) متغیرهای دیگر

این متغیرها بیشتر شامل گروه‌های کم درآمد و سطوح پایین‌تر تحصیلی می‌شوند اما با مشاهداتی که بر گروه‌های بالا صورت گرفت مشخص گردید که ترس زنان و گروه‌های سالخورده با میزان جرمی که درمورد آن‌ها اتفاق می‌افتد تناسب ندارد (Howard, 1999: p.222).

۵- امنیت شهری

امنیت دارای معانی آرامش و آسایش و ایمنی است که یکی از رویکردهای جدید در شهرسازی را با عنوان شهری ایمن شکل می‌دهد. امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های فعال محیط حاصل می‌شود و پس از ادراک ذهنی، گونه‌ای احساس در امان بودن را به وجود می‌آورد. احساس امنیت نیز از قرارگیری انسان در شرایط محیطی به مثابه‌ی نوعی ادراک روانی حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص، با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز می‌شود. بر این اساس شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روان‌شناختی، وابسته به شرایط محیط شهری، کنش‌ها و حوادث آن از یک‌سو و

از سویی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی در آن ساختار فرهنگی است و همین دو اصل آن را از شهری به شهری و از ملیتی تا ملیتی دیگر، متفاوت می‌کند.

نیازهای ایمنی بعد از نیازهای زیستی مهم‌ترین نیازهای انسانی به شمار می‌آیند که از لحاظ روان‌شناختی بیانگر نیاز انسان به آرامش درونی و آسایش روانی و پرهیز از آشفتگی و بی‌نظمی ساختاری حاکم بر جامعه است. بی‌نظمی ساختار اجتماعی نیز می‌تواند از گسترش ناامنی به وجود آید که به خشونت اجتماعی و یا خرده‌فرهنگ‌های هنجارستیز منتهی می‌شود. "دورکیم" عقیده دارد که جرم‌خیزی و ارتکاب جرایم در ساختار شهری، یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و ریشه‌ی رفتارهای غیر عادی را در محیط اجتماعی شهر جستجو می‌کند و لذا علت را در میان کارکرد ساختارهای اجتماعی می‌یابد.

امنیت شهری نیز دارای ابعاد متمایزی است که از مفاهیم اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مذهبی و دینی در ساختار شهری حاصل می‌شود. التفات به مقوله‌ی امنیت شهری از آن جهت اهمیتی مضاعف می‌یابد که با نگاهی به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین که اختلاط و درهم‌آمیزی بیشتر انسان‌ها را در ساختار شهر به همراه دارد، می‌توان این مقوله را در ارتباط با امنیت ملی و انسجام اجتماعی دانست.

علاوه بر این مرکز تحقیقات جرم‌شناسی و کرسون پاریس اشاره دارد که ۲۳ درصد جوانان مجرم در مناطق شهری با تراکم جمعیتی زیاد و برخوردار از مشکل مسکن، امکان ارتکاب جرم می‌یابند. و این همه می‌تواند یادآور این نکته باشد که ساختار شهری و مشکلات آن می‌تواند در میزان ارتکاب جرایم و به تبع آن کاهش میزان امنیت شهروندان تأثیر داشته باشد.

این گسترش بی‌رویه می‌تواند این نکته را یادآور شود که هر افزایش جمعیتی در ساختار شهری می‌تواند به کنش‌ها و واکنش‌های گوناگون در عرصه جمعی، تبدیل شود که در نهایت امکان کاهش میزان احساس امنیت از دیدگاه شهروندان در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و حتی جانی و مذهبی را نیز در بر می‌گیرد. از سویی دیگر این امر را می‌رساند که می‌بایست برای تعداد بیشتری از ساختارهای شهری امنیت مورد بررسی قرار گیرد، چرا که امنیت به واسطه تهدیدها مورد چالش واقع می‌شود و این تهدیدها ناشی از این امر است که افراد در محیط اجتماعی به سر می‌برند و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این محیط است که امنیت شهروندان را دچار نقصان می‌کند. این تهدیدها را می‌توان در قالب تهدیدهای فیزیکی مثل تعرض جانی، تهدیدهای اقتصادی مانند عدم دسترسی به شغل و تهدید نسبت به حقوق شهروندی یا تهدید جایگاه اجتماعی بیان کرد.

۶) ویژگی‌های یک فضای امن شهری (فضای قابل دفاع)

در ابتدا به تعریفی از فضاهای شهری به طور عام پرداخته می‌شود. فضای شهری، فضای خالی میان ساختمان‌ها نیست بلکه مفهومی است که محیط فیزیکی، افراد، رویدادها و هم‌چنین

روابط میان آنها را نیز در برمی‌گیرد (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۱۲). این فضاها می‌توانند به صورت میدان، خیابان، پارک عمومی و یا حتی یک پله تجلی پیدا کنند.

فضاهای شهری از آنجا که فضاهائی برای زندگی و تفریح ایجاد می‌کنند وظایف مهمی دارند؛ تصویر برجسته شهر به این فضاها بستگی دارد، اگر تصویر این فضاها خشن، نفرت‌انگیز و یا یکنواخت باشد تأثیر نامطلوبی بر شهروندان خواهد گذاشت. فضاهای شهری وظایف مهم دیگری نیز بر عهده دارند که ایجاد زمینه مناسب برای ارتباطات و ملاقات از شناخته‌شده‌ترین آنهاست. همچنین فضاهای شهری سدی در برابر عوامل مزاحم صوتی و یا جوی محسوب می‌شوند. وظیفه ایجاد بستر مناسب برای تعاملات و کنش‌های اجتماعی که مختص فضاهای شهری است تمام فعالیت‌های دیگر از قبیل عبور و مرور، تفریح و مبادلات اقتصادی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

گوردن کالن فضاهای شهری را به عنوان مهم‌ترین مکان برای نمایش دادن و اهمیت دادن به وقایع اجتماعی می‌داند. او معتقد است به این طریق، موضوع مورد نمایش از طریق بینندگان به اطلاع دیگران رسیده و زنده خواهد ماند. در گذشته‌ی تاریخی کشور ما نیز میدان‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین نوع فضاهای شهری معمولاً عملکردهای مختلفی نظیر عملکردهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ارتباطی داشته‌اند. به عنوان مثال‌هایی از این دست می‌توان از میدان توپخانه‌ی شیراز، میدان ارگ تهران و میدان نقش جهان اصفهان نام برد که علی‌رغم نقش‌های چندگانه‌ای که دارا بوده‌اند اما نهایتاً همه این نقش‌ها در خدمت نقشی برتر یعنی نقش اجتماعی میدان بوده‌اند.

و اما فضاهای امن شهری که برخی از این نوع فضا به فضای "قابل دفاع" یاد می‌کنند، در واقع فضاهایی هستند که اشخاص بیشتر در آن فعالیت می‌کنند و احساس امنیت بیشتری از آن درک می‌شود و کمتر به فعالیت‌های مجرمانه اجازه رخ دادن داده می‌شود. البته در این‌جا برای رعایت اختصار، از تشریح ویژگی‌های یک فضای شهری استاندارد صرف‌نظر شده و تنها به بیان مشخصه‌های یک فضای امن شهری بسنده گردیده است؛ بدیهی است که رعایت مؤلفه‌های ایجاد یک فضای شهری استاندارد بر ارتقا امنیت محیط اثر گذار خواهند بود. به‌طور کلی برخی از ویژگی‌های یک فضای امن شهری در ذیل آمده‌اند:

- در یک فضای امن و راحت مردم تمایل دارند که یکدیگر را ببینند و آن فضا قابلیت اجتماعی شدن خواهد داشت.
- اتصالات به پیرامون آن فضا (دسترسی‌ها) راحت‌تر صورت می‌گیرد.^۹
- آن فضا جذاب می‌شود و در اذهان باقی می‌ماند.
- در چنین فضایی عدالت برقرار می‌گردد و هیچ شهروندی هراسی از ورود و استفاده از یک فضای امن شهری نخواهد داشت.

- مکان خوبی برای انجام یکسری از فعالیت‌ها می‌شود و به عبارتی دیگر از رونق و حیات شهری بهره‌مند می‌گردد. در این مقوله، اداره‌های مربوط به تأمین امنیت از جمله پلیس نیز تایید کرده‌اند که تأمین امنیت یک مکان پر رونق برای آن‌ها بسیار راحت‌تر است تا یک مکان خالی از همان نوع.^{۱۰} به بیان دیگر می‌توان گفت اگر فضا-های موجود را به دو دسته فضاهای زیر سقفی و در هوای آزاد تقسیم کنیم، مشخصات کلی این فضاها به صورت ذیل خواهند بود:

فضاهای داخلی و به اصطلاح زیر سقفی‌ها، باید ویژگی‌هایی نظیر لزوم حفظ خلوت و خصوصی بودن و انزواء را داشته باشند و بر عکس فضاهای خارجی یا در هوای آزاد محلی برای میان‌کنش‌های اجتماعی، در معرض عموم قرار گرفتن و فضاهای قابل تجربه و به طور مساوی برای همه در جهت زندگی سالم هستند. فضاهای داخلی بیشتر شامل مکان‌های کار و سکونت و تفریح می‌شوند و فضاهای خارجی بیشتر در غالب میدان‌ها، پارک‌ها، بازارها و خیابان‌هایی که آن‌ها را به هم ربط می‌دهند هستند.

و البته همان‌طور که یک خانه و همه فضاهای داخلی آن پناهگاه امنی برای خانواده و مهمان‌های آن فراهم می‌کند، شهر و فضاهای آن هم باید ایمنی و اطمینان را به طور مشابه برای همه ساکنان و ناظران فراهم کند.^{۱۱}

۷) اثرات ترس از محیط‌های شهری

برخی از مکان‌ها بر پایه‌ی ترس ساخته شده‌اند، ترس از فعالیت‌های منفی، ترس از برخورد با مردم، ترس از عبور از خیابان‌ها، حتی ترس از آب و هوا و این ترس‌ها موجب قفل شدن ما در محیط می‌شود و ارتباط ما را با جهان پیرامون مان قطع می‌کند و یا محیط‌های عمومی را برای ما سخت و غیر جذاب می‌کند. وجود دیوارهای تیره و ساختمان‌های غول آسا که خارج از مقیاس هستند و خیابان‌هایی که وحشت آور هستند و به جای این‌که حس مکان را ایجاد کنند، بیشتر محلی برای عبور هستند.

۷-۱) عکس‌العمل‌های دفاعی شهروندان در نحوه‌ی استفاده از فضای شهری

عموماً مردم برای کاهش خطر قربانی شدن دو راه را در پیش می‌گیرند:

۱) رفتارهای کناره‌گیرانه و محدودکننده مثل اجتناب کردن از مکان‌های ناامن و یا با هم رفتن به این مکان‌ها و یا کمتر بیرون رفتن در مواقع غیر ضروری.

۲) رفتارهای محافظه‌کارانه مثل روش‌های دفاع شخصی.

۳) رفتارهای بیمه‌ای، با ایجاد این احساس که آن فرد هیچ چیز باارزشی ندارد که مورد خسارت واقع شود و بنابراین قربانی نخواهد شد و البته هیچ‌کدام از این عکس‌العمل‌ها نمی‌توانند ترس از جرم را کاهش بدهند (Mtani, Lubuva, ۲۰۰۴: p.۲۱).

در واقع ترس از جرم در یک جامعه به عنوان یک عامل نفاق و در واقع مشکلی بزرگ‌تر از خود جرم است. در مورد میزان استفاده‌ی عمومی از فضاهای شهری، عموماً مردم اغلب از جا-

هایی که احساس در معرض خطر بودن و آسیب دیدن و به طور کلی نا امن بودن دارند، دوری می کنند و به تدریج این محیطها متروک می شوند و اگرچه در ابتدا واقعاً نا امن نبوده اند اما حالا حقیقتاً به مکان هایی برای سوء استفاده و فعالیت های مجرمانه می شوند، عده ای از این گونه فضاها به عنوان " فضاهای بی دفاع " یاد می کنند و بنابراین ایجاد محیطی که مردم را جذب و تشویق به پیاده روی (بدون ترس و حس نا امنی) کند، در واقع شمار مردم ناظر را افزایش داده است و این نیروی مردمی برای امنیت خود مردم بسیار قوی عمل می کند و کیفیت زندگی در آن فضا را افزایش می دهد.^{۱۲}

۸) مشارکت و ارتقاء امنیت فضای عمومی شهری

به طور کلی باید تدابیر لازم اتخاذ گردد تا مردم را هر چه بیشتر در برنامه ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهری مشارکت داد تا حس ترس و نا امنی آنها از فضاهای شهری از بین برود و تجارب نشان داده است که مردم از تاجران تا ساکنان، ایده های بسیار خلاقانه ای برای برنامه ها و فعالیتها در فضاهای عمومی دارند و فقط کافی است تا آنها بتوانند صدایشان را به گوش طراحان و برنامه ریزان برسانند.

مشارکت اجتماعی در مسأله ارتقاء امنیت نیاز به وجود فاکتورهای حیاتی ذیل دارد:

- وجود یک کمیته ی چند بخشی مسئول جهت ارتقاء امنیت.
- اجرای یک برنامه ی جامع که همه دوره های زمانی و محیط ها و موقعیت ها را بپوشاند و این برنامه باید بلند مدت باشد و نه کوتاه مدت.
- مشارکت فعال شبکه محلی و اولویت دادن به فعالیتها بر اساس آن چه که جامعه ی محلی احساس می کند، اهمیت بیشتری دارد.
- توجه ویژه به گروه های پر خطر و محیط های پرخطر.
- استفاده از دسته وسیعی از تکنیکها برای بسیج مردم، نماینده ها و تصمیم گیرندگان آنها.

به علاوه همان طور که ذکر گردید یک فضای امن شهری، باید قابلیت اجتماع پذیری و مشارکت پذیری داشته باشد و به عبارتی مردم باید تشویق شوند تا در فعالیت های اجتماعی فضا نظیر پیاده روی، نشستن و صحبت کردن، نگاه کردن به اطراف و لذت بردن از فضا با سایر شهروندان مشارکت داشته باشند و از این طریق خود پلیس خود باشند. این مفهوم همان نظارت طبیعی^{۱۳} است که سایر ابزارها و نیروهای کنترل کننده ی امنیت محیط قادر به برقراری چنین کنترل نا محسوس و کارایی در یک فضای عمومی شهری نخواهند بود.

البته این کار باید با دقت و ظرافت بسیار صورت گیرد تا نتیجه معکوس در پی نداشته باشد. همان طور که آقای محمد رحیم رهنما نیز در گفتگوی خود با مجله شهرداری ها اشاره کرده اند: "بی نظمی محیط از عوامل جرمزا در شهر هاست، به این معنی که در محیط کالبدی

شهر، روابط قاعده‌مندی وجود نداشته باشد و وقتی در مکانی ازدحام جمعیت بلا تکلیف وجود دارد، خود یکی از عوامل ایجاد حس نا امنی است.^{۱۴} در بررسی که در دو شهر هلسینکی^{۱۴} و ادینبرو^{۱۵} در مورد حس امنیت زنان در فضاهای شهری انجام گرفت، نیز مشخص گردید که ترس و احساس نا امنی ممکن است در دو محیط متضاد "فضاهای خالی" و "فضاهای شلوغ" و یا در فضاهای باز و فضاهای بسته، اتفاق بیافتد. بنابراین در سنجش این دو متغیر نمی‌توان به یک خط مشی واضح دست یافت و در نتیجه کنترل روابط حاکم بین جمعیت استفاده‌کننده از یک محیط شهری و امنیت آن مکان بسیار پیچیده خواهد بود.

۹) بررسی تجربه‌ای در زمینه ارتقاء امنیت در شهر ناتینگهام

ناتینگهام^{۱۶} یک شهر بزرگ قبل از انقلاب صنعتی است که به سرعت در اواسط سال‌های قرن ۱۹ رشد کرده است و تا قرن بیستم یک مرکز صنعتی شد. در دوره جنگ جهانی اول، مرکز آن یک مرکز خرید عمده بود که در حدود ۱.۷ میلیون فوت مربع از سطح آن را شبکه خرده‌فروشی تشکیل می‌داد و شامل ۱۱۵۰ واحد خرده‌فروشی از بزرگ‌ترین زنجیره مغازه‌های چندگانه لندن و چهارمین مرکز خرده‌فروشی انگلستان بود.

این مرکز خرید شامل دو قطب خرید بزرگ بود که بین آن‌ها خیابان و مسیر پیاده وجود داشت و کلاً اقتصاد خرده‌فروشی در محور شمالی - جنوبی و اقتصاد فراغتی در محور شرقی - غربی مرکز قرار گرفته بود اما ناتینگهام جمعیت اداری عمده‌ای هم دارد و کلاً جمعیت مهاجر زیادی دارد و از حدود ۵۵۰۰۰ مردمی که در مرکز شهر کار می‌کنند، نزدیک به ۴۰۰۰ نفر واقعاً در مرکز شهر زندگی می‌کنند.

البته این به دلیل موقعیت ترانزیتی و رفت و آمد در ناتینگهام هم هست که قابلیت رانندگی مناسب تا مرکز شهر و مدیریت سواره این مکان را به یک گزینه‌ی جذاب برای مرکز شهر ناتینگهام تبدیل کرده است. از ضعف‌های مرکز شهر ناتینگهام می‌توان به مغازه‌های عرضه‌کننده‌ی غذا که در سطح پایینی هستند، تجمع و تراکم، در مواردی دسترسی‌های ضعیف، کمبود پارکینگ‌های ماشین و کیفیت پایین پیاده رو و سطوح مرکز خرید اشاره کرد.

اگرچه مرکز شهر با ۱۲ پارکینگ طبقاتی در داخل یا اطراف مرکز رفع نیاز می‌کند، اما هنوز یک باور عمومی قدرتمند در مردم وجود دارد که پارک کردن در نزدیک مرکز شهر بسیار دشوار است. و شورای شهر این نیاز مهم مردم را چه در مورد ارائه کیفیت بهتر خدمات پارکینگ به مردم و چه در مورد ارتقاء باور عمومی پیرامون آسانی و امنیت پارکینگ، دریافت. برای جوانان، مرکز شهر بیشتر مناسب حال و مردم پسند بود زیرا زندگی شبانه در آن جریان داشت. وجود کلوپ‌های شبانه به تدریج باعث تسلط جوانان بر مرکز شهر از عصر به بعد می‌شد و در نتیجه دیگر مرکز شهر برای دیگران جذاب نبود.

۹-۱) ناتینگهام فاز اول ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶

در این پروژه، اولویت اول بهبود دادن امنیت در "ورودی‌های" ناتینگهام بود (مثل ایستگاه های اتوبوس و پارکینگ ها). اولویت دوم درگیری با تخلف‌ها (مخصوصاً تخلفات مربوط به معتادین در مرکز شهر) به همراه آموزش به جوانان بود و ۵ اصل برای طراحی و مدیریت خوب در جهت نیل به امنیت در مرکز شهر مطرح شد:

۱) طراحی برای پیاده‌ها که در نور خوب و مسیرهای تردد عریض و با الگوهای حرکتی فکر شده تردد کنند.

۲) توجه به امنیت مردم و دارایی‌های آن‌ها (مثل خودروها و خریدهای آن‌ها) در حالت منسجم به جای جداسازی و تفکیک.

۳) استفاده از فرصت‌ها برای ارتقاء مراقبت طبیعی.

۴) اطمینان از دوام خوب که به علت‌های اهمال و یا علل مجرمانه (وندالیسم) در خطر تباهی نباشند.

۵) اطمینان پیدا کردن از این‌که راه حلی که برای یک مشکل پیشنهاد شده، یک مشکل دیگر درست نمی‌کند.

نتیجه کلی این گزارش‌ها این است که ناامنی‌ها "حقیقت اجتناب‌ناپذیر زندگی در شهرها" هستند که به‌زور و سر زده وارد زندگی مردم می‌شوند و منابع عمومی و خصوصی را می‌خورند و اثرات مضر روی جذب مشاغل جدید و سرمایه‌گذاری‌های داخلی دارند و به رسمیت شناختن شهر را به عنوان "یک مرکز خرده‌فروشی عمده" در رقابت در برابر مراکز حومه‌ای‌تر و جدیدتر شهر، تهدید می‌کنند.

۱۰) جمع بندی

امنیت یکی از نیازهای ضروری و وجودی انسان است، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان و این فاکتور بر سلامت و سعادت انسان‌ها بستگی مستقیمی دارد و اما امنیت فرآیند بسیار پیچیده‌ای است و ارتقای آن نیز نیازمند تدابیر بسیار خواهد بود. به‌طور کلی دو بعد برای امنیت وجود دارد: یکی بعد عینی آن است که با پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی می‌شود و دیگری بعد ذهنی است که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود. هر دو بعد می‌توانند بر یکدیگر تأثیر مثبت و یا منفی بگذارند.

پیرامون مسأله ارتقاء امنیت، می‌توان به‌طور کلی تغییرات رفتاری که امنیت را بهبود می‌دهد و موجب تغییراتی در بهبود امنیت محیط می‌شود و بالعکس و هر دو نوع مداخله لازمند تا ارتقاء امنیت حاصل گردد.

در هر جامعه اقلماً دو نوع از فرآیند می‌تواند برای ارتقاء امنیت استفاده شود: ۱) فرآیند مبتنی بر مسأله و ۲) فرآیند مبتنی بر مجموعه و این دو فرآیند اگرچه کاملاً مجزا هستند اما مکمل و ضروری یکدیگرند.

هم‌چنین از مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگر بر فرآیند ارتقاء امنیت، می‌توان به مشخصه‌های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری مثل موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش‌ها و ... که در یک رویکرد مشارکتی ارتقاء امنیت باید مد نظر قرار گیرند، اشاره نمود. لزوم تأکید بر مسأله ارتقاء امنیت فضاهای شهری هنگامی آشکار می‌گردد که رفتارهای پیشگیرانه و محافظه‌کارانه شهروندان در مواجهه با فضاهای ناامن شهری و نتایج منفی حاصل از آن را مورد بررسی قرار دهیم.

و اما به‌طور کلی باید تدابیر لازم اتخاذ گردد تا مردم را هر چه بیشتر در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهری مشارکت داد تا حس ترس و ناامنی آن‌ها از فضاهای شهری از بین برود و تجارب نشان داده‌اند که مردم از تاجران تا ساکنان، ایده‌های بسیار خلاقانه‌ای برای برنامه‌ها و فعالیت‌ها در فضاهای عمومی دارند و فقط کافی است تا آن‌ها بتوانند صدایشان را به گوش طراحان و برنامه‌ریزان برسانند.

منابع و مآخذ

- باقریان، اکبر (۱۳۸۰)؛ "علل افزایش جرایم و ناهنجاری‌های روانی اجتماعی در کلانشهر تهران"، سازمان فرهنگی‌هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
- زنجانی زاده، هما و اعزازی، شهلا (۱۳۸۵)؛ "زنان و امنیت شهری"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سوم و چهارم.
- عینی، اکرم (۱۳۸۴)، "مفهوم نیاز اطلاعاتی از دیدگاه پیشگامان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی"، فصلنامه علوم اطلاع‌رسانی، دوره ۲۰، شماره ۳ و ۴.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹)؛ "طراحی فضای شهری، نگرشی به فرآیندی اجتماعی و مکانی"، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- وزارت جهاد کشاورزی و یونیسیف (۱۳۷۶)؛ "مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی".
- برن آگ و نیم‌کوف (۱۳۵۶)؛ "زمینه جامعه‌شناسی"، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی.

- Safety and Safety Promotion : Conceptual and Operational Aspects, Available at: www.phs.ki.se
- Making Safer Places, Women's Safety in our Cities, National Conference, 18th November 2005, Conference Report, Available at: www.womeninlondon.org.uk
- safety and security in public space, Available at: www.pps.com
- Boyle, Julie; Findlay, Catherine; Forsyth, Leslie (۲۰۰۴) "An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design of the

Urban, Environment”, Halcrow Group Limited, open space, Edinburgh College of Art, School of Architecture, Edinburgh College of Art, Available at:

www.openspace.eca.ac.uk/conference/proceedings

- Brady, Martha(۲۰۰۵) **“Safe Spaces for Adolescent Girls”**, Population Council, Available at: www.popcouncil.org
- “Making Safer Places, Women’s Safety in our Cities”, National Conference, Conference Report, London, 18th November 2005.
- M. Lubuva, John and Anna Mtani (2004) : “Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam “ ,Safety Audits for Women, Dar es Salaam, Tanzania, 13-17.
- Safety and Safety Promotion: Conceptual and Operational Aspects, Available at: www.phs.ki.se/csp/pdf/Books
- Koskela, Hille; Geoforum, Rachel Pain(2000)**“Revisiting fear and place: women's fear of attack and the built environment”**, Available at:

www.sciencedirect.com

یاداشتها

¹ Maslow

² Horton's

³ safety

⁵ objective

⁶ subjective

⁷ problem- oriented process

⁸ Setting- oriented process

⁹ sociability

^۴ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.phs.ki.se

^{۱۰} برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.pps.org

^{۱۱} برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.dacorum.gov.uk,2004

^{۱۲} برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.dacorum.gov.uk,2004

¹³ natural surveillance

¹⁴ Helsinki

¹⁵ Edinburgh

¹⁶ Nottingham



Participatory and Social Approach to Create a Safe Urban Space

Elham Zabetian

Master of Urban Planning from Tarbiat
Modarres University

Zahra Khodae

Master of Urban Planning from Tarbiat
Modarres University

Abstract

Security is a primary and essential right of all people in societies and citizens, and of course the concept of security must be expressed in two dimensions of mental and objective. These two dimensions affect each other completely, and can not be studied separately. In fact, the concept of "security" and understanding it in all aspects (physical, social, psychological, and ...) is difficult and therefore promoting it will also be difficult.

It is also clear that the army and multiplicity of police and guard forces for a space alone can not guarantee security of the city and of course designing a city alone cannot establish the security in the city. It is clear that prevention of such offenses in any way and establishing the security is more convenient and easier than defeating the crimes. But physical and social interventions can have a parallel effect on the atmosphere and urban public space and can change the citizens' feeling safe and understanding about their environment and their actual presence in the city. But one of the factors motivating this action is the citizens themselves. They are all aware of their dangerous environment and can provide a safe environment for themselves by an active cooperation by with urban planners.

Keywords

Security, urban space, promoting safety, participation

Patterns to Bringing Prosperity, Reconstruction and Improvement of the Urban Worn Texture



Sharif Motawaf, (Ph.D.)

Ph.D in urban planning, senior lecturer at
Shahid Beheshti University

Zahra Khodae

Master of Urban Planning from Tarbiat
Modarres University

Abstract

This article tries to explain the types of damageable textures and indices of identification of worn textures and indicates the causes of its emergence. It also offers some suggestions to exit from the current situation and to modernize the urban texture. For this purpose, using the experience of the city of Kashmar, these approaches were experimentally evaluated.

This article deals with the typology of definitions, concepts and improvement strategies for the worn textures, explains the existing worn textures of Kashmar city and their classification using hierarchical AHP analysis method and GIS software and indicates how the effective organs interfere in these textures. Finally the worn textures in the city of Kashmar are classified in four categories "worn textures with historical value", "worn middle textures ", " worn rural - urban textures (with a rural core)" and "worn marginal textures" and the way of the intervention of the government and people's participation in the reform and reconstruction is expressed.

Keywords

worn urban texture, improvement, reconstruction, intervention in the textures, the city of Kashmar



A Study of the Factors Affecting the Quality Reduction of the Urban Environment

Mojtaba Rafieyan (Ph.D.)

Faculty Member of Urban Planning
Department, Tarbiat Modarres University

Zahra Asgarizadeh

Master of Urban Planning from Tarbiat
Modarres University

Abstract

This article was written with the purpose of measuring the dissatisfaction of Navab district through four factors of social-environmental (including lack of environmental health component, not feeling safe, sound pollution and air pollution). Study sample included 270 questionnaires and the data was analyzed using the SPSS software. The results of the research show that all the expected factors in the empirical model within the studied field have a significant relationship with the residents' dissatisfaction rate with their environment ($P < .05$). In general, Navab residents' dissatisfaction among the factors reviewed were evaluated above its average ($5 < 3.41 > 1$ with theoretical mean of 3). The annoyance of the residents has been high and more than average. The highest rate of dissatisfaction of the residents has been due to suffering from the air pollution ($3 > 2.89 > 1$ with theoretical mean of 2) and the lowest has been due to the Environmental Health ($3 > 2.02 > 1$ with theoretical means of 2) was evaluated which was evaluated moderate. The results from studying the three independent variables of gender, age and length of stay in area influencing the amount of dissatisfaction, the results showed that none of these variables have influenced the perception of residents' annoyance ($P > .05$).

Keywords

Dissatisfaction, annoyance, environmental values, Navab

Identifying Barriers to Development of Geographic Information Systems (GIS) in Urban Areas Services and providing Operational Strategies (case study: Shiraz City Hall)



Esmail Kavousy (Ph.D)

Senior Lecturer and Faculty Member at Science and Research Branch, Islamic Azad University

Hossein Vazifeh Doust (Ph.D)

Senior Lecturer and Faculty Member at Science and Research Branch, Islamic Azad University

Ali Ghaderi

MA in Urban Management from Science and Research Branch, Islamic Azad University

Abstract

The purpose of this article is to identify barriers to the development of geographical information systems and to provide solutions in Shiraz City Hall. For this purpose, by identifying the statistical population and selecting the descriptive research method, the hypotheses of previous studies are drawn in form of questionnaires for conducting a survey among the statistical population. After analyzing the statistical data, it was determined that all the five hypotheses were confirmed, so that according to the statistical population, financial problems, safety and technical problems, cultural problems, lack of use or poor use of geographic information systems in other municipalities and related organizations in the field of urban services of the City Hall of Shiraz and the lack of familiarity of high-ranking managers and members of the City Hall of Shiraz (urban managers) with the capabilities of geographic information systems, prevent the development of geographic information systems in the field of urban services of Shiraz City Hall. Finally, referring to the second statistical population i.e. experts and scholars of developing geographic information systems, their proposed solutions to elimination of barriers to development are offered.

Keywords

Geographic information systems, barriers to development, urban services, City Hall of Shiraz



Reasons for Suburbanization in Tehran Metropolis

Alireza Ladan (Ph.D)

Faculty member and educational assistant of
Garmsar Branch, Islamic Azad University

Hadi Rezghi Shirsavar

Faculty member of IAU University at Garmsar

Abstract

This research is functional, purpose wise and descriptive (correlation), method wise. The statistical population includes all teachers, professionals and executives in management, social sciences and culture. In this study, random sampling was used and a number of 200 questionnaires were distributed among the samples in this study. 157 questionnaires were fully completed and returned to the researcher. The data collection tools in this study have been questionnaires. The questionnaires were prepared in two parts of: a) individual characteristics and b) 24 questions. According to opinions of experts, the weak economic structure is the most important components and in the first position, poor planning and urban management system in the second, lack of government support and guidance is in third place, political events in fourth place, natural disasters in fifth place and social events at sixth place influence the development of suburbanization in Tehran Metropolis.

Keywords

suburbanization, urban planning and management, events



Mehrzad Sarfarazi
Faculty Member at Larestan Branch, Islamic
Azad University

Gholamreza Memarzadeh (Ph.D)
Faculty Member at Science and Research
Branch, Islamic Azad University

Abstract

Today, a correct and strategic look at transportation as an economic activity is an important concern, so that the features of transportation and its related policies are of the basic factors of growth of traffic volume.

In this article, some definitions are presented for transportation and its historical process, and types of vehicles, how to use them, traffic and its roots, origin and disadvantages of this problem has been studied. Afterwards, public transportation systems and its strategic policies and benefits are overviewed; the definition of sustainable cities, sustainable urban development and their various aspects are concerned from a new perspective. Also, with a look at each of the mass passenger Transport vehicles - including bus, train, subway, and tramway- it is tried to review the positive points and disadvantages to each of the modern Transport systems in the world.



Karim Hamdi (Ph.D)

Senior Lecturer and Faculty Member at Science and Research Branch, Islamic Azad University

Soroush Fathi

PhD Student and Faculty Member at Garmsar Branch , Islamic Azad University

Abstract

This research is functional, purpose wise and descriptive (correlation), method wise. The statistical population includes all teachers, professionals and executers in management, social sciences and culture. In this study, random sampling method was used and 150 questionnaires were distributed among the studied samples. 131 questionnaires were fully completed and returned to the researcher. The data collection tools in this study have been questionnaires. The questionnaires were prepared in two parts of: a) individual characteristics and b) 40 questions. According to the results obtained from testing the research hypotheses and evaluation of opinions of experts, among the eight components, economic factors in Tehran were in the first place, original economic factors were in the second place and political factors in Tehran were in the last place of being influential in the migration to Tehran Metropolis.

Keywords

Immigration, metropolis of Tehran, economic factors, cultural factors, social factors, political factors



Hossein Vazifeh Doust (Ph.D)

Senior Lecturer and Faculty Member at Science and Research Branch, Islamic Azad University

Mahdi Amini

Master of Urban Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University

Abstract

This research reviews the global studies and experiences in quality of urban life and identifies different indicators drawn from different experiences from various space and time. Then, these indicators are examined by a number of Tehran's managers and experts in urban management in terms of importance. It is in fact tried to review indicators and common categories of the sense of quality of urban life and present some local indicators and categories that suit the political and administrative conditions of the urban management system in Iran and in Tehran Metropolis. It is hoped that using the local indicators in the future, we could be able to monitor and measure the quality of life Iranian and Tehran citizens. In this study, among a total of 114 indicators and 16 major groups of these indicators, 93 indicators in 14 categories, (main indicators) were classified as local indicators for measuring and monitoring the level of quality of urban life of citizens in Tehran (Iran).

Keywords

quality of urban life, indicators, importance, urban management, Tehran

Contents

Title/ Author	Page
1. Assessing The Importance of Quality of Urban Life Indicators in Tehran; from perspective of managers and specialists ... Hossein Vazifeh Doust and Mahdi Amini	1
2. Factors Affecting the Growth of Migration to Tehran Metropolis Karim Hamdi and Soroush Fathi	19
3. Methodology of Placing Necessary Electronic City to Create Electronic City Council Mehrzad Sarfarazi and Gholamreza Memarzadeh	37
4. Reasons for Suburbanization in Tehran Metropolis Alireza Ladan and Hadi Rezghi Shirsavar	63
5. Identifying Barriers to Development of Geographic Information Systems (GIS) in Urban Areas Services and providing ... Esmail Kavousy, Hossein Vazifeh Doust and Ali Ghaderi	81
6. A Study of the Factors Affecting the Quality Reduction of the Urban Environment Mojtaba Rafieyan and Zahra Asgarizadeh	111
7. Patterns to Bringing Prosperity, Reconstruction and Improvement of the Urban Worn Texture Sharif Motawaf and Zahra Khodae	127
8. Participatory and Social Approach to Create a Safe Urban Space Elham Zabetian and Zahra Khodae	149